

اسنادی از

مطبوعات و احزاب

دوره رضاشاه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی
دفتر رئیس جمهور

Documents on

Press and Parties of Reza Shah's Reign

اسناد کتاب حاضر که بیانگر جو محدود و بسته حاکم بر مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه است، متعلق به بایگانی وزارت دربار و ریاست وزرای دوره پهلوی اول است. قسمت اول اسناد این کتاب به مطبوعات و قسمت دوم به احزاب اختصاص داده شده است. در قسمت مطبوعات، بخش اول اسناد عمدتاً شامل مکاتبات مدیران مطبوعات با عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، در خصوص درخواست رفع سانسور یا توقیف از نشریه خود و یا ابراز وفاداری نسبت به دستگاه حاکمه است. بخش دوم، مربوط به انتشار روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن و اقدامات دولت ایران در جلوگیری از انتشار این روزنامه‌ها و ممنعت از ورود نسخ آن‌ها به ایران و سایر کشورهاست. قسمت احزاب نیز که بخشی کوچک از اسناد این مجموعه را به خود اختصاص داده، در برگرفته اسناد وزارت دربار در فاصله سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۱ ه. ش است.

۲۲۰۰۰ ریال

ISBN 964-422-221-0



9 789644 222214



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵۰

اسناد



۱۰۳۲۰۴



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کلیات

اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه / تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور؛ شورای نظارت میرحسین موسوی، هادی خانیکی و احمد مسجدجامعی؛ شورای علمی یعقوب آژند... [و دیگران]؛ به کوشش علیرضا اسماعیلی - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

[۴]. بیست و شش، ۳۲۲، [۲] ص: مصور، نمونه. (سیاست، فرهنگ؛ ۱)

ISBN 964 - 422 - 221 - 0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

Documents on Press and parties of Reza shah's Reign

پشت جلد به انگلیسی:

۱. مطبوعات - ایران - اسناد و مدارک. ۲. حزب‌های سیاسی - ایران - اسناد و مدارک. ۳. ایران - تاریخ - پهلوی. ۱۳۵۷ - ۱۳۰۴ - اسناد و مدارک. الف. موسوی، میرحسین، ۱۳۲۰ - ب. خانیکی، هادی. ج. مسجدجامعی، احمد. د. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - ه. اسماعیلی، علیرضا. و. ایران، ریاست جمهوری. دفتر رئیس‌جمهور. معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی. ز. ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.

۰۷۹/۵۵

PN ۵۴۴۹ / الف ۹

۱۳۸۰

۳۸۳۳ - ۸۰ م

کتابخانه ملی ایران

فرهنگ، سیاست (۱)

اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه

معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور

تهران ۱۳۸۰



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اسنادی از مطبوعات و احزاب دورهٔ رضاشاه

تهیه و تنظیم: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور
شورای نظارت: مهندس میرحسین موسوی، دکتر هادی خانیکی
و احمد مسجدجامعی
شورای علمی: دکتر یعقوب آژند، دکتر سیدهاشم آقاجری
دکتر عطاءالله حسینی، دکتر عبدالرسول خیراندیش
و دکتر غلامحسین زرگری نژاد
به کوشش: علیرضا اسماعیلی
نمایه: شاپور ماهیوند
حروفچین: سمیه عبدالمجیدی
صفحه‌آرا: مزگان رژی صدف
طراح جلد: لاله سلطان محمّدی
چاپ اول: تابستان ۱۳۸۰
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
© تمام حقوق محفوظ است.

- ♦ چاپخانه: کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - تهران ۱۳۹۷۸
- ♦ تلفن: ۰۲۰۵-۴۵۱۳۰۰۲ ♦ نمابر: ۴۵۱۳۴۲۵ ♦ انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵
- ♦ توزیع: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱ ♦ نمابر: ۶۷۲۱۳۷۲
- ♦ فروشگاه شماره یک: خیابان امام خمینی - نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) ♦ تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶
- ♦ فروشگاه شماره دو: نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر ♦ تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸
- ♦ فروشگاه شماره سه: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱
- شمارک ۰ - ۲۲۱ - ۴۲۲ - ۹۶۴
- ISBN 964 - 422 - 221 - 0

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
سه	پیشگفتار.....
پنج	مقدمه.....
نه	راهنمای اسناد.....
۱	اسناد.....
۳۶۳	تصویر نمونه اسناد.....
۳۹۱	عکس ها.....
۴۰۱	نمایه.....

پیشگفتار

در جهان امروز مطبوعات و احزاب که از ارکان مهم مردم‌سالاری به شمار می‌روند، به صحنه برخورد آراء و اندیشه‌های گوناگون تبدیل شده و به مثابه پلی میان مردم و حکومت عمل می‌کنند. افزایش روزافزون سهم مطبوعات و احزاب در تحولات و پیشرفت‌های نظام‌های مردم‌سالار، بر اهمیت جایگاه این دو نهاد افزوده است.

در کشور ما نیز مطبوعات و احزاب به خصوص مطبوعات که سابقه آن به قبل از مشروطیت برمی‌گردد، در گذر زمان فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده‌اند؛ گاه چنان گسترش یافته و آزادانه عمل نموده‌اند که از کنترل حکومت‌ها خارج شده‌اند و گاه نیز در فضایی کاملاً محدود و بسته قرار گرفته‌اند.

اسناد کتاب حاضر که بیان‌کننده جو محدود و بسته حاکم بر مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه می‌باشد متعلق به بایگانی وزارت دربار و ریاست وزرای دوره پهلوی اول است. قسمت اول اسناد این کتاب به مطبوعات و قسمت دوم به احزاب اختصاص داده شده است. در قسمت مطبوعات بخش اول اسناد عمده شامل مکاتبات مدیران مطبوعات با عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه است. بخش دوم نیز مربوط به انتشار روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن و اقدامات دولت ایران در جلوگیری از انتشار این روزنامه‌ها و ممانعت از ورود

نسخ آنها به ایران و سایر کشورها است.

قسمت احزاب نیز که بخش کوچکی از اسناد این مجموعه را به خود اختصاص داده، دربرگیرنده اسناد وزارت دربار در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ ه.ش است.

کتاب حاضر یازدهمین مجموعه از انتشارات مرکز اسناد ریاست جمهوری است که به علاقمندان تاریخ و فرهنگ عرضه می‌شود. امید است پژوهشگران محترم ضمن استفاده از این کتاب، کاستی‌های آن را یادآور شوند. شایان ذکر است در زمینه مطبوعات دوره پهلوی دوم نیز قبلاً کتاب «اسنادی از مطبوعات ایران ۱۳۴۰-۱۳۲۰ ه.ش» توسط مرکز اسناد ریاست جمهوری منتشر شده است.

در پایان از آقای علیرضا اسماعیلی که کار گردآوری و تنظیم اسناد این مجموعه را برعهده داشته‌اند و همچنین آقای رضا مختاری اصفهانی که در بازنویسی اسناد احزاب با ایشان همکاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

و من الله التوفیق

محمد کشاورز

معاون خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی

مقدمه

مطبوعات و احزاب سیاسی به عنوان دو نهاد مدنی و دو رکن مهم دموکراسی در تاریخ معاصر در خور بررسی و تعمق‌اند. اگرچه احزاب در ایران پس از پیروزی انقلاب مشروطه پا به عرصه وجود نهادند اما مطبوعات سابقه‌ای دیرینه‌تر از آن دارند. مطبوعات به عنوان یکی از منابع مهم اطلاع‌رسانی نقش مؤثری در تنویر افکار عمومی و تحولات جامعه داشته و از این لحاظ همواره مورد توجه خاص زمامداران وقت بوده‌اند.

روزنامه کاغذ اخبار به عنوان نخستین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۵۳ ه.ق توسط میرزا صالح شیرازی منتشر شد. بعدها روزنامه وقایع اتفاقیه نیز با هدف نشر اخبار دارالخلافه در سال ۱۲۶۷ ه.ق به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر انتشار یافت. از این زمان به بعد روزنامه‌های متعددی پا به عرصه اجتماعی کشور گذاشتند و دارالطباعة در وزارت انطباعات به منظور نظارت بر مطالب و نحوه نشر روزنامه‌های دولتی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تأسیس گردید. در واقع از همین زمان بنای سانسور و توقیف مطبوعات گذاشته شد و سپس به مرور زمان بر شدت جریان آن افزوده گردید تا این که در دوره سلطنت رضاشاه به اوج خود رسید.

در این دوره به دلیل جو حاکم بر فضای سیاسی کشور، فعالیت مطبوعات روز به روز

محدودتر شد چنان که بر اثر حساسیت رژیم نسبت به مندرجات روزنامه‌ها، حتی روزنامه‌هایی نیز که مروج سیاست‌های دولت بودند، به دلالی خاص از سانسور و احیاناً توقیف موقت یا دائم ایمن نبودند. در این دوره وضعیت احزاب سیاسی نیز به سامان نبود، به طوری که هیچ حزب یا گروه سیاسی مستقلی اجازه فعالیت نداشت.

اسنادی که در این مجموعه گردآوری و تنظیم شده متعلق به بایگانی وزارت دربار و ریاست وزرای دوره پهلوی اول است. بخش عمده این اسناد به وزارت دربار در سال‌های بین ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ ه.ش تعلق دارد و تنها دو سند با پیوست‌های آنها به تاریخ ۱۳۱۲/۲/۲۱ و ۱۳۱۹/۳/۵ مربوط می‌شود. این اسناد از نظر محتوا شامل دو قسمت است. قسمت اول با ۲۴۰ سند به مطبوعات فارسی زبان داخل و خارج کشور و قسمت دوم نیز با ۶۰ سند به احزاب و گروه‌های سیاسی این دوره اختصاص دارد.

قسمت مطبوعات دربرگیرنده دو بخش مکاتبات و گزارش‌های پراکنده درباره مطبوعات داخل و خارج کشور است. اسناد بخش اول که بر حسب تاریخ مرتب و شماره‌گذاری شده شامل مکاتبات مدیران مطبوعات است با وزارت دربار، ریاست وزرا و دفتر مخصوص شاهنشاهی در خصوص درخواست رفع سانسور یا توقیف از نشریه خود و اعلام وفاداری نسبت به دستگاه حاکمه، درخواست مجوز انتشار روزنامه و کمک مالی از دولت و اعطای کمک به مطبوعات خاص، صدور تذکره برای مدیران مطبوعات، جلوگیری از چاپ مقالات مخالفین حکومت در روزنامه‌ها، ارتباط مدیران بعضی از روزنامه‌ها با سفارتخانه‌های خارجی، اعتراض سفارتخانه‌های مقیم تهران نسبت به چاپ مقالات توهین‌آمیز در مطبوعات علیه کشور خود، توقیف مجلات ارسالی از طرف کشورهای خارجی برای کنسولگری‌های خود در ایران و حمایت دولت از روزنامه‌های فارسی زبان خارج از کشور.

قسمت دیگری از این اسناد هم اختصاص دارد به چکیده مقالات روزنامه‌ها در موضوعات مختلف و اظهارنظر و گزارش مدیران مطبوعات راجع به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور.

بخش دوم اسناد مطبوعات مربوط است به انتشار روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن در مخالفت با حکومت ایران و اقدامات دولت برای جلوگیری از انتشار روزنامه‌های مذکور، دستگیری عاملین نشر آنها و ممانعت از ورود نسخ این روزنامه‌ها به ایران و سایر کشورها.

این اسناد که عمدتاً حاوی گزارش‌های سفارتخانه‌های ایران در برلن و مسکو است، شامل ۷۴ سند است که نخستین آنها به تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۸ مربوط به وزارت امور خارجه درباره انتشار روزنامه پیکار در برلن و آخرین سند به تاریخ ۱۳۱۱/۵/۳۰ مربوط به انتشار این روزنامه است به صورت شبنامه، تحت مدیریت محمود پایدار در وین (اتریش). اسناد مذکور که بر اساس توالی تاریخی مرتب و شماره‌گذاری شده‌گرفته‌ای از اسناد مربوط به موضوع است، اسناد دیگری هم در این زمینه موجود است که به علت تشابه محتوایی از آوردن آنها خودداری شده است. کسانی که مایل به دسترسی به تمامی این اسناد هستند می‌توانند به بایگانی مرکز اسناد ریاست جمهوری مراجعه کنند.

قسمت دوم این مجموعه چنانکه اشاره شد شامل ۶۰ سند از اسناد گروه‌ها و احزاب سیاسی در دوره رضاشاه، در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ ه.ش است. این اسناد فقط دربرگیرنده اسناد وزارت دیار و مشتمل است بر درخواست عضویت اشخاص در احزاب و جمعیت‌های مختلف، مقالات روزنامه‌های خارجی در مورد فعالیت‌های حزبی در ایران، گزارش‌های مختلف درباره فعالیت‌های حزبی در ایالات و جلوگیری دولت از فعالیت‌های مذکور، فعالیت اعضای حزب کمونیست در سراسر کشور، عرایض خانواده زندانیان سیاسی و مرامنامه احزاب و جمعیت‌هایی نظیر جمعیت ایران جوان و جمعیت ایران کهن.

علاوه بر اسناد مذکور، شمار زیادی از اسناد فعالیت‌های گسترده حزب داشناک، روسهای سفید، مساواتی‌ها و خویون‌ها در ایران، در بایگانی مرکز اسناد ریاست جمهوری وجود دارد که چون امکان قرار دادن آنها در کنار اسناد احزاب داخل کشور وجود نداشت، در آینده به صورتی جداگانه منتشر خواهد شد.

شایان ذکر است اسنادی که در این مجموعه از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه منتشر می‌شود تمامی اسناد مذکور در این دوره نبوده و چنانچه محققى بخواهد در این زمینه پژوهش کند از مراجعه به اسناد سایر مراکز اسنادی کشور بی‌نیاز نخواهد بود.

بازنویسی، مطابقت و تنظیم اسناد این کتاب براساس شیوه‌نامه مرکز اسناد ریاست جمهوری صورت گرفته و از هرگونه دخل و تصرف در متن اسناد خودداری شده و اگر به ضرورت اصلاحی انجام پذیرفته در زیرنویس به آن اشاره شده است. در جلو بعضی از کلمات هم که علامت استفهام (?) آمده بیانگر تردید در درست خواندن آن کلمه است که البته تصویر چنین اسنادی همراه با اسناد ناخوانا در قسمت تصاویر اسناد آمده است.

راهنمای اسناد

شماره سند	موضوع	صفحه
۱.	مکاتبات در خصوص مندرجات تحریک آمیز روزنامه عنکبوت و مراوده مدیر روزنامه مذکور (میرزا باقر نطاق) با روسها	۱
۲.	مکاتبات در خصوص علل توقیف روزنامه آتش فشان	۵
۳.	چکیده مقالات روزنامه های اقدام، ناهید، حلاج، ایران، گلشن، ستاره ایران، شفق سرخ و کوشش در موضوعات مختلف	۷
۴.	درخواست ابوطالب شیروانی (مدیر روزنامه میهن) مبنی بر رفع توقیف و عدم سانسور در مورد روزنامه تخت جمشید	۱۱

۵. درخواست مدیر روزنامه میهن (ابوطالب شیروانی) مبنی بر جلوگیری از تجاوزات خوانین قشقایی نسبت به املاک وی و بستگانش ۱۲
۶. درخواست‌های دفتر مجله الاسلام مبنی بر مساعدت به مجله مذکور به منظور جلوگیری از تعطیل شدن آن، به انضمام نامه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در این زمینه و مطالب روی پاکت‌های نامه دفتر مجله الاسلام ۱۳
۷. درخواست‌های جواد سیستانی (مدیر روزنامه سیاست اسلامی) مبنی بر کمک مالی به وی ۱۷
۸. درخواست مدیر روزنامه صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از وزارت دربار مبنی بر حمایت از وی در برابر شکایت علما ۲۰
۹. درخواست روزنامه کوشش از عبدالحسین تیمورتاش (وزیر دربار) مبنی بر حواله مبلغ بدهکاری خود بابت کارت دعوت ارسالی برای وی جهت دیدن نمایش سیروس کبیر ۲۱
۱۰. درخواست مدیرنامه ملی صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از وزارت دربار مبنی بر توصیه وی به رئیس جدید نظمیۀ اصفهان (جهانبانی) و حل مشکل علی‌اصغرخان فرزانه (از بستگان مکرم) توسط نامبرده ۲۲
۱۱. مکاتبه وزارت دربار با محمدعلی مکرم در خصوص پرداخت یکصد تومان انعام به وی و برآورده شدن خواسته‌هایش در مورد اکبر میرزا مسعود و حکومت اصفهان ۲۵
۱۲. اعتراض مدیر صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) نسبت به توقیف بدون محاکمه روزنامه مذکور، به انضمام جوابیه وزارت دربار ۲۶

۱۳. درخواست رئیس مرکزی جامعه معارف ایران (محمود وحیدزاده) از عبدالحسین تیمورتاش مبنی بر توسعه وسایل تنویر افکار عمومی..... ۲۸
۱۴. درخواست‌های محمدعلی مکرم (مدیرنامه ملی سپاهان و روزنامه صدای اصفهان) مبنی بر عدم توقیف روزنامه صدای اصفهان و اجازه انتشار مجله سپاهان، به انضمام جوابیه وزارت دربار در این زمینه ۲۹
۱۵. درخواست ملاقات مدیر روزنامه وطن (محیط مافی) با عبدالحسین تیمورتاش و شکایت از پرداخت وجه کمتری به روزنامه مذکور نسبت به سایر روزنامه‌ها بابت چاپ اعلان مناقصه..... ۳۳
۱۶. گزارش اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی در خصوص علل توقیف روزنامه البرز رشت ۳۵
۱۷. درخواست استعفای کفیل وزارت امور خارجه (فتح‌الله پاکروان) از مقام خود به دلیل اهانت روزنامه شفق سرخ نسبت به وی و اعضای وزارتخانه مذکور..... ۳۷
۱۸. اعتراض جواد ظهیرالاسلام نسبت به مقاله روزنامه اطلاعات راجع به وی و امام جمعه خویی ۴۱
۱۹. پیام تشکر محمدحسین استخر (مدیر روزنامه استخر) و مدیرزاده (نویسنده روزنامه عصر آزادی) به عبدالحسین تیمورتاش به مناسبت الغاء کاپیتولاسیون و درخواست توجه نسبت به آنها ۴۳
۲۰. گزارش سرکنسولگری ایران در هندوستان در خصوص تصمیم دولت هند مبنی بر اخراج مدیر روزنامه حبل‌المتین (مؤید الاسلام) از هندوستان به دلیل تلاش وی جهت تیره نمودن روابط دو کشور ۴۵

۲۱. مذاکره سرکنسول ایران در هندوستان (باقر عظیمی) با مدیر روزنامه حبل‌المتین در خصوص مغایرت مندرجات روزنامه مزبور با مصالح عمومی و سیاسی دولت ایران ۴۸
۲۲. استعلام وزیر معارف (یحیی قراگوزلو) از وزارت دربار در خصوص تقاضای شیخ حسن قوام مبنی بر انتشار روزنامه‌ای به نام نامه پهلوی در مشهد ۴۹
۲۳. درخواست ابوالقاسم اعتصام‌زاده (مدیر روزنامه ستاره ایران) مبنی بر موافقت با انتشار روزنامه‌ای به زبان فرانسه توسط وی در تهران ۵۱
۲۴. نامه اسماعیل منیر مازندرانی (مدیر روزنامه مهرمنیر) در خصوص نگارش مقالاتی در روزنامه خود در رد شایعات روزنامه‌های انگلیسی و هندی درباره ایران ۵۳
۲۵. مکاتبه مدیر روزنامه یومیه ایران (زین‌العابدین رهنما) در خصوص مقاله مندرج در روزنامه شرق نزدیک راجع به روابط ایران و عراق و استعلام در مورد دادن جوابیه‌ای به آن ۵۶
۲۶. دستور وزارت دربار به اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی مبنی بر جلوگیری از تفسیر خبرها و حوادث مربوط به کشورهای همسایه در روزنامه‌ها و جوابیه آن اداره کل در این زمینه ۵۹
۲۷. درخواست اهالی همدان مبنی بر رفع توقیف از روزنامه توقیف‌شده گلگون ۶۳
۲۸. ابراز رضایت عبدالحسین تیمورتاش از مطالب منتشر شده در روزنامه مسازه دو تهران ۶۵

۲۹. دستور وزارت دربار به ایالت فارس مبنی بر توقیف روزنامه فروردین در صورت تداوم انتشار مطالبی علیه مقامات کشوری ۶۶
۳۰. درخواست محمد نجات از ریاست وزراء مبنی بر اجازه انتشار روزنامه «دمکرات» و جوابیه ریاست وزراء در این زمینه ۶۶
۳۱. تشکر مدیر مجله ارمغان (حسن وحید) از وزارت دربار بخاطر حمایت‌های آن وزارتخانه از مجله و درخواست بالا رفتن رتبه اداری وی در وزارت معارف ۶۸
۳۲. استعلام ژنرال کنسول ایران در هندوستان از وزارت امور خارجه در مورد موارد تخلف مدیر روزنامه حبل‌المتین جهت تذکر به وی و ابلاغ مراتب اعتراض وزیر دربار نسبت به مندرجات روزنامه مزبور ۷۰
۳۳. خلاصه نامه محمدعلی مکرم به وزارت دربار در خصوص انتشار روزنامه کامکار ۷۲
۳۴. استعلام وزارت دربار درخصوص توقیف روزنامه گلستان ۷۳
۳۵. اخطار به مدیر روزنامه ناهید (میرزا ابراهیم خان ناهید) به دلیل چاپ کاریکاتوری راجع به تجارت اتحاد جماهیر شوروی با کشورهای شرقی ۷۴
۳۶. دستور جلوگیری از درج مقالات راجع به فلسطین در جراید کشور ۷۵
۳۷. مکاتبه مدیر روزنامه راه نجات (ابراهیم راه‌نجات) در خصوص بی‌اساس بودن تهمت‌های نسبت داده شده به رئیس نظام وظیفه اصفهان ۷۷

۳۸. درخواست مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مؤدبی) از تیمورتاش مبنی بر رفع سانسور از روزنامه وی..... ۷۹
۳۹. گزارش حسنعلی غفاری به وزارت دربار درخصوص چگونگی انتشار اعلامیه قضایی مربوط به اتباع خارجه در روزنامه‌ها..... ۸۰
۴۰. تقاضای مدیر روزنامه اطلاعات (عباس مسعودی) و عده‌ای از طرفداران آن از رضاشاه و تیمورتاش مبنی بر رفع توقیف از روزنامه مذکور..... ۸۱
۴۱. درخواست محمدعلی فرزین (کفیل وزارت امور خارجه) از وزارت دربار مبنی بر جلوگیری از چاپ مقاله‌های رحیم زاده صفوی در روزنامه اتفاق اسلام ۸۳
۴۲. مکاتبه تشکیلات کل نظمیه مملکتی با وزارت دربار در خصوص چاپ اعلامیه‌ای در سالنامه پارس مبنی بر بهائی بودن اکثر رؤسای متنفذ ادارات دولتی و نفوذ آنها در جریانات سیاسی و داخلی ادارات، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه ۸۴
۴۳. مکاتبه مدیر روزنامه ستاره جهان (ابوالقاسم اعتصام‌زاده) با وزارت دربار در خصوص مفایرت دستور نظمیه در سانسور روزنامه وی با مدلول تعهدنامه سانسور مطبوعات..... ۸۸
۴۴. درخواست مدیر روزنامه ناهید (ابراهیم ناهید) مبنی بر تخفیف مجازات روزنامه مذکور..... ۹۰
۴۵. درخواست مدیر روزنامه بیداری کرمان (محمد رضا هاشمی) مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی..... ۹۱

۴۶. گزارش ایالت کرمان در خصوص وضعیت نامناسب حسین کوهی (مدیر مجله نسیم صبا) در تبعیدگاه خود در کرمان و موافقت وزارت دربار با بازگشت وی به تهران ۹۲
۴۷. استعلام تشکیلات کل نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص درج اخبار نامه قفقاس در روزنامه معیشت ملی ۹۴
۴۸. درخواست حکومت گیلان و طوالش از وزارت دربار مبنی بر توقیف یا تبعید مدیران روزنامه‌های البرز، فکر جوان و معیشت ملی در آستانه انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی ۹۵
۴۹. کسب تکلیف نظمیه از وزارت دربار در خصوص صدور تذکره برای مسافرت مدیر روزنامه اقدام به خارج از کشور ۹۶
۵۰. درخواست مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مژده‌ای) مبنی بر کمک مالی به روزنامه مذکور و فراهم آوردن امکان حضور وی در جلسات فراکسیون ترقی. ۹۷
۵۱. کسب تکلیف حکومت گیلان و طوالش از وزارت دربار در خصوص توقیف روزنامه ایران کبیر به دلیل چاپ مقالات تحریک کننده علیه ترکیه. ۹۹
۵۲. مکاتبات حسین علاء (سفیر ایران در فرانسه) با وزارت دربار در خصوص نقش خلیل ملکی و احمد حامدی در نگارش مقاله روزنامه شفق سرخ راجع به محصلین ایرانی در پاریس ۱۰۰
۵۳. گزارش کنسولگری ایران در بصره در خصوص مقاله روزنامه حبل‌المتین راجع به شورش و غارتگری زادن خان در لار به تحریک ابراهیم قوام ۱۰۳

۵۴. درخواست مدیر روزنامه بیداری کرمان (محمدرضا هاشمی) از تیمورتاش مبنی بر جلوگیری از توقیف روزنامه مزبور توسط والی کرمان (سید محمد تدین) ۱۰۴
۵۵. درخواست متصدیان مجله تهران مصور مبنی بر جلوگیری از مزاحمت‌های مأمورین سانسور در مجله مذکور ۱۰۶
۵۶. مقاله مدیر روزنامه معیشت ملی رشت (خلیل یوسف‌زاده نوعی) در خصوص اقدام اداره شرق با همکاری حاجی نصرت ماسوله‌ای در خرید کالاهای ایرانی به قران و فروش کالاهای خارجی به یوند ۱۰۷
۵۷. درخواست زین‌العابدین رهنما مبنی بر موافقت با انتشار مجدد روزنامه ناهید .. ۱۰۹
۵۸. درخواست مدیر روزنامه گلستان ملی (محمدتقی گلستان) از وزارت دربار مبنی بر صدور دستور رفع توقیف از روزنامه مذکور ۱۱۰
۵۹. مکاتبات در خصوص درخواست‌های مدیر مجله عصرجدید (فرخ دین پارسای) مبنی بر رفع توقیف از مجله مذکور ۱۱۲
۶۰. درخواست مدیر مجله سودمند (عبدالله رازی) مبنی بر عدم اعمال سانسور در مورد مجله مذکور، به انضمام مکاتبات وزارت دربار و نظمی در این زمینه ۱۲۱
۶۱. مکاتبه مدیر روزنامه آئینه ایران با تیمورتاش در خصوص ندادن سفارش درج آگهی توسط مؤسسات و ادارات دولتی در روزنامه وی به تصور عدم تأیید روزنامه مزبور از طرف وزارت دربار ۱۲۴
۶۲. درخواست مدیر روزنامه صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از تیمورتاش مبنی بر

- توصیه وی به کفیل بلدیہ و حاکم اصفهان جهت افزایش حقوقش بابت مدیریت مجله بلدیہ اصفهان، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه. ۱۲۶
۶۳. درخواست محمدجواد هوشمند (مدیر روزنامه سعادت بشر) مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی. ۱۲۸
۶۴. مکاتبات در خصوص نحوه انتقال جسد مؤیدالاسلام (مدیر روزنامه حبل المتین) به ایران و دفن آن در مشهد مقدس ۱۳۱
۶۵. توقف موقت فعالیتهای ضد دینی مدیر روزنامه صدای اصفهان به دلیل فرا رسیدن ماه مبارک رمضان و مکاتبه وزارت دربار با شهرداری اصفهان جهت افزایش حقوق مدیر روزنامه مذکور. ۱۳۶
۶۶. اعتراض دولت شوروی نسبت به چاپ مقالاتی علیه آن کشور در روزنامه تشویق، به انضمام دستور وزارت دربار جهت جلوگیری از انتشار چنین مقالاتی. ۱۳۹
۶۷. نامه مدیر روزنامه ایران (زین العابدین رهنما) به تیمورتاش در خصوص عدم امکان رعایت بخشنامه نظمیه در مورد سانسور مطبوعات. ۱۴۱
۶۸. کسب تکلیف تشکیلات نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص معافیت تعدادی از روزنامه‌ها از سانسور ۱۴۲
۶۹. کسب تکلیف نظمیه از عبدالحسین تیمورتاش درخصوص ضبط یا استرداد مجله توقیف شده ارسالی از روسیه برای کنسول‌های آن کشور در رشت و بندرانزلی. ۱۴۴
۷۰. مکاتبات راجع به علل جلوگیری از انتشار روزنامه نسیم شمال ۱۴۵

۷۱. اعتراض کنسول شوروی در اصفهان (اتابکوف) نسبت به عدم اجازه انتشار مصاحبه وی با روزنامه اخگر در مورد قانون انحصار تجارت خارجی و چاپ مقالات مخالفین دولت شوروی در روزنامه‌های عرفان و اختر ۱۴۹
۷۲. گزارش کنسولگری ایران در هندوستان در خصوص تمجید روزنامه سرفراز (ارگان شیعیان هندوستان) از پیشرفت‌های ایران و درخواست ارسال وجهی به صورت سالیانه برای روزنامه مذکور ۱۵۶
۷۳. تقاضای مدیر روزنامه اقدام (عباس خلیلی) از رضا شاه مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی ۱۵۸
۷۴. مکاتبات راجع به درخواست کمک مالی نجفیان رضوی (مدیر روزنامه ندای ترقی) ۱۵۹
۷۵. مکاتبه مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مزدهی) با عبدالحسین تیمورتاش در خصوص خسارت وارده به وی بر اثر توقیف روزنامه‌اش و درخواست رفع توقیف از آن ۱۶۰
۷۶. تقاضای مدیر روزنامه اقدام (عباس خلیلی) از تیمورتاش مبنی بر اجازه بازگشت به وی از عراق به ایران و ادامه انتشار روزنامه‌اش ۱۶۱
۷۷. اظهار ندامت مدیر داخلی روزنامه طوفان (جلیل صمیمی) از اعمال گذشته خود در تبلیغ مرام کمونیستی و درخواست بخشش و طلب مساعدت از وزیر دربار ۱۶۳
۷۸. شکایت مدیر روزنامه سعادت بشر (محمدجواد هوشمند) از تعدیات رئیس نظمی و توقیف بدون دلیل روزنامه‌اش و واگذاری مشاغل مهم به افراد نالایق ۱۶۵

۷۹. ابراز وفاداری مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مرزدهی) نسبت به تیمورتاش و درخواست رفع توقیف از روزنامه وی ۱۷۰
۸۰. مکاتبات راجع به درخواست گریگور یقیکیان (مدیر روزنامه ایران کبیر) مبنی بر اجازه انتشار مجدد روزنامه ایران کبیر ۱۷۱
۸۱. شکوائیه علی اکبر گلشن آزادی (مدیر روزنامه آزادی) نسبت به صدور اجازه انتشار به روزنامه طوس ۱۷۵
۸۲. انتشار روزنامه پیکار در برلن ۱۷۷
۸۳. گزارش دکتر احمد متین دفتری راجع به مذاکراتش با مسئولین وزارت خارجه آلمان درباره انتشار روزنامه پیکار در برلن ۱۷۸
۸۴. گزارش وزیر مختار ایران در آلمان (محمدعلی فرزین) در مورد اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب و محاکمه عاملین انتشار روزنامه پیکار ۱۸۰
۸۵. توقیف روزنامه پیکار، تعقیب متصدیان آن و وابستگی مدیر روزنامه به کمونیسم بین الملل ۱۸۶
۸۶. درخواست عدلیه آلمان از ایران مبنی بر موافقت رسمی با عمل متقابل در تعقیب عوامل متخلف مطبوعاتی به استناد ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان ۱۸۷
۸۷. گزارش محمدعلی فرزین در مورد اقدامات به عمل آمده جهت توقیف روزنامه پیکار و تعقیب مباشرین آن ۱۸۹

۸۸. گزارش وزیر مختار ایران در بغداد (تقی نبوی) به وزارت دربار در خصوص انتشار مقاله‌ای تحت عنوان انگلیس و ایران در جنگ آینده در روزنامه الاستقلال بغداد، به نقل از روزنامه پیکار. ۱۹۵
۸۹. گزارش محمدعلی فرزین در مورد مطالب مندرج در روزنامه پیکار و اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب و محاکمه عاملین انتشار آن. ۱۹۸
۹۰. توقیف شش شماره روزنامه پیکار در پستخانه مرکزی تهران ۲۰۲
۹۱. مذاکرات بعمل آمده با مقامات آلمانی جهت تعقیب مدیر روزنامه پیکار و بازگرداندن دانشجویان ایرانی مقیم آلمان ۲۰۳
۹۲. گزارش دکتر احمد متین دفتری در مورد مذاکراتش با مقامات وزارت امور خارجه آلمان راجع به نحوه محاکمه متصدیان روزنامه پیکار. ۲۰۹
۹۳. عدم توقیف رسمی انتشار روزنامه پیکار توسط دولت آلمان بدلیل موانع قانونی ناشی از عمل متقابل ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان. ۲۱۲
۹۴. ورود غافلگیرانه پلیس مخفی آلمان به منزل و چاپخانه دکتر ونر و ضبط بقایای شماره ششم روزنامه پیکار ۲۱۵
۹۵. موافقت مسئولین قضایی آلمان با کنترل انتشار روزنامه پیکار و عدم موافقت با اخراج مرتضی علوی از آلمان، به انضمام مندرجات روزنامه‌های آلمانی در این زمینه. ۲۱۶
۹۶. مقاله روزنامه «برلینر تریبون» در اعتراض به اقدام غیرقانونی وزارتخانه‌های خارجه و عدلیه و پلیس آلمان در توقیف روزنامه پیکار ۲۲۳

۹۷. ترجمه سه فقره خبر از روزنامه‌های آلمان راجع به توقیف و محاکمه متصدیان روزنامه پیکار ۲۲۵
۹۸. تلگراف رمز حاکم کرمان (رضا افشار) به وزارت دربار در مورد ورود روزنامه پیکار به کرمان از طریق بوشهر، به انضمام مکاتبات صورت گرفته جهت جلوگیری از توزیع روزنامه مذکور..... ۲۲۹
۹۹. اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از توزیع روزنامه پیکار در آذربایجان... ۲۳۲
۱۰۰. کسب تکلیف وزارت امور خارجه از وزارت دربار در خصوص ارسال یادداشتی به سفارت آلمان در تهران مبنی بر درخواست جلوگیری از انتشار روزنامه پیکار در برلن ۲۳۴
۱۰۱. گزارش سفارت ایران در مسکو در خصوص اظهارات کاراخان مبنی بر عدم ارتباط بین سفارت شوروی در برلن و متصدیان روزنامه پیکار..... ۲۳۷
۱۰۲. مذاکرات به عمل آمده با کاراخان راجع به ارتباط کمونیست‌های ایرانی مقیم مسکو با متصدیان روزنامه پیکار، به انضمام یادداشت سفارت ایران در مسکو به وزارت امور خارجه شوروی در این زمینه ۲۳۹
۱۰۳. مذاکرات به عمل آمده با مستشار سفارت شوروی در تهران در خصوص لزوم جلوگیری از توزیع روزنامه‌های مخالف دو کشور در روزنامه فروشی‌ها ۲۴۲
۱۰۴. مذاکرات به عمل آمده بین فتح‌الله پاکروان و کاراخان در مورد لزوم جلوگیری از توزیع روزنامه پیکار در شوروی..... ۲۴۴

۱۰۵. ارسال روزنامه پیکار به زبان فارسی و آلمانی برای مدیر روزنامه تیریز ۲۴۶
۱۰۶. پیداشدن هشت نسخه از روزنامه پیکار در کیسه‌های پستی ارسالی از برلن ... ۲۴۸
۱۰۷. ارتباط محمدحسن میرزا (ولیعهد احمد شاه قاجار) با متصدیان روزنامه پیکار . ۲۴۹
۱۰۸. ترجمه مقالات روزنامه‌های برلین ام مورگن و برلینر تاگیلات در مورد جریان محاکمه مدیر روزنامه برلین ام مورگن و متصدیان روزنامه پیکار به دلیل توهین به شاه ایران ۲۵۰
۱۰۹. انتشار روزنامه نهضت در برلن ۲۵۶
۱۱۰. توقیف روزنامه نهضت و تعقیب مدیر (رینکا) و نویسنده آن (محمد فرخی) توسط پلیس برلن، به عنوان دنباله روزنامه پیکار ۲۵۷
۱۱۱. اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از انتشار روزنامه نهضت در آلمان و توزیع آن در ایران ۲۵۸
۱۱۲. تعقیب و بازداشت متصدیان روزنامه نهضت توسط عدلیه آلمان، به عنوان دنباله روزنامه پیکار ۲۵۹
۱۱۳. انتشار مقاله در یکی از روزنامه‌های آلمان راجع به توقیف روزنامه نهضت ۲۶۰
۱۱۴. مکاتبه سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) با وزارت دربار در خصوص ورقه ارسالی از آلمان برای عده‌ای از محصلین ایرانی مقیم پاریس ۲۶۲

۱۱۵. محاکمه مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) و نویسنده آن (مرتضی علوی) و اصرار روزنامه‌های آلمان مبنی بر علنی بودن جلسات دادگاه. ۲۶۷
۱۱۶. گزارش سفیر ایران در شوروی (فتح‌الله پاکروان) درمورد انتشار روزنامه نهضت در مسکو. ۲۶۹
۱۱۷. گزارش سفارت ایران در برلن درخصوص مذاکرات به عمل آمده با مقامات آلمانی در رد ادعای محکمه آلمان مبنی بر نابرابری مفاهیم سلطان و رئیس‌جمهور و تلاش جهت اخراج نویسنده روزنامه نهضت از آلمان ۲۷۰
۱۱۸. محکومیت مدیر روزنامه نهضت به سه ماه حبس ۲۷۵
۱۱۹. انتشار جریان محاکمه متصدیان روزنامه‌های آلمانی توهین‌کننده به رضاخان و پیکار و نهضت، در روزنامه‌های آلمان ۲۷۶
۱۲۰. مراسله اداره شرق وزارت خارجه آلمان در مورد اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب نویسندگان مقالات روزنامه‌های آلمانی علیه جریان محاکمه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت. ۲۸۶
۱۲۱. محکومیت مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) به یک ماه و نیم حبس. ۲۸۷
۱۲۲. مکاتبه سفیر ایران در آلمان (عنایت‌الله سمیعی) با وزارت دربار در خصوص مقاله روزنامه کلاین ژورنال راجع به آزادی عاملین انتشار روزنامه پیکار توسط محکمه برلن و انتقامجویی دولت ایران ۲۸۸
۱۲۳. انتشار روزنامه پیکار به صورت شب‌نامه، تحت مدیریت محمود پایدار در اتریش. ۲۹۰

۱۲۴. مکاتبة جمعیت تعاون ملی در خصوص اعلامیه رضاشاه راجع به نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی و تعیین اعضای هیأت نظار مرکزی انتخابات ... ۲۹۳
۱۲۵. قسمنامه عضویت حایریزاده یزدی و میرزا عطاءالله روحی در جمعیت ایران نو. ۲۹۴
۱۲۶. مقاله روزنامه جمهوریت اسلامبول در مورد تأسیس «فرقه جمهوری طلب انقلابی ایران» در ایران ۲۹۶
۱۲۷. واگذاری امتیاز روزنامه ایران نو از جانب زین العابدین رهنما به جمعیت ایران نو ۲۹۸
۱۲۸. درخواست عده‌ای از معارف قزوین برای عضویت در حزب ایران نو ۳۰۰
۱۲۹. نامه حسن مرزبان از استانبول به محمدعلی فروغی راجع به مسائل منطقه بالکان و تبلیغات برای حزب ایران نو در ترکیه ۳۰۱
۱۳۰. گزارش ایالت کرمان در خصوص فعالیت رهبران سوسیالیست‌ها در سیرجان .. ۳۰۲
۱۳۱. مکاتبات راجع به عریضه رضاخان امیرقاسمی در باب میرا بودن وی از فعالیت حزبی ۳۰۵
۱۳۲. دستور وزارت دربار به حکمران خراسان مبنی بر جلوگیری از هرگونه فعالیت حزبی در آن ایالت ۳۱۱
۱۳۳. استعلام تشکیلات کل نظامیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص درخواست مدرسه شوروی مبنی بر صدور تذکره برای سیموتیان و جعفرخان پیشه‌وری جهت مسافرت به مسکو به منظور تکمیل زبان روسی خود ۳۱۲

۱۳۴. گزارش نظمیه اصفهان از توزیع اعلان جمعیت آزادیخواهان ایران در مخالفت با انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی..... ۳۱۶
۱۳۵. مقاله روزنامه العراق در خصوص وضعیت احزاب در ایران ۳۱۹
۱۳۶. کسب تکلیف حاکم آذربایجان (علی منصور) از وزارت دربار در خصوص انتشار یا عدم انتشار مقاله روزنامه بیلدریش ترکیه راجع به تشکیل احزاب در ایران..... ۳۲۲
۱۳۷. دعوتنامه جمعیت ایران جوان برای شرکت در جلسه سخنرانی پروفیسور ماسینیون..... ۳۲۶
۱۳۸. مکاتبات مربوط به فعالیت جمعیت ایران جوان، به انضمام مرامنامه جمعیت مذکور..... ۳۲۶
۱۳۹. اعلان تشکیل جمعیت ایران کهن، به انضمام مرامنامه و نظامنامه جمعیت مذکور. ۳۳۳
۱۴۰. مکاتبات مربوط به عریضه همسر میرجعفر پیشه‌وری در خصوص دستگیری شوهرش ۳۴۲
۱۴۱. گزارش نظمیه در خصوص دستگیری غلام سامی به جرم توزیع شبنامه در تبلیغ مرام کمونیستی ۳۴۷
۱۴۲. درخواست والی خراسان و سیستان (محمود جم) مبنی بر مشخص شدن وضعیت چهار نفر افراد کمونیست زندانی در زندان مشهد ۳۵۰
۱۴۳. درخواست‌های افسر شبرنگ مبنی بر آزادی همسر وی از زندان، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه..... ۳۵۴

۱۴۴. درخواست مشهدی قلی مبنی بر آزادی فرزندش (علی) از زندان مشهد. ۳۶۰

۱۴۵. گزارش اصله راجع به متوقف شدن فعالیت گروهی موسوم به حزب سفید ۳۶۱

سند شماره ۱

مکاتبات در خصوص مندرجات تحریک آمیز روزنامه عنکبوت و مراوده مدیر
روزنامه مذکور (میرزا باقر نطق) با روسها

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه

دایره کابینه

به تاریخ: ۲۲ ماه فروردین ۱۳۰۵

نمره: ۵۴۰

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام

از نظمیه آذربایجان (تبریز) راپورت می دهند میرزا باقرخان نطق که در دواخانه دکتر واسمان
آمریکایی دواساز بوده و مدتی است روزنامه عنکبوت را دایر کرده بر طبق اطلاعات داخله

باطناً با عمال دولت شوروی روسیه مربوط و غالباً مطابق مرام و نظریات آنها در روزنامه مزبور تصاویری ترسیم و نسبت به متنفذین و علما توهین می‌نماید. کراراً هم از طرف نظمیه آنجابه مشارالیه اخطار شده که این رویه را متروک دارد ثمر نبخشیده و در شماره ۳۹ تصویر یکی از علما را که چوب تکفیر بلند کرده ترسیم نموده و رفتار آنها را مورد تنقید قرار داده و اسباب شکایت علما را فراهم داشته و از ایالت تنبیه مشارالیه را خواسته‌اند. اینک مراتب را برای استحضار آن مقام منیع معروض داشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین: ضبط شود.]

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزراء]

شهر ۱۳۰۵/۲/۲۸

سند شماره ۱/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه

دایره کابینه

به تاریخ: ۲۷ برج فروردین ۱۳۰۵

نمره: ۴۶

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

عطف به معروضه نمره ۵۴۰ در موضوع میرزا باقرخان نطق مدیر روزنامه عنکبوت تبریز از نظمیه آنجا مجدداً راپورت می‌دهند در چند روز اخیر مشارالیه دو مرتبه و گماشته مشارالیه نیز

دو مرتبه به قونسولگری دولت شوروی روسیه رفته‌اند. اینک مراتب را برای استحضار آن مقام
منیع معروض داشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین:] آقای هشیار (?) به نظمیه بنویسید مانع مراوده که نمی‌توان شد ولی قویاً در
تحت نظر داشته باشید. ۱۳۰۵/۱/۳۰

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

به تاریخ: ۱۳۰۵/۱/۳۰

نمره: ۱۴۳۵

سند شماره ۱/۲

[شیر و خورشید]

ریاست وزراء

نمره عمومی: ۱۴۳۵

تاریخ ثبت: اول برج اردیبهشت ۱۳۰۵

اداره نظمیه

مشروحاً نمره ۴۶ متضمن راپورت نظمیه تبریز راجع به مراوده میرزا باقرخان مدیر روزنامه
عنکبوت با قونسولگری شوروی ملاحظه شد. نظر به حفظ مناسبات و روابط مانع مراوده
مشارالیه نمی‌توان شد لیکن باید قدغن نمایند او را تحت نظر داشته و مراقبت نمایند که حرکتی
مخالف مصالح سیاسی از او ناشی نشود.

[امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه

دایره کابینه

به تاریخ: ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵

نمره: ۹۱

محرمانه است

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتہ
سواد یک طغرا راپورت تلگرافی رمز نظمیه آذربایجان^۱ راجع به شرحی که مدیر روزنامه
عنکبوت در شماره ۲۶ جریده مزبور بر علیه اداره لشکری آنجا درج نموده در تعقیب معروضه
نمره ۴۶ لفاً تقدیم می‌گردد ملاحظه خواهند فرمود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین:] ضبط شود.

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

شهر: ۱۳۰۵/۲/۲۹

[مهر:] آرشیو کابینه ریاست وزراء

۱. گزارش مذکور در پرونده موجود نبود.

سند شماره ۲

مکاتبات در خصوص علل توقیف روزنامه آتش فشان

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

اداره جنوب

سنه: ۱۳۰۵

نمره: ۷۲۸

ضمیمه: ۱

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

سواد تلگراف ایالت فارس راجع به روزنامه آتش فشان لفاً برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌شود.

[امضا: حسین دادگر]

[مهر: وزارت داخله]

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزراء]

به تاریخ: ۱۳۰۵/۲/۲۶

نمره: ۲۹۸۳

سند شماره ۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

اداره جنوب

تلگراف ایالت فارس از شیراز

نمره: ۴۰۳

مورخه: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۵ [۱]

وزارت جلیله داخله

روزنامه آتش فشان منطبعه شیراز شماره ۱۳ و ۱۴ مورخه ۱۶ اردیبهشت در مقاله ابتدایی نسبت به حیثیات دولت اسائه ادب نموده که بر هر ایرانی تحمل آن دشوار، علی‌الوظیفه روزنامه را توقیف نموده‌ام و خاطر محترم را مستحضر نمود که این اقدام را محول بر موارد دیگری در حضور آن وزارت جلیله تذکر ندهند. ۱۹ اردیبهشت، نمره ۸۶۹، مهدی نصیر، تلگرافخانه مبارکه تهران. سواد مطابق اصل است.

[امضا: ناخوانا]

[مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء]

سند شماره ۳

چکیده مقالات روزنامه‌های اقدام، ناهید، حلاج، ایران، گلشن، ستاره ایران،
شفق سرخ و کوشش در موضوعات مختلف

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

دائرة مطبوعات

به تاریخ: ۲۴ ماه خرداد سنه ۱۳۰۵

شماره ۵۸ اقدام

در صفحه ۱ شرحی مبنی بر لزوم قوه معنوی در مملکت درج کرده و تذکر داده که نقش و نگار
تأثیری در ترقی مملکت ندارد و شالوده و اساس باید محکم باشد والا نقش و نگار زود زایل
می‌شود. در خاتمه توجه کابینه جدید را به این مسایل جلب کرده و تقاضا نموده که به معارف
اهمیت خاصی باید داده شود.

[امضا: غلامعلی اعتمادی]

شماره ۶۹ ناهید

در صفحه ۴ راجع به معرفی کابینه می‌نویسد: روی هم رفته اعضای کابینه خوب هستند و مردم
به زمامداری آقای مستوفی خوشبین هستند و با سوابقی که به اخلاق ایشان داریم تصور
می‌شود که قانون و آزادی خواهی مورد تعظیم و تکریم باشد. معظم له اجازه نخواهند داد که
دیگران در امور دولت مداخله نمایند. زیرا در عهد سلطنت اعلی حضرت پهلوی دولت‌ها باید
مقتدر باشند. در ضمن [روزنامه] عراق خبر مخبر مخصوص ناهید را راجع به تأثیر تشریف
فرمایی اعلی حضرت به ملایر که باعث اخافه مأمورین دولت شده درج کرده است.

[امضا: غلامعلی اعتمادی]

سند شماره ۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

دایرة مطبوعات

به تاریخ: ۲۴ ماه خرداد سنه ۱۳۰۵

شماره ۵ حلاج

در صفحه ۱ شرحی راجع به تشکیل کابینه و تمجید از وزراء درج کرده در خاتمه تقاضای افتتاح مجلس را از هیأت محترم دولت نموده است.

در همین صفحه شرحی راجع به شرکت تلفن^۱ و نظامنامه جدید آن که تحمیلاتی به اهالی می نماید درج کرده و نظر وزارت فواید عامه را جلب نموده است.

شماره ۲۱۳۴ ایران

در سرمقاله همین شماره شرحی مبنی بر لزوم افتتاح مجلس درج کرده و از دولت تقاضای تسریع نموده است.

شماره ۲۴ گلشن

شماره امروز این روزنامه مطلب مهمی نداشت.

[امضا: غلامعلی اعتمادی]

سند شماره ۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

دائرة مطبوعات

به تاریخ: ۲۵ ماه خرداد سنه ۱۳۰۵

شماره ۲۰۳ ستاره ایران

در صفحه ۱ تصویر رئیس جمهوری روسیه را ترسیم نموده می نویسد: کسر بودجه دولت جماهیر روسیه کسب اهمیت نموده و کمیسر مالی در نظر گرفته که از صد [ی] ۲۰ به صد [ی] ۴۰ مالیات بر عایدات دهاقین را ترقی دهد و خیال دارند قانونی هم برای تنظیم سرمایه شخصی تنظیم نمایند.

در ضمن اخبار داخله از استعفای آقای صدیق از ریاست کابینه وزارت فواید عامه اظهار تأسف کرده و تذکر داده که فعلاً که مشارالیه به وزارت معارف انتقال یافته باید آن وزارتخانه از ایشان استفاده نماید.

در صفحه ۳ راجع به انتخابات تبریز نقل از جریده سهند می نویسد که استخراج آراء تبریز یک ماه طول خواهد کشید. زیرا صندوق قوری چای و عجب شیر برای عدم کفایت نظار تعطیل شده و آراء شهر هم مقداری خوانده شده باقی را همان طور گذاشته اند که گویا بعد از اتمام آراء اطراف بخوانند.

[امضا: غلامعلی اعتمادی]

شماره امروز اقدام مطلب مهمی نداشت.

سند شماره ۳/۳

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

دایرة مطبوعات

به تاریخ: ۲۵ ماه خرداد سنه ۱۳۰۵

شماره ۲۱۳۵ ایران

در سرمقاله این شماره شرحی از تشتت آراء در چین درج کرده ضمناً آنجا را مقایسه با وطن عزیزمان^۱ نموده و تذکر داده که در مملکت ایران هم همین طور است تفرقه حکمفرما است. باید کاری کرد که مردم با هم صمیمی باشند و در پرتو اتفاق مملکت را به سوی جاده ترقی هدایت نمایند.

شماره ۵۲۹ شفق سرخ

در صفحه ۲ ضمن اخبار داخله راجع به خرابی قسمت جنوبی شهر دامغان شرحی درج کرده می نویسد از قرار معلوم این خرابی ناشی از عدم توجه مهندسین راه سازی بوده که در موقع طرح نقشه ابداً ملاحظه این پیشآمد را نکرده و زیر سبیلی از نقطه نظری (!) رد کرده است. در صفحه ۳ ضمن اخبار ملایر می نویسد شورای اداری هفته [ای] یک مرتبه در اداره حکومتی بدون اخذ نتیجه تشکیل می شود و تاکنون از خلاف کاری های غیرقانونی جلوگیری نشده است. [امضا: غلامعلی اعتمادی]

شماره ۵۲ کوشش

در سرمقاله این شماره شرحی راجع به اهمیت طرق و شوارع درج کرده و توجه نمایندگان مجلس را جلب کرده که به توسط گذراندن لایحه قانونی در این باب مملکت را از این فقر و بدبختی نجات دهند.

سند شماره ۸

درخواست ابوطالب شیروانی (مدیر روزنامه میهن) مبنی بر رفع توقیف و عدم
سانسور در مورد روزنامه تخت جمشید

اداره روزنامه میهن

تهران

به تاریخ: ۱۸ تیرماه ۱۳۰۵

نمره: ۱۵۸۰

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

از قراری که مدیر محترم جریده شریفه تخت جمشید از شیراز می‌نگارد و بر حسب امر ایالت،
روزنامه او را قبل از انتشار توقیف و به علاوه سایر جراید فارس در تحت سخت‌ترین مضیقه
سانسور به سر می‌برند. اگر چه این رویه در مرکز مملکت نیز ادامه دارد لیکن ماها مکلف
هستیم تذکر بدهیم که در کابینه حضرت اشرف اختناق مطبوعات آن هم تا این درجه سخت و
غیر قابل تحمل سزاوار نیست و مقتضی است امر اکید به ایالت فارس در رفع سانسور و جبران
خسارات مدیر جریده تخت جمشید صادر و توسط بنده مرحمت شود که برای مشارالیه ارسال
دارم.

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد

[امضا: ابوطالب شیروانی]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

شهر: ۱۳۰۵/۴/۲۲

سند شماره ۵

درخواست مدیر روزنامه میهن (ابوطالب شیروانی) مبنی بر جلوگیری از تجاوزات خوانین قشقایی نسبت به املاک وی و بستگانش

Redaction de Mihan

Teheran

اداره روزنامه میهن

تهران

به تاریخ: ۱۰ شهریور ماه ۱۳۰۵

آستان مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاه پهلوی ارواحنا فداء

بر اثر اقتدارات قشون فداکار ایران وجدیت‌های قابل تقدیر امارت جلیله لشکر جنوب مدتی بود که به تجاوزات خوانین و کلانتران ایل شریر قشقایی خاتمه داده شده و اهالی درصدد تجدید آبادی دهات و مزارع خود که سالهای سال مورد نهب و تخریب واقع شده بود برآمدند. من جمله فدوی و بستگان چاکر که در حدود سمیرم علیا و سفلی دارای علاقه‌جات بودیم به فکر آبادی آنها افتاده و مخصوصاً مزرعه دشتک واقع در خاک سمیرم سفلی را که ملک متصرفی چاکر است به رعایای خود موسوم به طایفه یلمه واگذار و مراتع آن را به گله‌دارهای متفرقه اجاره دادیم.

امسال مجدداً نصرالله خان و حسین خان کلانتران دره شوری قشقایی شرارتها و تجاوزات خودشان را از سر گرفته علاوه بر دله دزدیهای اطراف اصفهان، اغلب دهات و مراتع مردم را به زور تصاحب نموده که هر روز عریضه‌های تظلم‌آمیز آنها به چاکر می‌رسد و از آن جمله پنجاه نفر سوار به مراتع دشت ملکی چاکر فرستاده و از سه دسته گله‌دار و شتردار معادل هفتصد و ده تومان حق المرتع به چاکر است گرفته و طایفه یلمه رعایای چاکر را هم غارت نموده و متجاوز از پنج هزار تومان به آنها خسارت وارد آورده و از ملک چاکر اخراج و بالاخره املاک یک عده اهالی از قبیل حضرات هونجانی و اسفرجانی و سمیرمی و دهاقانی و خودچاکر را با پوزتفنگ تصرف کرده‌اند. از یک طرف این اقدامات باعث وحشت اهالی و

خسارت آنها شده و از طرفی مبلغ کلی به شخص چاکر ضرر وارد آورده‌اند. استدعای چاکرانه آنکه امر اکید ملوکانه به عنوان امارت جلیله لشکر جنوب صادر گردد که اولاً از تجاوزات و تجدید شرارت نصرالله خان و حسین خان دره شوری جلوگیری به عمل آمده و آنها را مورد مجازات قرار دهند. ثانیاً مأمور مخصوصی به خانه آنها فرستاده شود که با حضور نماینده فدوی و اهالی محل میزان خسارت تعیین و از آنها مسترد داشته و مبلغ هفتصد تومان حق المرتع ملک چاکر استرداد و از آنها التزام گرفته شود دیگر متعرض علاقیات چاکر و بستگان نگردند.

چاکر

[امضا: ابوطالب شیروانی]

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۶

درخواست‌های دفتر مجله الاسلام مبنی بر مساعدت به مجله مذکور به منظور جلوگیری از تعطیل شدن آن، به انضمام نامه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در این زمینه و مطالب روی پاکت‌های نامه دفتر مجله الاسلام

مورخه: ۴ شهر ع ۱۳۴۵

نمره: ۴

ان الدین عندالله الاسلام

شیراز

مجله الاسلام

به شرف عرض اقدس عالی می‌رساند

بعد از درخواست دوام عزت و عظمت و طول عمر حضرت مستطاب بندگان اجل عالی از

درگاه حضرت اقدس احدیت خاطر عاطر بندگان عالی را مزاحمت می‌نماید چهار سال است این مؤسسه دیانتی خدمت به عالم اسلام نموده و فعلاً قریب دو ماه است که با وجود مرقومه آیت‌الله اصفهانی که در لف عریضه است به واسطه عدم مساعدت مسلمان‌ها دچار تعطیل گردید. این است که به واسطه مساعدت استخاره به کلام‌الله مجید و از نقطه نظر عوالم اسلام پروری که از حضرت مستطاب اجل اکرم عالی سراغ نموده متوسل به مراجع حضرت عالی گردید و به توسط آن یکتا مجسمه شرافت و دیانت عریضه به حضور اعلی حضرت خلدالله ملکه و دولته عرض نموده و در جوف است و حتم و قطع دارم بر این که از نقطه نظر اسلامیت هرگز راضی نمی‌باشید بر این که این مؤسسه از میان برود و عریضه را به نظر مبارک همایونی رسانیده و جواب عاجل آجل صادر فرموده و در واقع گذشته از خدمت به عالم اسلام و دیانت حقه تا ابد این مؤسسه را رهین منت خود قرار خواهید داد که به مساعدت حضرت مستطاب اجل عالی و مراجع و الطاف ملوکانه این یکتا مجله دینی در مقابل این همه کتب ضاله و مجلات خارجه بتواند خدمات خود را به عالم اسلام انجام دهد و خود و عالم نشر احکام اسلام را زنده کرده حضرت مستطاب عالی بداند. خاتمه دهم و موفقیت آن وجود محترم را از خدای تعالی بخواهم و منتظر اقدامات اسلام پرورانه حضرت اجل اکرم عالی باشم.

دفتر [مجله] الاسلام

سند شماره ۶/۱

مورخه: ۳ شهرع ۱ ۱۳۴۵

نمره: ۳

ان الدین عندالله الاسلام

شیراز

مجله الاسلام

به آستان ملایک پاسبان عرضه می‌دارد
بعد از درخواست دوام نعمت وجود آن اعلی حضرت قدر قدرت از پیشگاه حضرت اقدس

احدیت جل شأنه العزیز عرض می نماید اعلیٰ حضرت تا چهار سال است که با یک عالم فلاکت و قرض، مجله الاسلام (که با همین عریضه از لحاظ مبارک همایونی می گذرد) خدمات خود را نسبت به دیانت حقه اسلامی و شریعت مطهره و جلوگیری از تجاسر دشمنان داخلی و خارجی اسلام و رد شبهات طبعیین و غیره فرض همت خود دانسته و تعقیب نموده، متأسفانه به واسطه عدم مساعدت مسلمان ها (با وجود مرقومه آیت الله اصفهانی که در لف عریضه است) قریب دو ماه است که تعطیل شده است. این است که دست به سوی آن فرازنده اعلام اسلام دراز نموده و استدعای مساعدت می نماید. در صورتی که آن محیی ایران و حامی اسلام امر به طبع مجله اسلامی در لندن می فرمایند قطع حاصل است که هرگز راضی نخواهند شد که بعد از چهار سال این مؤسسه اسلامی در شیراز از میان برود و اگر این مؤسسه مورد الطاف شاهانه و مرحمت ملوکانه واقع شود گذشته از این که از بحران نجات یافته ممکن است ۲۰ صفحه به زبان انگلیسی فلسفه احکام را ترجمه نموده بر صفحات فعلی افزوده به نام نامی و اسم گرامی آن زینده تخت و تاج همه ماهه ۲۰۰ جلد در اطراف و اکناف مجانی توزیع نمود. تا رأی ملوکانه چه اقتضا فرماید.

دفتر [مجله] الاسلام

سند شماره ۶/۲

بسمه تعالی و تقدس

فوق العاده الاسلام

صورت تقریظ مبارک حضرت مستطاب ملاذالانام مروج الاحکام مرجع الخواص و العوام
حجة الاسلام آية اللهی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی دامت برکاته العالیه

بسم الله الرحمن الرحيم

مخفی نماناد چون مجله جلیله دینیة الاسلام که از رشحات قلم عالم جلیل و فاضل نبیل علم

الاعلام مصباح الظلام ثقة الاسلام آقای آقا شیخ محسن شیرازی دامت تأییداته و افاضاته نگارش می‌یابد برای ارشاد جهال و جلوگیری از مقالات مضرة اهل ضلال و دفع و رفع تشویش اذهان مستضعفین به سبب بعضی از نشریات اعادی دین مبین قلیل النظیر و ترویج و طبع و نشر آن خدمت بزرگی است به عالم اسلامیت. البته اخوان مؤمنین بعد از التفات به فواید جلیله این مجله دینی خواهند دانست که اعانت و مساعدت و بذل مال در تهیه وسایل طبع و نشر آن از اوضح مصادیق فی سبیل الله و اظهار افراد وجوه بریه است. پس بر همه لازم است اهتمام در ادامه آن نموده از بذل مال و صرف وجوه حتی از ذکوة و اوقاف و وصایایی که مصرف آنها وجوه بریه است دریغ ننمایند. بلکه اشخاصی که سهم مبارک حضرت امام علیه و علی آباءه افضل الصلوة والسلام و ارواحنا له الفدا بر ایشان تعلق می‌گیرد مأذونند مقدار خمس آن را صرف در این مصرف مهم نمایند. قبول و ممضی است وقفی الله و جمیع اخوانی المومنین لما یحب و یرضی والسلام علی من اتبع الهدی.

حرر ذلک فی السابع من جمادی الاولی ۱۳۴۴

الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی

سند شماره ۶/۳

[مطالب روی پاکت نامه مجله الاسلام به رضاشاه]

به آستان ملایک پاسبان اعلی حضرت قدر قدرت قهرمان ماء و طین، ملجاء الاکاسره، مرجع القیاصره، السلطان رضا شاه پهلوی شاهنشاه ممالک محروسه ایران خلد الله ملکه و دولته و سلطنته مشرف گردد.

سند شماره ۶/۴

[مطالب روی پاکت نامه مجله الاسلام به وزارت دربار]

تهران، سفارشی دو قبضه است

حضور محترم حضرت مستطاب حامی الشریعة القویمة والمتّصف بالغیرة الاسلامیة الشخص الكامل الذی لیس کمثله فی المجد و الشرف اعنی چراغعلی خان، وزارت دربار شاهنشاهی پهلوی ادام الله ایام دولته و اقباله و شوکته مشرف گردد.
از طرف دفتر الاسلام اسلامی شیرازی عرض نموده است.

[حاشیه بالا، چپ، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

[حاشیه بالا، راست:] شهر تشریف دارند.

[حاشیه پایین:] نمره $\frac{4475}{35-1}$ دوم ۳

سند شماره ۷

درخواستهای جواد سیستانی (مدیر روزنامه سیاست اسلامی) مبنی بر کمک مالی به وی

تهران

به تاریخ: ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۳۴۵

مطابق ۶ برج مهرماه ۱۳۰۵

اداره جریده ملی «سیاست اسلامی»

مقام منیع هیأت محترم وزراء عظام دامت عظمتهم العالی

این داعی شیخ جواد سیستانی مدیر جریده سیاست اسلامی که در نتیجه پیشآمدهای دوم حمل و انقلابات اخیر جلب به نظمیه و سه ماه در نمرات یک و دو با حشرات موزیه آنجا به سر برده ام، روزنامه ام که یگانه وسیله حیاتی و معاشیم بود توقیف و مبلغی مطالبات و محاسباتم با

مشترکین و غیره از بین رفت.

اوضاع معیشتی از بدتر شد و هنوز هم قادر به انتشار جریده خویش نیستیم. ادارات و خدمات اداری موقوف به سوابق و گرفتار قانون استخدام، اوضاع فعلی داعی استعلاج جدی و فوری را ایجاب می‌کند. تاکنون به عللی که احتیاج به اظهار آن نیست و مفهوم هیأت محترم است مقتضی ندانست درصدد دادخواهی برآید و اینک که بحمدالله هیأت محترم دولت قانونی ملی زمامدار و سرپرست امور جامعه است و قضایا را با نظر عاطفه و انصاف حل و عقد می‌فرمایند و داعی هم به معراج بدبختی و بیچارگی عروج نموده است و وضع معاشیهام غیر قابل تحمل و ادامه است استدعا می‌نماید که معین فرمایند به چه طریق ممکن است ادامه زندگی و حیات^۱ داد با همان شغل جریده نگاری؟ استخدام در دوائر دولتی که موقوف به داشتن سوابق است؟ یا با نداشتن سرمایه به کسب و تجارت؟ داعی نیز مانند افراد ملت ایران از مقام محترم این هیأت دولت حاضره انتظار استعلاج فوری دارد. مستدعی است در بذل مساعدت و ابراز وجدان و عاطفه قدری مساعدت فرمایند که وضع اعاشه و زندگی روزمره در نهایت سختی و غیرقابل تحمل است. امر امر هیأت محترم دولت است. داعی شیخ جواد سیستانی مدیر جریده سیاست اسلامی است.

اعتمادالاسلام سابق

[امضا: جواد سیستانی]

[حاشیه راست:] به عرض برسد. ۱۳۰۵/۷/۱۱

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

شهر ۱۳۰۵/۷/۱۱

سند شماره ۲/۱

تهران

به تاریخ: ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۳۴۵

اداره جریده ملی «سیاست اسلامی»

مطابق ۶ برج مهرماه ۱۳۰۵

مقام منیع بندگان حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک رئیس الوزرا دامت عظمته این داعی مدتی عمر خود را در خدمت به ملت و مملکت گذرانید و مشغله [ای] جز جریده نگاری و تنویر اذهان اختیار ننموده و البته مسلم است در قبول این خدمت نظر اعاشه و زندگانی شخصی نیز ملحوظ بوده است. بدبختانه در اثر انقلابات اخیر و پیشآمد قضایای دوم حمل روزنامه سیاست اسلامی توقیف و خود داعی نیز جلب به نمرات یک و دو نظمی شده سه ماه در آن فضاهای تنگ و تاریک پر حشرات به انواع شدائد و عذاب گرفتار و در نتیجه تمام هستی داعی از میان رفت. مطالبات و محاسبات از مشترکین و غیره لم یصل و لایوصل گردید. عرض تظلم و دادخواهی از زمامداران سابق در حکم آهن سردکوبیدن و غیر مقتضی و خارج از وظایف عقلانی بود. بدبختی و پریشانی بر هر گونه تظلم و اظهاری مرجع می نمود. به هر نوع مصایبی طاقت آورد و بیان کلامی را زبان نگشود لیکن امروز هرگونه مقتضیاتی موجود، چرا که پریشانی و تلخی زندگانی و سختی معیشت و عدم قدرت به امرار معیشت و مسدود بودن راه از تعقیب شغل سابقه به واسطه سانسور مطبوعات و نداشتن مایه معاش و حیات تقاضای استعلاج فوری را ایجاب می کند. زمامدار امروز بر خلاف ماضی یک وجود بی بدیل یکتایی است که قادر به التیام جراحات روحانی و جسمانی اهالی مملکت است. مظلومیت و عدم استطاعت داعی اظهر من الشمس، خسارات وارده محسوس. اینک از مقام مقدس یگانه زمامدار ملی حق طلب عدالت شعار استدعا می نماید که وسیله اعاشه و زندگی داعی را به هر نحو که مقتضی دانند فراهم فرمایند که کاردم به استخوان رسیده. امر محترم مطاع است. شیخ جواد سیستانی مدیر جریده سیاست اسلامی است.

اعتماد الاسلام سابق

[امضا: جواد سیستانی]

[حاشیه راست: جوابی نفرمودند، ضبط شود.]

سند شماره ۸

درخواست مدیر روزنامه صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از وزارت دربار
مبنی بر حمایت از وی در برابر شکایت علما

به تاریخ: ۱۲ شهر رجب سنه ۱۳۴۵
نمره: ۳۳۱۹

اصفهان
اداره روزنامه صدای اصفهان

تصدت کردم روش صدای اصفهان بر طبق نظر دولت بوده و هست. چون رئیس نظمی
آقای پاشاخان به من فرمود که در صدای اصفهان برخلاف میل علما چیزی نوشته نشود
اطاعت شد. لیکن علمای اصفهان مخصوصاً سیدالعراقین از مفتش ایران شکایت دارد و جراید
هم کاملاً سانسور است حتی جریده بنده. مستدعی هستم اگر علما^۲ شکایت مجهول راجع به
تمام جراید به خاک پای ملوکانه عرض کردند مکرم را متوجه باشید زیر پا نرود. زیرا مطیع
قانون و تابع سانسور و مواد تقصیر را بخواهید که تمام جراید چه کرده‌اند ناچار ساکت
می‌شوند. انتظار مرحمت دارم.

محمدعلی مکرم

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۹

درخواست روزنامه کوشش از عبدالحسین تیمورتاش (وزیر دربار) مبنی بر
حواله مبلغ بدهکاری خود بابت کارت دعوت ارسالی برای وی جهت دیدن
نمایش سیروس کبیر

روزنامه کوشش

تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶

تهران

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد اشرف

آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکته

با کمال احترام زحمت می دهد: به طوری که خاطر مبارک مطلع است نمایش سیروس کبیر
شب یکشنبه ۳۱ اردیبهشت در سالن^۱ گراند هتل به معرض داده می شود. یک قطعه کارت به
مبلغ پنجاه تومان چندی قبل حضور حضرت اشرف تقدیم شده و اینک چون موقع نمایش
نزدیک است تمنی دارد مقرر فرمایند وجه آن حواله شود موجب کمال امتنان است. احساسات
صمیمانه را تقدیم می دارد.

[حاشیه راست: نمره ۶۹۵.]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط شود.]

کمسیون
کوشش
به منفعت
نمایش

سند شماره ۱۰

درخواست مدیرنامه ملی صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از وزارت دربار
مبنی بر توصیه وی به رئیس جدید نظمیۀ اصفهان (جهانبانی) و حل مشکل
علی اصغر خان فرزانه (از بستگان مکرم) توسط نامبرده

اصفهان

نامه ملی

صدای اصفهان

به تاریخ: ۱۹ شهر ذی قعدة ۱۳۴۵

تصدقت شوم این قدر عریضه ننوشتیم و ننوشتیم تا هر وقت یک تظلمی داشته باشیم احقاق حق فرمایید. این مسئله معلوم است و اهالی مملکت می دانند که آن وجود مبارک اگر بتوانید از مظلوم کمک می کنید. علی اصغر خان فرزانه در زمان ریاست امنیۀ سالار منظم مجبوراً استعفا از مأموریت امنیۀ داده مدارک صحت عمل و درست کاری او را در خدمت حضرت والا شاهزاده سرهنگ جهانبانی ارسال داشتم. از آن وجود مقدس به نام لطفی که در حق مکرم دارید استدعا دارم توصیه و سفارش به آقای سرهنگ بفرمایید که مکرم بستگی به خودتان دارد و هر قدر مسایل و مطالب مهمه لازم تری داشته باشید، چاکر را هم فراموش نفرمایید. استدعا دارم معرفی بنده را در نزد آقای جهانبانی بفرمایید زیرا شاید بنده را کاملاً نشناسند و ندانند که بنده مقصودی ندارم جز احقاق حق یک نفر مظلوم و روزنامه صدای اصفهان هم جهت آن وجود مبارک ارسال می شود. آیونه اش این است که بخوانید و بفهمید من در اصفهان چه طور خدمت می کنم. مدتها عریضه ها نوشتم جوابم ندادید. قدری دلم سوخت که چرا تکیه گاه و قبله گاه من فراموشم کرده. اگر کسی فساد کرده و حرفی زده به سر مبارک خودت دروغ است. حال مرا از آقایان و کلا و وزیر داخله بیرسید. جان نثار هستم مستدعی هستم جواب عریضه مرا اگرچه کاغذ سفید هم باشد بفرستید. روزنامه عجیبی است می رسد مطالعه

فرمایید. علی‌اصغر خان فرزانه [از] اقارب سببی من است و نمی‌توانم در مظلومیت او ساکت باشم. چاره ندارم اگر بی‌چاره نبودم به آن چاره‌ساز مظلومین جسارتی نمی‌کردم. شش ماه در دسر ندادم حالا دیگر آیا شایسته است که این عریضه هم روی عریضه‌های بلاجواب بماند. البته راضی نمی‌شوید. استدعا دارم به دو کلمه حرف یا مراسله یا تلفن یا هر طوری مصلحت است آقای جهانبانی را وادار به اقدام بفرمایید که جواب عریضه مرا مرحمت کنند.

محمدعلی مکرم

سند شماره ۱۰/۱

وزارت دربار پهلوی

تاریخ اصل مطلب: ۱۰ خرداد ۱۳۰۶

نمره کتاب: ۸۲۵

تاریخ خروج: فوق ۱۳۴۵

آقای مکرم مدیر جریده [صدای] اصفهان

مراسله شریفه وصول داده به مندرجات آن استحضار حاصل و از سلامت احوال و اظهار مودت شما قرین مسرت و خورسندی گردید. در مسائل اشعاریه نیز اقدامات مقتضی معمول خواهد شد. مخصوصاً به اداره امنیه مراجعه کردم. مرقومات عالی هم عمداً بی‌جواب نمانده و اگر غفلتی شده است سهوی بوده است.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۱۰/۲

به تاریخ: ۱۲ ذی حجه ۱۳۴۵

نمره: خصوصی است

اصفهان

نامه ملی

صدای اصفهان

تصدقت کردم بعد از زیارت دستخط مبارک که به خط شریف مشاهده کردم مرقوم فرموده بودید کار جناب آقای میرزا علی اصغر خان فرزانه را به اداره امنیه امر فرموده اید اصلاح کنند بی اندازه تشکر کردم که منسوب چاکر را به کار سابقه خود که در اداره امنیه داشته است وعده مساعدت مرحمت می فرمایید. اینک هم مزیداً لاطافکم العالی مستدعی هستم به رئیس ارگان امنیه مرکزی توصیه لازم بفرمایید که بنده از الطاف مبارک از این خیال آسوده باشم.

چاکر محمدعلی مکرم

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۱

مکاتبه وزارت دربار با محمدعلی مکرم در خصوص پرداخت یکصد تومان
انعام به وی و برآورده شدن خواسته‌هایش در مورد اکبر میرزا مسعود و
حکومت اصفهان

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۲۲۱۲

کارتین: ۱۴، دوسیه: ۱۹

نمره‌های قبل: ۱۲۰۳ + ۳۳۱۹ + ۸۲۵

اسم پاک‌نویس کننده: سیدحسن

تاریخ اصل مطلب: ۲ شهریور ماه ۱۳۰۶

آقای مکرم مدیر صدای اصفهان

مراسلات شما ملاحظه شد. از تفصیل اشعاریه مستحضر شدم. قصیده [ای] که فرستاده بودید به
عرض خاک پای مبارک همایونی رسانده مستوجب ترحیب گردیده یکصد تومان به شما انعام
مرحمت شد که به وسیله اداره محاسبات وزارت دربار پهلوی به شما ایصال خواهد شد. دو
فقره سفارش شخصی هم که برای آقای اکبر میرزا مسعود و حکومت جلیله تقاضا کرده بودید
صادر و لفاً ارسال گردید.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۱۲

اعتراض مدیر صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) نسبت به توقیف بدون محاکمه
روزنامه مذکور، به انضمام جوابیه وزارت دربار

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب: ۲۶۰ سنه: ۱۳۰۶
از اصفهان به [تهران]، نمره قبض: ۱۷۷۸۱، نمره تلگراف: ۴۶۴، عدد کلمات: ۴۰، تاریخ اصل:
۲۴، تاریخ وصول: ۹/۲۵

توسط آقای نصرالملک سابق حضرت اشرف رئیس الوزرا دامت شوکت، کپیه حضرت اشرف
وزیر دربار پهلوی دامت شوکت، شایعات توقیف بی محاکمه صدای اصفهان حسب تقاضای
علما موجب یأس هر خادمی [است]. [انتظار جواب [می رود].]

مدیر صدای اصفهان

مکرم

[مهر:] تلگرافخانه مبارکه

تهران

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۳۸۹۹

تاریخ خروج: فوق ۱۳۴۶

تاریخ اصل مطلب: ۷ دی ماه ۱۳۰۶

اسم پاکت نویس کننده: سیدحسن

آقای مکرم مدیر نامه ملی سپاهان

مراسله شما وصول داده بر مندرجات آن مستحضر گردید. خدمات شما به دولت و تنویر افکار عامه معلوم و ملحوظ است. توقیف صدای اصفهان و نامه ملی سپاهان را شاید مقتضیات خاص ایجاب کرده باشد و البته در موقع خود جبران خواهد شد.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۱۳

درخواست رئیس مرکزی جامعه معارف ایران (محمود وحیدزاده) از
عبدالحسین تیمورتاش مبنی بر توسعه وسایل تنویر افکار عمومی

جامعه معارف ایران

به تاریخ: ۱۳۰۶/۹/۲۷

شماره: ۳۲۹

ضمیمه: حبل المتین

حضور محترم حضرت مستطاب اجل امجد عالی آقای تیمورتاش وزیر دربار دامت شوکت
چون جامعه معارف ایران حضرت عالی را یکی از فرزندان جدی وطن شناخته این است که از
طریق توسعه امور معارفی و ایجاد وسایل تنویر افکار عمومی انتظار فداکاری دارد. بنابراین
هیأت مدیره این مؤسسه موقع را مغتنم شمرده با نهایت امیدواری توجهات حضرتعالی را
نسبت به مندرجات صفحه «۵ تا ۱۰» شماره ۴۰-۴۱ جریده حبل المتین که لفاً ایفاد می‌شود
جلب می‌نماید و با این که مطالعه صفحات منظوره مستلزم صرف وقت و تدقین است انتظار
دارد پس از مطالعه کامل و دقت در مندرجات آن، در صورت امکان تمام و یا مفاد آن را به
عرض ملوکانه برساند. در خاتمه با تقدیم احترامات و احساسات پاک کارکنان جامعه معارف
امید است وضعیت معارف مملکت ایران نیز اقلاً مانند افغانستان در سایه عنایت و الطاف
شاهانه توسعه و آباد گردد.

رئیس مرکزی جامعه معارف ایران

[امضا: محمود وحیدالدوله]

[مهر: جامعه معارف، ۱۳۰۱]

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

[حاشیه پایین، دوم:] روزنامه ضمیمه نبود. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۴

درخواست‌های محمدعلی مکرم (مدیرنامه ملی سپاهان و روزنامه صدای اصفهان) مبنی بر عدم توقیف روزنامه صدای اصفهان و اجازه انتشار مجله سپاهان، به انضمام جوابیه وزارت دربار در این زمینه

«نامه ملی سپاهان»

(کلیه مراسلات باید به امضای مدیر باشد.)

مدیر میرزا محمدعلی مکرم

تاریخ: اول ماه دی ۱۳۰۶

مقام منبع حضرت اشرف آقای وزیر دربار همایونی دامت شوکته

در تمام جنوب معروف است و خودتان می‌دانید یکی از فداییان واقعی اعلی‌حضرت شاهنشاهی ارواحنافداه مکرم است. بنده دو امتیاز جریده و مجله دارم، یکی صدای اصفهان یکی مجله سپاهان. صدای اصفهان مقالاتش واضح و سپاهان سه سال است نشر نشده است و در هر سال به دو هزار تومان وجوهی که از نشر روزنامه پیدا می‌کنم امور من می‌گذرد. سواد مراسله رئیس‌الوزرا را حاجی آقانورالله فرستاد به اصفهان به عبارت ذیل «فدایت شوم سلب امتیاز صدای اصفهان و سپاهان را خواسته بودید حکم صادر شد.»

بسیار خوب با بودن قانون در مملکت برای صدای اصفهان فقط حکم محکمه مؤثر بوده ولی برای سپاهان که اصلاً نشر نشده است وعده سلب امتیاز عجیب است. آه از این مملکت، به سر مبارک من در هر مملکت دیگری بودم حالا میلیونر بودم و حالا از توقیف جریده‌ام و مجله‌ام که تحت طبع هم نبوده باید گرسنگی بخورم. سپاهان که مجله بود و فعلاً راه ارتزاق من بود به چه جهت توقیف و به چه گناه و به چه علت سلب امتیاز را حکم می‌دهند. آن هم می‌گویند دولت کرده است. آیا دولت فکر نکرده است که مخارج مکرم از کجا می‌گذرد و یک نفر ضدآخوند را در محیط آخوندآور اصفهان نباید مستأصل کرد. از مراحم حضرت اشرف عالی مایوس نگشته‌ام که باز عریضه می‌نویسم ولی قدری متعجب هستم که چرا به من جواب مرحمت نمی‌فرمایید. آیا همین است پاداش من که مرا فدای آخوند جماعت فرمودید. استدعا دارم و التماس می‌کنم که راضی به توقیف صدای اصفهان نشوید و مجله سپاهان که نشریه

نداشته اجازه نشر آن را بدهید و بفرمایید رئیس‌الوزرا جبران ضرر وارده را بفرماید و استدعا دارم اگر به مکرم اطمینان دارید مطلب را در پرده بنویسید که اقلاً من را این قدر نترسانید و التجا دارم که محرمانه جوابی مرحمت کنید همین قدر من بفهمم این جواب از حضرت اشرف است روی هر کاغذی باشد می‌فهمم.

چاکر محمدعلی مکرم

سند شماره ۱۴/۱

به تاریخ: ۲۸ شهر ج ۲/ سنه ۱۳۴۶

اصفهان

نمره کتاب ثبت: ۲۳۸

اداره روزنامه صدای اصفهان

تصدقت کردم پس از عرض چاکری و بندگی و تقدیم عرض ارادت آخرین روزنامه صدای اصفهان که بعد از آن دیگر مقتضیات اجازه انتشار نداده است تقدیم و استدعا دارم قرائت نمایید و در صورت لزوم به سمع مبارک برسانید. مخصوصاً ستون آخر صفحه ۴ را مطالعه فرمایید. در باب اینکه آقای رئیس‌الوزرا شرحی به آقای حاج آقا نورالله نوشته است به عبارت ذیل «فدایت شوم توقیف و سلب امتیاز صدای اصفهان و سپاهان را تقاضا کرده بودید حکم آن صادر شد». عین مراسله آمد اصفهان و برای بنده فشار فحاشی و غلبه آخوند از سرگرفت. حقیقتاً خیلی مزه دارد که من مال المصالحه شوم. به سر خودت مجله سپاهان که امتیاز آن با من است دو سال است از عدم استطاعت من منتشر نشده است. در این صورت این چه حکمی است که او هم توقیف شود و مکرم بی‌جان و بی‌نان شود، در حالی که شماتت آخوند بنده را می‌کشد و تقصیری جز استقامت به عقیده ضد آخوند نداشته و مراسمی جز

فداکاری در راه اراده سنیہ اعلیٰ حضرت ہمایونی نداشته‌ام. رئیس‌الوزرا کہ چنین مراسلہ را امضا فرمودہ است اگر حسب الامر ملوکانہ بودہ بندہ اطاعت دارم. برای اینکہ بندہ می‌گویم خدا و شاہ و بس و در این صورت ذات مقدس ملوکانہ اجازہ نمی‌دہد کہ یک نفر فداکاری مسلوب الحق و مقطوع المعاش بماند. استدعا دارم تکلیفی برای بندہ معلوم فرمایید. از اینکہ بندہ عریضہ عرض کنم و تلگراف عرض کنم و جواب مرحمت نفرمایید تا آب از سر من بگذرد کہ بندہ آسودہ نمی‌شوم. اگر ناظر شرعیات است، اگر قانون منصفہ است، اگر قانون جزاست، اگر محکمہ و عدلیہ است، اگر قانون مطبوعات است بندہ افتخار دارم ولیکن بہ حسب امر آقا، روزی بہ سر من بیاورند کہ دباغ بہ سر پوست نیاوردہ باشد با کجای قوانین است. استدعا دارم جوابی مرحمت کنید. قول می‌دہم بہ غیر از خودم احدی مطلع نشود.

چاکر محمدعلی مکرم

[حاشیہ بالا، بہ خط تیمورتاش:] جواب بدهید کہ شما ہموارہ در نظر ہستید ولی باید متقابلاً ملاحظہ سیاست دولت را بکنید. در آیندہ فکری کہ مستلزم آسایش شما باشد خواہد شد.

سند شماره ۱۴/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۲۷۱

تاریخ اصل مطلب: ۲۰ دی ماه ۱۳۰۶

آقای مکرم

مراسلات شما متوالیاً رسیده جواباً زحمت می‌دهم که به پاره‌ای [ملاحظات، گاهی دولت به اتخاذ سیاستی مجبور می‌شود که نامطبوع به نظر می‌آید ولی پس از قدری دقت معلوم می‌شود که چاره‌ای] جز اتخاذ آن سیاست نبوده است. زحمات و خدمات شما فراموش نمی‌شود ولی فعلاً تا چندی صبور و بردبار باشید و برای آنکه کمکی در عالم بیکاری کرده باشم مبلغ یکصد تومان فرستادم ولی به احدی نباید بگویید که این وجه را فرستاده‌ام و حتی این پول را بدون اجازه ذات مقدس شاهانه ارواحنا فدا می‌فرستم و کسی نباید بداند.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

[حاشیه پایین: یکصد تومان برات بانک لفاً فرستاده شد.]

سند شماره ۱۵

درخواست ملاقات مدیر روزنامه وطن (محیط مافی) با عبدالحسین تیمورتاش و شکایت از پرداخت وجه کمتری به روزنامه مذکور نسبت به سایر روزنامه‌ها
بابت چاپ اعلان مناقصه

تهران

نمره: خصوصی

اداره جریده وطن

به تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۰۶

تصدقت شوم در این چند روزه برای شرف حضور مبارک دو مرتبه شرفیاب شده هر دفعه چهار ساعت در اتاق انتظار توقف کرده بالاخره موفق به زیارت حضرت اشرف نگردید. هر چه در اطراف بی‌مهری حضرت اشرف تصور کردم علت را ندانستم که بعد از بیست و دو سال ارادتمندی چه موجب این کم‌رحمتی‌ها گردیده. آنچه در اطراف این قصه ملاحظه کردم هیچ موجباتی تصور نکردم. شاید به واسطه عریضه‌ای که به اعلیٰ حضرت اقدس همایونی برای اجرت طبع اعلان مناقصه راه‌آهن عرض شده مخالف نظر حضرت اشرف بوده آن را هم قطعاً نمی‌دانم در صورتی که منظور بنده استمداد از خاک پای همایونی بوده قصد دیگری نداشتم جز این که شاید توجهات شاهانه رفع این توهین را که هیأت دولت به بنده وارد آورده‌اند بنماید. با این نیت پاک و بی‌آلایش اگر این قسم هم که عرض شده هیچ دلیلی برای کم‌رحمتی حضرت اشرف ندارد. البته از نظر مبارک محو نشده که این استمداد را بدو از حضرت اشرف کردم دولت یار مساعدت نکردند. به جراید هر یک هزار تومان قدری علاوه‌تر و کمتر دادند. فقط به اداره وطن سیصد و پنجاه تومان داده‌اند. ترجیح بلامرجح در این مورد معلوم نیست به چه سبب بوده فرضاً هیأت دولت این معامله بی‌جهت را با اداره وطن کردند، حضرت اشرف چرا نسبت به یک نفر چاکر و ارادتمند خودتان این قدر کم‌رحمت شده‌اید. اگر هزار مرتبه شرفیاب شوم و از طرف حضرت اشرف پذیرفته نشوم و تمام مستخدمین دربار هم حس کنند که نسبت به چاکر بی‌رحمت هستند، مع‌هذا این سلسله ارادتمندی را که بیست و دو سال است با کمال شرافتمندی حفظ کرده‌ام باز حفظ کرده ذره‌ای از چاکری خود کم نخواهد داشت.

حالا که حضرت اشرف این نظر را اتخاذ فرموده‌اند که نسبت به ازادتمندان قدیمی و صمیمی ضرر مادی و معنوی و شرافتی وارد کردند بنده هم عرض ندارم. باز به حضرت اشرف تظلم کرده و از وجود مبارک دادخواهی می‌کنم هزار مرتبه هم اگر این پیش‌آمد تکرار شود باز هم هر دفعه بر ارادتم خواهد افزود. من نه آنم که به جور از تو بنالم حاشا.

در خاتمه عریضه خود را به این یک بیت قدما خاتمه داده سلامتی وجود مقدس را همواره از درگاه حضرت احدیت خواستارم:

امروز در قلمرو دل دست دست تواست خواهی عمارتش کن و خواهی خراب کن
حضرت اشرف هر خبر ناگواری را می‌توان تحمل کرد جز شماتت دشمن که زخم‌زبان از زخم
سنان بدتر است.

قریانت

[امضا: محیط مافی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید که عدم امکان ملاقات سرکار نباید حمل بر بی‌مهری اینجانب بشود بلکه به واسطه کثرت گرفتاری کاری موفق به دیدار دوستان نمی‌شوم. در باب اعلان هم جراید بر دو قسم هستند. جرایدی که از طرف دولت اعلان مناقصه به آنها رجوع شده بود و جرایدی که به میل خودشان طبع کرده‌اند. تصدیق بفرمایید که در باب حق الزحمه هر یک باید تفاوتی باشد و موضوع حق اعلانات مطبوعات خاتمه یافته است. معذک در این باب اگر مطلبی دارید به هیأت دولت مراجعه فرمایید.

سند شماره ۱۶

گزارش اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی در خصوص علل توقیف روزنامه
البرز رشت

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

دایره کابینه

به تاریخ: ۸ فروردین ماه ۱۳۰۷

نمره: ۵

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

از نظمیه گیلان راپورت می‌دهند میرزا شکرالله خان مدیر روزنامه البرز رشت در شماره ۸ صفحه ۳ و ۴ روزنامه خود اشعاری در رفع حجاب نسوان درج کرده و پس از نشر روزنامه مذکور پاره [ای] از علما در این خصوص مذاکراتی نموده‌اند که در نتیجه آقای شیخ حسین لاکانی حکومت را ملاقات و تقاضای تعقیب مدیر جریده مذکور را نموده است. حکومت با مذاکرات مقتضیه مشارالیه را قانع ساخته چون آقایان دیگر از مذاکرات حکومت قانع نشده و از طرفی هم در قضیه انتخابات با مدیر جریده مزبور سابقه عداوت داشته‌اند اقدامات مؤثرتری نموده و به مرکز مراجعه می‌نمایند. از طرف مقامات مربوطه به معارف گیلان دستور داده شد که جریده البرز را توقیف و مدیر آن را محاکمه نمایند و شرحی نیز از معارف آنجا به پارکه بدایت گیلان و نظمیه نوشته شده که در این خصوص تعقیب قانونی به عمل آید.

نظمیه آنجا مدلول مراسله را به موقع اجرا گذاشته و جریده را توقیف نموده. نظر به این که مدیر جریده مذکور با مقامات مربوطه مرکز و بعضی از وکلا و میرزین ارتباط دارد حکومت از این اقدام تکدر حاصل نموده است و عجالتاً مدیران جراید رشت شروع به پاره [ای] مذاکرات

کرده‌اند. اینک مراتب را برای استحضار آن مقام منیع معروض داشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

درگاهی

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیۀ راست:] در صورتی که نشر این گونه مقالات ممنوع است چرا باید از اول درج شود.

[مهر:] ورود به کابینۀ ریاست وزراء

به تاریخ: ۱۳۰۷/۱/۱۵

نمره: ۳۴۸

[مهر:] آرشیو کابینۀ ریاست وزراء

نمره: ۲

سند شماره ۱۶/۱

[شیر و خورشید]

ریاست وزراء

نمره عمومی: ۳۴۸

مسئول پاکت‌نویس: سروش

تاریخ ثبت: ۲۰ فروردین ماه ۱۳۰۷

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

نمره ۳۴۸ حاکی از موجبات توقیف نامۀ البرز منطبّعہ گیلان ملاحظه شد. در صورتی که نشر

این گونه مقالات ممنوع است چرا باید از اول درج شود؟

(فرهنگ)

[۱۳۰۷/۱/۱۵]

[مهر:] آرشیو کابینۀ ریاست وزراء

نمره: ۳

سند شماره ۱۷

درخواست استعفای کفیل وزارت امور خارجه (فتح الله پاکروان) از مقام خود به دلیل اهانت روزنامه شفق سرخ نسبت به وی و اعضای وزارتخانه مذکور

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

به تاریخ: ۲۰ فروردین سنه ۱۳۰۷

قربانت شوم روزنامه شفق سرخ که از چندی قبل به واسطه نظریات شخصی که بنده بنا به مسئولیتی که دارم از قبول آن امتناع نموده‌ام نیش‌هایی به وزارت خارجه می‌زد. حالا به شدت خود افزوده در نمره امروزی حملات سختی به وزارت خارجه نموده است که نسخه آن را لفاً تقدیم می‌دارد و از نظر مبارک می‌گذرد. نشریات مغرضانه این روزنامه دیگر نه برای بنده و نه برای کارکنان این وزارتخانه که شب و روز اوقات خود را صرف خدمتگزاری مملکت می‌نمایند حیثیاتی باقی نگذاشته.

هرگاه جراید و روزنامه‌جات^۱ در تحت نظر نظمیه نبود هیچ وقعی به این ترهات گذارده نمی‌شد ولی چون عموماً از داخله و خارجه می‌دانند که اداره نظمیه در جلوگیری این قبیل نشریات روزنامه‌ها^۲ نظر خاص و مراقبت تام دارد، وقتی چنین مقاله توهین‌آمیز با این لحن خارج از ادب در روزنامه منتشر می‌شود توجه مخصوص انظار عمومی را جلب کرده یک وزارتخانه مملکت را مفتضح می‌سازد. البته خود حضرت اشرف تصدیق می‌فرماید که برای بنده غیر قابل تحمل است که با استحضار از نیت سوء و خواهش‌های بی موقع نویسنده روزنامه، تحمل چنین توهینی را در مقابل عموم مردم نموده حیثیات خود را در معرض بازیچه و اغراض او بگذارم در صورتی که خاطر مبارک کاملاً مستحضر است که بنده برای مقام خود

۱. در اصل: روزنامه‌جات.

۲. در اصل: روزنامه‌ها.

نه قدمی برداشته و نه کمتر تشبثاتی برای بقای خود در این مقام کرده بلکه به عکس چنانکه خود حضرت اشرف بهتر از هر کس می‌دانند چندین مرتبه کتباً و شفاهاً استعفاء داده‌ام. فقط باقی بودن بنده در کار، نظر به توجهات و تأکیدات شخص شخیص عالی بود و چون تنها نظر بنده این بود که شاید بتوانم خدمتی به پادشاه متبوع معظم خود و مملکت خویش بنمایم خدمت خود را مداومت داده‌ام. در اینجا لازم می‌دانم یک نکته را یادآور شوم قبل خود حضرت اشرف می‌فرمودند اگر از هرکسی نسبت به مقامات رسمی مملکت حملات مغرضانه بشود حقیقتاً آن حملات متوجه به ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداء خواهد شد و وزارت خارجه فعلی وزارتخانه اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاه پهلوی روحنفاذ و کارکنان این وزارتخانه از بنده و سایرین از چاکران صدیق و فرمان بردارند. اگر وزارتخانه خراب یا کارکنانش نالایق باشند چه مانعی متصور است که وزارتخانه منحل نشود یا چه محظوری است که نالایق‌ها را اخراج ننمایند. پس اعتراض روزنامه به کجا بر می‌خورد و مقصود نویسنده از این جمله: «اگر ما وزارت خارجه نخواهیم تکلیفمان چیست؟ باید به کجا متوسل شد» چیست و اعتراض بر کیست. اگر این وزارتخانه و کارکنان آن که این طور هدف اغراض اشخاص واقع شده‌اند از طرف اولیای امور حمایت نشوند و از اینگونه نشریات مغرضین جلوگیری نشود با چه امیدواری می‌توانند به خدمات صادقانه ادامه دهند. به هر صورت بنده این عریضه را از طرف خود به عرض می‌رسانم و چنانچه جبران سزاواری نشود تمکن ادامه به خدمت را با این ترتیب ندارم و مستدعی هستم استعفای بنده را به خاکپای اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء عرضه فرمایید.

[امضا: فتح‌الله پاکروان]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۷/۱

[تاریخ: ۱۹ فروردین]

یادداشت

سومین مقصد دولت در ۱۳۰۷

ما اگر وزارت خارجه نخواهیم تکلیفمان چیست؟ باید به کجا متوسل شد که در این دارالعبزه را بسته و خیال ما را راحت کنند؟ اگر معنی وزارت خارجه این است که ما داریم انحلال آن و اجاره دادن عمارت تاریک و مرطوب آن خیلی به صرفه و صلاح نزدیک تر است.

اغلب مؤسسات ما یک صورت تقلیدی بی روحی دارد و همان طوری که مکرر در شفق یادداشت شده است ما با همه چیز شوخی می‌کنیم ولی در عین حال وزارت خارجه از همه آن‌ها به شوخی نزدیک تر است. وزارت خارجه یک صورت کاریکاتوری کاملی است از آن چیزی که در ممالک متمدنه اسمش وزارت خارجه است. وزارت خارجه به مراتب از عدلیه سابق و از وزارت معارف و از فواید عامه و کلیه وزارتخانه‌های خراب ما خراب تر است. فقط چیزی که هست چون با عامه تماسی ندارد مردم نمی‌دانند که در این نقطه تاریک چه جریان‌های نامتناسب موجود است و چقدر این مؤسسه خراب و از هم پاشیده است - هر کسی اندکی از وظائف وزارت خارجه مستحضر باشد و شمه‌ای از سوء جریان و اوضاع بد وزارت خارجه ایران مطلع شود اعتراف خواهد کرد که این وزارتخانه از همه خراب تر و نه تنها قابل اصلاح نیست بلکه مستحق انحلال مطلق است یعنی درب آن را ببندند و آن وقت با یک فکر روشن و با یک مقصد معین و طریقه عاقلانه یک وزارتخانه دیگری تشکیل دهند.

روزی آقای مدرس در مجلس گفتند خوب است دم دروازه گریبان یکی از وزراء مختاری که به خارجه می‌روند بگیرید و از وی پرسید برای چه به خارجه می‌روی اگر توانست جواب بدهد من بودجه وزارت خارجه را صحیح می‌دانم - این حرف کاملاً صحیح است. اعضای وزارت خارجه نمی‌دانند برای چه پشت آن میزهای نیم تاریک نشسته‌اند، وزیر خارجه نمی‌داند غیر از گرفتن ماهی هفتصد و پنجاه تومان برای چه کاری دعوت شده، وزارت خارجه از فرستادن نماینده به خارجه غیر از اداء یک تکلیف رسمی و یک فورمالیته بی‌روح هیچ گونه

دستوری از مرکز ندارند و در ممالک خارجه هیچ کاری ندارند غیر از این که در ایام عیدهای معمولی بروند به سفارتخانه‌ها یا وزارت خارجه آن مملکت کارت بگذارند و در سلام عام حاضر شوند و اگر احیاناً بعضی از آنها خود مالخولیای کار داشته باشند و بخواهند به وطن خود خدمت کنند در وزارت خارجه به آنها با نظر حقارت نگریسته می‌شود و کلیه اعمال آنها یا از نظر وزارت خارجه نگذشته یا اینکه با بی‌اعتنایی تلقی می‌شود.

یکی از نمایندگان ما در خارجه بعد از تقریباً دو ماه انتشار یادداشت انگلیس راجع به چهار مسئله از من تفصیل این یادداشت را می‌پرسید زیرا وزارت خارجه به او در این باب اطلاعی نداده بود و فقط از آژانسهای مختلفه چیزهایی مطلع شده بود.

یکی دیگر از نمایندگان ما در خارجه اظهار می‌داشت در خصوص قالی ایران راپورت‌های مفصلی به وزارتخانه فرستاده است و دو سال می‌گذرد و هنوز ترتیب اثری به آن نداده‌اند. دیگری اظهار می‌داشت که راجع به توتون ایران و ترویج آن در مملکتی که مقیم است راپورت مفصلی داده که وزارت خارجه در آن خصوص از وزارت مالیه استعلام نموده و جواب دهد و فعلاً یک سال و نیم است جوابی نرسیده است. دیگری اظهار می‌کرد که در جراید اینجا خبر بدی راجع به ایران منتشر شد، تلگرافاً از وزارت خارجه کیفیت را سؤال کردم بعد از یک ماه و نیم وزارت خارجه جواب کتبی داده بود که خبر مزبور اصل ندارد «تکذیب کنید» یعنی بعد از یک ماه و نیم.

نمایندگان ما در خارجه به مراتب از وزارت خارجه ممالکی که در آنجا مقیم هستند نسبت به اوضاع ایران بی‌اطلاع‌ترند و مضحک‌تر از همه وزیر خارجه ما در مسکو از مأموریت فوق‌العاده‌ای که به یکی از رجال ایران در دربار یکی از ممالک داده بودند بی‌اطلاع بود. امروز شخصی نقل می‌کرد که اخیراً به عدلیه خراسان از شخصی که مقیم هرات است عارض شده عدلیه خراسان راجع به آن شخص که مقیم خارجه است از وزارت امور خارجه تقاضای اقداماتی نموده است ولی وزارت خارجه به وزارت عدلیه نوشته است که خوب است بدو عدلیه خراسان تحقیق نماید که شخص مدعی علیه از اتباع ایران است یا نه؟ اوضاع وزارت خارجه خراب‌تر از اینهاست. مفاسدی در این نقطه تاریک موجود است که برای حیثیات و شئون ملی ما شایسته نیست از آنها در جریده صحبتی بشود. علاوه بر این که فعلاً مقصودمان این نیست که وارد مفاسد و خرابیهای وزارت خارجه شویم فقط قصد ما این است که اگر دولت یکی از

مقاصد خود را در سال جدید اقلاً انحلال وزارت خارجه قرار دهد اقدام بزرگی کرده است. برای اینکه این تذکر به نظر دولت عجیب نیاید از ایشان خواهش می‌کنیم که به فواید مترتبه بر وجود وزارت خارجه مراجعه کنند اگر دیدند به قدر ریع این بودجه وجود آنها برای مملکت و ملت نافع است و باعث افتضاح و رسوایی ما در انظار بیگانه نشده است دست به ترکیش نزده و به همت و لیاقت و کفایت و بصیرت اولیای فعلی آن تفویضش نمایند و الا ما را از شر این وزارت خارجه که قطع نظر از کلیه مفاسد اخلاقی و سیاسی که در آن است اساساً وجودش باعث مضحکه و استهزاء است راحت کنند و اگر حقیقتاً وزارت خارجه‌ای مثل وزارت خارجه مملکت آدمها لازم دارند که تمام مسائل سیاسی و مناسبات خارجی مملکت در آنجا تمرکز یافته و مثل ماشین فعال و توانایی پلتیک ما را در داخل و خارج راه ببرد و تمام اجزاء و اعضاء این ماشین به درجه‌ای به هم مرتبط باشند که مثل یک موجود واحد حیات خارجی مملکت را اداره کنند بگردند در جامعه خود یک فکر روشن‌تر و تازه‌تر و انقلابی‌تر و اراده قوی‌تر و عزمی راسخ‌تر و حسن نیتی بی‌آلایش‌تر از اولیاء فعلی وزارت خارجه پیدا کنند و حقیقتاً به این بجه‌بازی و فورمالیته مآبی و مضحکه فعلی وزارت خارجه خاتمه دهند.

سند شماره ۱۸

اعتراض جواد ظهیر الاسلام نسبت به مقاله روزنامه اطلاعات راجع به وی و امام جمعه خویی

[تاریخ: ۱۳۰/۷/۲/۸۶]

[شماره: ۸۳۳]

قربانت گردم

بعد از عرض ارادت حقیقی ستون روزنامه یک شنبه اطلاعات را فرستادم ملاحظه فرمایید چه

مزخرف نوشته. آیا حیثیات و اعتبار حضرت آقای امام و من در اصفهان - تهران برای اعلی حضرت لازم است یا خیر.

یک نفر روزنامه نویس یا محرک او این قسم باید به اعتبار ماها صدمه بزند. فقط چون تمام امید به وجود مبارک می باشد فرستادم دیگر خودتان مختارید.

قربانت

[امضا: جواد ظهیر الاسلام؟]

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۸/۱

[روزنامه اطلاعات]

انتخابات: از روزی که اعلان انتخابات منتشر شده دلایلی انتخابات مردم بیچاره را به این مجمع و آن مجمع سوق داده و جای و قلیان سبیل است و دو دسته به ظاهر قوی و ضد یکدیگر موجود است که معروف به دسته مسجد شاهی و باغ نوی است ولی دسته اول به واسطه اختلاف میان خودشان خاصه پس از فوت مرحوم حاجی آقا نورالله و ظاهراً سلب عقیده مردم از آنها به واسطه دعوی بر سر اموال آن مرحوم امید موفقیته برای آنها نمی رود مگر آن که دو نفر عالم روحانی تهرانی معروف که به عنوان گردش ایام عید از تهران آمده و در باغ معروف شریعتمدار رحل اقامت افکنده و در باغ دستجرد بایک کاندید دیگری همه شب مشغول عیاشی بودند با شرط تهیه وسائل از مرکز، یکی از آنها به نام مهم مسجد شاهی می خواهد موفق شود. ولی آنچه در افواه منتشر و مردم استقبال دارند انتخاب آقای شیروانی است از شهر و علت هم اقداماتی است که ایشان در آبادی شهر اصفهان و حفظ حقوق اهالی کرده و می کنند. به طوری که نه تنها تشکیلات عدلیه را که پسند همه شده و خودی و بیگانه اتفاق دارند که در درجه اول از تمام تشکیلات دآوری است بلکه عبور طیاره پستی را هم از عرضه و کفایت ایشان می دانند. حالا دیگر حق یا ناحق راست یا دروغ است من کاری ندارم مردم این طور فهمیده اند.

سند شماره ۱۹

پیام تشکر محمدحسین استخر (مدیر روزنامه استخر) و مدیرزاده (نویسنده روزنامه عصر آزادی) به عبدالحسین تیمورتاش به مناسبت الغاء کاپیتولاسیون و درخواست توجه نسبت به آنها

[تاریخ: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷]

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف

آقای تیمورتاش وزیر دربار اعظم پهلوی دامت شوکته

در این موقع که در پرتو عزم و اراده ذات مقدس شاهانه زنجیر اسارت گسسته و اساس استقلال مملکت برپایه محکم استوار می شود تبریکات صمیمانه عرض، ضمناً بهترین و ذیقیمت ترین عیدی که ممکن است از طرف ذات اعلی نسبت به این دو نفر خدمتگزار صمیمی مرحمت شود اجابت. استدعایی است که چندی قبل معروض شد. بدیهی است حضرت اشرف که تنها نقطه اتکاء تیپ فاضل و متجدد شناخته شده اید با پذیرفتن این استدعا فدویان را رهین تشکر خواهید فرمود. برای تحقیق صدق مراتب معروضه ممکن است سابقه خدمات را از آقای امیرمحرّم لشکر جنوب هم استفسار و استعمال فرمایید تا وسائل جلب اطمینان بهتر فراهم شود. زیاده جز تجدید عرض فدویت جسارت نمی کند.

مدیر استخر

نویسنده عصر آزادی - مدیرزاده

[امضا: محمد حسین استخر (?)]

[امضا: مدیرزاده]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: اظهار امتنان شود.]

سند شماره ۱۹/۱**[شیر و خورشید]****وزارت دربار پهلوی**

نمره کتاب: ۱۰۰۰

اسم پاکنویس کننده: سیدحسن

نمره قبل: ۹۵۲

تاریخ خروج: اول خرداد ماه ۱۳۰۷

آقایان مدیر محترم جریده استخر

و مدیرزاده نویسنده عصر آزادی

مراسله مشترکه شما وصول داده از اظهار بشاشت و خورسندی که در القاء کاپیتولاسیون
نموده اید مستحضر و تشکراتی که از توجهات مخصوصه بندگان اعلیٰ حضرت همایون
شاهنشاهی ارواحنا فدا در این موضوع اشعار داشته اید موجب مسرت و امتنان گردید.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۲۰

گزارش سرکنسولگری ایران در هندوستان در خصوص تصمیم دولت هند
مبنی بر اخراج مدیر روزنامه حبل‌المتین (مؤید الاسلام) از هندوستان به دلیل
تلاش وی جهت تیره نمودن روابط دو کشور

[شیر و خورشید]

ژنرال قونسولگری ایران در هندوستان

به تاریخ: ۱۷ تیرماه ۱۳۰۷

نمره: ۴۲۲

ضمیمه: سواد راپورت

وزارت جلیله دربار اعظم بهلوی

راپورت محرمانه در موضوع آقای مدیر حبل‌المتین به وزارت جلیله خارجه عرض شده که
سواد آن محض اطلاع خاطر مبارک و تعیین تکلیف لفاً تقدیم گردید. بدیهی است هر قسم
دستور صادر فرمایند اطاعت خواهد شد.

ژنرال قونسول دولت علیه ایران در هندوستان

[امضا: باقر عظیمی]

[حاشیه پایین، اول:] به عرض رسید، ضبط شود.

[حاشیه پایین، دوم:] دفتر مخصوص شاهنشاهی.

سند شماره ۲۰/۱

نمره: ۴۲۳

مورخه: ۱۷ تیرماه ۱۳۰۷

سواد راپورت محرمانه ژنرال قونسولگری دولت علیه در هندوستان

به وزارت جلیله خارجه

در تعقیب رمز نمره ۴۱۰ مورخه ۱۴ تیرماه ۱۳۰۷ به عرض می‌رساند چهار روز قبل در ملاقاتی که برای بعضی کارها با رئیس کل اداره امور سیاسی هندوستان به عمل آمد خیلی شکایت از آقای مدیر حبل‌المتین نموده اظهار داشت با روابط و مناسبات حسنه [ای] که این ایام بین دولتین حاصل و انتظاری که طرفین از یکدیگر مخصوصاً شما از ما دارید مندرجات روزنامه این شخص که فقط از روی اغراض شخصی و برای تفتین و تحریک و تیره کردن مناسبات بین دولتین است دولت هندوستان را مجبور کرده است بالاخره او را از این مملکت به ایران تبعید کند و با اینکه چندین سال است من در هندوستان هستم و همیشه سعی داشته و دارم حسن روابط را بین دولتین حفظ و نسبت به اتباع ایران بیش از اتباع سایر دول رؤف^۱ و صمیمی باشم رفتار ایشان من را نیز مجبور کرده است با این تصمیم موافقت کرده عاقبت نزد شما و دولت ایران خجل و روسیاه شوم. بنده برای اصلاح و رفع کدورت به قدری که مقتضی بود صحبت کرده اظهار داشتم در این مملکت که روزنامه‌ها آزاد و هر قسم تنقیدی به رفتار حکومت می‌کنند نبایستی از مندرجات حبل‌المتین اینقدرها عصبانی بشوید. جواب داد هرگاه روزنامه‌جات^۲ هند یا انگلستان اگر تنقیدی از عملیات دولت خود می‌کنند از روی عقیده و مربوط به امور داخلی است و هیچ وقت به قصد تفتین و تحریک تیرگی مناسبات با یک دولت دوست همجوار نیست. به علاوه آنها چون اتباع ما هستند دولت تکلیف علیحده نسبت به آنها دارد ولی این شخص چون خارجی است و مسلم شده است که هیچ قصدی جز تفتین و تیرگی مناسبات بین دولتین ندارد ما حق داریم مطابق تمام قوانین در تحت عنوان وجود غیر مرضی

۱. در اصل: رؤف.

۲. در اصل: روزنامه‌جات.

a titre indésirable او را از مملکت خودمان تبعید کنیم برود در ایران یا جای دیگر هر چه می‌خواهد بنویسد و بگوید. پس از این بیانات چون بیش از آنچه گفته بودم قبل از کسب تکلیف از وزارت جلیله مقتضی ندانستم چیزی اظهار کنم جوابی نداده راپورت تلگرافی نمره ۴۱۰ را عرض کردم. این مسئله را نیز محض مزید اطلاع خاطر اولیای دولت و محرمانه عرض می‌کنم که آقای مدیر حبل‌المتین در اثر پیش آمد جنگ یا جهات دیگر که بر بنده مجهول است در این چند ساله اخیر مبلغ کلی که شاید قریب دویست هزار روپیه می‌شد به عده [ای] مقروض شده بودند و طلب کارها پس از یأس از وصول به طریق دوستانه دوسال قبل به عدلیه کلکته عارض شده ایشان را محکوم و یک خانه ملکی که داشتند توسط عدلیه فروخته شده بین طلب کارها به طور عرفاً تقسیم شد و فعلاً هم از قراری که خودشان اظهار می‌دارند قریب صد هزار روپیه دیگر مقروض و همه روزه گرفتار عدلیه و ضیعت مالی ایشان خیلی بد است. از قراری که خودشان می‌گویند دعوی خساراتی بر دولت انگلیس داشته و همیشه انتظار دارند از طرف دولت مزبور جبران و مساعدت مالی با ایشان بشود. در هر حال عقیده حکومت هندوستان این است آنچه ایشان می‌نویسند یا به خیال جلب نفع و یا به تحریک دیگران برای تیرگی مناسبات بین دولتین است و اگر واقعاً به تبعید ایشان اقدام کنند بنده نمی‌دانم در اینجا تأثیر مهمی از خوب و بد بین ایرانی و هندی خواهد کرد یا خیر، ولی در بعضی از محافل ایران ممکن است تا یک چندی اسباب زحمت و تصدیع اولیای دولت بشود. حسب‌الوظیفه راپورت امر را به عرض رسانید البته هر طور دستور فرمایند اطاعت و اقدام خواهد شد.

سواد مطابق با اصل است. ۱۳۰۷/۴/۱۷

[مهر:] ژنرال قونسولگری دولت علیه در هندوستان

سند شماره ۲۱

مذاکره سرکنسول ایران در هندوستان (باقر عظیمی) با مدیر روزنامه حبل المتین
در خصوص مغایرت مندرجات روزنامه مزبور با مصالح عمومی و سیاسی
دولت ایران

[شیر و خورشید]

ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران

هندوستان

تاریخ: ۲۵ مرداد ماه

نمره: ۷۱۲

محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکته

چنانکه خاطر مبارک مستحضر است متجاوز از یک ماه است به سیملا وارد و در این مدت
مترصد بودم هر چه زودتر به کلکته رفته آقای مؤید مدیر حبل المتین را ملاقات و امر مبارک
را انجام دهم. متأسفانه کثرت گرفتاری‌های بدو ورود و تراکم امور متفرقه، گرمای هوا [و]
نداشتن مخارج مسافرت (به واسطه نرسیدن بودجه سه ماهه اینجا) مانع شد زودتر از این امر
مبارک به موقع اجرا گذاشته شود. بالاخره هر طور بود موجبات مسافرت را فراهم، ظاهراً به
عنوان سرکشی به امور قونسولگری کلکته و مذاکره در امور اقتصادی با تجار ایرانی، روز ۱۴
ماه جاری از اینجا حرکت و روز ۱۶ [به] کلکته وارد و سه روز در آنجا توقف کردم. در این
مدت چند دفعه آقای مؤید را ملاقات و فرمایشات حضرت اشرف را به مشارالیه ابلاغ و کاملاً
به ایشان فهماندم که مندرجات حبل المتین در سیاست عمومی دولت مخصوصاً مسئله
انتخابات و نفت جنوب و بعضی مسائل مهمه دیگر مقتضی نیست و علاوه بر این که اثری
ندارد و طرف اعتنا و توجه واقع نخواهد شد چون منافی صرفه و صلاح مملکت است نتیجه

خوبی برای ایشان نیز نخواهد داشت. مشارالیه پس از یک سلسله مذاکرات مفصل متقاعد شده قول داد دیگر در اطراف این گونه قضایای مهمه بدون نظر حضرت اشرف چیزی ننویسد و کاملاً مطیع اراده ذات مقدس ملوکانه روحنا فداء باشد. در این صورت تصور نمی‌کنم دیگر نگرانی از ناحیه ایشان باقی بماند و ضمناً قرار شد هرگاه امرو فرمایشی باشد که بایستی به وسیله روزنامه حبل‌المتین انجام شود یا محرمانه به بنده مرقوم و یا متینی نماینده مشارالیه را احضار و به او دستور صادر فرمایند تا در انجام آن اقدام شود.

ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی ایران در هندوستان

[امضا: باقر عظیمی]

سند شماره ۲۲

استعلام وزیر معارف (یحیی قراگوزلو) از وزارت دربار در خصوص تقاضای شیخ حسن قوام مبنی بر انتشار روزنامه‌ای به نام نامه پهلوی در مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف

ل - ۲۱

به تاریخ: ۹ مهرماه سنه ۱۳۰۷

نمره: ۱۵۱۰۷/۹۳۹

وزارت جلیله دربار پهلوی

آقای حاج شیخ حسن قوام مقیم مشهد تقاضای جریده‌ای [موسوم به «نامه پهلوی»] نموده که در آنجا منتشر نماید. چنانچه اعطاء امتیاز آن مانعی ندارد مقرر فرمایید مراتب را [به] وزارت

معارف اطلاع دهند تا به همان قرار اقدام نماید.

[امضا: یحیی قراگوزلو]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جریده موسوم به نامه پهلوی صلاح نیست.

سند شماره ۲۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۲۴۸۳

اسم پانویس کننده: سیدحسن

تاریخ تحریر: ۳۰ مهر ماه ۱۳۰۷

تاریخ خروج: ۳۰ مهرماه ۱۳۰۷

وزارت جلیله معارف و اوقاف

در جواب مراسله نمره «۱۵۱۰۷/۹۳۹» زحمت می دهد موسوم داشتن جریده به «نامه پهلوی» مقتضی نیست.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۲۳

درخواست ابوالقاسم اعتصام‌زاده (مدیر روزنامه ستاره ایران) مبنی بر موافقت
با انتشار روزنامه‌ای به زبان فرانسه توسط وی در تهران

روزنامه یومیه ملی

ستاره ایران

تهران، تلفن: ۱۳۷۶

آدرس تلگرافی: ستاره

تاریخ: ۲۷ آذر ماه ۱۳۰۷

نمره: خصوصی است

تصدق حضور مبارکت شوم

دیروز شرفیاب شدم که علت عدم حضور خود را در روز یکشنبه به عرض رسانیده از بندگان حضرت اشرف استدعا نمایم که از راه بنده نوازی تبریکات صمیمانه خانهازاد را که برائش کسالت شدید ناگهانی قدر[ی] به تأخیر افتاد به عرض خاک پای مبارک همایونی برسانند. گرچه ستاره ایران به وظیفه شاه‌پرستی خود عمل کرده و در روز جلوس اعلی‌حضرت تنها روزنامه[ای] بود که اهمیت این روز تاریخی را در نظر گرفته اصلاحات مهمه چند ساله را که در تحت توجهات همایونی به عمل آمده گوشزد قارئین کرد مع‌هذا خیلی متأسفم که نتوانستم شخصاً برای عرض تبریک شرفیاب بشوم. عرض دیگری که می‌خواستم دیروز بکنم به قرار ذیل است: چندی قبل آقای پاکروان، کفیل محترم وزارت خارجه با فدوی شرحی مذاکره فرمودند که نظر به معلومات خود در زبان و ادبیات فرانسه انتشار و اداره یک روزنامه فرانسه را در تهران به عهده بگیرم و ضمناً فرمودند که بایستی از طرف بندگان حضرت اشرف در این موضوع اوامر مطاعه صادر و دستور داده شود. خانهازاد نظر به این که بندگان حضرت اشرف سابقاً نسبت به مراتب دولتی‌خواهی فدوی اطمینان کامل حاصل نفرموده و حتی خانهازاد را مخالف تشخیص داده بودند در آن موقع قبول پیشنهاد آقای پاکروان را مقتضی ندانستم و تصمیم گرفتم که قبلاً وسایلی برای رفع سوءظن حضرت اشرف فراهم سازم. شاید بندگان

حضرت اشرف مسبوق نباشند ولی اغلب رجال دولت (من جمله آقای داور)^۱ به خوبی می‌دانند که بنده خانه و زندگی خود را در تبریز فروخته صرف انتشار ستاره ایران نمودم فقط به این عشق که بتوانم به سهم ناقابل خود خدمتی به شخص اعلی حضرت پهلوی کرده باشم و اوراق چند ساله ستاره ایران برای اثبات این قضیه کافی هست. تصور می‌کنم مخالفت‌هایی که سابقاً با دکتر میلسپو و اداره راه‌آهن سابق کردم اسباب تولید سوءظن شده باشد ولی لله الحمد در نتیجه تجربه ثابت شد که نظریات خانه‌زاد فقط و فقط از راه وطن‌پرستی و خیرخواهی بوده نه قصد مخالفت. گمان می‌کنم در ظرف این چند ماه اخیر در حضور مبارک به ثبوت رسیده باشد که شاید در میان تمام ارباب جرأید هیچ کدام به اندازه بنده علاقه به رژیم پهلوی ندارند و انگهی شاید خود اعلی حضرت همایونی در خاطر مبارک داشته باشند که چند سال قبل در زمان ریاست وزرایی ایشان بنده یک قطعه تمثال مبارک را مخصوصاً تقاضا کردم که زینت منزل قرار داده و با زیارت قیافه شجاع و با اراده اعلی حضرت همه روزه درس وطن‌پرستی و جدیت بگیرم. امروز همان تمثال مرحمتی بهترین زینت منزل می‌باشد.

باری بیش از این مصدع اوقات مبارک نمی‌شوم. راجع به روزنامه فرانسه فوق‌الذکر بنده خودم تصمیم گرفته‌ام که فعلاً هفته [ای] سه شماره یک صفحه به زبان فرانسوی انتشار بدهم (و شاید نویسنده قسمت فرانسوی جریده جدید حصار عدل نیز با بنده شریک بشود) - مقصود از عرض این عریضه این است که از حضور مبارک کسب اجازه نمایم و چنانچه مکرر عرض نموده‌ام هیچ‌گونه توقعی ندارم زیرا خدمت به اعلی حضرت همایونی را وظیفه خود می‌دانم. در خاتمه این نکته را نیز متذکر می‌شود که گمان نمی‌کنم در تهران هیچ‌کس غیر از بنده و همان ناشر قسمت فرانسه حصار عدل از عهده انتشار یک روزنامه فرانسه برآید. راجع به معلومات بنده هم آقایان وزیر عدلیه و وزیر معارف و کفیل امور خارجه و سایر رجال دولت اطلاع کافی دارند و حتی سفرای خارجه از قبیل وزیر مختار بلژیک و غیره ممکن است مراتب معلومات فدوی را در قسمت ادبیات فرانسه تصدیق نمایند. چنانچه فوقاً عرض شد مقصود [؟] فقط تحصیل اجازه است زیرا برای تأمین سرمایه دستور داده‌ام که آخرین قطعه ملکی را که در آذربایجان دارم بفروشند تا بتوانم وظیفه خود را تا آخر انجام بدهم.

[امضا: ابوالقاسم اعتصام‌زاده]

۱. منظور علی‌اکبر داور، وزیر عدلیه است.

سند شماره ۲۴

نامه اسماعیل منیر مازندرانی (مدیر روزنامه مهرمنیر) در خصوص نگارش مقالاتی در روزنامه خود در رد شایعات روزنامه‌های انگلیسی و هندی درباره ایران

[تاریخ: ۲۴ دی ماه ۱۳۰۷]

تهران

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم اشرف

آقای تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دامه عظمت‌العالی فایز باد

تصدقت شوم - در این روزها نظر به این که از طرف بعضی مفسدین و دشمنان عظمت ایران در جراید خارجه نشریاتی و تبلیغاتی به وسیله بعضی جراید هندی و انگلیسی می‌شود، این بنده جداً آنها را تکذیب، حتی یک خبری را که از مشهد آخوندهای مرتجع به وسیله پسر منصور التولیه هندی، جاسوس انگلیسیها در جریده سرافراز که مدیر جریده آن آدم بسیار خوبیست و بیچاره را مشتبه نموده بودند و از قول مخبر مشهد خود نوشته بود در ایران می‌خواهند بعضی جراید محلی ازلیها، دین اسلام را محو و دین قدیم اجدادی خود، آتش پرستی را ترویج بکنند بنده فوراً شرحی به آقای عظیمی جنرال قونسول هندوستان نوشتم و ایشان مدیر سرافراز را متنبه فرموده و وادار به تکذیب خبر نمودند. تازه در جریده الجمعیه دهلی که ارگان علمای سنی است خبری نقل کرده بود از جراید منطبعة لندن که انگلیسی هستند. مانند جریده تیلاست مورخه ۱۴ ژولای ۱۹۲۸ و جریده یونیورسیتی ۳ اگست ۱۹۲۸ و جریده لاتف اف فیته لندن ۸ اگست ۱۹۲۸ که همه روزه اهالی ایران در پرتو تبلیغات کشیشها تغییر مذهب می‌دهند و وارد مذهب مسیحی می‌شوند و مخصوصاً در اصفهان کشیشها علناً بر علیه اسلام در کوچه بازار تبلیغ و اهالی هم صدها نفر وارد دین عیسوی می‌گردند و چندین کلیسا تازه بنا شده و برای تبلیغ دین عیسوی در ایران ۱۲ کرویر رویه سالی بودجه معین شده است که در ایران مصرف تبلیغات بشود. بنده به وسیله «مهرمنیر» این اخبار را که همه دروغ است نیز تکذیب

مخصوصاً واداشتم جریده‌های راستی منطبقه جونپور و پیغام عملی لاهور و غیره شرحی از عملیات مشعشع اسلام پرستانه اعلی‌حضرت شاهنشاهی خلدالله سلطانه و اقدامات اسلام قوی ساز و موهوم برانداز حضرت وزارت جلیله دربار، مثل این که در ایران به مدارس متعلق به اروپایی‌ها من بعد امر شده است یا مطیع پروگرام وزارت معارف ایران باشند یا مسدود خواهند شد و تعلیم انجیل موقوف شده و باید به اطفال مسلم یک درس شرعیات اسلامی را در مدارس خودشان بدهند و بالمره در دوره پهلوی کلیسا تازه ساخته نشده و احدی از کشیشها جرأت ندارد بر علیه اسلام لب بگشاید تا چه برسد که علناً تبلیغ بکنند. در ایران احدی هم مذهب عیسوی قبول نکرده است و امیدوار است در عصر این دولت با عظمت حتی در مذهب اسلامی به همدستی علمای ربانی اصلاحات کافی هم شده و بشود و از بعضی بدعت‌های سیئه مثل قمه‌زنی و زنجیرزنی یا روضه خوانی‌های تمام ساله که اصلاً در اسلام چنین چیزی نبوده نیز جلوگیری خواهد شد.

درخصوص متحدالشکل شدن لباس هم همه روزه مردم با قدم‌های سریعی حاضر می‌شوند و اکثر اهالی لباس عید نوروزشان را کت^۱ [۱] پالتو یا کلاه پهلوی نموده‌اند. فعلاً به ملاحظه زمستان اگر بعضی به لباس سابق باقی هستند ولی کاملاً همه لباس عیدشان کلاه پهلوی و کت شلوار است. بلی اگر کارخانه کازرونی که وطنی است تقلب نداشت و پارچه خوب مناسب درست می‌کرد خیلی فروش می‌کرد. ولی این آدم نه به حدی کهنه عقیده و سلیقه و طماع است که بشود شرح داد. پارچه‌های پشمی خیلی خوب فروش شد. خیاطها هم در بی‌انصافی چیزی فروگزاری ننموده‌اند. یک دست لباس را تا پانزده تومان اجرت [می‌گیرند]. خوب است امر شود تا کسی مزد لباس را بلدی اعلام کند. کت پنتلون^۲ و شلوار جلیقه شش تومان مثل تهران خیلی مردم راحت خواهند شد. در مشهد هر طلبه نکره بی‌سوادى دارد نوشته می‌گیرد که ایشان از محدثین هستند. در صورتی سواد فارسی درست ندارد. اخبار صحیحه افغان این است راه قندهار هم مسدود شده و اغتشاش به قندهار هم سرایت کرده. چون تجار بمبئی از خشکبار خراسان خریداری می‌کنند و می‌نویسند به ملاحظه شلوغی خشکبار قندهار به هندوستان نمی‌آید. در طرف شمالی افغانستان هم خراب است. اهالی مخصوصاً از

۱. در اصل: کوت.

۲. در اصل: پنتلونی.

صاحب‌منصبان ترکیه که آمده‌اند نفرت دارند. پادشاهی امیر امان‌الله خطرناک است. اسلحه و افواج درستی که ندارند. اردوی خویشان که همه صاحب‌منصبان او ترک‌اند در جلال‌آباد بود و شکست خورد. ۵ طیاره در این اردو بود یاغی‌ها سوزانیدند. قصر امیر در جلال‌آباد که با اثاثیه یک کرور تومان می‌ارزید سوخت. برادرهای بزرگ امیر سردار عنایت‌الله خان و هدایت‌الله خان که اولی ولیعهد پدر بود و در عهد پدر معروف بود احتمال دارد پادشاه بشود. وضع امیر امیدبخش نیست. خوب بود در این موقع دولت ایران رولهای سیاسی خوبی را بازی کند و مداخله بکند. محض اطلاع عرض شد چون نگاشتن اخبار افغانستان را در مشهد سانسور مانع است نمی‌شود در جریده نوشت محض اطلاع عرض کردم. خبر تازه، ۱۵ ساله‌ها را در ماهی ۲۷ قران مواجب که مخارجشان با خودشان باشد در هرات دارند به سربازی می‌گیرند و می‌فرستند به کابل. حالشان خیلی خراب است تا بعد چه شود. محض اطلاع عرض شد.

باقی ایام عظمت مستدام باد

ارادتمند مدیر مهر منیر

[امضا: اسماعیل منیر مازندرانی]

[افزوده متن اصلی:] چند روز است که معروف است لهاک‌خان با عده [ای] ترکمان در اطراف بجنورد آمده است. قطعاً دست روسها در کار است. محض اطلاع جسارت شد. خدا کند زود جلوگیری بشود تا برای عمامه به سرها معجزه قرار ندهند. [امضا: اسماعیل منیر مازندرانی]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] صاحب پاکت مدیر مهر منیر است. رسید پاکتش را با قدردانی از تکذیب شایعات بکنید.^۱

۱. این حاشیه در قسمت بالای خلاصه نامه اسماعیل مهر منیر نوشته شده است.

سند شماره ۲۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ اصل مطلب: ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۷

نمره کتاب ثبت: ۴۳۳۴

تاریخ خروج فوق: ۱۳۴۷

آقای مدیر محترم جریده مهر منیر

مدلول مراسله شریفه که حاکی از مراتب وطن پرستی جنابعالی بود موجب حصول مسرت گردید و تکذیبی که از شایعات واهییه در جراید هندی و انگلیسی در جریده مهر منیر درج نموده اید شایان تقدیر و تحسین است و کاملاً وظایف جریده نگاری را ایفا داشته اید.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۲۵

مکاتبه مدیر روزنامه ایران (زین العابدین رهنما) در خصوص مقاله مندرج در روزنامه شرق نزدیک راجع به روابط ایران و عراق و استعلام در مورد دادن جوابیه ای به آن

[تاریخ: ۱۳۰۷/۱۰/۲۶]

[شماره: ۳۸۶۸]

تهران

روزنامه یومیه «ایران»

قربانت گردم روزنامه شرق نزدیک در آخرین شماره خود راجع به روابط ایران و عراق شرحی

نوشته است که ترجمه‌اش لفاً تقدیم می‌شود. پس از قرائت اگر مناسب می‌دانید جوابی نوشته شود اشعار فرمایید که همان طور جواب داده شود. اطلاعاً عرض می‌شود روزنامه‌های اخیر بین‌النهرین هم که به اداره رسیده تعرضاتی را بر علیه ایران داشت.

با ارادت صمیمانه

[امضا: زین‌العابدین رهنما]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۲۵/۱

ورقه اخبار

روزنامه یومیه «ایران»

ایران و عراق

انتخاب جدید ایران به عضویت شورای جامعه ملل و احراز یک کرسی غیردائمی موجب ابتهاج و مسرت فوق‌العاده‌ای است لیکن این نکته محل تردید است که اولین بیانات علنی نماینده آن مملکت به عنوان عضو شورای فی نفس الامر کار عاقلانه‌ای بوده یا آن که برای ازدیاد و تشریک منافع و صلح عمومی بوده است که تأمین آن منظور اصلی شورای جامعه ملل می‌باشد. زیرا در چهاردهم سپتامبر حضرت اشرف آقای محمدعلی خان فروغی نماینده ایران در کمیته جامعه ملل وارد یک سلسله شکایاتی از رفتار عراقی‌ها نسبت به ایرانیان مقیم عراق گردید. اظهار این شکایت البته چیز تازه‌ای نبوده زیرا کراراً این شکایات در ژنو و جاهای دیگر به عمل آمده ولی قسمتی که در شکایت اخیر تازگی دارد طرز اظهار آن بود که موجب تعجب و تحیر عموم گردید. [محمد] علی‌خان فروغی اظهار داشت که با اتباع ایران در عراق که قبل از جنگ در ایام تسلط ترک‌ها دارای امتیازات قضایی مخصوصی در بین‌النهرین بودند به طور عادلانه و مساوات رفتار نشده و مالیاتی که دولت عراق از اتباع خارجه اخذ می‌نماید تحمیل طاقت فرسایی بر زوار ایرانی می‌باشد که می‌خواهند روزهای آخر عمر خود

را در مشاهد مشرفه نجف و کربلا بسر ببرند.

روز بعد ناطق انگلیسی (مستر گدفری لاکر لامپسن) در جوابات اعتراضات نماینده ایران از حسن نیت دولت عراق دفاع نموده و اظهار داشت که امتیازات قضایی مخصوصی به ایرانی‌های مقیم عراق^۱ نمی‌توان تفویض نمود مگر آن که کاملاً سیستم قضایی تشکیلات ممالک عرب خراب و زیر و رو گردد. به طوری که انتظار می‌رفت از قرار معلوم این نکته را نماینده انگلیسی خاطرنشان نموده که محاکم عراق که از طرف مأمورین انگلیسی نظارت می‌شوند اگر بهتر از محاکم جدیدالتشکیل ایران نباشند بدتر نیستند. در موضوع شکایات ایران دایر به این که عراق از جاده دوستی و وداد بیرون رفته و یاغیان را پذیرفته و رؤساء ایلات و عشایر طاغی را در پناه خود گرفته خوب بود ایرانی‌ها اقدامات حکومت بغداد را نسبت به توقیف سالارالدوله یاغی به خاطر می‌آوردند و از این اقدام اظهار تشکر می‌کردند و همچنین خوب بود با کمی تأثر متذکر می‌شدند که شیخ محمود که سالها اسباب زحمت مصادر امور عراق بود کراراً به سرحدات ایران گریخته و در آنجا متواری شده است. لیکن اینطور نیست: ایران می‌خواهد مصائب و مشکلات خود را در انظار دنیا اغراق‌آمیز نشان داده ولی بر روی قصور خود خط بطلان بکشد. ما از این قدمی که ایران در ژنو برداشته است از نقطه نظر خود آن مملکت متأسف هستیم زیرا تمام نظریات اعضاء جامعه ملل نسبت به روابط ایران و عراق به طور کلی مساعد با دعاوی عراق است. بنابراین آیا بهتر نبود دولتین برای اخذ نتیجه مطلوبه داخل مذاکرات شخصی و خصوصی می‌گردیدند؟

شرق نزدیک - ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۸^۲

۱. در اصل: ایران.

۲. برابر با ۲۹/۶/۱۳۰۷.

سند شماره ۲۶

دستور وزارت دربار به اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی مبنی بر جلوگیری از تفسیر خبرها و حوادث مربوط به کشورهای همسایه در روزنامه‌ها و جوابیه آن اداره کل در این زمینه

• [شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۴۰۵۳

تاریخ خروج: ۶ بهمن ماه ۱۳۰۷

فوری - محرمانه

ریاست محترم^۱ تشکیلات کل نظمیه مملکتی

احتراماً جراید در باب اوضاع افغانستان بیش از آنچه که لازم است شرح و بسط داده و ضمناً نسبت به خود افغانها و ترکها و روسها نیش می‌زنند و این رویه اسباب گله‌مندی شده است. مقرر بفرمایید که به ذکر حوادث آن هم در حدود مجاز اکتفا کنند [و] از تعبیر و تفسیر خودداری نمایند. مخصوصاً این مراقبت نسبت به ناهید و اقدام بیشتر مورد پیدا می‌کند.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

۱. در اصل: محترمه؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۲۶/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۹ بهمن ماه ۱۳۰۷

نمره: ۱۱۵۴

محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله دربار دامت شوکته

در جواب مرقومه محترمه نمره ۴۰۵۳ راجع به مقالاتی که در جراید در موضوع افغانستان انتشار می دهند معروض می دارد از یدو شروع اغتشاشات در افغانستان این اداره مانع از اشاعه اخبار و مقالات مربوط به آن در جراید شده تا این که اخیراً حسب الامر دستور داده شد که فقط اخبار را مطابق مندرجات بی سیم های خارجه طبع و نشر نمایند و در اطراف آن به هیچ وجه مقالاتی ننویسند و مخصوصاً در این قسمت مراقبت کامل به عمل می آید ولی یکی دو نفر از مدیران جراید در این زمینه مقالاتی نوشته و قبل از طبع هم مأمورین مانع شده جواباً اظهار داشتند که مقالات مزبور به نظر آن وزارت جلیله رسیده و اصلاحاتی هم در آن شده و اجازه طبع را هم گرفته و برحسب اجازه منتشر خواهند نمود. مع هذا به طوری که مرقوم فرموده اند مجدداً دستور داده شد که فقط اکتفا به ذکر حوادث آن هم در حدود مجاز نموده و از تفسیر و تعبیر خودداری نمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ [محمد] درگاهی

[امضا]

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] روزنامه ایران که مقاله آن را اینجانب قبلاً دیده‌ام و اعتراضی هم نیست. دیگر مندرجات سایر روزنامه‌ها را قبل از طبع ندیده‌ام و خیلی مایل هستم بدانم کدام یک از آقایان مدیران جراید چنین دروغی را جعل کرده است.

سند شماره ۲۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۲۶۴

تاریخ اصل مطلب: ۱۰ بهمن ماه ۱۳۰۷

تاریخ خروج فوق: ۱۳۴۷

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظامیه مملکتی

با حصول استحضار از مدلول مراسله نمره (۱۱۵۴) زحمت می‌دهد که غیر از روزنامه ایران که مقاله آن را قبلاً دیده‌ام و اعتراض هم نیست دیگر مندرجات سایر روزنامه‌ها را قبل از طبع ندیده‌ام و خیلی مایل هستم بدانم کدام یک از آقایان مدیران جراید چنین دروغی را جعل کرده است.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۲۶/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظامی مملکتی

به تاریخ: ۱۳ بهمن ماه ۱۳۰۷

نمره: ۱۱۷۶/۱۹۷

ضمیمه: پنج شماره جراید اقدام و اطلاعات

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

در جواب مرقومه محترمه نمره (۴۲۶۴) راجع به مدیران جرایدی که اظهار داشته‌اند مقالات منتشره در موضوع واقعات اخیر افغانستان را با دستور و اجازه نوشته‌اند معروض می‌دارد مطابق راپورت اداره تأمینات اتحاد، مدیر داخلی روزنامه ایران و مدیران جراید اطلاعات و اقدام در موضوع مقالات منتشره در شماره‌های (۶۸۸) اطلاعات و ۷۰۸ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ اقدام) اظهار داشته‌اند که مقالات مزبوره با دستور و اجازه آن مقام منیع تهیه و طبع گردیده است. عین شماره‌های فوق منضمّاً تقدیم گردید. مستدعی است امر و مقرر فرمایند پس از ملاحظه اعاده دهند.

رئیس کل تشکیلات نظامی مملکتی

سرتیپ [محمد] درگاهی

[امضا]

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

[حاشیه پایین، دوم:] شماره‌ها ضمیمه نبود که به آرشیو آمد.

سند شماره ۲۷

درخواست اهالی همدان مبنی بر رفع توقیف از روزنامه توقیف شده گلگون

[تاریخ: ۲۵ بهمن ۱۳۰۷]

پیشگاه با عظمت اعلی حضرت

اقدس شهریار پهلوی شاهنشاه ایران خلدالله ملکه و سلطانه

همدان که یکی از شهرهای قدیمی و تاریخی ایران و مرکز طرق تجارتی غرب می باشد به واسطه بی علاقه‌گی زمامداران سلف سکنته آن دچار جهل و نادانی و نظر به نواقص معارفی اوهام و خرافات در اینجا رواج مخصوص دارد. با این حال اوضاع برای استفاده جمعی مفتخواران که همیشه تحمیل جامعه و مانع هر نوع اصلاحات و بیداری مردم هستند مساعد گردیده. در این عصر نورانی که قادر متعال ذات مقدس را برای نجات ایران از گرداب جهل و غفلت برانگیخت و هر شهری از اصلاحات منظوره و منویات ملوکانه برخوردار گشته. برای ما علامت بدبختی است که اوضاع گذشته را باز مشاهده نماییم که تکرار می شود. اشخاص مخالف اصلاحات حتی قانون مقدس نظام وظیفه و اتحاد شکل به وسایلی متشبهت گردیده اخیراً روزنامه گلگون را به وسیله وزارت داخله توقیف نموده اند. در صورتی که همدان فقط دارای همین یک روزنامه است که با زحمت و فداکاری یک نفر آزادیخواه بی غرض اداره می شود. در صورتی که در عصر پر از افتخار آن اعلی حضرت همدان احتیاج به چندین روزنامه و مجله برای هدایت افکار مردم دارد و با همین یک جریده کوچک هم ضدیت نموده، توقیف آن را باعث شده اند. از ساحت مقدس ملوکانه که امروز تنها نگاهبان عظمت و بیداری و سعادت ملت است عاجزانه استرحام می شود امر اکید در رفع توقیف جریده گلگون صادر و بدین وسیله عاشقان اصلاحات و ترقیات را به مراحم ملوکانه مستظهر فرمایید.

[امضای جمعی از اهالی همدان: عبدالکریم فرشچی، علی اکبر حکمتی، ایوب رفعت و...]

سند شماره ۲۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۵۰۱۴

تاریخ خروج: ۲۶ فوق ۱۳۴۰

تاریخ اصل مطلب: ۲۵ اسفند ماه ۱۳۰۷

اسم پاکنویس کننده: سیدحسن

آقایان اهالی همدان

در جواب عریضه [ای] که به خاکپای مبارک همایونی تقدیم داشته اید اخطار می شود که توقیف روزنامه گلگون برای خواهش و اقدام کسی نبوده بلکه مندرجات بی رویه و خالی از حقیقت آن بوده است و البته عموم اهالی در ظل مقدس ملوکانه از اصلاحات عمومی برخوردار خواهند بود.

وزیر دربار پهلوی

[حاشیه بالا:] دواخانه جوادیه.

سند شماره ۲۸

ابراز رضایت عبدالحسین تیمورتاش از مطالب منتشر شده در روزنامه
مساژه دو تهران

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۳۹۳/۴۱۶

تاریخ خروج: ۱۳۰۷/۱۱/۱۷ [۱۳]

آقای ملک کرم مدیر جریده مساژه دو تهران

مشروحه امتنان‌آمیز شما مورخه ۲۹ ژانویه وصول داده و از شرحی که مبنی بر تحسین و تمجید از عملیات اینجانب نگارش رفته بود مسرت وافر و خشنودی کامل دست داد. البته وظیفه هر فردی از افراد مملکت این است که در تحت قیادت ذات مقدس ملوکانه در راه خدمت به وطن بذل سعی نموده و منویات خاطر خطیر شاهانه را مجری باشد. مخصوصاً جراید و مطبوعات که مؤثرترین عامل در ترقی و تکامل ملت محسوب و می‌بایستی تعقیب این منظور را پیوسته نصب‌العین قرار دهند. رویه روزنامه شما در این مدت رضایت بخش بوده و امید است در آتی نیز موفقیت کامل‌تری را احراز نماید.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۲۹

دستور وزارت دربار به ایالت فارس مبنی بر توقیف روزنامه فروردین در صورت تداوم انتشار مطالبی علیه مقامات کشوری

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۶۱۵

تاریخ اصل مطلب: ۲ اسفند ماه ۱۳۰۷

ایالت جلیله فارس

در شماره سیّم روزنامه فروردین شرحی بر ضد قوام و ذوالقدر نوشته و متعرض حیثیت آنها شده است. لازم است که مقرر فرمایید مدیر روزنامه از انتشار این گونه اخبار خودداری بکند و اگر تجدید گردد روزنامه را توقیف فرمایید.

سند شماره ۳۰

درخواست محمد نجات از ریاست وزراء مبنی بر اجازه انتشار روزنامه «دمکرات» و جوابیه ریاست وزراء در این زمینه

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

از وزارت جلیله معارف درخواست اجازه نشر روزنامه نمودم در جواب می نویسند که باید از مقام محترم اجازه حاصل نمود. این است که استدعا می شود مقرر فرمایند اجازه روزنامه یومیه

به اسم (دمکرات) به بنده مرحمت شود.

محمد نجات

[امضا]

[حاشیه پایین:] با آقای وزیر علوم حضوراً مذاکره فرمایید.

سند شماره ۳۰/۱

[شیر و خورشید]

ریاست وزراء

تهران

آقای نجات

عرض می‌شود مرقومه محترمه راجع^۱ به تقاضای اجازه نشر روزنامه شرف وصول ارزانی و از مفاد آن مستحضر گردید. در آن باب با حضرت آقای وزیر علوم حضوراً مذاکره نموده و نتیجه را به اطلاع جنابعالی خواهم رسانید.

[امضای پیش‌نویس: ناخوانا]

سند شماره ۳۱

تشکر مدیر مجله ارمغان (حسن وحید) از وزارت دربار بخاطر حمایت‌های آن وزارتخانه از مجله و درخواست بالا رفتن رتبه اداری وی در وزارت معارف

تاریخ: ۱۵ اسفند ماه ۱۳۰۷

تهران
مجله ارمغان

خدایگان بزرگا

به شکرانه^۱ این نعمت که آن خواجه ارجمند به دستیاری دست کرامت مجله ارمغان را از آفت تعطیل مصون و نگارنده ارمغان را از حملات دشمنان چیره‌دست که برای قطع مختصر حقوق معارف وی کمر بسته بودند محفوظ داشته و می‌دارد قریب شش ماه هست قصیده [ای] در تتبع قصیده استاد کمال‌الدین اصفهانی مردف به ردیف منظوم است و در اصفهان و تهران به هر مجلس و محفل انشاء و آرزومند بودم که در موقع مناسب در آن محضر ادب مظهر از لحاظ انور بگذرانم و چون این توفیق با اینکه از چند نفر دوستان ادب خواهش کرده بودم دست نداد، اینک یک نسخه ارمغان محضرعالی گردید و هرگاه در موقع فراغت و تفریح احضار فرمایند شفاهاً ادای وظیفه خواهم کرد و قسمت تظلم هم که نگاشته نشده به عرض عالی خواهم رسانید.

در وزارت معارف با اینکه دیگران سالی دو سه رتبه بالا رفته‌اند رهی ده سال است در رتبه سه متوقف مانده و رفع این ظلم موقوف یک اشارت مختصر از آن خواجه بزرگ است. قبض اعانت ارمغان نیز تقدیم آستان گردید. سال قبل هم همین اوقات تقدیم شده بود.

زیاده عرضی نیست

[امضا: حسن وحید]

سند شماره ۳۱/۱

«قبض اشتراک مجله ارمنان»

تهران

نمره: ۲۱۱

مبلغ... بابت قیمت سال دهم توسط بندگان حضرت اشرف امجد عالی آقای تیمورتاش وزیر
محترم دربار پهلوی دامت شوکت به اداره رسید.

تاریخ: ۸/۷ ماه ۱۳۰۸

محل مهر اداره

محل امضای مدیر

[مهر:] اداره مجله ارمنان

[امضا: حسن وحید]

دوره ده ساله ارمنان در ده جلد مرتب در اداره موجود است و به قیمت معمول به فروش
می‌رسد. اگر می‌خواهید منتخب آثار و شرح احوال شعرا و ادبای ایران را از قدیم و جدید
بخوانید. اگر می‌خواهید خلاصه و برگزیده هزارها کتاب و دیوان شعر و ادب را در یک کتاب
بجوید فقط دوره ده ساله ارمنان را تحصیل کنید بشتابید که زود تمام می‌شود و دیگر دسترس
نخواهید داشت. دیوان استاد ابوالفرج و دیوان نویافته باباطاهر و جام جم اوحدی و ره‌آورد
وحید هم ضمیمه است.

سند شماره ۳۲

استعلام ژنرال کنسول ایران در هندوستان از وزارت امور خارجه در مورد موارد تخلف مدیر روزنامه حبل المتین جهت تذکر به وی و ابلاغ مراتب اعتراض وزیر دربار نسبت به مندرجات روزنامه مزبور

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

به تاریخ: ۲۸ اسفند ماه سنه ۱۳۰۷

نمره: ۶۶

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

از ژنرال قونسول دولت علیه در هندوستان راپورتی [به] نمره ۱۱۸۴ راجع به ملاقات خود با مدیر حبل المتین رسیده که عین آن برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم می‌شود.

[امضا: محمدعلی فرزین]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۳۲/۱

[شیر و خورشید]

ژنرال قونسولگری ایران

دهلی

به تاریخ: ۲۳ بهمن ۱۳۰۷

نمره: ۱۱۸۴

وزارت جلیله خارجه

حسب الامر برای ملاقات و مذاکره با مدیر حبل المتین روز ۲۶ دی از دهلی حرکت و روز ۲۷ غروب به کلکته وارد پنج روز در آنجا توقف کرده امر مبارک وزارت جلیله دربار را به مشارالیه ابلاغ و کاملاً ایشان را به وظایف امروزی خود آگاه نمود. چنان که ضمن تلگراف نمره ۱۲۰۰ مورخه ۲۹ دی از کلکته عرض شد مشارالیه از حصول این امر متعجب شده اظهار می داشت تاکنون هیچ وقت مخالف مصالح و نظر دولت مخصوصاً وزارت جلیله دربار چیزی ننوشته است که مورد این اعتراض و تصمیم واقع شود و بالاخره پس از تفکر زیاد تصور می کرد مقالاتی که راجع به افغانستان یا اعتراض به سانسور مطبوعات در ایران نوشته شاید جلب توجه کرده است. بنده هم چون از نظر دولت نسبت به مقاله یا مقالات مخصوص اطلاع نداشتم اظهار عقیده نکرده فقط ایشان را متذکر و متقاعد کردم که دیگر مقاله بی امضا یا امضای مجهول درج ننمایند و ضمناً قرار شد بنده نظر دولت را استفسار کنم هرگاه به قسمت و مقاله خاصی نظر دارند مرقوم فرمایند تا جبران نماید. این بود که تلگراف نمره ۱۲۰۰ عرض شد چون تاکنون جوابی در این باب زیارت نشده و مشارالیه نیز همه روزه کسب تکلیف می نماید مستدعی است مقرر فرمایید هرگاه بایستی جوابی داد زودتر مرقوم فرمایند.

ژنرال قونسول دولت علیه ایران در هندوستان

[امضا: باقر عظیمی]

سند شماره ۳۳

خلاصه نامه محمدعلی مکرم به وزارت دربار در خصوص انتشار روزنامه کامکار

تهران

[نمره: ۳۴۱]

نامه ملی صدای اصفهان

[تاریخ: ۸/۱/۲۰] [۱۳۰]

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف

آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ العالی

مکرم عرض می‌کند روزنامه کامکار غفله منتشر شده و مجله پاریس را تأیید کرده و یک نسخه آن را فرستاده فقط در آن روزنامه چیزی که به نظر رسید از عمال بلوکات تنقید کرده است که حکومت کل جلوگیری نماید و نیز مکرم یک نسخه روزنامه خودش را برای مقایسه تقدیم داشته است که الحق خیلی نامربوط می‌نویسد.^۱

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

۱. شایان ذکر است خلاصه نامه محمدعلی مکرم در کاغذی با سربرگ روزنامه نامه ملی صدای اصفهان نوشته شده

سند شماره ۳۴

استعلام وزارت دربار در خصوص توقیف روزنامه گلستان

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۱۰۸۴

تاریخ خروج: فوق

تاریخ اصل مطلب: ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸

شیراز

ایالت جلیله

متمنی است معلوم فرمایند علت توقیف روزنامه گلستان چه بوده است و در رفع توقیف آن چه صلاح می دانید.

وزیر دربار پهلوی

[حاشیه پایین: رمز شد.

سند شماره ۳۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

[تاریخ: ۱۶ اردیبهشت

نمره: ۱۲۲

از: شیراز

وزارت جلیله دربار ۱۰۸۴، علت توقیف از ناحیه ایالت سابق [است.] رفع توقیف ضرری ندارد.

اکبر

[حاشیه پایین، اول:] برحسب امر که توقیف شده است آیا سابقه داریم یا خیر؟
[حاشیه پایین، دوم، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۳۵

اخطار به مدیر روزنامه ناهید (میرزا ابراهیم خان ناهید) به دلیل چاپ
کاریکاتوری راجع به تجارت اتحاد جماهیر شوروی با کشورهای شرقی

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۱۸۹۰

تاریخ خروج: ۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۸

محرمانه

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه

در نمره اخیر ناهید کاریکاتوری راجع به تجارت اتحاد جماهیر شوروی با ممالک شرقیه
مندرج بود که به کلی بی مورد و مضر بود. چنانکه سابقاً هم تذکر داده شده بود یکی از مسائلی
که جراید نباید بدون مراجعه قبلی به دولت اقدام نمایند تعرض و انتقاد و یا مدح و ستایش
ممالک همجوار و کلیه ممالکی بود که دولت ایران با آنها روابط سیاسی و اقتصادی دارد ولی
متأسفانه ناهید این رویه را ملحوظ نداشته و تجاوزات مضره می نماید در صورتی که مضرات
این گونه انتشارات محتاج به ذکر نیست. این است که حسب الامر مطاع مبارک ابلاغ می کنم
که به طور خیلی جدی به ناهید خاطر نشان بفرمایید که حق هیچ نوع اعتراض و تعرضی به
ممالک خارجی و سیاست خارجی ندارد و اگر باز هم تخطی بکند از انتشار روزنامه مزبور
جلوگیری بفرمایید.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۳۶

دستور جلوگیری از درج مقالات راجع به فلسطین در جراید کشور

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۵۳۷۴

تاریخ تحریر: ۴ مهر ماه ۱۳۰۸

اسم پاکت‌نویس کننده: سیدحسن

تاریخ خروج: ۶ مهرماه ۱۳۰۸

محرمانه

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

در روزنامه اقدام نسبت به قضایای فلسطین مقالاتی مندرج شده که مفهوم آن بر ضد یهود و برله اعراب است. دو قطعه از بریده روزنامه مذکور که حاوی این مقالات است لفاً ارسال و لزوماً زحمت می‌دهد که از درج این قبیل آرتیکل‌ها^۱ [که] ایجاد کدورت‌هایی نموده و تحریکاتی را تولید خواهد کرد که منافی مصالح مملکت و برخلاف سیاست است لازم است اقدام مقتضی در جلوگیری از انتشار این گونه مقالات و تحریکات نسبت به هر دو طرف به عمل آمده و مقرر فرمایید عموم جراید طریقه بی‌طرفی را اختیار نمایند.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۳۶/۱

تاریخ: ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۸

به خاکپای پدر تاجدار و ناجی ایران اعلی حضرت شاهنشاه ایران ارواحنا فدا
قریب به دو هزار سال است که ملت یهود در تحت لوای دولت علیه ایران می‌زیسته و زندگانی

می‌نماید و از دوره کورش^۱ کبیر اول الی کورش کبیر ثانی اعلی حضرت پهلوی این ملت همیشه مطیع قوانین و مقررات دولت تابعه بوده و از هیچ گونه فداکاری خودداری و مضایقه ننموده است و خلاف امری هم از او سر نزده است ولی متأسفانه در نتیجه تبلیغات بی‌جا بعضی مفسدین و در اثر بی‌مبالاتی زمامداران سلف دوره رژیم گذشته این ملت در تحت فشار و شکنجه عده [ای] بی‌سواد و اویاش گردید اما از دوره [ای] که آفتاب طالع ایرانیان درخشید و آن پدر تاجدار به زمامداری امور پرداخته این ملت هم از کلیه فواید این مملکت استفاده نموده و با کمال آسودگی و آرامش زندگانی می‌نماید و هیچ وقت در پیشگاه باری تعالی فراموش زحمات پدرانه آن تاجدار را نمی‌نماید. همواره به دعا و ثنا [ای] آن ذات پاک مشغول است. اخیراً چنانچه شایع است در فلسطین بین اعراب و یهود بعضی اختلافات حزبی که معلوم و واضح است به واسطه چه و چرا است واقع گردیده است و اعراب یهود و بعضی ممالک نیز به واسطه حس همدردی یا سیاست در این گونه نمایشات شرکت جستند ولی ملت یهود ایران به هیچ وجه در این گونه سیاست‌های خارجی دخالتی نداشته و قعی به این گونه شایعات ننهاده مشغول کار خود می‌باشد. ولی متأسفانه دستجات مغرض که خیالی جز مشوب ساختن اذهان عامه و هرج و مرج نمودن مملکت هر روزی به شکلی و هر ساعتی به بهانه [ای] ندارند این قضایا را اهمیت داده مشغول بعضی تبلیغاتی هستند تا شاید بتوانند از این راه خیالات مفسد جویانه خود را به منصه ظهور بگذارند ولی این ملت با عزم^۲ راسخ و اراده آهنینی که نسبت به اعلی حضرت پدر بزرگوار خود سراغ دارد مطمئن است که ذره [ای] تجاوز نسبت به او نخواهد شد. از آنجایی که نماینده افکار یک ملت روزنامه است اینک لفاً یک قسمت از روزنامه اقدام را تقدیم و استدعای عاجزانه دارد که امر [و] مقرر فرمایند که از این گونه مطالب و اخباری را که زننده و تأثیر کننده و در جزو شایعات می‌باشند از درج آنها خودداری نموده و بر این ملت منت گذارند تا از هر گونه پیش آمد سوئی جلو گرفته شود.

امر امر مبارک



سند شماره ۳۶/۲

وزارت داخله
[شیر و خورشید]
اداره کل تشکیلات نظامیه مملکتی

به تاریخ: ۹ مهر ماه ۱۳۰۸، نمره: ۱۰۰۵/۶۴، محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته
در جواب مرقومه محترمه نمره (۵۳۷۴) راجع به جلوگیری از درج مقالاتی که مربوط به
قضایای فلسطین و مفهوم آن بر ضد یهود و برله اعراب است معروض می‌دارد به کلیه مدیران
جراید اخطار گردید که راجع به اوضاع فلسطین مقالاتی درج ننموده و اظهار عقیده ننمایند.
رئیس کل تشکیلات نظامیه
[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۳۷

مکاتبه مدیر روزنامه راه نجات (ابراهیم راه نجات) در خصوص بی‌اساس بودن
تهمت‌های نسبت داده شده به رئیس نظام وظیفه اصفهان

مورخه: ۵ شهرج ۲ - ۱۳۴۸

اصفهان
اداره جریده راه نجات

مقام مقدس وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت عظمته
با کمال ادب و احترام معروض می‌دارد چون این بنده همیشه اوقات وظیفه خود را در

خدمت‌گزاری^۱ به دربار معدلت مدار می‌دانسته و نگارشات روزنامه راه نجات نیز گواه و صدق عرایض مرا می‌رساند لذا این ایام از گوشه و کنار می‌شنوم که بعضی استفاده جویان به وسیله عریضه‌پرانی بی‌امضا تهمت‌هایی به آقای یاور عبدالحسین خان رئیس نظام وظیفه اصفهان که شهدالله به طور حسن سلوک و خوش رفتاری و صحت عمل ادای وظایف نموده می‌زنند و اسباب مزاحمت بندگان حضرت اشرف عالی را فراهم می‌آورند. این بود که درصدد برآمدن بدین مختصر افکار مقدس را از جریان مطلع سازم. به راستی و درستی قسم است که شخص یاور عبدالحسین خان مأموری است بی‌طمع و آبرومند. می‌خواهد در مقابل دولت ابد مدت وظیفه‌شناسی نموده و انجام وظایف خویش را به درستی و پاک‌دامنی به پایان رساند. یک مشت رجاله هوچی استفاده‌جو تقاضاهای بی‌موردی از ایشان کرده و می‌نمایند که قادر به انجام آن نبوده و برخلاف وظیفه خود می‌دانند. این است که آنها در مقام دشمنی به وسیله عریضه بی‌امضا و تهمت‌های بی‌جا برآمده و می‌خواهند بدین طریق ذهن اولیای امور را به خدمت صادقانه مشارالیه مشوب سازند و درحقیقت آب را برای ماهی گرفتن خود گل‌آلود سازند و از آنجایی که آن حضرت اشرف این زمره مردمان بی‌عاطفه را به خوبی می‌شناسید مسلم است که به عرایض بی‌امضای آنها که حکم شب‌نامه را دارد وقتی نخواهید گذارد بلکه عواطف بزرگی و احساسات آقایی خود را شامل معظم‌له خواهید فرمود زیرا که وظیفه خود را در مقابل دولت موافق شئون دولت انجام داده و به تقاضاها و آمال نامشروع استفاده‌چیان اهمیتی نداده و دست رد به سوی آنان دراز کرده است و باز مسلم است که حقیقت را نمی‌شود پایمال نمود. هرگاه عرایض نویسان که از امضای صریح خودداری نموده حرف حقی داشتند چرا با امضای روشن خود را عرض نموده و نمی‌نمایند. پس مسلم است که مقاصد آنها چیست و خیال آنان کدام. در این زمینه عرض می‌کنم البته برای افکار مقدس حضرت اشرف خیال آنان روشن است و مقاصد آنان معلوم. زیاده ایام عزت و جلالت برقرار.

فدوی ابراهیم مدیر روزنامه راه نجات

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

۱. در اصل: خدمت‌گذاری؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۳۸

در خواست مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مؤدھی) از تیمورتاش مبنی بر رفع سانسور از روزنامه وی

اداره روزنامه آئینه ایران

مورخه: ۲۵ آبان ماه ۱۳۰۸

نمره: ۷۴۵

مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکته

جریده نوین آئینه ایران از تاریخ هفتم آبان ماه در تهران منتشر گردیده که تا آخرین نمره آن را به دفتر محترم تقدیم داشته احساسات قلبی و خدمات قلمی که در موقع تصدی جراید برعهده بنده بود شاید شاهد روحیات بنده باشد؛ مخصوصاً چند ماهه که روزنامه وطن به مدیریت بنده اداره می شد و خوشوقتیم که در همان اوان استدعای بنده مورد قبول یافته و رفع سانسور شد. اکنون باز استدعای خود را در این موقع برای این روزنامه جدید که تحت مسئولیت و مراقبت بنده اداره می شود تجدید [می] نمایم. مقرر فرمایند که قرارداد معینه را به تعهد بنده رسانیده و قسمت سانسور را که هر شب زحمت می دهد و مقداری از شب را در مطبعه گرفتارم بردارند که با دلگرمی به ایفای وظیفه در خدمتگزاری مفتخر باشم و امیدوارم در تسریع استدعای بنده بذل عنایت خواهید فرمود.

با تقدیم احترامات فایقه

مدیر و مؤسس و صاحب امتیاز

[امضا: علی اصغر امیرجلیلی مؤدھی]

[مهر: اداره روزنامه آئینه ایران]

مؤسسه ۱۳۰۸، تهران

سند شماره ۳۹

گزارش حسنعلی غفاری به وزارت دربار درخصوص چگونگی انتشار اعلامیه
قضایی مربوط به اتباع خارجه در روزنامه‌ها

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

به تاریخ: ۲۷ آبان ۱۳۰۸

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

به طوری که با تلفن معروض شد اعلامیه قضایی مربوط به اتباع خارجه که بدو در جریده
اطلاعات انتشار یافت از طرف وزارت امور خارجه به جراید داده نشده بلکه مطابق اعتراف
ایروانلو^۱ مخبر روزنامه اطلاعات که به جناب مستطاب اجل آقای وزیر عدلیه هم حضوراً
اظهار داشته است متحدالمآل مربوط به اعلامیه مزبوره را از وزارت عدلیه به دست آورده و
تحت همین عنوان هم در روزنامه خود منتشر نموده است. فقط وقتی بدین طریق اعلامیه تنها
راجع به اتباع انگلیس انتشار یافت برای اینکه تصور نشود که این اعلامیه منحصر به اتباع
انگلیس بوده دستور داده شد که اعلامیه مربوط به سایر اتباع خارجه نیز درج شود.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.

[حاشیه پایین: روزنامه اطلاعات:] بهنام، عدلیه[: غفاری.

۱. تیمورتاش زیر اسم ایروانلو خط کشیده و در حاشیه راست نوشته است: «هاشم خان؟»

سند شماره ۴۰

تقاضای مدیر روزنامه اطلاعات (عباس مسعودی) وعده‌ای از طرفداران آن از
رضاشاه و تیمورتاش مبنی بر رفع توقیف از روزنامه مذکور

تهران

روزنامه یومیه عصر

مورخه: یکشنبه دوم آذر ۱۳۰۸

اطلاعات

آستان مبارک بندگان اعلیٰ حضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداء
اوراق چهارساله روزنامه اطلاعات بهترین شاهد خدمتگزاری این روزنامه به مملکت است.
پیروی از نیات مقدس بندگان اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء [را] بالاترین
وظیفه ملی خود دانسته زیرا افکار مبارک شاهانه روی سعادت و ترقیات ملت و مملکت ایران
و تجدید عظمت و اقتدار این سامان می‌باشد و بدیهی است وظیفه هر وطن پرستی این است که
حتی القوه در انجام نیات مقدس همایونی که به خیر و صلاح و ابهت مملکت است خود را
موظف داند.

در این موقع که چاکر در پیشگاه ملوکانه مقصر واقع شده و روزنامه اطلاعات دچار تعطیل
گردیده می‌خواهد تفقد و عواطف شاهانه را شامل حال خود سازد. چاکر تقصیری متوجه خود
نمی‌داند زیرا در برابر یک اوراق چاپ شده رسمی که مخبر اداره به شکل متحد المال به اداره
برای طبع تسلیم داشته هیچ تصور نمی‌رفت انتشار آن بر خلاف میل و نظر دولت شاهنشاهی
باشد چنانچه همین تصور را سایر همکاران نموده و هیچ یک تشخیص سوء نداده به نشر آن
مبادرت ورزیدند و در اینجا تنها گناه روزنامه اطلاعات این بوده است که عصرها منتشر
می‌شود و اخبار را یک روز از سایر جراید زودتر نشر می‌دهد.

اینک با اعتراف به خبط خود از آستان مبارک بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایونی استدعا
دارد امر و مقرر فرمایند روزنامه اطلاعات که در مدت چهارساله دوام همیشه روی مصالح
مملکتی پیش می‌رفته و تحت توجه و حمایت ملوکانه موفق شده است در این عصر با افتخار

یک روزنامه عصر آبرومندی در مملکت باشد در محاق تعطیل و توقیف نیفتاده و قبل از اینکه سکتہ [ای] به آن وارد شود از طرف ذات مقدس همایون شاهنشاهی امر به رفع تعطیل آن صادر گردد.

[امضا: عباس مسعودی]

[حاشیہ پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۴۰/۱

[تاریخ:] ۱۳۰۸/۹/۷

مقام منیع بندگان حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکتہ به طوریکہ خاطر محترم مستحضر است آقای مسعودی مدیر جریدہ اطلاعات از بدو تأسیس روزنامه خود در تنویر افکار جامعه و تبلیغ نیات اصلاح طلبانہ ہیأت محترم دولت عامل صمیمی و مؤثری بوده تمام ہم خود را به تہیہ سرمایہ معنوی مصروف و از سرمایہ و وسایل مادی تہی دست می باشد و به این جهت ادامہ تعطیل روزنامہ برای او غیر قابل تحمل می باشد. استدعا داریم مراتب عسرت آقای مسعودی و استدعای بندگان را به عرض خاکپای ملوکانہ رسانندہ ابلاغ انتشار مجدد روزنامہ را صادر فرمایید و امیدواریم این پیش آمد موجب عبرت و تذکر کافی شدہ در آتیہ مراقبت بیشتری در حسن ادارہ روزنامہ خود بنمایند.

[امضای چهل و یک نفر:] بروجردی، سیدمرتضی وثوق، دکتر طاهری، یاسائی، احتشامزادہ،

جمشیدی مازندرانی، احمد بهرامی و...

[حاشیہ بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۴۱

درخواست محمدعلی فرزین (کفیل وزارت امور خارجه) از وزارت دربار
مبنی بر جلوگیری از چاپ مقاله‌های رحیم زاده صفوی در روزنامه اتفاق اسلام

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

[تاریخ: ۱۳۰۸/۱۰/۹]

نمره: ۱۲۰۱۳

با ضمیمه

وزارت جلیله دربار پهلوی

از ژنرال قونسولگری ایران در هرات راپورتی راجع به مقاله‌ای که در روزنامه اتفاق اسلام درج شده و دسیسه‌هایی که برای انتشار این قبیل مقالات در کار است رسیده است که سواد راپورت مزبور و منضمات آن و عین جریده اتفاق اسلام برای استحضار خاطر محترم لفاً ارسال می‌شود.^۱ با اینکه خاطر محترم به کلیه گزارش اوضاع احاطه کامل دارد مع‌هذا نظر به اینکه وزارت امور خارجه مسائل راجعه به افغانستان را قابل مراقبت دقیقی می‌داند این است که توجه خاطر محترم عالی را جلب و مستدعی است اگر دستورهای مخصوصی ضرورت داشته باشد ابلاغ فرمایند تا اقدام شود و ضمناً در صورتی که صلاح باشد به جراید تهران و خراسان تذکر داده شود که از انتشار مقالاتی که بی‌جهت باعث سوء تفاهم و رنجش می‌شود خودداری نمایند.

[امضا: محمدعلی فرزین]

[مهر: وزارت امور خارجه]

۱. پیوست‌های مذکور در پرونده موجود نبود.

سند شماره ۴۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۸۶۶

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب نمره «۱۲۰۱۳» زحمت می‌دهم که دستور داده شد مقالات صفوی را جراید درج نکنند. به آقای کاظمی دستور خواهید داد که در محل از انتشار مقالاتی مثل مقاله اتفاق اسلام جلوگیری نمایند. جریده مزبور و راپورت مربوط به آقای کاظمی لفاً عودت داده شد. وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۴۲

مکاتبه تشکیلات کل نظمیه مملکتی با وزارت دربار در خصوص چاپ اعلامیه‌ای در سالنامه پارس مبنی بر بهائی بودن اکثر رؤسای مستفد ادارات دولتی و نفوذ آنها در جریانات سیاسی و داخلی ادارات، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

نمره: ۱۹۳۷/۳۰۹

ضمیمه: سواد اعلان

به تاریخ: ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۸

محرمانه - مستقیم

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

طبق راپورت اداره اطلاعات در تقویم پارس ۱۳۰۹ یک صفحه اعلانی که سواد آن منضمماً

تقدیم می‌شود طبع شده است که در آن اکثر رؤسای متنفذ ادارات دولتی را بهائی معرفی کرده و جریان سیاسی و داخلی ادارات را نیز تحت نفوذ آنها قلمداد می‌نماید. چون انتشار اعلان مزبور در تقویم رسمی موجب توهین نسبت به دولت و ادارات دولتی و مذهب رسمی مملکت خواهد بود لذا از مدیر تقویم مزبور مؤاخذه متعذر است. با صدور اجازه مخصوص وزارت جلیله معارف طبع شده است لذا علت اجازه طبع از آن وزارت جلیله استعلام و برای توقیف اعلان مزبور اقدام مقتضی به عمل آمده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

[امضا: سرتیپ محمد صادق کویال]

سند شماره ۴۲/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اعلان اقدس

آیا می‌خواهید با حقایق مذهب بهائی که دست اجنبی برای تولید انفاق و اختلاف در جامعه ایرانی ایجاد نموده آشنا شوید؟ آیا میل دارید از ماهیت این انجمن سّری که در ادارات (۱) تشکیلات مخرب خود را مثل مرض جذام توسعه داده، جریان امور داخلی و ترفیعات و محاکمات اداری را از مجرای حقیقی منحرف کرده [و] ترفیع مقام و اضافه حقوق و محاکمات اداری و حتی استخدام را به مجرای پارتی بازی مذهبی انداخته است آگاه شوید؟ آیا می‌خواهید از...^۲ طایفه بهائی به جامعه ایرانی و مراسله [ای] که به جمال پاشا سردار ترک نوشته و مشارالیه به اردوکشی بر علیه ایران ترغیب شده بود مستحضر گردید؟ اگر می‌خواهید

۲. در اصل نقطه چین است.

۱. شماره داخل پُرانتز مربوط به متن سند است.

معلومات فوق را تحصیل نمایند کتاب کشف الحیل تألیف آقای آقا میرزا عبدالحسین خان آیتو را که خودش مدت بیست سال مبلغ بهائی بوده است خریداری نموده مطالعه کنید. آقای آیتو اسرار داخلی این طایفه را برای شما شرح می دهد.

سند شماره ۴۲/۲

سالنامه رسمی مملکتی

عنوان تلگرافی پارس

تهران - ناصریه - تلفن ۱۱۱۱

تصدق وجود مقدس گردهم مستدعیم غریضه [ای] که به خاکپای مبارک همایونی ارواح فداه لف این عرض حال است ملاحظه فرمایید و قبول کنید که به سر حضرت اشرف و به شرف ایرانیت قسم، بنده با کمال بی طرفی و از لحاظ این که مبادا بر خلاف نظر مبارک اعلی حضرت شهریار اقدامی کرده باشم این اعلان را پذیرفتم. وزارت معارف هم امضا نموده بنده هم طبع کرده ام. امروز که سالنامه صحافی شده و باید چند روز دیگر یعنی ۲۰ بهمن ماه منتشر شود دچار این زحمت شده ام. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد که ملاحظه فرمایید بنده در این مورد کمال ملاحظه را از تمام جهات کرده ام مخصوصاً توضیحی در ذیل اعلان مذکور نوشته ام. حال نظر مبارک ذات اشرف هر چه باشد امر فرمایید فوراً اطاعت می کنم.

فدوی صمیمی

[امضا: محمدعلی امیرجاهد]

[افزوده متن اصلی:] تصدقت گردهم به عرایض صمیمانه فوق اضافه می کنم که سالنامه پارس متعلق به خود حضرت اشرف است. چاکر خدمتگزاری هستم از طرف حضرت اشرف، هر چه امر عالی باشد با کمال فدویت و خلوص اطاعت می کنم. [امضا: محمدعلی امیرجاهد]

سند شماره ۴۲/۳

تصدق خاکپای مبارکت گردم چاکر خاکسار با عشق مملو از فدویتی نسبت به ذات مقدس شاهنشاه با عظمت خود و اهمیت مطبوعات مملکت با صرف هستی از مال و جان خود مشغول تنظیم سالنامه هستم که مانند بهترین سالنامه‌های^۱ ممالک معظمه موجب سربلندی هم‌وطنانم باشد و در این راه روز و شب خود و خانواده خود را فدا کرده‌ام بدون آن که قصد یک شاهی انتفاع داشته باشم چنان که خاطر مهر مظاهر همایونی از بذل موجود فدوی در تقدیم «۷۵» تخت‌خواب به پیشگاه مبارک برای مریضخانه‌های^۲ بلدی سابقه عاطفت و ملاطفت دارد. در ماه ششم امسال هیأت محترم دولت به پاس فداکاری‌های حقیر و این که مشاهده نمودند در تنظیم این سالنامه به حد قابل تقدیری فداکاری می‌نمایم افتخار رسمیت به این سالنامه بخشیدند و در تصویب‌نامه خود وزارت جلیله معارف را ناظر مندرجات سالنامه قراردادند. فدوی تمام مندرجات سالنامه را به امضای مأمور مخصوص وزارتخانه معروضه رسانیده و طبع نمود. در ضمن مندرجات آن اعلانی است که لفاً از نظر عنایت اثر ملوکانه می‌گذرد و مقصود اعلان دهنده ترویج کتاب کشف‌الحیل است که بر رد طایفه بهائی نگاشته شده و به وسیله رئیس سابق نظمیه ابلاغ مراحم و توجه خاص ملوکانه به نشر کتاب مذکور در همان کتاب طبع شده است. چاکر بی‌مقدار به اتکا و استناد همان ابلاغ و پیروی از پادشاه محبوب و بیم از آن که مبادا از رد کردن اعلان مذکور لغزش در راه فدویّت خود نسبت به ذات مقدس همایونی دیده باشم اعلان را طبع نمودم و یقین داشتم در راه چاکری و سمت رعیتی ذات مبارک انجام وظیفه کرده‌ام. اینک که سالنامه طبع و صحافی و برای انتشار حاضر شده است از طرف رئیس محترم نظمیه توقیف گردیده و به سختی چاکر را مجبور می‌نمایند که اعلان مذکور را از سالنامه بریده و بردارم. چون فدوی از جان نثاران مطیع و رعایای فدوی و منقاد پادشاه با عظمت خود هستم از پیشگاه مبارک با خضوع و استرحام کسب اجازه می‌کنم تا امر و اراده مبارک شرف صدور یابد.

جان نثار و چاکر بی‌مقدار

[محمدعلی امیر] جاهد

۱. در اصل: سالنامه‌ای.

۲. در اصل: مریضخانه‌ای؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۴۲/۴

به نظمیه جواباً نوشته شود که به نظر اینجانب اعلان مندرجه در تقویم پارس مستلزم مجازات توقیف تقویم که مبلغی برای [آن] خرج شده است و صاحب آن در چندی قبل مقداری تخت خواب برای مریضخانه‌های تهران تقدیم خاکپای مبارک نمود و مورد قبول واقع گردید نمی‌باشد. ممکن است اعلان مزبور را در تقویم‌های توقیف شده سیاه نمود و تقویم‌ها را آزاد کرد. اگر چه این اقدام هم مقتضی نیست زیرا که ممکن است بعضی از کوتاه نظران به عنوان جلوگیری از انتشار اعلان ضدبھائی تلقی بکنند.

[عبدالحسین تیمورتاش]

سند شماره ۴۳

مکاتبه مدیر روزنامه ستاره جهان (ابوالقاسم اعتصام‌زاده) با وزارت دربار در خصوص مغایرت دستور نظمیه در سانسور روزنامه وی با مدلول تعهد نامه سانسور مطبوعات

روزنامه یومیه ملی

ستاره جهان

تهران - تلفن: ۱۳۷۶

آدرس تلگرافی: ستاره

تاریخ: ۲۸ بهمن ماه ۱۳۰۸

نمره: خصوصی

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته

امروز از طرف نظمیه یک نفر به اداره آمده اطلاع داد که روزنامه ستاره جهان باید سانسور

بشود. نظر به این که این اظهار مأمور نظمیه با مدلول صریح تعهد نامه [ای] که فدوی امضا کرده و به حضور مبارک تقدیم نموده است مخالف می باشد لذا مستدعی است که اگر این حکم از طرف بندگان حضرت اشرف دامت عظمته صادر گردیده مقرر فرمایند امضای خانه زاد از ورقه تعهدنامه حک و باطل گردد زیرا که بدیهی است خانه زاد مطیع اوامر مبارک بوده و خواهم بود و اگر چنانچه خود حضرت اشرف سانسور شدن ستاره جهان را صلاح دانسته باشند فدوی عرضی ندارم و کما فی السابق با نهایت صمیمیت در خدمتگزاری خواهم کوشید ولی اگر این حکم از مقام دیگری مثل نظمیه و غیره صادر شده، استدعا دارد امر و مقرر فرمایند به موجب تعهد نامه رفتار شده و سانسور مرتفع گردد. در هر حال از این موقع استفاده نموده به عرض مبارک می رساند که چون بندگان حضرت اشرف پارسال در موقع شروع به انتشار ستاره جهان اظهار فرمودند که میل ندارید یکی از خدمتگزاران حضرت اشرف شروع به کاری کرده و در بین راه و ابماند بنده به همان بنده نوازی حضرت اشرف مستظهر گردیده و به امید این که یک روز خدمات فدوی مورد توجه حضرت اشرف واقع خواهد گردید آخرین قطعه ملکی را که در آذربایجان داشتم فروخته و به مصرف انتشار روزنامه ستاره جهان رساندم و مدارک و دلایل این عرض نیز حاضر است و اگر امر بفرمایید حضوراً تقدیم خواهد شد و اینک دچار تنگدستی هستم و مع هذا با گرو گذاردن اثاثیه منزل از تعطیل روزنامه ستاره جهان جلوگیری می کنم زیرا که می بینم انتشار قسمت فرانسه در ممالک خارجه انعکاسات خوبی پیدا کرده و البته عقائد بعضی جراید انگلیس و سوئیس راجع به ستاره جهان به عرض مبارک رسیده است. مقصود از این عرایض نه این است که توقع مساعدتی داشته باشم ولی می خواهم خاطر مبارک اقلأً تا این اندازه مستحضر باشد که در مقابل این فداکاری و خدمتگزاری صمیمانه خانه زاد دیگر تجدید سانسور دلیلی ندارد و اگر هم بالفرض راجع به یک موضوعی انتقادی شده باشد از حدود مدلول تعهد نامه تجاوز نکرده است.

جان نثار

[امضا: ابوالقاسم اعتصام زاده]

مدیر ستاره جهان

سند شماره ۴۴

درخواست مدیر روزنامه ناهید (ابراهیم ناهید) مبنی بر تخفیف مجازات
روزنامه مذکور

[شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تهران به قصر همایونی، نمره قبض: ۲۰۰۲، نمره تلگراف: ۶، عدد کلمات: ۲۵۳، تاریخ
اصل: ۱۲ فروردین، توضیحات: شهری، تاریخ وصول: ۱۳۰۱/۹/۱۳۰]

به وسیله حضرت اشرف اعظم آقای وزیر دربار دامت شوکته العالی به خاک پای
مبارک بندگان اعلی حضرت اقدس شهریار ارواحنا فداء
از هشتم حوت نود و نه تا این تاریخ که یازده سال می گذرد جان نثار هر چه فکر می کند جز
انجام یک مختصر وظائف شاه پرستی و وطن دوستی به قدر بال مگسی در خود خیانتی
العیاذ بالله نسبت به پادشاه متبوع و کشور مقدس اعلی حضرت سراغ ندارد. در این صورت
جسارت ورزیده به نام یک فرد از رعایای صدیق بی گناه پادشاه معظم حفظ حیثیات^۱ و
آبروی خود را از خاک پای مبارک استدعا می نماید. نه ماه از توقیف موقت تلفنی آقای رئیس
نظمیه مملکتی سابق می گذرد و مبالغ کمرشکن که به مصداق خانه مور به شبنمی خراب است
قرض دامنگیر این مؤسسه کوچک شده است که آبروی جان نثار را در خطر انداخته است.
ناچار برای حفظ آبروی خویش به خاک پای مبارک توسل جسته و معروض می دارد که به
جان مقدس والاحضرت اقدس ولایت عهد عظمی دامت عظمت و به جقه مبارک شاهانه
در صورتی که گناهی از جان نثار معروض خاک پای مبارک افتاده مقرر فرمایید در شدیدترین
محاکم قشونی سیار جان نثار را محاکمه کرده و به کیفر گناه خود برسانند و اگر گناهی در کار

۱. در اصل: حیثات.

نیست همان طور که وزیر عدلیه مملکتی می تواند تخفیف مجازات قاتلین را از خاک پای مبارک استدعا نماید استدعا دارم به وسیله آقای وزیر دربار اعظم تخفیف مجازات روزنامه ناهید را هم مقرر فرمایید. امر مقدس مطاع است.

چاکر بی مقدار

ابراهیم ناهید

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] به عرض خاک پای مبارک رسید، ضبط شود.

سند شماره ۴۵

درخواست مدیر روزنامه بیداری کرمان (محمدرضا هاشمی) مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی

تهران

محرمانه

دربار اعظم

حضرت مستطاب اجل امجد ارفع اعظم اکرم افخم عالی بندگان آقای وزیر دربار معظم دامت شوکته و عظمته العالیه

مدیر روزنامه بیداری کرمان عرض می کند جز اطاعت اوامر حضرت اشرف تقصیری نداشته و بی جهت آقای تدین روزنامه و مطبعه او را توقیف کرده است و پس از چهل روز بیچارگی استدعای عفو می نماید.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] محرمانه، به ایالت کرمان بنویسید که این شخص متوسل شده و اظهار ندامت می کند. اگر مانعی نیست از تقصیرش صرف نظر بفرمایند.

سند شماره ۴۶

گزارش ایالت کرمان در خصوص وضعیت نامناسب حسین کوهی (مدیر مجله نسیم صبا) در تبعیدگاه خود در کرمان و موافقت وزارت دربار با بازگشت وی به تهران

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

اداره دوم

ضمیمه: سواد

به تاریخ: ۱۶ ماه ۱ سنه ۱۳۰۹

محرمانه است

نمره: ۲۹۸

وزارت جلیله دربار پهلوی

سواد راپورت ایالت کرمان راجع به کوهی برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌شود.

[امضا: حسین سمیعی]

[مهر: وزارت داخله]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید که به کوهی اجازه داده شده است به تهران بیاید.

سند شماره ۴۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

سواد: مراسله ایالت کرمان

نمره: ۴۸۷۴

مورخه: ۱۳۰/۸/۱۲/۲۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

کوهی که مدتی است به کرمان تبعید شده به واسطه استیصال و پریشانی نهایت در زحمت و ایالت چون مشاهده کرد که از گرسنگی و برهنگی تلف می شود به هر قسم بود با او موافقت کرد تا در این زمستان نجات پیدا کرد. اینک به سختی گرفتار و چندی است به مجسمه بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فدا پناهنده و تحصن اختیار نموده هر چه اهتمام کرده بلکه خارج شود نشده با کمال فقر و عسرت شب و روزی را می گذراند.

والی ایالت کرمان

ابوالحسن پیرنیا

سواد مطابق اصل است.

سند شماره ۴۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

اسم پاکت‌نویس‌کننده: سیدحسن

نمره کتاب: ۱۳۲

تاریخ خروج: ۱۸ فروردین ماه ۱۳۰۹

وزارت جلیله داخله

عطف به نمره ۲۹۸ متضمن سواد راپورت ایالت جلیله کرمان زحمت می‌دهد که به کوهی اجازه داده شده است به تهران بیاید.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۴۷

استعلام تشکیلات کل نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص درج اخبار نامه قفقاس در روزنامه معیشت ملی

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

محرمانه - مستقیم

نمره: ۸۳/۱۳

به تاریخ: ۱۷ فروردین ماه ۱۳۰۹

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

در تعقیب معروضه نمره $\frac{۲۰۹۳}{۳۳۷}$ منضم [به] شماره اول اخبارنامه قفقاس از نظمیه گیلان راپورت

می‌دهند علی آقا علی‌زاده لیدر فرقه مساواتچی که در قونسولگری ترکیه سمت عضویت دارد اخبارنامه قفقاس را به مدیر روزنامه معیشت ملی داده و تقاضای درج آن را در روزنامه مزبور نموده که نظمیه بیان نامه را از مدیر مزبور اخذ و برای درج آن کسب تکلیف نموده. مستدعی است به هر ترتیب که برای انتشار و درج آن در جراید مقتضی بداند امر و مقرر فرمایند تا به همان طریق اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

[امضا: سرتیپ محمدصادق کوپال]

[حاشیه پایین، به خط تیموتاش: ضبط.]

سند شماره ۴۸

درخواست حکومت گیلان و طوالش از وزارت دربار مبنی بر توقیف یا تبعید مدیران روزنامه‌های البرز، فکر جوان و معیشت ملی در آستانه انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

از رشت

وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی شخصاً مفتوح فرمایند. برای این که مدیران جراید البرز و فکر جوان و معیشت ملی که از ایادی اجنبی به شمار می‌روند موفق به تجدید اوضاع دوره ششم در انتخابات این دوره نشوند مقتضی است اجازه فرمایند یا مدیران مذکور تبعید یا جراید مربوطه توقیف گردند. ۱۳/۵/۱۳۰، نمره ۷۶۳۵، [رضا] افشار

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: جواب بدهید که تبعید این اشخاص و یا توقیف آنها قبل از

ارتکاب به خطایی خوب نیست. در همان حال البته به مجرد این که هر یک از آنها خواستند اقدام خلاف رویه بکنند و یا درصدد انتشار مقالات بی رویه برآمدند ممکن است هم خود مرتکب را تبعید و هم روزنامه را توقیف کرد.

سند شماره ۴۹

کسب تکلیف نظمیه از وزارت دربار در خصوص صدور تذکره برای مسافرت مدیر روزنامه اقدام به خارج از کشور

وزارت داخله

[شیرو خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۰۹/۵/۱۹

خصوصی است

قربانت گردم

درخصوص مقالاتی که خلیلی مدیر اقدام از روی عصبانیت در جریده مزبور درج کرده بود با مشارالیه مذاکره کرده پس از تویینخ و ملامت او را به آشنایی وظایف خود متذکر شده بعد از گفتگوی زیاد اظهار کرد که از برای تحصیل معاش محتاج مسافرت هستم. بنده هم جواب دادم مانعی نخواهد بود. لهذا در تحت نمره ۷۲۶ رسماً تقاضای صدور تذکره نموده به این وسیله خاطر مبارک را از مراتب مستحضر و در صدور تذکره مشارالیه کسب تکلیف می نماید.

[امضا: محمد صادق کویال]

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] با تلفن استفسار کنید به کجا می خواهد برود.

[حاشیه پایین، دوم:] با تلفن آقای سرتیپ می‌گویند قصد رفتن بیروت را دارد و یقیناً از راه بین‌النهرین خواهد رفت.
[حاشیه راست:] خصوصی نوشته شد، ضبط شود.

سند شماره ۵۰

درخواست مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مؤدھی) مبنی بر کمک مالی به روزنامه مذکور و فراهم آوردن امکان حضور وی در جلسات فراکسیون ترقی

اداره: روزنامه آئینه ایران
مورخه: ۲۹ مرداد ماه ۱۳۰۹
خصوصی است

مقام رفیع حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکتہ محترماً به عرض انور می‌رسانم: عریضه یوم ۱۹ مرداد به ضمیمه دو مکتوب واصله از رشت که تقدیم حضور انور گردید البته تا کنون از نظر مبارک گذشته است. اینک برای یادآوری جسارتاً معروض می‌دارد وعده‌هایی که در مراجعت از آخرین مسافرت اروپای خود در مدت اقامت سه روزه در قزوین که فدوی افتخار درک فیض حضور مبارک را داشت باعث اطمینان خاطر و سبب ادامه خدمت اجتماعی خود گردید. اگرچه تاکنون کوچکترین کمک مادی و معنوی نسبت به این نامه محقر مبذول نگردیده حتی از داشتن اعلانات ثبت اسناد که عموم جراید از آن نصیبی دارند محروم و از افتخار حضور در جلسه جراید فراکسیون ترقی بی‌نصیبیم، لیکن مفتخرم که تاکنون ۱۴۶ شماره روزنامه [را] فقط با سرمایه شخصی و قلم ناتوان خود اداره نموده و تنها منظورم جلب توجه و مراحم آن وجود اشرف است. مراسلات و تلگرافات اخیر رشت که موقعیت باریکی را خاطر نشان می‌کند اجازه می‌دهد که آخرین مرتبه

از آن مقام منبع تقاضا نمایم که اگر خدماتم مورد قبول است به مصداق الکریم اذا وعد وفا عمل فرموده و اگر سرنوشتم بیچارگی و بدبختی است، فقط و فقط با یک جواب منفی به پریشانی افکار و اغتشاش حواسم خاتمه داده اجازه مرخصی از خاک وطن عزیزم را صادر فرمایید. زیرا سرمایه‌ام نزدیک به تمام شدن و خستگی و صدمات روحی خارج از حد وصف است. در خاتمه اطلاعاً عرض می‌کند شخصی که خود را کاندیدای فومن معرفی می‌نمود و فدوی را شبانه غفلتاً مورد ضرب و شتم قرارداد و در کمیساریا ادعا می‌کرد که شارژ دافر ایران در آمریکا خواهد شد! و حتی در دوسیه استنطاقی هم اظهار داشت که من شارژ دافر ایران در آمریکا هستم! و بالاخره دوسیه جزایی بر علیه او بسته شد و کسی تصور نمی‌کرد که با این مغز کوچک گفته‌های او جز آرزوهای کودکانه چیز دیگری باشد. امروز خبر انتصاب ایشان با رتبه هفت در وزارت امور خارجه به بنده رسید و از این رو معلوم گردید که بنده و امثال بنده وجود موهوم و جزء امواتیم! در هر حال به شرافت خانوادگی خودتان قسم که تکلیف قطعی فدوی را معلوم فرمایید.

[امضا: علی اصغر امیرجلیلی مژدهی]

[مهر: اداره روزنامه آئینه ایران]

مؤسسه ۱۳۰۸

تهران

سند شماره ۵۱

کسب تکلیف حکومت گیلان و طوالش از وزارت دربار در خصوص توقیف
روزنامه ایران کبیر به دلیل چاپ مقالات تحریک کننده علیه ترکیه

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

حکومت گیلان و طوالش

نمره: ۱۳۰۹/۶/۶

مورخه: ۹۱۸۸

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

مدیر روزنامه ایران کبیر (یقیکیان) اکثراً در ضمن اخبار و جراید خارجه مطالبی را که نسبت به دولت ترکیه و وضعیات فعلی مملکت مذکور مساعد نیست تحصیل و تلوستون روزنامه خود منتشر می سازد. بعضی اوقات نیز اخبار مزبور باید تصدیق کرد تا حدی زننده و موهن است. اگر چه مدیر روزنامه ایران کبیر یک نفر ارمنی ایرانی و تقاضت بین ارامنه و ترک ها نیز قابل تردید نیست و مدیران مسلمان جراید ترکیه از قبیل مارتن، پولیتکا و آقشام به مناسبت انقلاب و اغتشاش اکراد ترکیه نسبت های فوق العاده مضحک تر و عاری از حقیقت و ناشی از فقدان ادب و ظرافت اخلاقی به مصادر محترم ایران داده و می دهند که می بایست به طوری که نشریات ایران کبیر جلب توجه قونسول ترکیه را در رشت - چنانچه با توجه به سوابق مراسله ایشان که تلوأ تقدیم می شود - کرده است مورد اعتراض نمایندگان دولت متبوعه نیز شده باشد و شاید هم شده است. مع هذا به نظمیه گیلان دستور لازم صادر شده است که یقیکیان را به روابط دوستانه بین مملکتین متوجه نماید. چون تقاضای تعطیل روزنامه از حدود وظایف ایشان و اختیار بنده خارج بود این است مطالب برای استحضار خاطر محترم راپورت گردید.

[امضا: رضا افشار]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید که توقیف روزنامه برای این قبیل مسائل مخالف صریح قانون است ولی خوب است مدیر روزنامه را احضار و به او خاطرنشان بکنند که از درج اینگونه مزخرفات خودداری بکند و ضمناً به نظمیه دستور بدهید که روزنامه مزبور را سانسور نمایند.

سند شماره ۵۲

مکاتبات حسین علاء (سفیر ایران در فرانسه) با وزارت دربار در خصوص نقش خلیل ملکی و احمد حامدی در نگارش مقاله روزنامه شفق سرخ راجع به محصلین ایرانی در پاریس

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

در پاریس

[تاریخ: ۱۳۰۹/۶/۹]

دوست محترم عزیزم

با استحضاری که به گرفتاری بندگان جناب اشرف عالی داشته و احترازی که از مراجعه هر روزی دارم مع هذا برخلاف میل نکاتی پیش می‌آید که ناچار به تصدیع می‌شوم. از جمله مقاله [ای] است که شفق سرخ در تحت عنوان انتقاد از وزارت معارف و طرز اداره مدارس کرده و ضمناً حملات سختی به هیأت سرپرستی محصلین در اروپا نموده است. عین مقاله را بنده ندیده‌ام ولی ترجمه خلاصه آن در مسأله دو تهران، ۱۵ اوت درج شده و در آنجا در عین حمله به مدیران امر می‌نویسد که هیأت سرپرستی، محصلین را تهدید و آزار کرده و با روح ارتجاع طلبانه حس آزادی‌خواهی آنها را خفه می‌نمایند و بالاخره علاوه می‌کند که این

اشخاص به قدری سخت رفتاری می‌کنند که گویا خون چنگیزخان هنوز در عروق آنها جاری است. هر چند که بنده همانطور که جناب اشرف عالی می‌فرمایید می‌خواهم به این مسائل واقعی نگذارم ولی با وضعیتی که جراید امروزه دارند اشاعه این قبیل مقالات ممکن است این طور تأثیر کند که دولت هم این انتقادات را تا حدی تصدیق دارد. نمی‌خواهم عرض کنم که با تمام زحمات متحمله اشاعه این حملات چقدر مایه دل سردی است ولی این نکته را نمی‌توان منکر شد که انتشار آن در بین محصلین بیشتر حس انقلاب‌طلبی و عدم اطاعت آنها را به هیجان خواهد آورد. بنده یقین دارم که این نشریات اثر مراجعات و آگهی‌هایی است که آقایان ملکی و حامدی در شرح احوال آنها رسماً به تهران راپورت شده نموده‌اند. خواهش دارم به آقای وزیر معارف پیشنهاد فرمایید سرپرستی محصلین آلمان را چنانکه در ابتدای تشکیلات معمول بود از سفارت پاریس مجزا کنند که دیگر مسئولیتی در این قست متوجه بنده نباشد. زیرا که بقای این دو نفر در برلن و عدم تقویت مرکز در این امر جز تزلزل امور سرپرستی محصلین نتیجه نخواهد داد و محال است بنده بتوانم از رفتار این دو نفر صرف‌نظر نمایم. بهتر این است که محصلین آلمان را به آقای فرزین بسپارند. از آنجا که در محل هستند رسیدگی به کار آنها برای ایشان آسان‌تر است. موقع را مغتنم شمرده به صورت یادداشت که چه جناب اشرف عالی مراجعه کرده بودید و چه می‌بایست به استحضار خاطر مبارک برسانم به این عریضه ضمیمه می‌کنم.

[امضا: حسین علاء]

سند شماره ۵۲/۱

[شیر و خورشید]
سفارت شاهنشاهی ایران
در پاریس
اداره سرپرستی محصلین

تاریخ: ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۹

نمره: ۲۷۲۲

دوست محترم عزیزم

البته شماره ۱۵۵۰ جریده شفق سرخ که محتوی مقاله [ای] به امضا خلیل ملکی می باشد به نظر مبارک رسیده. جای تأسف است که هیأت محترم دولت نه فقط به برگردانیدن دو نفر محصل متهم در برلن موفق نمی شود بلکه اجازه می دهد همین متهمین در جراید مرکز به نشر این قبیل مقالات مبادرت نمایند و به سایر محصلین نشان دهند که تمرد آنها مستلزم هیچگونه تنبیهی نبوده و دیگران هم اگر به آنها تأسی نمایند مورد سیاست واقع نخواهند شد. به هر صورت غرض از تصدیع این است که حقیقت امر را منتشر کرده مقرر فرمایند در آتیه از طبع اینگونه مقالات جلوگیری به عمل آورند.

[امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] از آقای وزیر معارف استفسار کنید آیا برطبق مذاکرات هیأت به آقای علاء^۱ اطلاع دادند که تقاضای ایشان در واگذاری سرپرستی محصلین آلمان به آقای فرزین قبول شده است یا نه.

[حاشیه پایین، دوم:] خصوصی نوشته شد، ضبط شود.

سند شماره ۵۳

گزارش کنسولگری ایران در بصره در خصوص مقالة روزنامه حبل المتین
راجع به شورش و غارتگری زادن خان در لار به تحریک ابراهیم قوام

[شیر و خورشید]

قونسولگری شاهنشاهی ایران

بصره

تاریخ: ۱۰ شهریور ۱۳۰۹

نمره: ۱۰۶۹

محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

در روزنامه حبل المتین شماره ۲۸ مرداد ۱۳۰۹ صفحه ۲۷ راجع به اغتشاش لارستان و تمرد
زادن خان شرحی ملاحظه شد. خلاصه اش اینکه شرارت و غارتگری زادن خان را در لار به
دسایس و تحریکات آقای ابراهیم خان قوام اسناد می دهند و در ذیل آن مقاله حبل المتین
نوشته است متجاوز از پنجاه مراسله راجع به تقاضای اخیر لارستان به اداره رسیده است و
همه این مطلب را تأیید و قوام را متهم می نمایند. سزاوار است مندرجات حبل المتین در این
موضوع مورد توجه اولیای محترم دولت بشود. چون لازم بود عرض شد.

[امضا: محمد حسن بدیع]

[حاشیه پایین:] یک سواد برای استحضار وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می شود.

سند شماره ۵۴

درخواست مدیر روزنامه بیداری کرمان (محمدرضا هاشمی) از تیمورتاش
مبنی بر جلوگیری از توقیف روزنامه مزبور توسط والی کرمان (سیدمحمد تدین)

اداره جریده بیداری
کرمان

به تاریخ: ۳۰ برج شهریور ۱۳۰۹

به شرفعرض بندگان حضرت اشرف عالی روحنفاذ می‌رساند
آقای تدین دست از ایذاء این چاکر بر نمی‌دارد. سرأ می‌فرستد یعنی بدون حکم و هیچگونه
ایراد مطبعه ملک شخصی بنده بیکار و سیم و پیچ کرده توقیف می‌کنند. گویا فقط مراد ضرر
زدن است و الا حکم آل داود جاری می‌کنند و به مفهوم مخالف بطن هفتم فلان مثل مبهم آیا
ممکن است جریده و مطبعه را توقیف کرد؟ بنده ناقابل اهل استفاده نبوده و نیستم. شخص
آقای تدین هم مسبوقند که در همین موقع و سایر مواقع چه کمکهای مادی قابل، اشخاص به
عنوان اعانه به جریده بنده حاضر بوده‌اند بنمایند و ابدأ اعتنا نکرده‌ام و نیز نخواستم مثل
بعضی^۱ اشخاص با وضع عمامه زندگی و اعاشه کنم. فقط به مطبعه چگیری و شغل آزاد خود
به قناعت ساخته‌ام و چرا آقای تدین این اندازه بی‌لطفی می‌فرمایند؟ عمد برای اشکال‌تراشی
بی‌موضوع دارند. با حضور اشخاص ارجوزه می‌خوانند که من چه کارها کرده‌ام، آقای وزیر
دربار را در بازی سیاست و شطرنج خود مات کرده‌ام؛ به یک مشت هاشمی را خورد می‌کنم.
تصدیق می‌خواهم حضرت اشرف این حرفها و رجزها به عالم من چه دخلی دارد. افسوس
اشخاصی مثل بنده به غلامی آقای پر مشغله مانند حضرت اشرف پای بندیم دیگران از قدرت
خود دانسته بر [ایمان می‌زنند. چهل روز است بنده از ایشان تحمل ظلم نموده و جز به آستان
مقدسست به جایی تظلم نکرده‌ام. امیدوارم حالا دیگر اندک توجهی که مستلزم خلاصی جریده
از این مضیقه‌ها باشد فرموده واقعاً بیش از این راضی نشوند.

چاکر آستان

[امضا: محمدرضا هاشمی]

سند شماره ۵۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۳۷۴۵

اسم پانویس کننده: سیدحسین

محرمانه

تاریخ خروج: ۹ مهر ۱۳۰۹ [۱]

ایالت جلیله کرمان

مدیر روزنامه بیداری کرمان شرحی مبنی بر عدم تقصیر و ندامت خود اظهار و در رفع توقیف
مطبوعه و روزنامه خود توسل جسته است این است زحمت می‌دهم که اگر مانعی نباشد از تقصیر
او صرف نظر بفرمایید.

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۵۵

درخواست متصدیان مجله تهران مصور مبنی بر جلوگیری از مزاحمت‌های
مأمورین سانسور در مجله مذکور

TEHERAN MOSSAWAR
JOURNAL HEBDOMADAIRE ILLUSTRE

تهران مصور
مجله هفتگی مصور

تاریخ: ۱ مهرماه ۱۳۰۹

نمره: ۱۰۱

مقام منبع حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکته
مجله هفتگی تهران مصور که از بدو تأسیس ناشر نیات مقدس دربار اعظم بوده و همیشه سعی
دارد خود را در ردیف جراید درجه اول معرفی نماید به واسطه اشکال تراشی‌های مأمورین
سانسور در راه موفقیت خود دچار زحمت شده است. نظر به این که کارکنان این جریده عقلاً و
احساساً نسبت به اوامر و اقدامات دولت حاضره فداکار بوده و ضمناً گذشته از نظارت وجدان
و مواد قانون مطبوعات، رعایت مقرراتی که درباره جراید منظور شده با نهایت میل و صمیمیت
عهده‌دار است. تقاضا می‌شود امر و مقرر فرمایند که از نظمیۀ مأمورین سانسور متعرض این
جریده نگردند. مراتب فدویت و احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

صاحب امتیاز

[امضا: عباس همت]

مدیر و نگارنده

محمد مسعود (م. دهاتی)

[حاشیۀ پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط .

سند شماره ۵۶

مقاله مدیر روزنامه معیشت ملی رشت (خلیل یوسف زاده نوعی) در خصوص اقدام اداره شرق با همکاری حاجی نصرت ماسوله‌ای در خرید کالاهای ایرانی به قران و فروش کالاهای خارجی به پوند

(رشت)

تهران

اداره روزنامه یومیه معیشت ملی

حضور مبارک بندگان حضرت اجل اشرف

آقای تیمورتاش وزیر دربار اعظم پهلوی دامت قدرته

لایحه به اداره روزنامه رسید. چون در سانسور منع از درج کرده‌اند عین آن برای اطلاع لفاً تقدیم شده است.

مدلول لایحه شکایت از حاجی نصرت ماسوله‌ای است که موجب شده است تجارتخانه روس جنس خود را به فوند می‌فروشد و جنس ایران را به قران می‌خرد و موجب ضرر تجار شده است و علت این است که حاجی نصرت هر قدر برات فوند از کرمانشاهان و مشهد و تهران و جاهای دیگر تهیه می‌کرد برای شرکت شرق بوده است.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۵۶/۱

وضعیت تجارتی تهران

از مخبر تهران

اداره شرق چند روز است علناً اظهار می‌دارد مال روسیه را هر چه دارم به فوندی خواهم فروخت و مخصوصاً قیمت مال را به فوندی تسعیر می‌کند؛ ولی آنچه مال ایران است به قران می‌خرد. نگارنده تقصیر را متوجه شرق نکرده. می‌گویم تقصیر از خودمان است و تقصیر این قسمت مخصوصاً متوجه آقای حاجی نصرت ماسوله‌ای رشتی است. حالا دیگر این وجود محترم میدان را خالی دیده و بلا رقیب مشغول استفاده است. البته من می‌دانم و یقین دارم که این مکتوب را درج نخواهید کرد و احتیاط خواهید نمود که مبادا از قلم شما این هم ترقی فوق‌العاده نموده و معروف خاص و عام خواهد شد و حق دارید که این همه دادی که زدید کسی به داده شما نرسید و همین آقایان تجار و امثال ما هر یک از ما حرفه خودمان را در این دیدیم که از مندرجات شما سوءاستفاده بکنیم ولی فراموش نکن که تاریخ به هیچ وجه من و امثال حاجی نصرت ماسوله‌ای نمی‌شود. برای تجار باغیرت ما هیچ چیزی غیرقابل تحمل‌تر از این نمی‌شود در یک مملکتی که پولش قران است اجنبی آمده در مرکز این مملکت و در حضور این تجار مرده می‌گوید مال خودم را به فوندی می‌فروشم و اما مال شما را به قران (یعنی به پول مملکت شما می‌خرم). صادرات ایران که عبارت از پشم و پنبه، کتیرا، برنج، مغزبادام، میشن، تیماج و غیره است به ثمن بخش لیکن مال خودش از هر رقم به قدری عزیز کرده حتی در فروختن به فوندی هم اکراه به خرج می‌دهد. معلوم شد آقای حاجی نصرت هر مقدار برات فوندی از رشت، از کرمانشاه و از تهران و از مشهد و جاهای دیگر و دیگر تهیه می‌کرد، برای اداره شرق بود و شرق هم لازمه احترامات تجارتی و رعایت‌های بی‌تناسب را به هر چه در ماده مشارالیه قائل می‌شد. آقا زاده حاجی نصرت، میرزا محمدعلی با خانم‌های فرنگی و روسی در تهران مشغول عیاشی و برای آنها پانصد تومان و ششصد تومان چک می‌نویسد و بدیهی است این مخارجات گزاف در مقابل خدمات‌هایی است که پدرش زودتر از

همه به فوندی و دلار مال خریده و بدبختی در اینجاست اگر حاجی نصرت جانمازی پهن کند در پشت‌اش همه مردم نماز می‌خوانند و حاجی آقا را امام‌زاده فرض می‌کنند. واقعاً ادارات اجنبی را در پیشرفت فوق‌العاده شاهکار باید دانست که بین با چه اشخاصی رابطه پیدا می‌کنند. باری گرچه می‌دانم این داد شما هم نتیجه نخواهد داد باز حاجی نصرت به اتکاء ثروت خود محبوب‌القلوب همه خواهد شد ولی مقتضی است برای ثبت تاریخ این قسمت‌ها هم مندرج گردد که شاید منتج نتیجه شود.

چون درج مقاله فوق را از طرف سانسور اجازه ندادند برای استحضار خاطر حضرت اشرف ارسال و امید است از تدابیر اقتصادی اجانب که برای پیشرفت سیاست خودشان اندیشیده‌اند جلوگیری شود.

مدیر معیشت ملی رشت

[امضا: خلیل یوسف‌زاده نوعی]

مورخه ۲۲ مهرماه ۱۳۰۹

[مهر: معیشت ملی]

سند شماره ۵۷

درخواست زین‌العابدین رهنما مبنی بر موافقت با انتشار مجدد روزنامه ناهید

تهران

روزنامه یومیه ایران

تاریخ: ۱۳۰۹/۷/۱۲

حضرت اشرف

دیشب آقای ناهید به اداره ایران آمده و استدعا می‌کرد که چون انتخابات هم خاتمه یافته

راجع به انتشار روزنامه ایشان تذکری حضور مبارکتان عرض کنم. نظر به این که لطف و مرحمت حضرت اشرف را نسبت به بنده تشخیص داده و از همه جا هم مأیوس شده است به این جهت در عالم روزنامه‌نگاری به بنده متوسل و به عقیده خود این طریق را یگانه راه وصول به مقصود می‌داند. بنده هم حقیقتاً از زندگی فوق‌العاده پریشان او که ضمیمه پشیمانی از کرده‌های گذشته‌اش می‌باشد متأثر و عاجزانه استرحام می‌کنم که او را به بنده بخشیده و اجازه بدهید او را به حضور مبارک بیاورم که فرط بیچارگی و پشیمانی او مستحق مرحمت حضرت اشرف است. اگر او را در این مرحله متنبه نمی‌دیدم عرض و استدعایی نمی‌کردم تا امر و اراده حضرت اشرف چه اقتضا کند.

بنده و ارادتمند

[امضا: زین‌العابدین رهنما]

سند شماره ۵۸

درخواست مدیر روزنامه گلستان ملی (محمد تقی گلستان) از وزارت دربار
مبنی بر صدور دستور رفع توقیف از روزنامه مذکور

دفتر جریده گلستان ملی - شیراز

The Golestan Tournal office

Shiraz

به تاریخ: ۱۳۰۹/۷/۲۱

مقام محترم حضرت اشرف

آقای تیمورتاش وزیر معظم دربار دامت عظمته

با مراحم و عواطف کریمه که همیشه نسبت به گلستان مبذول می‌داشتند اجازه فرمایید برای

چند دقیقه وقت ذی‌قیمت حضرت اشرف را صرف مطالعه این مختصر بنمایم. قریب یک سال و نیم است که آقای امیرلشکر شیبانی با داشتن اختیاراتی به شیراز تشریف فرما شده و از همان اوایل ورود گلستان را مورد بی‌مرحمتی خود قرار داده ۱۸ روز سال گذشته خدمتگذار را در نظمیة محبوس و روزنامه را هم توقیف فرموده بعداً اجازه انتشار دادند. اینک باز مدت ۳ ماه است که روزنامه توقیف است. هر چه علت را سنوال می‌کنم مشغله سوق‌الجیشی اجازه دادن جواب به ایشان نمی‌دهد. ۳ ماه توقیف روزنامه که از ۳ حوت ۱۲۹۹ [۱۲] همه چیز خود را برای پیدایش حکومت و سلطنت حاضره فدا نموده از هر جهت دشوار است. فشار طلبکار، تأدیه حقوق اعضا، عدم تأدیه آبونمان به قدری عرصه را به گلستان تنگ نموده که ناچار به آستان پدر تاج‌دار و حضرت اشرف ملتحم^۱ ساخته.

حضرت اشرفا آیا بعد از ده سال خدمت صادقانه مقتضی است این قسم پاداش دهند؟ در صورتی که انتظار وکالت و غیره را می‌بردم. استدعای عطف توجه و دستور رفع توقیف و جبران خسارت مادی و معنوی را دارم.

محمدتقی گلستان

شیراز

سند شماره ۵۹

مکاتبات در خصوص درخواست‌های مدیر مجله عصرجدید (فرخ دین پارسای)
مبنی بر رفع توقیف از مجله مذکور

وزارت داخله
[شیر و خورشید]
تشکیلات کل نظمیه مملکتی
دایره کابینه

به تاریخ: ۱۳۰۹/۸/۱۹

نمره: ۲۵۱۲

محرمانه

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته
فرخ دین پارسا[ی]، مدیر روزنامه عصرجدید شرحی از رشت به بنده نوشته عیناً تقدیم
می‌گردد از لحاظ محترم حضرت اشرف خواهد گذشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ

[امضا: محمد صادق کوپال]

[حاشیه بالا:] به عرض می‌رسد.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به نظمیه نوشته شود که اجازه مراجعت به فرخ دین
پارسا[ی] بدهند.

سند شماره ۵۹/۱

فرخ‌دین پارسای

رشت، تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۰۹

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل

آقای سرتیپ صادق‌خان کوپال رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی دام‌اقباله افتخار دارد که نسبت به خود با حضرت اجل مکاتبه‌ای بنماید ولی نمی‌داند چه قسم شروع و چه سیاقی اتخاذ کند؟ البته حق می‌دهید به بنده که در این امر سرگردان باشم زیرا هیچ قسم سابقه مکاتبه در بین نبوده تنها راهی که هدایت می‌شوم جلب عاطفه حضرت اجل است. بنده هنوز نمی‌دانم صدور امر خروج بنده از تهران برای کدام یک از قسمت‌های مندرجه در عصر جدید است؟ ولی به طور کلی می‌توانم قول بدهم که هر قسمت بوده تنها عقیده خودم باعث تحریر آن شده و چنانکه البته مأمورین زیردست اداره کل تشکیلات نظمیه هم در این قضایا دقیق هستند هیچ جمله یا قسمتی تلقین افراد داخلی یا خارجی نبوده است. در این صورت گناه بنده شاید غلط فکر کردن بوده و تراوش آن سبب این پیش‌آمد شده است؟ تا اینجا البته می‌تواند مورد تصدیق بنده واقع شود. یعنی فعلاً که نمی‌داند موضوع چیست تا شاید مدارک دفاعیه از خود داشته باشد. ولی آیا فکر غلط هیچ کسی نمی‌کند؟ و هیچ فکر غلطی تراوش نکرده؟ تصور نمی‌فرمایید این قسم معامله با اشخاصی که دارای یک فکری هستند و شاید در آن فکر هم مردد باشند یک مدرک اثباتیه بزرگی است؟ به هر صورت این مقدمات اگر خارج از موضوع جلب عاطفه حضرت اجل باشد ولی خارج از جریان امر نیست. فعلاً بنده اطاعت امر کرده و قبل از آنکه موعد اجرای حکم برسد حرکت نموده اینک نزدیک دو هفته است که از تهران دورم ولی آیا بعد از اجرای امر هیچ فکری برای زندگانی بنده شده است و آیا در فکر عائله بنده هستند؟ به راستی عرض می‌کنم که سرمایه حرکت بنده ده تومان استقراض از همسایگان بوده و فامیل بنده امروز علاوه بر فراق گرفتار ضیق معیشت نیز است. معلوم است در غربت هم با آن سرمایه به بنده چه می‌گذرد. مخصوصاً وقتی تمایلی نیست به وسیله شناساندن خویش به

اشخاص میهمانشان شده یا کلاشی نماید، زیرا هرچه باشد این دست شکسته از آستین بیرون نیاید بهتر است!

در این صورت آیا ممکن است از عاطفه حضرت اجل استمداد و استدعا کند یا اجازه مراجعت را کسب که تهران آمده با هر وسیله که میسر شود زندگانی ده نفر افراد فامیل را اداره کند و یا اگر صلاح دولت است که بنده باز هم از تهران خارج باشم وسایل تأمین معیشتم را تا هر مدت که صلاح باشد فراهم فرمایند.

باید عرض کند که بنده متمایل نیستم حتی کوچکترین تمرد را نسبت به اوامر صادره از طرف مقاماتی که مورد احترام هستند بنمایم، ولی اگر زیر تیغ آنها دست و پایی کنم این امر طبیعت است و عنوان تمرد بر آن صدق نمی آید. وقتی بنده از عائله دور بوده آنها در عسرت معیشت و خودم گرسنه مانده باشم و سر به بیایان زنم ممکن است از میان شهری که معبودین من ورود مرا در آن قدغن کرده اند سر درآورم! اگر این کار پسندیده نیست علاج واقعه را قبل از وقوع [نمایید].

خیلی از تطویل و پرت‌گویی معذرت طلبیده امیدوار است این معروضه تأثیری که نسبت به تعیین تکلیف بنده باشد نموده یا اجازه مراجعت تحصیل و یا تکلیف معیشت بنده و فامیل معلوم باشد.

با تقدیم تشکر

مساعداً

[امضا: فرخ دین پارسای]

آدرس: رشت، توسط آقای نایب اسدالله خان فرد و صاحب منصب کمیساریای نمره ۱.

سند شماره ۵۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ اصل مطلب: ۱۶ آذر ۱۳۰۹

اسم پاکت نویس کننده: سید حسن

نمره کتاب ثبت: ۵۷۵۲

کارتن: ۱/۹

محرمانه

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

در جواب نمره ۲۵۱۲ زحمت می دهد که به فرخ دین پارسا [ی] اجازه مراجعت بدهید.

[امضای پیش نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۵۹/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

به تاریخ: ۱۳۰۹/۹/۱۹

محرمانه - مستقیم

نمره: $\frac{۲۸۶۵}{۸۶۶}$

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

در جواب مرقومه محترمه نمره ۵۷۵۲ راجع به فرخ دین پارسا [ی] معروض می دارد به نظمیه

گیلان دستور داده شد که به مشارالیه اجازه مراجعت به تهران بدهند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ

[امضا: محمد صادق کوپال]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۵۹/۴

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

ضمیمه: عین معروضه

محرمانه - مستقیم

به تاریخ: ۱۳۰۹/۹/۱

نمره: $\frac{۲۶۴۶}{۷۷۰}$

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

فرخ‌دین^۱ پارسا [ی]، مدیر مجله عصرجدید شرحی به اینجانب نوشته که لفاً تقدیم می‌دارد
ملاحظه خواهند فرمود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ

[امضا: محمد صادق کوپال]

[حاشیه راست:] به عرض برسد.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۵۹/۵

فرخ‌دین پارسای

رشت، تاریخ: ۲۵ آبان ۱۳۰۹

حضور مبارک حضرت اجل آقای سرتیپ کوپال

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی دامت شوکتہ

احتراماً به عرض می‌رساند: دیروز یکی از دوستان از تهران خبر کسالت خانم و یکی از اطفال بنده را نوشته بود که گویا خانم بنده برای آسایش خیالم از نوشتن آن امساک نموده است. بنده چنین می‌فهمم که تا مراجعت موکب ملوکانه اقدام برای آزادی و مراجعت به تهران بی‌نتیجه و البته از هیچ کس نمی‌توان انتظار داشت که توفیق حاصل نماید. ولی خیال می‌کنم موضوع آسایش زندگانی و معیشت بنده در تلو امر همایونی برای خروج بنده از تهران قید است. البته گر بنده متمرّد از اجرای امر می‌شد و توسط مأمورین به خارج اعزام می‌گردید برای معیشت نکلیفی معین می‌شد ولی اکنون که به خیال خود مطیع صرف و بلا اراده شده است از این استفاده محروم، از طرفی خودم بدون مخارج در این شهر غریب سرگردان و از طرفی فامیلم ر. تهران گرفتار کسالت و عسرت معیشت هستند. اگر چه معروضه اولیه بنده بی‌جواب ماند اثری هم از حیث معیشت فامیل نبخشید ولی آیا وجدان پاک حضرت اجل اجازه می‌دهد یک مری را که برای تنبیه یک فردی صادر شده جوری اجرا فرمایند که منجر به اعدام فامیلی نود! اگر اینطور راضی نباشند مستدعی است ترتیبی برای معیشت بنده مقرر فرمایند که به این نتیجه نرسد.

با تجدید احترامات

[امضا: فرخ‌دین پارسای]

سند شماره ۵۹/۶

وزارت داخله
[شیر و خورشید]
تشکیلات کل نظمیه مملکتی
اداره اطلاعات

به تاریخ: ۱۴ دی ماه ۱۳۰۹
نمره: $\frac{۳۲۱۹}{۹۹۹}$
محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکتہ
در تعقیب معروضه نمره $\frac{۲۸۶۵}{۸۶۶}$ راجع به فرخ‌دین پارسا [ی]، مدیر مجله عصرجدید مشارالیه
شرحی به اینجانب نوشته و تقاضای رفع توقیف مجله خود را نموده که سواد آن لفأ تقدیم
می‌شود. به هر طور امر و مقرر فرمایند اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی
سر تیپ
[امضا: فضل‌الله زاهدی]

[حاشیة پایین، به خط تیمورتاش:] اجازه داده شود ولی دیگر در باب راه‌آهن و غیره فضولی
نکند.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۱۶

نمره اندیکاتور: ۲۰

سند شماره ۵۹/۷

محرمانه

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظامیه مملکتی
 مراسله نمره ۳۲۱۹/۹۹۹ وصول داده و سواد مراسله فرخ‌دین پارسا [ی] ضمیمه آن نبود. سواد
 مزبور را برای ایراد جواب ارسال فرمایید.

[حاشیه پایین:] فرستادند. وارده را حضرت اشرف برداشته‌اند.

سند شماره ۵۹/۸

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظامیه مملکتی

مورخه: ۵ دی ۱۳۰۹

نمره: ۵۰۶

سواد عریضه مجله عصرجدید - فرخ‌دین پارسا [ی]

اداره محترم کل تشکیلات نظامیه مملکتی
 احتراماً مصدع می‌گردد به طوری که ابلاغ فرمودند در تاریخ پنجم آبان تهران را ترک و بنا به
 اطلاعی که به ریاست نظامیه گیلان (اقامتگاه اینجانب) داده بودند در تاریخ بیست و پنجم آذر
 مجاز در مراجعت به تهران گردیده و مراجعت نمود.
 از گناه خویش که کفاره و مجازاتش این تبعید بدون مقدمه بود هنوز بی‌اطلاع، نسبت به

مجازات مادی و معنوی که به مؤسسه و شخص اینجانب وارده آمده است نیز اظهاری نمی‌کند زیرا به جبران آن از طرف آن اداره محترمه امیدوار نیست.

تنها چیزی که از آن اداره محترمه می‌تواند درخواست نماید و جهان سیاسی و غیر سیاسی عالم آن را اجازه می‌دهد کرایه ایاب و ذهاب و مخارج پنجاه روز ایام تبعید است و این حق ثابت البته برای هر تبعید شده‌ای (بی‌تقصیر یا با‌تقصیر) منظور است.

به طور خلاصه باید عرض کند که [به] شهادت یکی از صاحب منصبان آن اداره محترمه که با ایشان هم منزل بوده‌ام و از جریان زندگی بنده در رشت اطلاع دارد بیش از دوستان تومان در این مدت پنجاه روز به واسطه بی‌تکلیفی تنها خرج بنده در رشت شده که قسمت عمده آن را در محل مدیون اشخاص متفرقه است و یک طلبکار بنده هم صاحب منصب مذکور است. اینک متمنی است برای جبران این خسارت نقدی اگر قرار ثابتی است قدغن فرمایید با اینجانب به همان قرار رفتار شود و اگر قرار ثابتی نیست و باید اسناد مثبتیه تهیه شود آن را هم معلوم فرمایید تا تهیه و تقدیم دارد.

در خاتمه متمنی است اگر مجاز به انتشار مجله و حفظ حیثیت خویش نزد مشتریان می‌باشد دستور رفع توقیف را به مطبعه صادر فرمایند که بلکه بتواند به وسیله تجدید حیات مجله محاسبات گذشته را تسویه^۱ و مطالبات خویش را وصول نماید.

با تقدیم احترامات لایقه

[امضا: فرخ‌دین پارسای]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۱۶

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۲۰

سند شماره ۵۹/۹

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۲۰
محرمانه

تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۱۰/۲۰
تاریخ اصل مطلب: ۱۸ دی ماه ۱۳۰۹

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی
شرحی را که مدیر مجله عصرجدید مبنی بر تقاضای رفع توقیف مجله خود نوشته بود و
درضمن مراسله نمره ۳۲۱۹^{۹۹۹} ارسال فرموده بودید ملاحظه شده، جواباً زحمت می‌دهد که
اجازه رفع توقیف مجله عصرجدید داده می‌شود ولی مشروط بر اینکه در قسمت راه آهن و
غیره اطاله لسان ننماید.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۶۰

درخواست مدیر مجله سودمند (عبدالله رازی) مبنی بر عدم اعمال سانسور در
مورد مجله مذکور، به انضمام مکاتبات وزارت دربار و نظمیه در این زمینه

به تاریخ: ۸ آذرماه ۱۳۰۹
نمره: خصوصی

دارالوکاله رازی
و
اداره مجله سودمند

تصدق حضور مبارکت گردم
با کمال ادب و احترام مراسم عبودیت و چاکری خود را به آستان بندگان حضرت اشرف

پیشوای اهل دانش و معرفت و یگانه دستور مصلح ایران تقدیم داشته یزدان پاک را نهایت سپاسگزار است که در این عصر فرخنده اعلی حضرت پهلوی ارواحنا فداه چنانچه همه منتظر بودند «دستی از غیب برون آید و کاری بکند» زمام امور به کف با کفایت یگانه دستور فرزانه [ای] افتاد که طوعاً و کرهاً صور بیداری این ملت چند هزار ساله را دمیده و باب قدرت ابواب جهالت را شکسته، دربهای تجدد و تمدن را بر روی بازماندگان سیروس و اخلاف داریوش باز کرده است.

مجلات رستاخیز و عصر پهلوی که با خامه شکسته این حقیر در مصر نگاشته می شد، شاهد گفتار است که آنچه اکنون هم به عرض می رسد دنباله همان احساسات و عواطف درونی است که فدوی در خارجه هم اظهار کرده است. آری در آن ایام که جان نثار در مصر به نگارش مجله عصر پهلوی اشتغال داشت، هیچ گاه به وسیله عریضه مصدع اوقات بندگان حضرت اشرف نگردید تا معلوم گردد تبلیغات این بنده در آن حدود فقط برای ایران و سیاستگزاری از زمامداران مصلح آن بوده است و بس. باری در این چندماه اخیر که مخلص به پایتخت مراجعت کرده و ترقیات این کشور را مشاهده نموده است مایل گردید که با خامه شکسته خود و با معلوماتی که چند سال در خارجه به دست آورده خدمتی از راه مطبوعات به ملک و ملت خود نماید و پس از شش ماه دوندگی موفق بر آن گردید که با اجازه مأمور سانسور مجله [ای] علمی و ادبی به نام سودمند منتشر گردد.

گرچه فدوی نهایت شرمنده است که نام این چند ورق کاغذ را مجله نهد و در حضور بندگان حضرت اشرف اسمی از آن ببرد ولی از آنجا که امیدوار است در ظل توجهات آن دستور مصلح معظم به تدریج در تکمیل آن بکوشد مستدعی است امر فرمایند این مجله مختصر را که به هیچ وجه مطالب سیاسی و دیانتی در آن نوشته نمی شود سانسور ننمایند. چه راستی مخلص در میان همگنان خجل است که با ارادت و اخلاصی که به آستان بندگان حضرت اشرف داشته و دارد باز هم این مختصر مجله علمی را سانسور کنند. در خاتمه از جسارت خود معذرت خواسته امید عفو دارد.

چاکر حقیقی

عبدالله رازی

[امضا]

سند شماره ۶۰/۱

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

محرمانه

تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۹/۲۶
نمره کتاب ثبت: ۶۲۲۹

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی
آقای [عبدالله] رازی اظهار می‌دارند که مجله‌ای به نام سودمند تأسیس کرده که به هیچ وجه
حاوی مطالب سیاسی و دیانتی نبوده و فقط مشحون به مطالب علمیه است و تقاضا نموده است که
از سانسور معاف شود. متمنی است نظریه خودتان را در مورد تقاضای مشارالیه اشعار فرمایید.

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۶۰/۲

وزارت داخله
[شیر و خورشید]
تشکیلات کل نظمیه مملکتی
اداره اطلاعات

نمره: ۳۰۰۷
۹۹۲

تاریخ: ۱۴ دی ماه ۱۳۰۹
محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته
عطف به مرقومه محترمه نمره ۶۲۲۹ راجع به مجله سودمند که مدیر آن تقاضای رفع سانسور

از مجله خود نموده معروض می‌دارد: مشارالیه مدت قلیلی است در تهران اقامت دارد و یک شماره از مجله مزبور را به طبع رسانیده است و سابقاً در مصر مجله [ای] به نام عصر پهلوی طبع و نشر می‌نموده که اکثر مباحثی مخالف اسلام در آن درج می‌کرده لذا مثل سایر مطبوعات تحت مراقبت می‌باشد تا این که کاملاً به کارکنان آن اطمینان حاصل شود. با این ترتیب به هر طور امر و مقرر فرمایید اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکت

سرتیپ [محمد صادق کوپال]

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۲

نمره اندیکاتور: ۵۴

سند شماره ۶۱

مکاتبه مدیر روزنامه آئینه ایران با تیمورتاش در خصوص ندادن سفارش درج آگهی توسط مؤسسات و ادارات دولتی در روزنامه وی به تصور عدم تأیید روزنامه مزبور از طرف وزارت دربار

اداره: روزنامه آئینه ایران

مورخه: ۹ ماه آذر ۱۳۰۹

خصوصی است

مقام منیع حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی دامت عظمته

به امید توجه و مراحم آن وجود اشرف سال اول این جریده به پایان رسید و اینک یک ماه هم انتشار سال دوم آن می‌گذرد. سال اول صفحات روزنامه کوچک و بعد در دو صفحه بزرگ و

ابتدای سال دوم هر روز در چهار صفحه بزرگ انتشار می‌یابد. و تاکنون ۲۰۳ نمره مرتباً طبع و توزیع شده است. زحمات معنوی و خسارات مادی که در این مدت متوجه شده محتاج به شرح نیست. زیرا ضمیر منیر از تمام جزئیات و کلیات امور مطبوعات به خوبی مستحضر و شرح آن توضیح واضحات است.

مطلبی که می‌خواهد محترماً به عرض رساند موضوع بی‌محبتی‌ها و عدم مساعدتهایی است که از طرف اولیاء امور و دوائر دولتی نسبت به این مؤسسه به عمل آمده است. ثبت اسناد که حتی از دادن یک سطر اعلان هم به این جریده خودداری نمود. سایر دوائر و مؤسسات دولتی به تصور اینکه حضرت اشرف نظر لطف و مرحمتی نسبت به این روزنامه ندارد از دادن اعلانات حتی الامکان خودداری نموده و می‌نمایند.

فدوی به استظهار اینکه خود را از خدمتگزاران صمیمی دانسته و روزنامه محقر خود را ناشر افکار و نیات عالی می‌داند و تمام صفحات گذشته آن هم شاهد صادق این مدعا است تمام این مدت را با سرمایه شخصی اداره نموده و تا آخرین درجه امکان آرزو دارد به خدمت خود ادامه دهد. لیکن مع‌التأسف سرمایه قلیل نزدیک به اتمام و اگر نظر مهر و عطوفت آن وجود اشرف متوجه این کمترین و مؤسسه نوزاد او نگردد تصور می‌رود تا بیست روز الی یک ماه دیگر بیشتر نتواند به مراسم فدویت و خدمت جاریه خود عمل نموده و روزنامه جوانی که وقف انتشار نیات عالیست دچار تعطیل گردد.

مراسم فدویت و احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

فدوی

[امضا: علی‌اصغر امیرجلیلی مذهبی]

سند شماره ۶۲

درخواست مدیر روزنامه صدای اصفهان (محمدعلی مکرم) از تیمورتاش مبنی بر توصیه وی به کفیل بلدی و حاکم اصفهان جهت افزایش حقوقش بابت مدیریت مجله بلدی اصفهان، به انضمام مکاتبات صورت گرفته در این زمینه

(صدای اصفهان)

(مدیر میرزا محمدعلی)

مورخه: ۱۷ شهر آذر [۰۹] ۱۳

مکرم

تصدق وجود مقدس گردم بعد از عرض چاکری و بندگی چون مدیریت مجله بلدی اصفهان به فدوی از طرف انجمن و پیشنهاد مردم واگذار گردیده است و بندگان حضرت اشرف تقاضای مشروع این چاکر را که مخالفت با قانون نداشته باشد قبول می فرمایید و بنده در دوره عمر خود زحماتی و صدماتی دیده ام استدعا دارم دوکلمه دستخط از طرف حضرت اشرف به کفیل بلدی اصفهان صادر شود که با بنده مساعدت و همراهی کنند. حقوق بنده را بیست^۱ تومان قرار داده اند. اگر حضرت اشرف تصدیق دارید که برای بنده همین اندازه حقوق بس است بنده هم البته راضی هستم ولیکن تمنا دارم این همراهی را بفرمایید شهریه سی تومان مقرر شود چاکر هم کمکی برای مخارج داشته باشم.

محمدعلی مکرم

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] به حکومت به طور خصوصی توصیه از مکرم بشود. خصوصی نوشته شد.

۱. در سند عدد بیست به خط سیاق هم نوشته شده است.

سند شماره ۶۲/۱

[شیرو خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۶۷۳۹

کارتن: ۱

تاریخ خروج: ۱۳۰/۹/۱۰

دوسیه: ۸ د

آقای سرهنگ شهردار رئیس محترم نظمیه و کفیل بلدیۀ اصفهان
آقای مکرم که مدیریت مجله بلدیۀ اصفهان را عهده دار است تقاضا کرده است که به شهریه
مشارالیه ماهی ده تومان اضافه شود که ماهی سی تومان به مشارالیه عاید شود. نظر به
استحقاق مشارالیه زحمت می دهیم که در حدود امکان با تقاضای مشارالیه موافقت بفرمایید.

سند شماره ۶۲/۲

[شیرو خورشید]

وزارت داخله

اداره بلدیۀ اصفهان

به تاریخ: ۱۶ دی ماه سنه ۱۳۰۹

نمره: ۲۳۴۳

مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکتہ
مدلول امریه مطاعه نمرة ۶۷۳۹ نسبت به توصیه اضافه حقوق آقای مکرم، مدیر مجله بلدیۀ
اصفهان، اطاعت و اجرا شد.

کفیل بلدیۀ اصفهان

شهردار

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۱

نمره اندیکاتور: ۶۷

سند شماره ۶۳

درخواست محمدجواد هوشمند (مدیر روزنامه سعادت بشر) مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی

مقام منبع رفیع بندگان حضرت اشرف

آقای تیمورتاش وزیر معظم دربار شاهنشاهی دامت عظمت

محترماً به عرض مقدس بندگان عالی می‌رساند به طوری که حضور مبارکت مطلع و مسبوق می‌باشد این بنده در نتیجه احساسات وطن‌دوستی و شاه‌پرستی آنچه را که راجع به بانک پهلوی شنیده بود لازمه خود دانست که به عرض اقدس اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه برساند. نمی‌دانم چه قسم مطالب را به حضور همایونی جلوه‌گر ساخته‌اند که نتیجه معکوس و در ازای نوازش مورد غضب ملوکانه واقع شده است.

خدماتی که در این مدت به دولت و ملت و شخص شخیص اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه نموده و صدماتی که در نتیجه خدمت به وطن و مملکت متحمل گردیده بود بر هیچ کس مخفی و پوشیده نیست و شاید به سمع مبارک ملوکانه رسیده باشد. همانا عشق شاه‌پرستی بود که دچار حبس خزعل گردید و تمام اموال و داراییم را اعراب به حکم شیخ خزعل به یغما بردند. نظر به ادای وظیفه‌شناسی و شاه‌پرستی بود که انگلیسها مرا از خوزستان تبعید نمودند. همانا در نتیجه خدمت به وطن بود که در موقع تجاسر اعراب به محمره^۱ مورد حمله آنها واقع گردیده و نزدیک بود در آن موقع جانم را نثار اعلی حضرت نمایم. در موقع

۱. خر مشهر فعلی.

تشریف‌فرمایی موکب همایونی به خوزستان حضوراً به آستان مقدسش تشریف حاصل نموده و چندین راپورت مهم^۱ راجع به وضعیت آن حدود به حضور مبارکشان عرض نمود و مورد توجه و مراحم شاهانه واقع گردید.

زمانی که در بنادر بودم چندین فقره راپورت جامع^۲ راجع به حیدرخان حیات داودی به دولت عرض نمود. بالاخره همان عشق شاه‌پرستی بود که بنده را به تهران جلب نموده و در مدت توقف خود چندین فقره شرح مراتب فدویت و خدمات چاکرانه خود را به آستان مقدس اعلی حضرت شاهنشاهی عرض نمود ولی متأسفانه به جواب آنها سرفراز و مفتخر نگردید.

با یک زحمات فوق‌العاده امتیاز روزنامه را گرفته بلکه در این زمینه بتواند خدمات ملی خود را ادامه دهد. در این مدت جمیع قوای روحی و جسمی خود را مصروف به این قسمت نمود و تاکنون در حدود ۱۵۰۰ تومان مخارج آن را نموده است. آیا سزاوار است پس از آن همه خدمات فوق‌العاده و جان‌فشانیها که در راه مملکت نموده حال در نتیجه بروز عواطف و احساسات وطن‌پرستی روزنامه توقیف و خود در به در غربت و حیران و سرگردان و پریشان احوال گردد. اگر تقصیری داشتم هر آینه چندان نگران نبودم ولی چکنم متأسفانه گنه دیگران دامنگیرم گردیده و این جز یک بدبختی مدهش به هیچ چیز دیگر نمی‌شود تعبیرش نمود. نمرات روزنامه سعادت بشر بهترین گواه صدق عرایض بنده است. هیچ سابقه اعم از آشنایی یا عداوت و مخالفتی با رئیس بانک پهلوی نداشتم (به تصدیق خود مشارالیه) و این راپورت نیز اولین راپورت بنده نبوده بلکه تاکنون تقریباً ۵۰۰ راپورت به دولت داده‌ام. حال که در قم هم می‌باشد در این مدت توقف خود مطالب و چیزهایی دیده و شنیده می‌شود که واقعاً برای اشخاص حساس خیلی طاقت‌فرسا است. اگر به دولت هم اطلاع دهم یقیناً روزگار پریشانم را پریشان‌تر می‌نماید این است که غیر از تحمل چاره و علاجی ندارد. همین قدر عرضه می‌دارد اگر به همین منوال باقی ماند شکی نیست که قم برای ایران یک مرکز هولناکی خواهد بود.

نظر به مراتب بزرگواری و مقام ارجمندی که امروزه حضرت اشرف در جامعه ملت ایران پیدا فرموده‌اند که واقعاً باعث افتخار ما ایرانیان است این است که در عین ناامیدی با نهایت امیدواری دست توسل به دامن پاکت دراز کرده استدعای عاجزانه دارد رسیدگی به عرایضم

۱. در اصل: مهمی.

۲. در اصل: جامعی.

فرموده و بنده را از این بدبختی ناگهانی نجات دهند تا ابدالاباد به دوام دعاگویی آن وجود مقدس اشتغال یابد. در خاتمه احترامات و تجلیلات فائقه را تقدیم می‌دارد.

مورخه ۹/۹/۲۳ [۱۳۰]

چاکر محمدجواد هوشمند

سند شماره ۶۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ خروج: ۹/۱۰/۱ [۱۳۰]

نمره کتاب: ۶۳۲۶

اسم پاکنویس کننده: سیدحسن

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

متمنی است غدغن فرمایید به محمدجواد هوشمند مدیر روزنامه سعادت بشر که فعلاً در قم می‌باشد اجازه مراجعت بدهند.

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۶۴

مکاتبات در خصوص نحوه انتقال جسد مؤیدالاسلام (مدیر روزنامه
 جبل‌المتین) به ایران و دفن آن در مشهد مقدس

[شیرو خورشید]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

به تاریخ: ۲۷ دی ماه ۱۳۰۹

ضمیمه: ۱

تصدق حضور مبارکت گردم

شرحی که آقای متینی همشیره‌زاده مرحوم مؤیدالاسلام نوشته است لفاً از نظر مبارک
 می‌گذرد.

[امضا: مهدی فرخ]

سند شماره ۶۴/۱

میرسیدعلی متینی - وکیل مرکزی جبل‌المتین

عنوان تلگرافی: جبل‌المتین - تهران

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۷

حضور حضرت اجل اکرم عالی آقای فرخ کفیل وزارت معارف دامت شوکت
 در تعقیب مذاکرات شفاهی و مساعدت هیأت معظم دولت در آوردن جنازه آقای مؤید مدیر
 جبل‌المتین به ایران، محل دفن ارض اقدس و به مفاد الاکرام بالاتمام مستدعی است به تولیت

آستانه امر فرمایند در ایوان یا یکی از رواقهای حرم مطهر محل دفن را قرار بدهند و روح آن خادم صدیق وطن و اسلام را خوشنود فرمایند.

احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد

وکیل مرکزی حبل‌المتین

متینی

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۱/۱

نمره اندیکاتور: ۲۷۸

طبقه بندی ضبط: ۱ - ۱ - ۱ ذ

سند شماره ۶۴/۲

[شیر و خورشید]

ریاست وزراء

به تاریخ: ۲۹ دی ماه سنه ۱۳۰۹

حضرت اشرف عزیزم

شرحی نماینده حبل‌المتین نوشته است لفاً به عرض می‌رسد که به هر چه مقتضی است امر فرمایند.

[امضا: مهدی قلی هدایت]

سند شماره ۶۴/۳

میرسیدعلی متینی- وکیل مرکزی حبل المتین
عنوان تلگرافی: حبل المتین-تهران
تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۷

حضور مبارک حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا دامت عظمته
دستخط مبارک تحت نمره ۷۱۶۱ زیارت، نظر بر اینکه محل دفن آقای مؤید مدیر حبل المتین
در ارض اقدس به عرض رسیده، از سرحد دزداب^۱ جنازه را وارد نمایند اسهل طرق است.
استدعای دوم بنده که در حقیقت خوشنودی روح مرحوم مؤیدالاسلام است از حضرت اشرف
به مفاد الاکرام بالاتمام به تولیت آستانه امر فرمایند در ایوان یا یکی از رواقهای حرم مطهر
محل دفن را قرار بدهند. زیاده جسارت است. متینی وکیل مرکزی حبل المتین

سند شماره ۶۴/۴

[شیرو خورشید]
وزارت دربار پهلوی

کارتن: ۱۲
دوسیه: ۴

نمره کتاب ثبت: ۱/۵۵۸
تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۱۱/۴

نیابت تولیت عظمی

آقای مؤیدالاسلام مدیر جریده حبل المتین به طوری که البته اطلاع دارید فوت نموده است.
جنازه مرحوم مشارالیه را حسب الوصیه برای دفن به ارض اقدس خواهند آورد. متمنی است
مقرر دارند محل مناسبی جهت تدفین جنازه آن مرحوم در نظر بگیرند.

سند شماره ۶۴/۵

میرسیدعلی متینی - وکیل مرکزی حبل المتین

عنوان تلگرافی: حبل المتین - تهران

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۱/۸

نمره: ۱۰۷۳

خدمت جناب مستطاب اجل آقای شکرایی دام اجلاله

مستدعی است کپیہ تلگراف صادره از دربار اعظم پهلوی به تولیت آستانه قدس رضوی (ع):

راجع به محل دفن مرحوم مدیر سابق حبل المتین در حرم مطهر را مرحمت فرمایند.

با تقدیم احترامات

وکیل مرکزی حبل المتین

متینی

[حاشیہ پایین، اول:] برای کسب تکلیف به عرض می‌رسد.

[حاشیہ پایین، دوم، به خط تیمورتاش:] سواد لزومی ندارد.

[حاشیہ پایین، سوم، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۱/۱۱

نمره اندیکاتور: ۳۶۳

طبقه‌بندی ضبط: ۱ - ۳ - ۳ ذ

سند شماره ۶۴/۶

میرسیدعلی متینی - وکیل مرکزی حبل المتین

عنوان تلگرافی: متینی - تهران

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۲/۱۸

حضور مبارک حضرت اشرف آقای وزیر دربار دامت شوکته

در تعقیب درخواست‌های پی‌درپی اولاد مرحوم مؤیدالاسلام برای حمل جنازه آن مرحوم به ایران و عدم استطاعت آنها در مخارج و مصارف آن، بنده در مقام جسارت برآمده از حضور مبارک استدعا کردم امر فرمایند جنازه آن مرحوم را به ارض اقدس حمل و دفن نمایند. چون بهار نزدیک و ابتدای شروع گرمای هندوستان است مستدعی است امر به اجرای وصیت آن مرحوم فرمایند. امر امر مبارک است. متینی

[حاشیه پایین، اول:] ضمیمه سابقه شود.

[حاشیه پایین، دوم:] به عرض رسید، ضبط شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۲/۲۰

نمره اندیکاتور: ۹۴۵

طبقه‌بندی: ۱-۱-۹ ذ

سند شماره ۶۵

توقف موقت فعالیتهای ضد دینی مدیر روزنامه صدای اصفهان به دلیل فرا رسیدن ماه مبارک رمضان و مکاتبه وزارت دربار با شهرداری اصفهان جهت افزایش حقوق مدیر روزنامه مذکور

تاریخ: ۲ ماه بهمن

سال: ۱۳۰۹

میرزا محمدعلی مکرم

مدیر صدای اصفهان و وکیل دعاوی

تصدق وجود ذیجودت کردم به ترتیب خود کاریکاتور دسته اصفهان را مرتباً تقدیم می‌دارم و حسب الامر آقای بهرامی در مقالات نظر به ماه جوع که پیش آمده است عقب نشینی اختیار نمودم تا به شوال برسیم.. در روز استعفای سرهنگ شهردار دستخطی در باب اضافه حقوق فدوی از ناحیه مبارک رسیده و همان روز او استعفا داده باز سرمن بی‌کلاه است. از مقام منبع استدعا دارم هرطور مصلحت می‌دانید یا به حکمران یا جلالی توصیه‌ای فرمایید که شاید از این راه روزنامه من نشر شود. تصدیق می‌فرمایید که جان نثار در عالم قانع هستم و به این جهت استدعای بذل تفقد دارم.

چاکر محمدعلی مکرم

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط .

سند شماره ۶۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۱/۷۳۵/۸۰۲

تاریخ خروج: ۱۳۰]۹/۱۱/۱۲

کارتن: ۱

دوسیه: ۲ د

ریاست محترم بلدیۀ اصفهان

سابقاً راجع به اضافه حقوق آقای مکرم، مدیر روزنامه صدای اصفهان، شرحی به آقای سرهنگ شهردار اشعار گردیده بود. اینک در تعقیب آن خواستارم توجهی به مشارالیه بفرمایید. وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: گلشائیان]

سند شماره ۶۵/۲

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

حکومت اصفهان

تاریخ: ۲ مرداد سنه ۱۳۱۰

نمره: ۲۷۷۱

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

مرقومۀ محترمه راجع به آقای مکرم، مدیر روزنامه صدای اصفهان، زیارت و برای مزید

استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند: معزی الیه در حوزه بلدیۀ اصفهان دارای دو سمت و دو حقوق بودند. اولاً مدیر مجله بلدیۀ اصفهان ثانیاً وکالت عمومی بلدیۀ در عدلیه. نظر به ضیق بودجۀ بلدیۀ اصفهان و عدم توازن دخل و خرج آنجا، در ضمن تقلیل بودجۀ بلدیۀ سپردم در طبع مجله به طور موقت دست نگاهدارند تا جمع و خرج بودجۀ بلدیۀ موازنه پیدا کرده تکافو نماید و از طرفی هم چون کارهای دارالمجانین اصفهان به واسطۀ عدم مراقبت متصدیان سابق از صورت انتظام خارج شده بود سرپرستی آنجا را از حیث رسیدن غذا به آنها و سایر احتیاجات به ایشان واگذار کردم که در تحت نظارت و مراقبت ایشان کارهای دارالمجانین مرتب باشد. بعد که معلوم شد از این کار رضایت ندارند، ایشان را از این زحمت معاف و برای این که بتوانند کماکان از حقوق خودشان استفاده نمایند کتابخانه بلدیۀ را به جای آن به ایشان واگذار و به امثال امر مبارک مبادرت نمود.

[امضا: محسن جلالی]

[حاشیۀ پایین:] به عرض رسید، ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۱۴

نمره اندیکاتور: ۴۳۲۲

طبقه بندی ضبط: ۱-۱-۸ د

سند شماره ۶۶

اعتراض دولت شوروی نسبت به چاپ مقالاتی علیه آن کشور در روزنامه تشویق، به انضمام دستور وزارت دربار جهت جلوگیری از انتشار چنین مقالاتی

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره جماهیر شوروی

تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۰۹

رپورت

نایب سفارت کبرای شوروی اظهار می‌داشت مدتی است در تهران روزنامه‌ای به اسم تشویق منتشر می‌شود که غرض از انتشار آن حمله به حکومت شوروی است و در تمام نمرات بدون استثناء مقالاتی دارد که از مراجعه به آن مقصود نویسنده معلوم می‌شود. سکنت مدیر این روزنامه سابقاً جریده‌ای به اسم وطن انتشار می‌داد [و] از سفارت شوروی توقعاتی داشت. چون مقصود او حاصل نشده موقعی به دست آورده که دائماً بر علیه حکومت شوروی و مأمورین آن حمله کند. در چند نمره قبل مخصوصاً شرحی نوشته مبنی بر این که تمام عمال تجارتي و سیاسی شوروی در ایران جاسوس هستند و غیره و غیره که البته این قبیل القائات و انتشارات مناسب ندارد و اگر بنا شود جراید شوروی در جواب این روزنامه یا مبتکران مقالاتی در باب ایران بنویسند معین است وزارت امور خارجه عدم رضایت خود را اظهار داشته و از حکومت شوروی تقاضای جلوگیری خواهد کرد. بنابراین سفارت کبرای شوروی انتظار دارد از طرف مقامات مربوطه دستور صادر گردد از انتشارات جریده مزبوره که به کلی خارج از نزاکت و دور از حقیقت است جلوگیری کنند.

[امضا: علی سهیلی]

[حاشیه پایین:] ضمیمه سابقه شود، ضبط محرمانه.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۹

نمره اندیکاتور: ۳۷۴۸

سند شماره ۶۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۱/۲۴

نمره کتاب: ۶۴۶/م

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۱/۲۴

محرمانه

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

سابقاً حسب الامر مبارک شفاهاً ابلاغ شده بود که از حملات روزنامه تشویق به روس‌ها جلوگیری به عمل آید ولی مطابق شکایت جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه هنوز اقدامی نشده است. بدین لحاظ امر مطاع مبارک را ثانیاً تذکر می‌دهم.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۶۷

نامه مدیر روزنامه ایران (زین العابدین رهنما) به تیمورتاش در خصوص عدم امکان رعایت بخشنامه نظمیه در مورد سانسور مطبوعات

تهران

روزنامه یومیه ایران

تاریخ: ۱۳[۱۰]/۱/۱۵

حضرت اشرف، مأمور تأمینات امروز صبح متحدالمآل ضمیمه را به مطبوعات ابلاغ کرده است. انجام هیچ یک از این مواد سه گانه برای ادارات جراید عملی نیست. از آن گذشته با تمهیدی که حضرت اشرف از مطبوعات گرفته‌اید و در اداره نظمیه موجود است این متحد المآل معنایی ندارد. در هرحال روزنامه ایران در موقع سختی سانسور هم از این قبیل مواد معاف بوده زیرا قطعاً بهتر از مأمورین سانسور نظمیه به مملکت و اوضاع علاقه‌مند بوده است. مع‌ذلک هرطور حضرت اشرف امر فرمایید اطاعت می‌شود.

[امضا: زین العابدین رهنما]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۲۸۸ خ

طبقه‌بندی: ۴/۵/۱

سند شماره ۶۷/۱

- ۱ - به مدیر توزیع اخطار کنید که هیچ روزی صبح و عصر روزنامه را بدون اطلاع و اخطار و اجازه مأمورین شعبه انتشار ندهد.
- ۲ - به کلیه ماشین‌خانه‌های مطابع اخطار شود که همه روزه باید روزنامه‌های چاپ شده را نگاه دارند تا از طرف نظمیه اجازه انتشار آن داده شود.
- ۳ - به کلیه مطابع و مدیران جراید و اطافهای حروف چینی اخطار شود که هیچ خبر و مقاله را بدون امضای مأمور سانسور نچینند و اگر فوریت دارد به شعبه مطبوعات بیاورند اجازه بگیرند.

سند شماره ۶۸

کسب تکلیف تشکیلات نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص معافیت
تعدادی از روزنامه‌ها از سانسور

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

به تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۶

نمره: ۶۷۲/۲۲۱

محرمانه - مستقیم

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

یک عده از جراید از قبیل ایران، شفق سرخ، ستاره جهان، کوشش، اطلاعات، گلشن، تجدد
ایران، ایران آزاد، امید، سعادت بشر، تشویق [و] آزادگان که مقرراتی را تمهید کرده‌اند از سانسور
معاف می‌باشند ولی بعضی جراید دیگر - اقدام، حصار عدل، توفیق، مجله سودمند، روزنامه
نرخسک فارسی ارمنی، روزنامه جوان ایران، مجله عالم نسوان، مجموعه معارف - از مدت‌های
قبل تحت سانسور بوده حالیه در اطراف گفتار سیاست آنان فقط اطلاعاتی تحصیل می‌گردد.
مرقوم فرمایید جراید اخیرالذکر از سانسور معاف باشند یا خیر.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ [محمد حسین] آیرم

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۶

نمره اندیکاتور: ۶۵۵

سند شماره ۶۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۶۵۵/م

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۱/۳۰

محرمانه

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۱/۳۰

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

در جواب مراسله نمره ۶۷۲/۲۲۱، ۱۰/۱/۲۶ زحمت می‌دهد که به استثنای جراید مفصله
ذیل:

ایران، شفق سرخ، ستاره جهان، کوشش، اطلاعات، گلشن، تجدد ایران، ایران آزاد.

سایر روزنامه‌های مندرجه در مراسله فوق‌الذکر بایستی سانسور شوند.

[امضا: یوسف شکرانی]

سند شماره ۶۹

کسب تکلیف نظمیه از عبدالحسین تیمورتاش درخصوص ضبط یا استرداد
مجله توقیف شده ارسالی از روسیه برای کنسول‌های آن کشور در رشت و
بندرانزلی

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۷

نمره: $\frac{۹۳۱}{۳۸۵}$

اداره اطلاعات

ضمیمه: مجله

محرمانه و فوری

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

طبق راپورت نظمیه گیلان در تفتیش پست خارجه وارده از روسیه مورخه ۲۹ فروردین ۵
جلد مجله رهبر دانش، شماره ۶ برای قونسول روس مقیم رشت و ۱۰ جلد برای قونسول
شوروی مقیم بندر پهلوی ارسال شده. چون مندرجات مجله مذکور توصیف از مرام شوروی و
جنبه انقلاب و تبلیغاتی داشته موقتاً توقیف و یک جلد از مجله مذکور را ارسال داشته که لفاً
تقدیم می‌دارد. به هر طور در باب ضبط یا استرداد آن امر و مقرر فرماید اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سر تیپ [محمدحسین] آیرم

[امضا]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید که مطبوعات مأمورین رسمی را نباید توقیف
کرد و مقرر فرماید که برسانند.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۷

نمره اندیکاتور: ۷۸۱

سند شماره ۶۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۴۰/۷۸۱

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۲/۲۳

محرمانه

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۲/۲۳

ضمیمه: یک جلد مجله رهبر دانش مطبوعه در تاجیکستان

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

با استحضار از مدلول مراسله نمره $\frac{۳۸۵}{۹۳۱}$ و با اعاده یک نسخه از مجله رهبر دانش که در ضمن
 مراسله مذکوره ارسال فرموده بودید زحمت می‌دهم که مطبوعات مأمورین رسمی را نباید
 توقیف نمود. مقرر فرمایید مجلات توقیف شده را به مقصد برسانند.

[امضا: یوسف علوی]

سند شماره ۷۰

مکاتبات راجع به علل جلوگیری از انتشار روزنامه نسیم شمال

به عرض می‌رساند:

تا قیامت همیشه باقی باد

از خدا خواهم آن مقام منبع

خضر ز آب حیات ساقی باد

در شب عیش دوستان ترا

این دعاگو همه ایرانیان می‌دانند که پنجاه سال زحمت کشیده‌ام و از همین روزنامه‌نویسی یک
 لقمه نانی به چنگ آورده زندگانی کرده‌ام ولی امروز نظمیه اجازه نمی‌دهد. نمی‌دانم سبب
 چیست و جهت کدام است؟ متوقع از آن مقام منبع آن که یا این غائله را رفع فرماید یا یک

شهریه به جهت این سید پیر قرار داده که در این^۱ موقع پیری اقلأ راحت باشم. در این موقع باید با این دعاگو همراهی فرمایند که حقوق فقیر پامال نشود. منتظر جواب عریضه.

اشرف الدین الحسینی

مدیر نسیم شمال

[حاشیه راست، اول:] کسی که به خضر امرش جاری است عوض سقاییت نامشروع، نان مشروع از خضر بخواهد.

[حاشیه راست، دوم:] ضمناً تحقیق شود علت منع نظمیه چیست. ۱۳۱۰/۶/۲۲ [۱۳]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

به تاریخ: ۱۳۱۰/۶/۲۸

نمره: ۵۲۲۸

سند شماره ۷۰/۱

[شیر و خورشید]

کابینه ریاست وزراء

تاریخ ثبت: ۱۳۱۰/۶/۲۸

تاریخ تحریر: ۲۳ شهریور ماه ۱۳۱۰

نمره عمومی: ۵۲۲۸

اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی

آقای اشرف الدین مدیر نسیم شمال شکایت دارد که اداره تشکیلات کل از طبع و نشر روزنامه نسیم شمال ممانعت دارد علیهذا استعلام می گردد که اگر این شکایت حقیقت دارد علت ممانعت چیست؟

[امضای پیش نویس: نصرالله نخعی]

۱. در اصل: درین؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۷۰/۲

[شیر و خورشید]

کابینه ریاست وزراء

تاریخ تحریر: ۲۳ شهریور ۱۳۱۰

آقای اشرف الدین مدیر سابق نسیم شمال

در جواب مکتوب شما اشعار می‌گردد که از اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی استعلام گردید که علت ممانعت از طبع و نشر روزنامه نسیم شمال چه می‌باشد؟

[امضای پیش‌نویس: نصرالله نخعی]

[حاشیه پایین: جواب اشرف الدین را در حاشیه یادداشت فرموده‌اند.]

سند شماره ۷۰/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره سیاسی

نمره: ۲۷۸۱

تاریخ: ۱۳۱۰/۶/۳۱

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت شوکته

عطف به مرقومه محترمه نمره (۵۲۲۸) در خصوص شکایت مدیر روزنامه نسیم شمال از

ممانعت انتشار جریده مزبوره معروض می‌دارد: مشارالیه مدتها است به امراض دماغی مبتلا و در مریضخانه تحت معالجه است. به عیال مشارالیه که چندی قبل شفاهاً تقاضای اجازه طبع و انتشار روزنامه را نموده بود جواب داده شده است در صورت اخذ تصدیق صحت قوای دماغی از مریضخانه معالج و ارائه آن به نظمیۀ مانع و اشکالی برای طبع و انتشار روزنامه نسیم شمال موجود نیست. چون تاکنون تصدیق مزبور ارائه نشده اجازه انتشار روزنامه صادر نگردیده است. رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سررتیب [محمدحسین] آیرم

[امضا]

[حاشیۀ پایین:] عجالتاً [نشر] روزنامه با حالت کسالت ضرورت ندارد. ۱۳/۷/۷۰ [۱۳]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

به تاریخ: ۱۳/۷/۸۰ [۱۳]

نمره: ۵۵۹۱

سند شماره ۷۰/۴

[شیر و خورشید]

کابینه ریاست وزراء

مسئول پاكُنویس: بهنام

اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی

مراسله نمره ۲۷۸۱ راجع به عدم صدور اجازه نشر روزنامه نسیم شمال به علت مریض بودن مدیر آن وصول یافت. جواباً اشعار می‌شود که عجالتاً [نشر] روزنامه با حالت کسالت ضرورت ندارد.

[امضا: عبدالحمید ملک الکلامی]

۱۳/۷/۸۰ [۱۳]

سند شماره ۷۱

اعتراض کنسول شوروی در اصفهان (اتابکوف) نسبت به عدم اجازه انتشار مصاحبه وی با روزنامه اخگر در مورد قانون انحصار تجارت خارجی و چاپ مقالات مخالفین دولت شوروی در روزنامه های عرفان و اختر

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

حکومت اصفهان

تاریخ: ۲۲ مرداد ماه سنه ۱۳۱۰

نمره: ۳۳۰۲

ضمیمه: سواد مقاله روزنامه

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

روز بیست و یکم مرداد قونسول روس مقیم اصفهان بنده را ملاقات و اظهار داشت برای من ابهامی پیش آمده که به جهت رفع آن به شما مراجعه و حل آن را تقاضا می نمایم و آن این است که از مراکز رسمی خودمان به من اطلاع رسیده که قرارداد تجارتی بین دولت ایران و دولت شوروی به پاراف نمایندگان دولتین رسیده و این مژده چون مستلزم تحکیم مبانی ودادیه و حسن روابط دولتین را ایجاب می نماید خواستم این خبر به اطلاع عموم اهالی اصفهان رسیده باشد لذا برای انجام این مقصود با مدیر روزنامه اخگر ملاقات و با ایشان داخل مذاکره و تعاطی افکار (اتروبو) شده تقاضا کردم که این حسن پیش آمد را در روزنامه خود درج نماید. مدیر اخگر در باب قرارداد تجارتی و شیلات و آب سرحدی و اترک و ازدیاد پست ها و سرحد ایران و ماورای قفقاز برای جلوگیری از اشرار و قاچاقچیان سئوالاتی از من کردند و جواب هایی به ایشان گفته شد و انتظار داشتم این خبر در روزنامه اخگر درج خواهد شد. در هر شماره از آن روزنامه که طبع و نشر گردید مراجعه کردم دیدم از درج آن خودداری نموده

علت را تحقیق کردم معلوم شد متصدیان مطبوعات رضا به طبع و نشر این خبر نداده‌اند و عدم درج آن را به دو چیز حمل کردم: یا مأمورین مشی اولیای امور مرکزی را که مبنی بر اصول روابط و دادیه است رعایت نمی‌کنند یا اعتماد به خبر رسمی که من داده‌ام نکرده‌اند. در صورتی که من مسئولیت صحت خبر را عهده دارم. در تصور هر یک از این دو فرض اسباب نگرانی من شده و اینک خواهش حل آن را از شما دارم.

بنده در جواب ایشان اظهار داشتم چند روز بود که به چهارمحال رفته بودم و در شهر نبودم و دیروز مراجعت کرده‌ام. باید تحقیق نموده به شما جواب بدهم ولی تصور می‌کنم که چون در جراید مرکزی از مبادله قرارداد خبری درج نشده شاید منتظر نشر این خبر در جراید مرکزی بوده‌اند. در هر حال تحقیق نموده و رفع نگرانی شما خواهد شد. قونسول اظهار داشت چون این اول دفعه‌ای است که پیش آمده باید تکلیف معلوم شود که در آتیه نظایری پیدا نکند. به سفارت کبرای مقیم تهران هم راپورت نداده‌ام و منتظر تحقیق و جواب شما هستم.

در خاتمه مذاکره به قید دوستانه اظهار داشت در جراید اصفهان مقالاتی را مدیران روزنامه عرفان و اخگر ترجمه و نشر می‌نمایند که از ناحیه مخالفین دولت شوروی نشر شده است و حال آن که هیچ وقت مقالاتی که حاکی بر ترقی و تعالی دولت شوروی است که دشمنان ما هم تصدیق دارند نشر نمی‌شود. بعد از رفتن قونسول رئیس نظمیۀ اصفهان را خواسته، موضوع را تحقیق و استعلام کردم. عین مسوده روزنامه اخگر را که برای طبع به مطبعه فرستاده بودند ارائه داد و سواد آن لفاً تقدیم می‌شود. رئیس نظمیۀ اظهار داشت چون در جراید مرکزی از قرارداد خبری طبع و نشر نشده و با دستوری که از مرکز تشکیلات کل نظمیۀ مملکتی در این قبیل موارد داریم از درج آن خودداری شده است.

با عرض شرح فوق استدعا دارم دستور اساسی نسبت به این موضوع مرقوم و مقرر فرمایید که خلاف مصلحتی پیش نیاید.

[امضا: محسن جلالی]

[حاشیۀ بالا، به خط تیمورتاش:] به قونسول جواب بدهند که اولاً مقدمه [ای] که ذکر شده است چندان مقرون به صحت نیست زیرا که گرانی و ارزانی اجناس ورودی در ایران که قسمت عمده آن نیز از مبداء شوروی است مربوط به عهدنامه تجارتي نیست و خوب است مؤسسات

شوروی مال خود را ارزاتر بفروشد و مخصوصاً دریاب قند و مال ذرعی این مراعات را بکنند. ثانیاً ارزان خریدن اجناس ایرانی اسباب شکایت عمومی به عمل آورندگان ایران است. ثالثاً البته در انتشار ائترویو از طرف قونسول اشکالی نیست ولی خوب است این مزایا و مقدمه را خود ایشان اظهار بدارند و از قول خود ایشان منتشر بشود نه این که عقیده روزنامه باشد. رابعاً با نهایت اشتیاقی که دولت ایران دارد بدیختانه هنوز عهدنامه تجارتی امضا نشده است و مواد اصلی آن که راجع به انحصار تجارت است حتی پارافه نشده است.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۳۱

نمره اندیکاتور: ۱۶۱۷

سند شماره ۷۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

حکومت اصفهان

از قراری که شنیده می شود مدیر روزنامه اخگر دو سال قبل روابط زیادی با قونسول وقت در اصفهان داشته و از طرف قونسول اظهار مساعدت برای دادن کاغذ به مشارالیه می شود و همیشه تمایل به مراوده با آنها دارد و با این که مدیر اخگر آدمی است علیل و فلج و به هر جا که بخواهد برود او را روی تخته گذاشته حرکت می دهند با این حال این قبیل مراودات را هم دارد و با هیولای ناقص و خفت عقل خیلی هم ناراحت و منفعت طلب است. به رئیس نظمی سپرده ام که مراودات و رفتار او را با هر کس کاملاً در تحت نظر گرفته و در مندرجات روزنامه او دقت بیشتری داشته باشند.

برای استحضار خاطر مبارک به عرض می رساند قونسول روس در هر ملاقاتی که با بنده می کند بنده را به صرف جای به قونسولخانه دعوت می نماید و اصرار زیادی هم دارد و در

تجدید هر ملاقاتی متذکر به دعوت خود می‌شود. بنده هم تاکنون به طفره و معاذیر گذرانده مستدعی است برای این قبیل دعوت‌ها به طور کلی تکلیفی مقرر و اشاره فرمایند موجب مزید تشکر است.

[امضا: محسن جلالی]

[حاشیه پایین:] ضبط محرمانه، به عرض رسید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۳۱

نمره اندیکاتور: ۱۶۱۵

سند شماره ۷۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

حکومت اصفهان

قرارداد ایران و شوروی

مصاحبه با رفیق اتابکوف ژنرال قونسول دولت جماهیر شوروی در اصفهان
این جمله در نظر اشخاص مطلع و مخصوصاً کسانی که در مراحل تجارت و اقتصاد همواره وارد بوده‌اند مسلم است که تجارت ایران و شوروی حتی در همان ایام حکومت تزاری روسیه هم به نفع تجار و تجارت ایران تمام می‌شده و اگر هم خسارتی داشته است خسارت آن به مراتب کمتر از زیانی بوده که از مجرای تجارت سایر ممالکی که با ما طرف معاملات تجارتی هستند وارد می‌آمد و این فعل نیز از مراجعه به احصائیه‌های گمرکی به خوبی معلوم می‌شود. مخصوصاً در سنوات اخیر یعنی در سنوات ۱۹۲۷ الی ۱۹۳۰ که قرارداد موقتی تجارتی بین ایران و شوروی در جریان عمل بود تجارت ما با ممالک جماهیر شوروی چون بر روی پایه تساوی واردات و صادرات و مبادله جنس به جنس قرارداد داشت و حتی صدی ده صادرات ما به

موجب قرارداد مذکور با پول نقد مبادله می‌شد تا حدی به نفع مملکت ما تمام شده، موجبات آسایش و رفاه طبقات تجار و کاسب کار و زارع ما فراهم گردیده و عده زیادی از افراد مملکت در سایه همین قرارداد منتفع شده و هر یک به نحوی استفاده می‌نمودند و حتی کسانی هم که به هیچ وجه در جریان معاملات تجارتي فیما بین واقع نبودند از نتایج همین قرارداد بهره‌مند می‌شدند و دلیل آن نیز با مراجعه به اوضاع عمومی در سنوات قبل از انعقاد قرارداد و در این ماههای اخیر که قیمت امتعه شوروی به اعلی مراتب ترقی رسیده نیز کاملاً محسوس است. فلان کاسبی که از بام تا شام زحمت کشیده و تنها از حاصل زحمت خود دو الی پنج قران استفاده برده است علاوه بر این که باید حوایج لازمه زندگی خود را از قبیل نان و گوشت و غیره فراهم کند تازه در این ایام بایستی قند یک من شاه دو تومان و چیت ذرعی سی شاهی را که اینها نیز به نوبه خود از حوایج روزمره زندگانی هر فردی به شمار می‌رود به یک من سی و دو قران و ذرعی پنج قران تهیه نماید. در صورتی که اگر قرارداد تجارتي فیما بین دولتين منعقد شده و در جریان عمل بود هرگز یک چنین گرانی ناگواری در امتعه شوروی روی نمی‌داد و طبقات ضعیف و فقیر ایرانی تا بدین درجه دچار زحمت و فلاکت گرانی اجناس خارجی نمی‌شدند. از آنجایی که انعقاد قرارداد مذکور رفع این محذور را کاملاً نموده و علاوه بر این موجبات سهولت صدور قسمت زیادی از امتعه و اجناس صادراتی ما را فراهم می‌نماید، ما همواره مترصد بودیم که توافق نظری بین زمامداران و اولیای امور طرفین حاصل شده و ملتین ایران و شوروی به حصول همان بهره‌های دیرینه موفقیت حاصل نمایند.

اینک چون از مجاری غیر رسمی شنیده بودیم که قرارداد ایران و شوروی در جریان مذاکره و در شرف انعقاد است و در مقام کسب اطلاعات بیشتری بودیم اخیراً مدیر ما با رفیق اتابکوف ژنرال قونسول محترم دولت شوروی در اصفهان در این خصوص مصاحبه رسمی به عمل آورده که برای اطلاع قارئین محترم اخگر خلاصه [ای] از مصاحبه مذکور را ذیلاً درج و انتظار داریم که هر چه زودتر در سایه حسن نیت طرفین قرارداد منعقد بین نمایندگان محترم دولتين به امضای مصادر امور مملکتین رسیده و موجبات تسهیل تجارت و مزید آسایش و رفاه ملتین ایران و شوروی فراهم آید.

س - آیا می‌توانیم امیدوار باشیم که مذاکره قرارداد تجارتي که مدتی است فیما بین دولتين ایران و شوروی در جریان است با موفقیت و به نفع طرفین خاتمه یابد؟

ج - می‌توانم با نهایت میل اطلاع دهم که قرارداد تجارتی «پارافه» شده است. یعنی به امضاء مقاماتی از طرف مأمورین دولتی در تهران رسیده به استثناء موادی که راجع به رژیم تجارت در روی مبنای قانون انحصار تجارت باشد. در این قسمت اخیر هم امیدواریم که در آتیه نزدیکی دولتی تراضی حاصل نمایند.

س - آیا با این که در ممالک جماهیر شوروی رژیم انحصار تجارت و در مملکت ایران نیز اصول انحصار تجارت خارجی برقرار است می‌توان تصور کرد که مشکلات سابقه در مسئله اجرای تجارت فیما بین پیش نیامده و موجبات سهولت کار تجار ایران و تجارت فیما بین به نحو اتم و منظور فراهم آید.

ج - می‌توانم اظهار عقیده نمایم که از اولین موقع اعلان قانون انحصار تجارت در ایران، دولت شوروی راجع به این قانون کاملاً جبهه بی‌غرضانه [ای] را اتخاذ نمود زیرا این قانون را فقط از امور راجع به ایران تشخیص داده که برای رشد اقتصادی مملکت مفید می‌باشد و به این لحاظ کاملاً مفهوم است که دولت شوروی به اعتراضات سایر دول که بر علیه قانون انحصار تجارت بوده ملحق نگردید و بنابر همین، جبهه بی‌غرضانه متخذ از طرف دولت متبوعه من نسبت به قانون انحصار تجارت مسلم است که دولتی می‌توانند یک طریق عمومی را اتخاذ نمایند که بر روی مبنای آن بتوانند رژیم تجارت فیما بین را به نفع طرفین حل نمایند.

مدیر ما اظهار داشت تصور می‌کنم اجرای این قرارداد امر اجرای قانون انحصار تجارت خارجی را برای دولت ایران کاملاً سهل نموده و به علاوه زبان اعتراض دیگران را کوتاه نماید. رفیق اتابکوف در جواب چنین ایراد نمود: بلی اینجانب هم تصدیق می‌کنم که نه تنها امر اجرای قانون انحصار تجارت برای دولت علیه ایران سهل خواهد شد بلکه قرارداد ایران و شوروی در مبنای انحصار تجارت زمینه و اساسی برای عقد قراردادهای تجارتی با سایر دول نیز خواهد شد.

بعد از آن رفیق اتابکوف اظهار داشتند بشارتهای دیگری هم که به شما و قارئین محترم اخگر می‌توانم بدهم یکی راجع به موضوع شیلات است که به موجب مقاوله نامه سال ۱۹۲۶ پروتکلی تقدیم شده است که کلیه اختلافات را مرتفع می‌سازد و ترتیب رضایت بخشی را در روابط فیما بین فراهم می‌نماید و دیگری راجع به موضوع آبهای سرحدی خراسان است که امید می‌رود قریباً به موجب مقاوله نامه ۱۹۲۶ بر روی اصل منافع مشترکه طرفین خاتمه یابد

و دیگری راجع به موضوع مختلف فیه تحدید سرحدات بین مملکتین است که آن نیز انتظار می‌رود قریباً حل گردد و مسئله دیگری راجع به ازدیاد مأمورین سرحدی سرحدات آذربایجان است که بتوان به آن وسیله از حملات اشرار ممالک طرفین و قاچاق‌گیری قاچاقچیان جلوگیری نمود و بالاخره در خاتمه این طور اظهار عقیده نمودند که در نتیجه می‌توانم اظهار امیدواری بکنم که بر اثر این مقاولات و اقدامات روز به روز بر توسعه دایره روابط حسنه فیما بین افزوده شده و مخصوصاً دولت شوروی در عالم همجواری بتواند موجبات رضایت کامل دولت محترم ایران را حاصل و بر تحکیم مبانی و اساس مودت بین‌النین بیفزاید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۳۱

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۶۱۷

سند شماره ۷۱/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۵/۳۱

نمره کتاب: ۱۶۱۷ م

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۵/۳۱

محرمانه

حکومت جلیله اصفهان

با استحضار از مضمون مراسله نمره ۳۳۰۲ مورخ [۱۳]۱۰/۵/۲۲ راجع به اظهارات قونسول دولت شوروی و تقاضای انتشار مصاحبه [ای] که راجع به عهدنامه تجارتی با مدیر روزنامه اخگر به عمل آورده است زحمت می‌دهم که در جواب قونسول مشارالیه اشعار فرماید اولاً

مقدمه [ای] که ذکر شده است چندان مقرون به صحت نیست زیرا که گرانی و ارزانی اجناس وارده در ایران که قسمت عمده آن نیز از مبداء شوروی است مربوط به عهدنامه تجارتي نبوده و خوب است مؤسسات شوروی اجناس خود را ارزاتر بفروشند و مخصوصاً در باب قند و مال ذرعی این مراعات را بنمایند. ثانیاً ارزان خریدن اجناس ایرانی باعث شکایت عمومی به عمل آورندگان ایران است. ثالثاً در انتشار اتروبو از طرف قونسول اشکالی نیست ولی خوب است این مزایا و مقدمه را خود ایشان اظهار داشته و از قول خود ایشان منتشر بشود نه این که از طرف روزنامه [ای] اظهار عقیده شده باشد. رابعاً با نهایت اشتیاقی که دولت ایران دارد بدبختانه هنوز عهدنامه تجارتي امضا نشده و حتی مواد اصلی آن که راجع به انحصار تجارت است پارافه نشده است.

[امضای پیش نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۷۲

گزارش کنسولگری ایران در هندوستان در خصوص تمجید روزنامه سرفراز (ارگان شیعیان هندوستان) از پیشرفت های ایران و درخواست ارسال وجهی به صورت سالیانه برای روزنامه مذکور

[شیر و خورشید]

ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران

هندوستان

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه سرفراز که ارگان شیعیان هندوستان و یکی از روزنامجات خیلی مهم مسلمانان

اینجاست و در شهر لکنهو به زبان اردو طبع می‌شود از بدو سلطنت ذات مقدس ملوکانه ارواحناده همیشه نظر خوب نسبت به مملکت شاهنشاهی داشته و در هر موقع ترقیات و پیشرفتهایی که مملکت ایران در اثر توجهات ملوکانه نموده گوشزد اهالی این مملکت می‌نماید. بنده پس از ورود به هندوستان چون رویه این اداره را به حال خودمان خیلی مفید دیدم بنای خصوصیت را با مدیر و اعضای آن گذاشته به وسایل مخصوصه آنها را به ادامه این رویه تشویق و به مراحم اولیای دولت شاهنشاهی امیدوار نمودم. حتی طوری آنها را موافق کرده‌ام که هرگاه روزنامجات دیگر هندی که به السنه مختلفه انگلیسی وارد و طبع می‌شود از روی بی‌اطلاعی یا غرض و تحریک دیگران چیزی بر ضد ایران بنویسند این اداره با دستور ژنرال قونسولگری به طوری مناسب دفاع نماید. اخیراً هم مقاله مفصلی راجع به وضعیت و ترقیات فوق‌العاده دولت شاهنشاهی به زبان فارسی منتشر نموده که یک نسخه آن لفاً تقدیم می‌شود^۱ و وعده داده‌اند برای اوایل سال به مناسبت جشن تولد ذات مقدس ملوکانه ارواحناده نمره مخصوصی که تمثال مبارک زینت افزای آن باشد نیز منتشر نمایند. برای این که زحمات آنها بیش از این بی‌مزد نمانده و بیش از پیش دلگرم باشند یک صد روپیه از تمه پانصد روپیه وجهی که در اوایل امسال برای همین قبیل مقاصد (برحسب تصویب وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی) نزد بنده فرستاده شده بود عجالتاً به رسم اعانه به آنها پرداختم ولی البته تصدیق می‌فرمایید که این مبلغ آنهم برای یک مرتبه چیزی نیست که زیاد آنها را امیدوار نگاه دارد. هرگاه اولیای محترم دولت در دست داشتن این گونه جراید مخصوصاً این روزنامه را لازم بدانند بایستی سالیانه یک کمک خرجی اقلاً معادل پانصد روپیه در سال تصویب و مرحمت فرمایند که به آنها داده شود. و چون بعد از تعطیل حبل‌المتین هیچ روزنامه دیگری نیست که به اوضاع ایران علاقه‌مند و در موقع لزوم بتوان از آن استفاده نمود به عقیده بنده توجه مخصوص فوری در این امر خیلی مفید خواهد بود.

سواد راپورت فوق برای استحضار مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی تقدیم می‌شود.

ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی در هندوستان

[امضا: حسن پیرنظر]

۱. تصویر مقاله مذکور در قسمت تصاویر اسناد آمده است.

[حاشیه بالا]: به عرض رسید، ضبط.

[مهر]: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۲۹

نمره اندیکاتور: ۱۹۴۲

سند شماره ۷۳

تقاضای مدیر روزنامه اقدام (عباس خلیلی) مبنی بر رفع توقیف از روزنامه وی

اقدام

جراید یومیه

تهران

دائرة مراسلات

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۴

نمره: ۸۳۰

دفتر مخصوص اعلیٰ حضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطنة

بر اثر نشر یک شماره مخصوص که حاکی از حسن عقیده و ایمان حقیقی نسبت به ذات اقدس شاهنشاهی می باشد جریده اقدام از طرف نظمیه توقیف گردیده. اگر اعلیٰ حضرت همایونی ارواحنا فدا به این توقیف رضایت می دهند که نهایت سعادت حاصل است و اگر سوءظن و غرض ورزی دیگران مسبب این توقیف است که بعد از مطالعه شماره روز سیم اسفند اخلاص حقیقی و ایمان واقعی و خدمت بدون توقع اجر از صاحب اقدام کاملاً محرز است. منتظر مراجع شاهانه می باشم.

[امضا: عباس خلیلی]

[مهر]: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۹

نمره اندیکاتور: ۱۸۵۸ م

سند شماره ۷۴

مکاتبات راجع به درخواست کمک مالی نجفیان رضوی (مدیر روزنامه ندای ترقی)

(مشهد)

تاریخ: ۱۷ ماه ۱۳۱۱/۱

نمره: ۳۹

ندای ترقی

عنوان تلگرافی: نجفیان

مقام منبع رفیع بندگان حضرت اشرف ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ پس از تقدیم احترامات فائقه به آن مقام معظم محترماً تصدیع داده و عرضه می‌دارد: این که با مشکلات اقتصادی که دامگیر مطبوعات ایرانی عموماً و مطبوعات ایالتی بالخصوص^۱ گردیده مجله ندای ترقی را سه سال ادامه داده و خود را به مساعدت طرفداران معارف و حامیان دین مبین اسلامی نوید می‌دادم. متأسفانه بی‌لطفی آقایان مشترکین باعث مسافرت فدوی شده به تهران آمده و در منزل آقای اسدی نماینده محترم خراسان وارد شده مستدعی از آن مقام منبع چنانم عطف توجهی فرموده و به نام اعانت به یک مجله ملی اسلامی مساعدتی بفرماید که عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد بود. در خاتمه سلامتی آن ذات مقدس را از پیشگاه حضرت احدیت مسئلت نموده و منتظر مراحم مبذوله هستم.

مدیر و مؤسس ندای ترقی

نجفیان رضوی

[حاشیه پایین، اول:] به عرض برسد. ۱۳۱۱/۱/۱۷

[حاشیه پایین، دوم:] اگر مجله صرف نمی‌کند باید چاپ نکرد. هر روز این گونه تقاضاها می‌شود و بودجه من کافی نیست. ۱۳۱۱/۱/۲۰ [۱۳]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء

به تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۰ [۱۳]

شماره: ۳۶۸

سند شماره ۷۴/۱

[شیر و خورشید]

کابینه ریاست وزراء

تاریخ ثبت: ۱۳۱۱/۱/۲۲

نمره عمومی: ۳۶۸

مستول پاکنویس: بهنام

تاریخ تحریر: ۲۱ فروردین ماه ۱۳۱۱

آقای نجفیان مدیر ندای ترقی

راجع به وضعیت خودتان در طبع و نشر مجله ندای ترقی و این که به واسطه نقصان عواید دچار مضیقه شده‌اید شرحی نوشته بودید مطلع گردید، بدیهی است که طبع و نشر جراید و مجلات تا وقتی که صرف بکند خوب است ولی اگر صرف نکند نباید دیگر به طبع آن اقدام نمود زیرا اگر اساساً رواجی نداشته باشد بی‌ثمر است و به علاوه بودجه اینجانب هم برای این کمک‌ها کافی نیست.

[امضای پیش‌نویس: نصرالله نخعی]

سند شماره ۷۵

مکاتبه مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مژده‌ای) با عبدالحسین تیمورتاش در خصوص خسارت وارده به وی بر اثر توقیف روزنامه‌اش و درخواست رفع توقیف از آن

اداره: روزنامه آئینه ایران

تاریخ: ۱۲ ماه اردیبهشت ۱۳۱۱

قربان وجود محترمت می‌گردد سیزده ماه است شغل توقیف، خودم بی‌تکلیف، دفتر

روزنامه به انتظار مراجعت وجود مبارک از اروپا تا اوایل بهمن ماه ۱۳۱۰ [۱] در شاه‌آباد مفتوح، پس از رجعت حضرت اشرف از سفر با تقدیم عریضه و شرفیابی چندین دفعه به دربار اعظم و مأیوس از زیارت وجود اشرف ناچار برای خفه نمودن احساسات و تفکر خود مسافرت‌های داخله مملکت را شغل خود قرار داده که اکنون از اول اردیبهشت قسمت جنوب را مسافرت می‌نمایم و حال در شیراز متوقفم. مستدعی چنانم قدری توجه بیشتری به حیثیت و شرافت جوانی بفرمایید که با یک عشق و صمیمیت در قسمت جریده نگاری مروج افکار عالیه بوده است. با خسارت قریب ده هزار تومان اکنون سرگردان و بیابان گرد گشته‌ام!

در صورتی که شخصاً مستدعیاتم را مورد عنایت قرار نخواهید داد شایسته است با روح پاک و نجیب خود از تنبیه و مجازات بعدی صرف‌نظر فرموده اجازه فرمایید که وزراء محترم طرق و پست و تلگراف به وضعیت و مقدرم توجه نموده به عرض عالیه برسانند.

جانباز همیشه وجودت

علی‌اصغر امیرخلیلی مؤدعی

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۷۶

تقاضای مدیر روزنامه اقدام (عباس خلیلی) از تیمورتاش مبنی بر اجازه بازگشت به وی از عراق به ایران و ادامه انتشار روزنامه‌اش

حضرت اشرف اعظم آقای وزیر دربار معظم دامت قدرته

نمی‌دانم چگونه آغاز کنم که با یک کلمه، رأفت حضرت اشرف را شامل حال خویش نموده مطلب خود را با همان یک جمله انجام دهم؟ جز توسل به فضیلت آن بزرگوار چاره ندارم زیرا آنانی که سیاست را به فضل و ریاست را به فضیلت مقرون نموده‌اند از حال تیره روزان آگاهند و می‌دانند محیط فضل کش ساده دلان را فریب می‌دهد و اگر گناهی از آنها پدید آید ناشی از فساد محیط است. بدین سبب خود آن حضرت قبل از همه چیز به اصلاح آن می‌کوشد. هیچ

گناهی برای خود قائل نیستم جز سادگی و با همین یک صفت برای نشر یک نامه سیاسی که اقلأً به حال خودم نافع باشد لایق نیستم و بهتر از این دلیل نیست که برخلاف دیگران در نتیجه همان نامه نگاری و سوء تدبیر بس محنت دیده و امروز هم دریدر هستم. گمان می‌کردم شعر و خیال و احساس برای سیاست یک مایه گرانبهاست. اینک به اشتباه خود اعتراف می‌کنم ولی یقین دارم که همان مایه برای جلب تعطف حضرت اشرف بهترین وسیله است زیرا صدق و حقیقت و وفا را دارا می‌باشد که فضلاء خریدار آنند. پس همین صفات را شفیع خود قرار داده اجازه عودت را خواهش می‌کنم. قدرت دارید تأدیم می‌نمایید، فضیلت هم دارید عفو فرمایید و بنده را رهین احسان سازید. رشته زندگانیم بالمره گسیخته، شرف و وجدان بنده گرو طلبکاران و مهر و عاطفه من نزد زن و اطفال خردسال من است و اگر این و آن نمی‌بود از حضرت اشرف استدعا نمی‌کردم که با آزادی و عودت چاکر مالک تمام روح من باشید که چهار صفت مذکوره قسمتی از آن روح است. ترحم شاهانه و تعطف اعلیٰ حضرت ارواحنا فداه را با دوام سلطنت و فزونی عظمت به توسط آن یگانه وزیر حقیقت دوست خواهانم.

عباس خلیلی - مدیر اقدام

برای فرار از سیاست بر حسب دستور آقای نبوی فعلاً در قریه (رمیثه) اقامت کرده‌ام و جواب را به توسط سفارت در بغداد انتظار دارم.

۲۶ محرم ۱۳۱۱

[حاشیه چپ، به خط تیمورتاش:] به خود او بنویسید که اجازه دارد به ایران مراجعت کند. به نظمی هم بنویسید که حسب الامر مبارک اجازه مراجعت به خلیلی داده شد ولی حق طبع روزنامه را ندارد.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۳/۲۲

نمره اندیکاتور: ۴۳۱ م

سند شماره ۷۶/۱

حضرت اشرف اعظم آقای تیمورتاش وزیر دربار معظم دام اقتداره پس از این به تربیت روح خویش خواهم کوشید تا اگر در قبال تعطف آن بزرگوار تشکر کنم سیاس بنده ناشی از یک روان پاک باشد. بنده را از بند غربت رها فرمودید، دیروز در قید تبعید بودم و امروز اسیر احسان یگانه رادمرد ایران می‌باشم. در عظمت ودوام قدرت حضرت اشرف بسی تفکر کردم غیر از بزرگواری حقیقی سببی ندیدم. یکی از معانی عظمت قدرت بر تسخیر روح متمرّد بنده است اگر آنرا آماده وفاداری نکنم فاقد صفات مردانگی خواهم بود، آن روحی که مایه شعر و احساس است قربان تعطف حضرت اشرف باد.

[امضا: عباس خلیلی]

۱۶ صفر - ۱۳۵۱

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] در دوسیۀ خلیلی ضبط شود.

سند شماره ۷۷

اظهار ندامت مدیر داخلی روزنامه طوفان (جلیل صمیمی) از اعمال گذشته خود در تبلیغ مرام کمونیستی و درخواست بخشش و طلب مساعدت از وزیر دربار

[تاریخ:] ۳ خردادماه ۱۳۱۱

مقام منیع بندگان حضرت اشرف

وزیر محترم دربار اعظم شاهنشاهی ایران دامت عظمت‌العالی

با کمال توقیر و احترام به عرض عالی می‌رساند اینجانب جلیل صمیمی مدیر داخلی سابق

جریده طوفان در چندی قبل به اتهام جاسوسی و تبلیغ مسلک کمونیستی به دست کارکنان اداره محترم نظمیه تهران با یک وضع فجیع و رقت آوری بدون علت و سبب قانونی مدت پنجاه روز در محبس نمره ۲ گرفتار گردیده. پس از استخلاص از آن روزگار شوم با شرایطی چند بنده را از هستی فاقد، خود و عائله‌ام نیز مدتی است سرگردان و ویلان نزدیک است به پرتگاه عمیق مرگ سوق داده و از قید این زندگانی تنگین راحت شویم زیرا بر طبق التزامی که در نظمیه از بنده گرفته شده است مقیدم که در دوائر جماهیر شوروی مستخدم شوم. بنابراین تصدیق خواهید فرمود از یک طرف به واسطه سابقه محبس و از طرف دیگر نیز عدم سابقه در دوائر دولتی بنده را دچار بحران و به سر منزل عدم و نابودی هدایت کرده‌اند. اینک چون زاده این آب و خاکم از نقطه نظر نوع خواهی و ذره پروری که در ذات مقدّس به ودیعه سراغ دارد به پیشگاه مبارک ملتجی و به نام احقاق حق و ملیّت استرحاماً تقاضای عطف مرحمت کامل می‌نماید. بدیهی است با بذل مراحم بی پایان امر و مقرر می‌فرمایید به اسرع وقت به وضعیت (خطرناک) بنده ترتیب اثر داده شود.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] جریان جهت [؟] نظمیه در تعقیب مذاکرات قرار آزادیش داده شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۳/۱۵

نمره اندیکاتور: ۳۹۳ م

سند شماره ۷۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ خروج: ۱۳۱۱/۳/۱۵

نمره قبض: م/۳۹۳

تاریخ تحریر: ۱۳۱۱/۳/۱۵

محرمانه و خصوصی

نمره کتاب: م/۳۹۴

آقای عزیزم

در تعقیب مذاکرات خصوصی راجع به جلیل صمیمی مدیر داخلی سابق جریده طوفان خواهشمندم قدغن فرمایید قراری که مستلزم آسایش مشارالیه باشد داده شود.

[امضای پیش‌نویس: محمود شکوه] ۱۳۱۱/۳/۱۵ [۱۳]

[حاشیه بالا:] آقای سرتیپ آیرم رئیس تشکیلات کل نظمیه.

سند شماره ۷۸

شکایت مدیر روزنامه سعادت بشر (محمدجواد هوشمند) از تعدیات رئیس نظمیه و توقیف بدون دلیل روزنامه‌اش و واگذاری مشاغل مهم به افراد نالایق

(اداره)

تاریخ: ۱۳۱۱/۶/۳

روزنامه سعادت بشر

مقام منیع بندگان

حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار شاهنشاهی دامت عظمته

با آن همه حمایت و توجهات کامله بندگان حضرت اشرف نسبت به معارف و مطبوعات و

روزنامه سعادت بشر چندی است اداره نظمیه روزنامه مزبور را بدون جهت توقیف نموده هرچه در این مدت از اداره مربوطه توضیح خواسته که علت چیست ایداً جواب مساعد نمی‌دهد - اگر روزنامه برخلاف مصالح و مقتضیات چیزی را نوشته است خوب است رئیس نظمیه آن شماره را ارائه دهد و اگر هم مدیر آن برخلاف مقررات و انتظامات قانون کاری را مرتکب شده است پس چرا تقصیر او معلوم نیست؟ آخر مملکت ملعبه و بازیچه مأمورین دولت شده که هرکاری را بخواهند مرتکب شوند ایداً مانع و رادعی نداشته باشند؟ کدام قانون عالم تجویز می‌کند که مقصر تقصیر خویش را نداند؟ بنده امروز مدعی شخص رئیس نظمیه هستم و به چندین دلیل می‌توانم ثابت نمایم که ایشان با بنده اغراض شخصی دارد. قانون اساسی که امروزه در مملکت برای رفاه آسایش عموم وضع گردیده چنین تجویز می‌کند که باید رئیس نظمیه پای میز محاکمه و استنطاق حاضر شود تا این که تبعیض در قانون نشده و عظمت و صیانت آن بر همه محقق و ثابت یابد - اگر دربار محترم شاهنشاهی جلوگیری از این قبیل تعدیات ننموده و آن را به نظر سطحی و لاقیدی بنگرد فردا رئیس نظمیه آدم هم می‌کشد. این اجحافات مثل آتش کوچکی می‌ماند که اگر به حال خود باقی بماند خورد خورد عالمی را آتش می‌زند. اگر رفع ظلم و تعدی از بنده نگردد مجبورم که در خیابان در انتظار عموم مردم به وسیله نفت و بنزین عمر جوانی خود را به پایان رسانم زیرا بیش از این تحمل و بردباری روا نباشد.

محمدجواد هوشمند

سند شماره ۷۸/۱

مقام منبع بندگان حضرت اشرف

آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار شاهنشاهی دامت عظمت

حال مدت چهار روز است که این بنده در بستر بیماری افتاده و از شدت فکر و تأسف نزدیک است دیوانه گردم. گاهی با خدای خود مشغول راز و نیاز هستم و زمانی به عمر گذشته

حسرت می‌برم و لحظه [ای] در اوضاع جزیانات امور سیر و غور نموده مشاهده می‌نمایم که بعضی‌ها بدون عدم هیچ استحقاق و لیاقت مشاغل مهمی را عهده‌دار شده ولی بنده بی‌طالع صبور باید در نتیجه شدت ظلم و فشار در بستر بیماری افتاده باشم. کم عاقل عاقل اعیت مذهبه، جاهل جاهل تلقی مرزوق، هذا الذی ترک‌الاوله‌ام حائرۃ، و سیر العالم النهریز زندگی. گرچه تعریف نمودن از خود خلاف عقل و منطق و دال بر عدم تجربه و ظرفیت می‌باشد ولی در اینجا بی‌مناسبت ندانسته که حقایق را معروض دارم. این بنده از خانواده می‌باشم. کسی که خانواده هست و در ناز و نعمت بزرگ شده به واسطه آن نجابت جبلی که دارد از مسلک و رویه خویش تجاوز ننموده و به خطا نخواهد رفت. اگر احسانی بیند درصدد پاداش بر می‌آید و اگر هم موفق نشود لکن احسان و همراهی را هیچ گاه فراموش نخواهد نمود. چندی قبل که بندگان حضرت اشرف اظهار مرحمت و بزرگواری فرموده و روزنامه سعادت بشر از توقیف خارج نمودند با اینکه بنا به خواهش و اصرار دشتی نماینده مجلس بود ولی از همان روز خود را مداح حقیقی آن خانواده محترم دانسته و در موارد عدیده ابراز بندگی و خدمتگزاری نموده‌ام و همچنین شرح مبسوطی در موضوع تاریخ مشعشع آن حضرت با گراور در شماره ۲۴ روزنامه سعادت بشر در صفحه اول درج نمودم که تاکنون هیچ یک از جراید مرکز این قسم عبارت‌پردازی و مداحی را ننموده‌اند، گرچه آن بندگان حضرت اشرف مستغنی از تعریف و توصیف می‌باشند ولی بنده هم خواستم ابراز خدمتگزاری و ادای وظیفه انسانیت خود را بنمایم. با جمعی از آخوندها نیز مجادله سخت نمودم که البته بر خاطر مبارک پوشیده و مخفی نیست. خدا شاهد است تا زنده باشم خود را مرهون مراحم و الطاف کامله آن حضرت می‌دانم. بلی:

سالها باید که تا یک نطفه [ای] اندر رحم یوالوفای قیس گردد یا اویسی در قرن بعضی کسانی هم هستند که مثل پروانه دور به دور آستان مقدس گرفته و تماماً زانوی عجز را خم نموده سر تعظیم و تکریم فرو می‌آورند ظاهراً نوکر و مطیع صرف و غلام و بنده ولی باطناً دروغگو، منافق [و] ابن‌الوقت مادی هستند. اینها همان کسانی می‌باشند که در زمان سابق چه علم‌های مخالفت برداشتند. همین که وضعیت تغییر نمود مطیع و منقاد گردیدند دارای عقیده و مسلک صحیحی نیستند عقیده و مسلک آنان دروغ‌گویی و بدجنسی است غیر از شکم‌پرستی و پول جمع کردن چیز دیگری را ندارند شارلتانی و حقه‌بازی، تملق و چاپلوسی را سرمایه زندگانی و امرار معاش خویش قرار داده‌اند حس انسانیت و شرافت و

وجدان در آنها نیست. اینها از پرتو مرحام حضرت اشرف دارای نان و معاش و زندگی شده‌اند ولی ادای وظیفه و شکرانه نعمت را نمی‌نمایند. همین مسافرت اخیر بندگان حضرت اشرف به استرآباد اینها چه اظهاراتی می‌داشتند و چگونه در اذهان عامه ترزقات نموده بودند. بلی: عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

فوت مرحوم مستوفی الممالک در شهر یک انعکاس غریبی بخشیده که اگر جلوگیری از این قبیل شایعات کذب نشود مردم جسور و بد اخلاق می‌شوند. خوب است رئیس نظمی در این موارد دقت نموده وظیفه خویش را بشناسد نه این که با یک نفر خدمتگزار واقعی مملکت بدون جهت بنای عداوت گذاشته و او را به عناوین مختلفه اذیت و آزار نماید. خدایا زین معصا پرده بردار

چاکر صمیمی

محمد جواد هوشمند

مدیر مرحوم سعادت بشر

که فعلاً شقاوت بشر گردیده است

مورخه ۱۰ شهریور ۱۳۱۱ [۱۳]

سند شماره ۷۸/۲

مقام منبع بندگان حضرت اشرف

آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار شاهنشاهی دامت عظمته

روزگاری در انتظار بروز الطاف عمیمه بندگان حضرت اشرف به سر برده به امیدی خود را خوش همی داشتم تا دیر زمانی سپری شد و نسیم سعادت نوزید^۱. حال در بستر بیماری افتاده و اتصالاً در دریای فکر و اندوه غوطه‌ور می‌باشم. چیزی که بیش از همه مصائب و شدائد بنده می‌باشد همانا ظلم و تعديات غیرقانونی سرتیب آیرم است که فوق العاده طاقت‌فرسا است. اگر این قبیل بی اعتدالی‌ها در زمان سابق می‌شد هر آینه اینقدر موجب تشویش و نگرانی نبود ولی

در دوره سلطنت اعلیٰ حضرت پهلوی خیلی منافات دارد که ظلم و تعدی در مملکت وجود خارجی به هم رسانند. چندین سال که در خارجه بود [م] یک چنین بی قانونی مشاهده نمودم. مملکت باستانی ایران که از پرتو توجهات و مراحم کامله شخص اول مملکت دارای قانون اساسی گردیده و همواره نیت مقدس شاهانه معطوف به مساعدت و همراهی ملت است و در استرضای قلوب اولاد روحانی خود از بذل هیچ گونه اقدام خودداری نفرموده اند دیگر تعدیات سرتیپ آیرم هیچ موضوعی ندارد. باید ظالم به سزای اعمال خویش برسد تا سرمشق برای سایرین گردد.

گرچه بنده ضعیف و ناتوان هستم ولی الحمدالله از پرتو مراحم کامله پدر تاج دار، اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء و بذل توجهات مخصوص بندگان حضرت اشرف دارای یک قوه بوده و خود را متکی به آن می نمایم، قوه بنده قانون است، آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک [است؟] بنده تا آخرین دقائق عمر خود حاضرم رفع ظلم را از خود نمایم. اگر به عرایض چاکر رسیدگی نفرمایند به دولت سرای معظم آمده و ملتجی به آستان مقدس می شوم و اگر بنده را از آنجا امر به اخراج فرمودند به طویل سلطنتی ملتجی شده و از آنجا بیرون نخواهم رفت و اگر هم دریاری ها ممانعت نمودند سمت قصر ایستاده و با صدای رسا فریاد می زنم و مظلوما و مظلوما و اگر آنجا هم جلوگیری به عمل آید در کوچه و بازار و خیابان و معابر عمومی داد و فریاد می زنم. آن وقت اگر دولت بنده را برای حرف حساب نیرباران نماید بهتر از آنست که خود را انتحار نمایم. آن کسانی که خودکشی می نمایند ضعف نفس دارند. عرض بنده یک عرض اساسی است که تمام ملل و نحل عالم آن را می پذیرند و آن آنست که نظمیه به کدام قانون یا تقصیر روزنامه را توقیف نموده است. دیگر امر مبارک ست.

۱۵ شهریور ۱۳۱۳

چاکر هوشمند

مدیر سعادت بشر

سند شماره ۷۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۳۳۸۳

تاریخ تحریر: ۱۳۱۱/۶/۲۱

تاریخ خروج: ۱۳۱۱/۶/۲۱

آقای هوشمند

راجع به توقیف روزنامه سعادت بشر

مطالبی را که کراً می‌نویسید به اطلاع اینجانب رسیده است. به طوری که سابقاً هم اشعار گردیده مطالب اظهاریه شما مربوط به وزارت دربار نیست و به مقامات ذی صلاحیت مراجعه نمایید.

[امضای پیش‌نویس: محمود شکوه و خسروانی]

سند شماره ۷۹

ابراز وفاداری مدیر روزنامه آئینه ایران (علی اصغر امیرجلیلی مؤدهی) نسبت به تیمورتاش و درخواست رفع توقیف از روزنامه وی

اداره: روزنامه آئینه ایران

تاریخ: ۷ ماه آبان ۱۳۱۱

تصدق وجود مبارکت می‌شوم یقین دارم اگر نام و نشان فدویتیم از نظر دوربین حضرت اشرف

محو شده باشد احساسات پاک و علاقمندی فدویتم از نظر محترم حضرت اشرف فراموش نیست.

فدوی به کسی عریضه عرض می‌کنم که ننوشته می‌خواند و نگفته می‌داند. دوره قبل در دفتر با افتخار، قصر سعدآباد به پا افتاده استدعا داشتم: آیا بعد از خسارت روزنامه و گوشه‌گیری یک سال این دفعه به شرف نوکری حضرت اشرف موفق خواهم بود؟

چاکر فداکارت

[امضا: علی اصغر امیرجلیلی مژده‌ی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۸۰

مکاتبات راجع به درخواست گریگور یقیکیان (مدیر روزنامه ایران کبیر) مبنی بر اجازه انتشار مجدد روزنامه ایران کبیر

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

اداره اول

ضمیمه: سواد

محرمانه

به تاریخ: ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲

نمره: ۷۹

کابینه محترم ریاست وزراء

با اعاده عین عریضه گریگور یقیکیان که تحت نمره ۳۸ [مورخ] ۱۲/۱/۲۷ [۱۳] برای رسیدگی و اقدام به وزارت داخله ارسال داشته‌اند اینک سواد راپورت حکومت گیلان تلوأ

ارسال می‌گردد.

[امضا: علی اصغر زرین کفش]

[مهر: وزارت داخله]

[حاشیه پایین: ورود به کابینه ریاست وزراء]

نمره: ۱۲۴۹

تاریخ: ۱۳۲۲/۲/۲۷ [۱۳]

سند شماره ۸۰/۱

قربان خاک پای جواهر آسای اقدست گردم

با کمال عجز و انکسار به عرض تظلم جسارت می‌ورزم

تقریباً دو سال و نیم است که حکومت جلیله گیلان روزنامه ایران کبیر را که عقیده اتحاد ساکنین مملکت ایران و ملل ایرانی نژاد را تبلیغ می‌کرد و کلیه مقالات حتی اعلانات و اقتباساتی که از روزنامه جات مرکز می‌شد فقط با اجازه سانسور نظمی در آن طبع و منتشر می‌شدند موقتی توقیف نمودند ولی متأسفانه در مدت این دو سال و نیم اقدامات جان نثار در اداره جات^۱ مربوطه برای تحصیل اجازه طبع و نشر روزنامه ایران کبیر بی نتیجه ماندند.

جان نثار تمام عمر و تجربیات و تحصیلات خود را برای پیشرفت معارف مملکتی گاه با بودن معلم یا مدیر در مدارس گاه با دادن کنفرانس‌های علمی و ادبی و گاه با نوشتن کتب و انتشار آنها و غیره به کار برده و حال در سن ۵۰ سالگی بی تکلیف و بیکار و سرگردان مانده‌ام. استدعا از آستان عدالت بنیان آن که حکم جهان مطاع همایونی به مقامات مقتضیه در اجازه طبع و نشر روزنامه ایران کبیر را در تهران شرف صدور یابد تا با نیل آمال مرفه الحال به دعاگویی ذات ملکوتی صفات اشتغال ورزم.

گ. یقیکیان

مدیر ایران کبیر

[حاشیه پایین: ۲۲ اسفند ۱۳۱۱ تهران]

سند شماره ۸۰/۲

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

سواد: راپورت حکومت گیلان

نمره: ۱۹۶۴

مورخه: ۱۳/۲/۱۶ [۱۳]

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه نمره ۷۲۴ و با إعادة عرض حال گریگوریکیان لزوماً به استحضار آن وزارت جلیله می‌رسد: در سال ۱۳۰۹ این شخص ارمنی که تبعه ایران است در رشت روزنامه [ای] به نام (ایران کبیر) به زبان فارسی منتشر می‌نموده که از حیث مندرجات روزنامه قابل توجهی بوده است. ضمناً در آن وقت به مناسبت طغیان طوایف کرد در مملکت ترکیه و اقدامات آن دولت برای قلع و قمع آنها یقیکیان نظر به عداوت دیرین ارمنه و اتراک مقالاتی برضد ترکها و دفاع از کردها می‌نوشته که مورد اعتراض ویس قونسول ترکیه در رشت شده است. چون در آن موقع که سیاست دولت شاهنشاهی همکاری با دولت ترکیه برای رفع غائله اکراد بوده است این قبیل نشریات ممکن بوده است اسباب سوءظن ترکها بشود حکومت گیلان به امر وزارت جلیله دربار پهلوی روزنامه ایران کبیر را توقیف نموده است و از آن به بعد هم با وجود ابرام یقیکیان دیگر اجازه طبع و نشر این روزنامه داده نشده است.

محل امضای حکومت گیلان

رونوشت [برابر] اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۸۰/۳

[شیر و خورشید]

کابینه ریاست وزراء

نمره عمومی: ۱۲۴۹

تاریخ ثبت: ۱۳۱۲/۲/۲۷

محرمانه

دفتر مخصوص شاهنشاهی

نسبت به عریضه یقیکیان راجع به استدعای اجازه نشر روزنامه ایران کبیر که ضمن نمره ۱۹۷ ارجاع شده بود اشعار می شود: که از قرار اطلاعی که [به] وزارت جلیله داخله رسیده نظر به این که در موقع اقدامات ترکیه برای رفع غائله اکراد یقیکیان مزبور در روزنامه خود (به اسم ایران کبیر) مقالاتی بر ضد ترکها و دفاع از کردها درج کرده به واسطه اعتراض قونسول ترکیه در رشت حکومت گیلان به امر وزارت دربار پهلوی روزنامه را توقیف کرده و بعد با اصرار یقیکیان هم اجازه انتشار آن داده نشده است.

[امضا: عبدالحمید ملک الکلامی]

۱۳۱۲/۲/۲۶ [۱۳]

[حاشیه راست: خوانده شد. ۱۳۱۲/۲/۲۷] [۱۳]

[حاشیه پایین: شاید با وضعیت امروز و گرفتن تعهد نامه انتشار روزنامه مانعی نداشته باشد. موقوف به امر و اجازه همایونی است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۸۱

شکوائیه علی اکبر گلشن آزادی (مدیر روزنامه آزادی) نسبت به صدور اجازه انتشار به روزنامه طوس

تاریخ: ۱۳۱۹/۳/۵

روزنامه آزادی

شماره: ۳۶۴

«مشهد»

مقام منبع جناب آقای نخست وزیر
از اردیبهشت ۱۳۱۷[۱] که تصویب نامه هیأت وزیران به وسیله اداره فرهنگ ابلاغ شد موجب خشنودی و سپاس گردیده که اصلاح کار مطبوعات کشور مورد توجه دولت شده است و این امر نیز در آینده با سایر شئون عالیله کشور هماهنگی خواهد کرد. در گردش امر ایجاد سازمان پرورش افکار و عنایت ویژه [ای] که در راه تهذیب روزنامه ها شد بیشتر بر امیدواری افزود زیرا آشکار بود همچنانکه یک عده که بی هیچ سرمایه علمی و ادبی و مالی در صف مدیران روزنامه در آمده اند از این^۱ عرصه خواهند رفت و به حکم بقای انسب آنهاپی که از نظر توانگری معنوی و مادی در خور بقا هستند به جا مانده از آنان تشویق می شود. پارسال پس از آن که چندین جلسه در اداره استانداری و فرمانداری و در هیأت پرورش افکار [تشکیل] شد با حضور همه رؤسای ادارات موضوع مطرح و روزنامه آزادی که ۱۵ سال انتشار بدون گسستگی داشته و از حیث بضاعت ادبی و مالی برتر از سایرین تشخیص داده شد برای اجرای امر مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و امر مقام نخست وزیری برگزیده و مأمور گردید وسایل کافی تری فراهم و از چهارم اردیبهشت انتشار خود را با دستور دولت هماهنگ کند. بنده هم با تحمل خسارات و صرف هزینه بسیاری که لازمه این کار است از چهارم اردیبهشت همه روزه آزادی را منتشر و در صورتی که اولیای امور هیچ یک از مواعید خود را انجام نفرمودند بهتر از روزنامه های همه استانها تعهدات خود را ایفا نموده و می نمایم. اینک به قرار

معلوم دستور فرموده‌اند مدیر روزنامه طوس نیز حق انتشار دارد. گذشته از این که ایشان به شهادت دوره پنج ساله طوس توانایی این کار را نداشته و مشمول تصویبنامه ۱۳۱۷ [۱] نمی‌شوند آیا آن وزارت معظم که چنین پروانه می‌دهند برای جبران خسارت‌ها و هزینه‌هایی که آزادی از پارسال به این امید نموده و انتظار داشت در سایه یکی بودن تا حدی تلافی کند راهی را اندیشه فرموده‌اند.

فدوی مدیر آزادی

[امضا: علی اکبر گلشن آزادی]

[حاشیه پایین، اول:] روی پاکت تمیر دارد.

[حاشیه پایین، دوم:] به عرض جناب آقای معاون می‌رساند. ۱۳۱۹/۳/۱۲ [۱۳]

[حاشیه بالا:] آقای مستوفیان پاسخ بدهید دستور لازم به وزارت کشور داده شده است.

۱۳۱۹/۳/۱۲ [۱۳]

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزراء

شماره: ۲۹۷۰

به تاریخ: ۱۳۱۹/۳/۱۲

سند شماره ۸۲

انتشار روزنامه پیکار در برلن

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

نمره: ۳۴۲۹۲
 تاریخ: ۱۲۰
 ۱۳۰۹/۱۲/۱۸

اداره کل امور سیاسی

اداره اروپا و آمریکا

وزارت جلیله دربار پهلوی

مطابق تلگراف واصله از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن اوراقی به زبان فارسی و در تحت عنوان «پیکار» در آنجا طبع گردیده به وزارت پست و تلگراف و اداره تشکیلات نظمیه و گمرکات نوشته شد که از ورود و انتشار آنها جلوگیری نموده نتیجه را اطلاع دهند. نظر به این که سفارت برلن مشغول جمع آوری و توقیف اوراق فوق الذکر می باشد با سفارت آلمان در تهران مذاکره شد که از وزارت خارجه برلن تقاضا نمایند با سفارت ایران مساعدت های لازمه در توقیف اوراق و تعیین نویسندگان آن بنمایند و همین طور وعده دادند. هرگونه اطلاع دیگری راجع به موضوع ورقه منتشره و غیره برسد ثانیاً به استحضار خاطر مبارک خواهد رسانید.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین: ضبط محرمانه، به عرض رسید.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی]

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۲/۱۸

نمره اندیکاتور: ۱۳۶۱

سند شماره ۸۳

گزارش دکتر احمد متین دفتری راجع به مذاکراتش با مسئولین وزارت خارجه
آلمان درباره انتشار روزنامه پیکار در برلن

سفارت شاهنشاهی ایران

در پاریس

اداره سرپرستی محصلین

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۵

نمره: ۱۰۳

دوست محترم عزیزم در تعقیب معروضه نمره ۶۰۹۰ اینک سواد راپورتی که توسط آقای دکتر میرزا احمد خان متین دفتری راجع به قصد روزنامه پیکار واصل شده برای استحضار خاطر محترم تلواً تقدیم و ضمناً معروض می‌دارد که به مشارالیه نوشته شده که با استحضار جناب مستطاب اجل آقای فرزین و کمک جناب آقای کنت شولنبورگ^۱ اقدامات لازمه را تعقیب و اهتمام نمایند که ریشه فساد به کلی قطع و از طبع این روزنامه جلوگیری شود.

[امضا: حسین علاء]

[حاشیه بالا، اول، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[حاشیه بالا، دوم:] ضبط محرمانه.

۱. در اصل: شولنبورگ؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۸۳/۱

سفارت شاهنشاهی ایران

در پاریس

اداره سرپرستی محصلین

راجع به جریانات برلن و تبلیغاتی که بر علیه دولت علیه در اینجا شروع شده و اسباب نگرانی حضرت اشرف عالی شده است و روز خدا حافظی توصیه‌هایی به این بنده فرمودید اتفاقاً خود آقای فرزین در اولین ملاقات این موضوع را عنوان فرمودند و نظر به مذاکراتی که در قسمت تعقیب جزائی متصدیان روزنامه جریان پیدا کرده و مصادف با مشکلات قانونی شده بود از بنده خواهش کردند که از نقطه نظر فنی و حقوقی با ایشان کمک کنم. روز بعد مجلسی در وزارت خارجه مرکب از مستشاران حقوقی و متصدی امور ایران و کنت شولنبورگ وزیر مختار تهران تشکیل شده آقای فرزین و این بنده در مجلس مزبور شرکت نمودیم و بعد از مطالعات راه حل مطلوبی پیدا کردیم که تعقیب جزائی به جریان افتد و محسوس بود که اولیاء وزارت خارجه میل دارند در این کار با منظور دولت علیه مساعدت کنند ولی خودشان دچار محظورات سیاست داخلی هستند. اشکالاتی از نقطه نظر پرسدور^۱ و مقررات قانون جزا [ی] آلمان و سکوت قانون جزا [ی] ایران در مسئله معامله متقابل به نسبت به توهین به سلاطین و رؤساء ممالک خارجه بود که همه را رفع کردیم و کار به جریان افتاده است و قدم اول آن توقیف شماره اول و دوم روزنامه است که گمان می‌کنم همین امروز یا فردا صورت بگیرد. مخصوصاً بنده تذکر دادم که محاکمه جزائی این امر ممکن است معایبی داشته باشد که باید از حالا پیش‌بینی نمود. یعنی احتمال دارد متهمین میدانی بدست آورده نطقهای آتشین در محکمه مبنی بر حمله به مقامات عالیه ایران بکنند^۲ و در جراید اروپا منعکس و اسباب افتضاح شود. در این قسمت هم قرار شد دستورات لازم به مدعی‌العموم کل بدهند که کار را با حزم و احتیاط

1. Procedure.

۲. در اصل: بکنند.

بدست مأمورین آزموده سپارند که از این پیشامدهای ناگوار هم جلوگیری شود. امروز که با بازدید دکتر گروبا^۱ رفته بودم اطلاع داد که علوی که یکی از مؤسسين مهم این دستگاه است همین دو روزه به عنوان انقضاء مدت تذکره و اجازه توقف در خاک آلمان اخراج خواهد شد البته این خبر قبل از وقوع آن محرمانه است.

سند شماره ۸۴

گزارش وزیر مختار ایران در آلمان (محمدعلی فرزین) در مورد اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب و محاکمه عاملین انتشار روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

۳۱ مارس ۱۹۳۱

محرمانه است

سواد

مورخه: یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰

نمره: ۲۰

ضمیمه: نه فقره و دو شماره ورقه پیکار

خدمت ذیشوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکته علاوه بر تلگرافات نمره ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ که در باب انتشار ورقه پیکار به عرض رسانیده است راپورتی هم به مقام وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم داشته‌ام که سواد آنرا لفاً ملاحظه می‌فرمایید. در چند روزه اخیر با وجود مراقبت‌هایی که از طرف نظمیه برلن می‌شود باز شماره دومی از ورقه مزبور طبع شده است. با مذاکرات متوالی که در این چند روزه بین سفارت و

وزارت خارجه و عدلیه مملکتی و نظمیه پروس به عمل آمده از قراری که امروز خبر رسید بالاخره عدلیه اجازه جلب مباشرین و توقیف ورقه را به نظمیه پروس داده است. برای این که قضیه به خوبی روشن شود گزارش احوال را قدری به تفصیل عرض می‌کنم: اولاً تصور فرمایید که تهیه مطالب و طبع و نشر و مصارف این ورقه و امثال آن یک کار عادی و مختصری باشد که اساساً از ناحیه چند نفر محصل ایرانی و به دست آنها اداره و اشاعه شود. مؤسسات کمونیست^۱ بعد از خاک روسیه در مملکت آلمان قویتر و مفصل‌تر از مملکت دیگری شده است و قسمت عمده از نشریاتی را که کمونیست‌ها صلاح نمی‌دانند در خود روسیه اشاعه شود در نقاط مختلفه مملکت آلمان تهیه و منتشر می‌کنند. عدد کمونیست‌ها در آلمان تقریباً به شش میلیون نفر بالغ شده و وکلای آنها در رایش‌تاخ و مؤسسات انتخابی دیگر آلمان، حزب فوق‌العاده قوی و جسوری را تشکیل داده است که گاهی در امور داخلی و مملکتی خود آلمان، دولت را دچار مشکلات بی‌شمار گذاشته و مستأصل کرده است. روزی نیست که نمایشات و زد و خوردهایی در یکی از نقاط برلن و سایر شهرهای آلمان واقع نشود. علاوه بر تعرضاتی که دائماً بر امور خود دولت و مربوط به مملکت آلمان دارند تبلیغاتی را هم برای ممالک سایر و ملل دیگر در نظر دارند به وسیله تشکیلات متعدده و به السنه مختلفه هر مملکتی در اینجا تهیه و منتشر می‌کنند. من جمله مؤسسه موسوم به لیگا (liga) را از چندین سال به این طرف در آلمان برپا کرده و از ملل مختلفه که در آلمان زندگی می‌کنند معدودی که وسیله معاش ندارند در آن مؤسسه وارد و نگاهداری می‌کنند و به اسم حمایت از ملل مظلومه آنها را به یکدیگر نزدیک و شکم آنها را سیر کرده‌اند و هر قسمت آنها را به جان ملت و مملکت خود انداخته‌اند و به عنوان رفع ظلم و طلب حقوق ملی خود در واقع مجموع آنها را به تبلیغات مرام کمونیست واداشته‌اند. در این دستگاه چند نفری از هموطنان عزیز بنده هم که بویی از محبت وطن و ملت و مملکت به مشامشان نرسیده است سرسپرده‌اند و هر چندی در ازاء ترجمه مقالاتی که از آن دستگاه بیرون می‌آید و یا مباشرت در طبع و نشر مجلات وجه معاش می‌گیرند و به این زندگانی بی‌شرف و بی‌آبرو راضی هستند. در چهار هفته قبل در شهر لایپزیک دستگاه و بساط عظیمی به توسط پلیس کشف شده و عبارت از بنای مفصلی بوده

۱. در اصل: کمونیست.

است که جماعتی در آن سکنی و در قسمت های تحتانی چرخ و اسباب و ماشین های مفصل مطبعه بوده و به چندین زبان من جمله به ۵ زبان شرقی روزنامه و مجله و اوراق تبلیغاتی کمونیستی طبع و نشر می شده است و نظمی محمل عدّه [ای] از اشخاص و کلیه بساط آن مؤسسه و هزاران اوراق و مجلات طبع شده را توقیف کرده است. نظیر این مؤسسات متعدد در نقاط مختلفه آلمان و در همین شهر برلن هم وجود دارد. برای کشف ورقه پیکار زحمتی نبوده است زیرا عنوان مدیر طبع و مسئول آن را نوشته است. اشکال در توقیف و جمع آوری اوراق و تعقیب مسئولین است. برای تعقیب این امر بنده دچار محظورات و مشکلات دقیقی بوده و هستم. از این قرار بدیهی است که دقیقه [ای] نمی توانستم تعقیب مطلب را فروگذار و خودداری کنم. چنانکه اقدام هم شد و لکن اشکال بدوی امر این بود که وزارت عدلیه بدون آن که یک شکایت نامه و عرض حال تسلیم شده باشد به موجب قانون نمی توانست وارد در مطلب شود و بنده هم نمی خواستم از طرف بنده و سفارت ایران چیزی به فورمول عرض حال داده شود. وزارت خارجه آلمان در این منظور بنده موافقت و همراهی می کرد ولی وزارت عدلیه نمی خواست از وزارت خارجه آلمان حرفی بپذیرد. بنده به وزارت خارجه می گفتم ایداً سروکاری با عدلیه و مقامات دیگر ندارم مأمور سیاسی هستم حفظ و صیانت دولت و مقامات مملکتی خود را در خاک آلمان از وزارت خارجه آلمان می خواهم. به طوری که در اوراق ضمیمه ملاحظه می فرمایید شروع مطلب را به وسیله یک مراسله خطاب به رئیس اداره شرق وزارت خارجه کرده ام و پس از آن یکی دو یادداشت نوشته ام که حتی الامکان از طریق مکاتبه شدت زیادی به مطلب داده نشده باشد ولی در تعقیب و مذاکرات همه روزه فوق العاده اصرار کرده ام و اهمیت موضوع را خاطر نشان کرده ام. عاقبت منتهی شده است به این که چند مجلس با رؤسای وزارت خارجه شده که من جمله در یک مجلس آقای کنت شولنبورگ هم در برلن بودند حاضر بود و آقای دکتر متین دفتری را هم که اتفاقاً وارد برلن شده بودند همراه بردم و با حضور مستشار وزارت عدلیه مذاکرات مفصل شروع شد. وزارت عدلیه محظورات خود را در این که بدون رعایت مراحل قانون نمی تواند اقدامی بکند ذکر می کرد و برای این که بتواند شروع به کار نماید فورمولی به عنوان شکایت نامه یا عرض حال پیشنهاد می کرد که سفارت ایران بنویسد و آنها مطابق مواد قانون اقدام کنند. خودداری بنده از نوشتن این فورمول عرض حال برای این بود که نمی خواستم به نام دولت ایران عرض حال داده باشم و مطلب را در ظاهر

آن قدر اهمیت بدهم که در محاکم علنی عدلیه طرح و موضوع بحث در جراید خارجه آلمان و بلکه تدریجاً جراید اروپا و بر خلاف منظور سبب انتشار در السنه و افواه شود. (مخصوصاً این که انتشار مطلب در جراید خارجه عین مقصود کمونیست‌ها و نویسنده است.) اینست که بالاخره نمایندگان قضایی را راضی کردم به این که در عوض این فورمول، باز شرحی به وزارت خارجه آلمان بنویسم و آن برای مدعی‌العموم کل کافی باشد و آن عبارت از چند سطر است که به نمره ۱۹۶۳/۱۹ نوشته و به وزارت خارجه فرستاده‌ام. باید عرض کنم که ضمن مدت این مباحثات وزارت امور خارجه از هرگونه همراهی مضایقه نکرده و وزارت عدلیه هم حکم تعقیب امر را به نظمیه داده بود و این اصرار آنها در فرمول‌بازی و ظاهرآرایی فقط از لحاظ آنست که باز اگر مطلب در دست وکلای سوسیالیست و کمونیست بیافتد مثل دفعه گذشته در پارلمان ایرادی بر آنها بشود پیش‌بینی مراحل قانونی را کرده باشند و در این مورد مطلب دیگری پیش آمد که باید عرض و مخصوصاً خاطر محترم را متذکر کنم که اگر در قانون جزای عدلیه ماده [ای] که جواب مطلب را بدهد هنوز نداشته باشیم به نحوی که صلاح و مقتضی است فکر آن را بفرمایید و آن این است که پس از آن که بالاخره وزارت عدلیه را حاضر به اقدام کردیم سئوالی از وزارت خارجه کرده است که اگر ما بر طبق ماده ۱۰۳ قانون جزای خودمان (عبارت ماده در ورقه ضمیمه است) اقدام به تعقیب این امر بکنیم آیا معامله متقابل با ما می‌شود یا خیر. وزارت خارجه آلمان پس از تفحص بسیار که چنین ماده را در قوانین جزائی ما نیافت از بنده خواست که در این باب چه باید کرد و جواب وزارت عدلیه را چه بدهیم. بنده به آنها گفتم شما وزارت عدلیه را مطمئن کنید که بر فرض هم ماده متقابلی در قانون جزای ما نباشد عملاً رعایت این موضوع شده و می‌شود و البته صورت قانونی آن هم به نحوی که مقتضی باشد با ماده خواهد شد. اصرار زیادی نکردند و دنباله کار را ادامه دادند ولی مترصد آن هستند که اگر این معامله متقابل در محل خود بشود و ماده ثابتی باشد استدعا می‌کنم در باب این موضوع بخصوص هر نظری باشد و هر اقدامی خواهد شد بنده را جداگانه مستحضر فرمایید که در موقع جواب صریح به آنها بدهم.

امروز مراسله‌ای از وزارت خارجه آلمان که سواد آن هم ضمیمه است به بنده رسید مشعر بر این که مدعی‌العموم کل اوراق پیکار توقیف و مباشرین عمل تعقیب شده‌اند. شاید خاطر محترم متوجه باشد که در انجام وظایف هیچ وقت عادت به هیاو و خودنمایی نداشته باشم و

لهذا حاجت به تصدیق نمی‌بینم که در این مدت با چه مرارتی و چه طرز عملی بالاخره وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه آلمان را در مقام آن آورده‌ام که مشکلات و موانع قانونی خودشان را بر خود تحمیل کنند و در انجام مسئول بنده اقدام و مساعدت کنند و گذشته از آن حالا که موقعیت حاصل شد تلافی هر مرارتی می‌شود ولی مطلب اینجاست که تازه بنده دچار زحمت اشتداد شرارت معدودی از هم وطنان بی‌شرف و بی‌آبروی خود هستم و ضمناً مراقبت‌هایی هم که البته ظاهر نیست از مقامات کمونیستی و پارتی‌های محلی نسبت به بنده وجود خواهد داشت؛ خاصه این که در مذاکره و در صدد هستم دو نفر از ایرانی‌هایی [را] که بلاشک و مستقیماً در مباشرت این کار دخیل هستند از آلمان تبعید کنند و عجلتاً سپرده‌ام تذکره آنها را تجدید نکنند تا ببینیم^۱ با نظمی و عدلیه برلن در این باب چگونه باید کنار آمد.

درد بی‌درمان اینست که راپورت‌های خودم را هم نمی‌توانم و جرأت و اعتماد نمی‌کنم از راه روسیه به توسط پست بفرستم و همین راپورت را هم چندین روز است نگاهداشته‌ام تا آقای شولنبورگ مراجعت کند به توسط ایشان ارسال دارم. کنت شولنبورگ می‌آید تهران، به نظر بنده برای این که اقدامات بنده در اینجا تأیید شود خیلی مفید خواهد بود با مشارالیه مذاکره و تأکید فرمایید به وزارت خارجه آلمان یادآوری کند که بر مساعدت خود نسبت به این کار بیفزایند. شاید به قدری که با قوانین محلی امکان‌پذیر باشد بتوان ریشه فساد را از اینجا کند. تصور می‌کنم لازم باشد مطلبی را که بالطبع با این موضوع دست به گریبان است به عرض برسانم. سابقاً عرض کرده‌ام باز هم تصدیق می‌دهم از جوانان ایرانی که در اروپا آلوده به این فساد احوال و اعمال می‌شوند کمتر اتفاق می‌افتد از روی عقیده و مرامی باشد بلکه بیشتر مقدمه این رذالت از پریشانی و فلاکت و استیصال در امر معاش است که در آن حال دست توسل بدامان هر عامل فساد و مضری دراز می‌کنند و آلت اجرای هر مقاصدی می‌شوند. اگر مقرر فرمایید به راپورت‌های متعدد از چندی به این طرف که عرض کرده‌ام مراجعه کنند در باب اوضاع پریشان عده زیادی از جوانان ایرانی به نام محصل که در بین آنها حقیقتاً چند نفری معقول و محصل واقعی هست بذل توجه خاصی بشود که اگر کسانی دارند ووجه نمی‌فرستند مجبور کنند وجه مخارج برای آنها بفرستند. اگر دارند و می‌خواهند بفرستند در کمیسیون اسعار

۱. در اصل: به بینیم؛ اصلاح در همه موارد.

اجازه داده شود وجه آنها را ارسال دارند. اگر کسی را ندارند یا کسی دارند و استطاعت رساندن وجه ندارند از هر محلی باشد با هر سرعتی که ممکن است مبلغی معادل با خرج سفر معاودت آنها به ایران ارسال شود از اینجا روانه ایران شوند. صورت اسامی اشخاصی را مکرر در ضمن راپورت‌ها تقدیم داشته‌ام باز هم مجدداً تصدیق می‌دهم فرنگستان است؛ حضرت بندگان عالی به جزئیات مشاهده فرموده‌اید یک نفر آدم در ۲۴ ساعت اگر به قدر نان و پنیر و کرایه منزل نداشته باشد یا باید در کوچه بخوابد که پلیس مانع است یا باید مرتکب سرقت و اعمال ناشایسته بشود و اگر از عهده این کار هم برنیاید انتحار می‌کند. آیا اگر در میان ایرانیان عده‌ای [ای] دچار این فلاکت شده باشند تصور نمی‌فرمایید هر روز هر یک از آنها را به هر دین و آیین و مرام و عملی می‌توانند ببرند و امروز از این قبیل عده‌ای [ای] در میان ایرانیان هست که اگر چند صباحی هم به این منوال بگذرد ممکن است عامل هر نوع عمل ناشایسته بشوند. می‌دانید که تا کارد به استخوان نرسد گریه و زاری نمی‌کنم و می‌دانید که دیناری هم تمکن و استطاعت شخصی ندارم. تا امروز ۴۶۰۰ مارک قرض شخصی با تنزیل صدی نه کرده‌ام و صد مارک و دویست مارک و چهارصد مارک از چنین اشخاص که مثل مجنون و گرسنه و از جان خود سیر شده هر روزه در سفارت بر سر من می‌ریزند دستگیری کرده‌ام و هنوز هم همه روزه مبتلا هستم. هر چه فریاد می‌کنم بذل عنایتی به عرایض نمی‌شود و عرض کردم اگر باز به این منوال بگذرد عاقبت نامطلوبی را پیش‌بینی می‌کنم. حالا چون این جملات از موضوع راپورت بنده خارج است در این باب تصدیق نمی‌دهم. استدعا دارم در قسمت‌های اولیه راپورت اگر هرگونه نظری و دستوری باشد امر به صدور فرمایید اسباب مزید تشکر است.

[امضا: محمدعلی فرزین]

[حاشیه بالا:] به عرض رسید، ضمیمه دوسیه شود.

سند شماره ۸۵

توقیف روزنامه پیکار، تعقیب متصدیان آن و وابستگی مدیر روزنامه به
کمونیسم بین الملل

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

محرمانه است

مورخه: یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰

سواد است

نمره: ۲۱

ضمیمه: اصل و ترجمه روزنامه مونتآگ مرگن

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکته
به طوری که در راپورت جداگانه عرض کرده‌ام، باوجود موانع قانونی و اشکالاتی که وزارت
عدلیه و امور خارجه آلمان در کار خود می‌دیدند بالاخره موفق شدیم که حکم توقیف ورقه و
تعقیب مباشرین امر را صادر کنیم و اداره پلیس برلن هم حکم صادره را اجرا کرد. چنان که
عرض کرده بودم توقیف ورقه و تعقیب متصدیان این کار قابل انصراف و اغماض نبود زیرا
ادامه این کار رفته رفته توسعه پیدا می‌کرد و هر روز به شکل تازه و با عبارات و عناوین
دیگری دامنه جسارت و توهین را بسط می‌داد و به علاوه انتشار این قبیل اوراق در میان
جوانان محصل ایرانی فوق العاده مضر و نامطلوب بود و از طرفی هم همان طور که به عرض
رسانده‌ام انتشار این مطلب و افتادن به دست جراید اروپایی را مناسب نمی‌دانم و به همین نظر
بود که به مستشار عدلیه فهماندم که منظور من تنبیه مباشرین امر و جلوگیری از تکرار آن است
و ضمناً هم مقید هستم طوری نباشد که جراید برای خود موضوع بحثی به دست آورده باشند.
مقصود را ملتفت شد و مراقبت هم کرده‌اند مع هذا واضح است موضوعی که اسباب توقیف و
جلب و محاکمه و تنبیه بشود فقط تا حدی می‌توان آن را محفوظ داشت. امروز در یک

روزنامه که اصل و ترجمه آن لفافاً ارسال حضور عالی می‌شود شرحی [در] اعتراض بر توقیف ورقه و جلب اشخاص نوشته شده است. نویسنده این شرح همان مدیر مسئول ورقه پیکار است؛ شخصاً آلمانی و کمونیست و متصل به مقاماتی است که گرداننده این بساط در آلمان و در همه جای دنیا هستند. البته این شخص و همکاران او که در موقع مشکلی واقع شده‌اند دست و پا می‌زنند. پریروز عصر با یک اسم مجهولی به وسیله تلفن بنده را تخویف هم می‌کنند ولی بنده اعتنایی ندارم و به هیچ وجه اهمیت نمی‌دهم و تقریباً هم توانسته‌ام قیاس کنم از چه ناحیه [ای] شده و می‌شود. این قسمت مطلب قابل اعتنا نیست فقط این که موضوع در دست بحث جراید واقع شود به نظر بنده نامناسب می‌آید. لهذا در این قسمت و این که تا چه اندازه مقتضی باشد که مطلب تعقیب شود اگر چیزی به نظر حضرت اشرف عالی برسد استدعا دارم تلگرافاً و رمزاً بنده را هدایت و کمک بفرمایید. بدیهی است در دنباله امر هم اگر مطلب تازه [ای] پیش آید راپورت خواهم کرد.

[امضا: محمدعلی فرزین]

سند شماره ۸۶

درخواست عدلیه آلمان از ایران مبنی بر موافقت رسمی با عمل متقابل در تعقیب عوامل متخلف مطبوعاتی، به استناد ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

محرمانه است

سواد است

مورخه: یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰

نمره: ۲۲

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکت
در راپورت جداگانه عرض کرده بودم که وزارت عدلیه آلمان برای تعقیب مسئله ورقه پیکار،

ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان را در جلو گذاشته و می‌خواست که در باب عمل متقابل نوشته [ای] از بنده در دست داشته باشد. بنده پس از مذاکرات مفصل آنها را قانع کردم که در اقدام خودداری نکنند و در این باب هم فکری می‌شود. در چهار شب قبل به عنوان مهمانی که برای خداحافظی کنت شولنبورگ در سفارت فراهم کردم دو نفر مستشار عدلیه و رئیس قسمت قضایی وزارت خارجه را هم با سایر رؤسای ادارات وزارت خارجه دعوت به شام و مفصلاً پذیرایی کردم. البته این پذیرایی در نظر آنها خیلی مرغوب و در ضمن برای کاری هم که در میان هست خیلی مفید و مؤثر بود. مع‌هذا در ضمن صحبتی که با رئیس اداره شرق و یکی از مستشارها می‌کردم باز تکرار و تأکید می‌کردند که مدعی‌العموم کل با این که مستمسک‌های قانونی خود را کافی نمی‌دانست. مع‌هذا با شما مساعدت کرده حکم به تعقیب و توقیف را داده است و لکن چون اتکاء مدعی‌العموم برای اقدام به تعقیب اشخاص فقط به ماده ۱۰۳ قانون جزا است و در متن ماده شرط معامله متقابل صریحاً گفته شده ممکن است وقتی شروع به محاکمه اشخاص بکنند این نکته مورد تعرض واقع شود لهذا خوب است در این باب یادآوری به دولت خودتان بکنید و اقدام در تسهیل امر را بخواهید. باز به آنها جواب گفتم انتظار من این است که شما کار خودتان را متوقف به این موضوع نگذارید. ضمناً من هم به مقاماتی که لازم است یادآوری می‌کنم. امروز مجدداً از آقای کنت شولنبورگ خواستم مرتبه دیگری به رفقای وزارت خود تأکید کند که از مساعدت در تعقیب مطلب فروگذار نکنند. ایشان هم مشکلات و محظورات وزارت عدلیه را تأیید می‌کردند. این است که استدعا می‌کنم در این باب آن چه تصور فرمایید مقرون به صلاح و محتاج به اقدام باشد اقدام و مقرر فرمایند نتیجه را تلگرافاً به بنده اطلاع دهند.

[امضا: محمدعلی فرزین]

سند شماره ۸۷

گزارش محمدعلی فرزین در مورد اقدامات به عمل آمده جهت توقیف روزنامه
پیکار و تعقیب مباشرین آن

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

مورخه: ۲۴ ماه فروردین ۱۳۱۰

نمره: ۳۷

محرمانه است

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته

محترماً سواد راپورتی که در باب اقدامات مربوط به توقیف ورقه پیکار و تعقیب مباشرین آن
به وزارت جلیله امور خارجه عرض شده است برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم می‌گردد.
[امضا: محمدعلی فرزین]

[حاشیه بالا:] به عرض رسید، ضمیمه سابقه شود.

سند شماره ۸۷/۱

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

مورخه: ۲۴ ماه فروردین ۱۳۱۰
 نمره: ۳۵
 محرمانه است
 سواد است
 ضمیمه: سواد مراسله به وزارت خارجه آلمان و ترجمه راپورت نظمیه، شماره سیم ورقه پیکار
 و سواد حکم صادره از وزارت عدلیه

خدمت ذی شوکت جناب آقای اشرف آقای فروغی وزیرامور خارجه دامت شوکته
 در باب ورقه پیکار که در برلن منتشر می شود راپورت مفصلی به نمره ۲۰ و راپورت های
 دیگر متعاقباً به نمره ۲۱ و نمره ۲۲ عرض و به توسط آقای کنت شولنبورگ که عازم ایران
 بودند در پاکت لاک شده و مهور ارسال خدمت عالی داشته ام. به موجب اطلاعی که از
 وزارت امور خارجه آلمان دادند و مطابق مراسله [ای] هم که فرستاده بودند و سواد و ترجمه
 آن هم تقدیم گردید نظمیه برلن شماره اول و دوم ورقه را که طبع شده بود توقیف و مشغول
 تعقیب مباشرین آن شد. چهار روز قبل باز شماره سومی طبع شده است که به محض اطلاع
 قبلاً به وزارت خارجه تلفن شد و بلافاصله مراسله [ای] نوشته ام که سواد آن از نظر محترم
 می گذرد.

از گزارش این قضیه دیگر جمله [ای] بر بنده مجهول نیست و مطلب همان است که در
 راپورت مفصل نمره ۲۰ عرض کرده ام. راپورت تحقیقات پلیس هم که پریروز به توسط
 وزارت خارجه رسیده و ترجمه آن را لفاً ملاحظه می فرمایید آن چه را که تا حال عرض
 کرده ام تأیید می کند. متصدی این کار دکتر «ونر» نام آلمانی کمونیست است. این شخص در
 نقاط مختلفه بعضی از ممالک شرقی مأموریت تبلیغات داشته و فعلاً به شغل روزنامه نویسی
 مشغول و در این امر بخصوص هم از طرف مقامات عالیه کمونیستی مأمور است و سرمایه

لازمه عملیات را به او می‌رسانند. دو سه نفر از ایرانی‌های پر طمع بی غیرت را در زیر دست گرفته از منبع اصلی به آنها کمک‌های معاشی قابل ملاحظه می‌شود و در مقابل گاهی مقاله می‌نویسند و گاه مقالاتی را که «وئر» می‌نویسد ترجمه می‌کنند. به طوری که سابقاً عرض شده است ایرانیانی که مشارکت و مباشرت در این کار دارند عبارتند از: دکتر امامی، دکتر یزدی‌زاده [و] دکتر بهرامی که در رشته طب تحصیل کرده‌اند و مدتی است هر یک در یک مریض‌خانه دشارتیه در زیر دست اطباء کار می‌کنند. این اشخاص در میان ایرانیان مقیم آلمان بی‌باکی و بی‌شرمی و بی‌وجدانی را به منتها درجه برده‌اند. مرتضی علوی که چکیده این رذالت و بلاواسطه چسبیده آن مقامات است دیگر بدون هیچ پروا و ملاحظه کار خود را در مقابل اجرتی که به او می‌دهند می‌کند. از هر طرف بنده را به اسامی مجهول به وسیله تلفن تخویف می‌کنند. پریشب در اول شب دو نفر جوان تا جلوی درب عمارت سفارت آمده‌اند. وقتی دربان آنها را دیده اسم یک نفر را بهانه کرده و فرار می‌کنند. اجمالاً عرض کنم عناصری که مربوط به آن دستگاه و در همه جا به آشوب و هنگامه‌طلبی مشغولند در اینجا هم به عملیات شدت داده و دستور عمومی مقامات عالی‌ه خودشان را می‌خواهند تماماً و کاملاً به موقع اجرا بگذارند. شخصاً بیمی از این عوامل آشوب طلب ندارم و تا حال چنان که ملاحظه می‌فرمایید از نوشتن و مذاکرات با وزارت خارجه آلمان و توقیف و تعقیب فروگذار نکرده‌ام. دو جمله است که استدعا می‌کنم مورد توجه فوری قرار داده شود: اول موضوع ماده ۱۰۳ معامله متقابل است که با اظهاری که مکرر وزارت عدلیه کرده است می‌ترسم مطلب ناقص و تعقیب را نیمه‌کاره بگذارند و آن برای پیشرفت منظور ما خیلی بد می‌شود. دوم آن که آیا تا چه حدی به وزارت امور خارجه آلمان سختی و تعقیب کنم. اجمالاً عرض کنم که مشاهده این احوال و هر روزه انتشار یک ورقه تازه که سر تا پا اهانت است برای بنده خاصه با سمت مأموریت در این مملکت قابل تحمل نیست و ملاحظه می‌فرمایید با این که تمام مطالب را در موقع خود به وزارت خارجه آلمان گفته و رسماً نوشته‌ام باز به عقیده خودم خیلی رعایت نزاکت کرده‌ام و آن به احتیاط این بوده است که از حدودی که وزارت جلیله صلاح بدانند عجلتاً تند نرفته باشم. صحیح است که وزارت خارجه آلمان هم در مقابل دقت‌های قانونی عدلیه، در محظور مانده است و اگر امر در دست خودش بود شاید تا حال ریشه کار را کنده بود. مع‌هذا هر چه از طرف سفارت سختی بشود در تأکیداتی که وزارت عدلیه خودشان می‌کنند مؤثر خواهد بود. از

مذاکره [ای] که قبل از حرکت با کنت شولنبورگ در برلن می‌کردم این طور ملتفت شدم و بلکه صریحاً هم اظهار داشت که به وزارت خارجه اینجا گفته است در تعقیب قضیه زیاد تند نروند. مبادا اگر وزارت عدلیه به واسطه در دست نداشتن معامله متقابله ماده ۱۰۳ بخواهد مطلب را بلا تعقیب بگذارد برای وزارت امور خارجه آلمان محظورات زیادی پیش نیاید. از این نصیحتی که شولنبورگ به آنها داده است خیلی تعجب کردم. در هر صورت اگر تا حال فکری در این باب نشده باشد چقدر به موقع و لازم است که با کنت شولنبورگ مذاکره و تأکید فرمایید وزارت خارجه اینجا را از اقدام باز ندارد و ضمناً فکری برای ماده ۱۰۳ شده باشد. تلگرافاً بنده را مستحضر و دستور کافی مرحمت فرمایید تا جلوی پای خودم را روشن بینم. تقاضای بنده از وزارت خارجه اینجا این خواهد بود که دکتر «ونر» مدیر مسئول ورقه را مطابق ماده ۱۰۳ مجازات کنند یا مباشرین امر را اعم از ایرانی یا غیر ایرانی به دست مجازات بدهد. مجازات «ونر» با این که روزنامه‌نویس و کمونیست و مأمور آن مقامات است البته فوق‌العاده مشکل خواهد بود ولی در هر حال بدیهی است باید به حکم محکمه بشود و این که در باب ماده فوق‌الذکر مکرر خاطر محترم را تصدیع می‌دهم برای اینست که در همان ماده شرط معامله متقابل را قید کرده‌اند و مبادا این جمله را بهانه و از تعقیب خودداری کنند. اگر همین قدر دستور کلی به بنده تلگراف فرمایید در جزئیات امر مصدع نخواهم بود و خواهم دانست چه قسم باید پیش رفت. منتظر تلگراف حضرت اشرف عالی هستم. از قراری که در اینجا استنباط شد گویا کنت شولنبورگ مدت زیادی در ایران نخواهد بود و به زودی به آلمان مراجعت و به یکی از نقاط بالکان مأمور می‌شود. برای استحضار خاطر محترم تصدیع داد.

امضا

فرزین

سند شماره ۸۷/۲

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

ترجمه راپورت تحقیقات اداره پلیس که به وزارت خارجه آلمان فرستاده است در باب مراسله ششم ماه جاری نمره ۵۷۴۳/۳۱/۳ ذیلاً اطلاع می‌دهد یک کمیته جمهوری طلبان ایرانی از تهران به طور غیر قانونی در اینجا وجود دارد و کمیته مزبور تا اوایل یک سال قبل موسوم به جمعیت جمهوری طلبان ایران بوده و در اوراق و نوشتجات خود یک مهر بیضی شکل لاستیکی به اسم فوق‌الذکر می‌زده است. این کمیته علاوه از ایران در برلن، پراگ، زوریخ، ژنو، کلن، بروکسل، پاریس، حیفا و دهلی نماینده و اشخاص طرف اعتماد دارد. قصد این کمیته عامله این است که در طبقه منورالفکر ایرانی در خارجه و مخصوصاً به محصلین افکار جمهوری‌طلبی را تزریق نماید تا در ایران جمهوری برقرار نمایند. این کمیته کمونیستی است و از قرار معلوم با «لیگا» که خود را طالبین حقوق بشر می‌داند و خود را حامی حقوق ملل مظلومه قرار داده است روابط خیلی نزدیک دارد. این کمیته می‌خواهد به وسیله تبلیغات و نشریات نظر اروپا را به اوضاع ایران جلب نماید تا بحال معلوم نشده است که نماینده و شخص طرف اعتماد این کمیته در برلن کیست. گمان می‌رود مجمع محصلین ایرانی موسوم به «ایران» باشد. اعضای مجمع عبارت بوده‌اند از: محمد پوررضا ساکن شارلو تنبورگ کایزردام، نمره ۲۵، دکتر احمد امامی ساکن فازانر شتراسه، نمره ۲۲ و احمد اسداوف که معروف ما است و سابقاً سفارت ایران در برلن آنها را به عنوان کمونیست به ما شناسانده است. علی داراب نام که فرستنده است ظاهراً اسم معمولی است و در دفاتر ثبت پلیس چنین اسمی وجود ندارد. تا بحال چندین مرتبه به y2 oliva ۲۹۴۵ به دکتر ونر تلفن شده و بی‌نتیجه مانده است و با تجسساتی که در منزل دکتر ونر شده معلوم گردیده است که علی داراب نامی در آن جا نیست. بنابراین احتمال دارد که دکتر ونر فوق‌الذکر شغلش جریده نگاری است و در ۲۹ نوامبر ۱۸۹۶ در فرانکفورت متولد شده و در برلن در پاریزر شتراسه ۵۲ منزل دارد یا علی داراب نامی را

مخفی نگاه می‌دارد و یا این اسم را برای کار خود وضع کرده است. ونر مدیر مسئول و ناشر روزنامه «پیکار» است که به حروف عربی و فارسی منتشر می‌شود. دکتر ونر به کلی کمونیست است و روابط تامی با مشرق زمینی‌ها و هندی‌ها دارد و با مرتضی علوی معروف هم که عضو جمعیت موسوم به جمهوری طلبان و انقلابیون ایران است و در مجمع لیگای ضد امپریالیسم در ۱۵ فوریه در بروکسل در قصر اکموند نمایندگی داشته است روابط خیلی نزدیک دارد. ونر که چندین سال در حیفا بوده شخصی است که باید از او بی‌اندازه احتراز و احتیاط کرد. مجمع نمایندگان جمهوری طلب ایرانی در ۱۷ فوریه ۱۹۳۱ در کلن منعقد بوده از قرار معلوم در آن مجمع فقط ۵ نفر بوده‌اند. مذاکرات پروتستی بوده است بر ضد رژیم ترور و رضاخان پهلوی در تهران و این پروتست به جراید طرفدار چپ اروپا فرستاده شده است. اینجانب به تحقیقات محرمانه [ای] که باز مشغولم ادامه می‌دهم و اگر مطالب قابل اطلاعی به دست آید باز خبر خواهم داد.

امضا

سند شماره ۸۸

گزارش وزیر مختار ایران در بغداد (تقی نبوی) به وزارت دربار در خصوص
انتشار مقاله‌ای تحت عنوان انگلیس و ایران در جنگ آینده در روزنامه
الاستقلال بغداد، به نقل از روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

مورخه: ۲/۵ سنه ۱۳۱۰

نمره: ۵۷۱

مقام منیع وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکته

در روزنامه الاستقلال منطبعه بغداد دیروز مقاله [ای] تحت عنوان «انگلیس و ایران در جنگ
آینده» نقل از روزنامه «پیکار» منطبعه برلین درج و منتشر گردیده که اینک لزوماً سواد ترجمه
آن را با سواد شرحی که از طرف سفارت دایر به تکذیب مندرجات مقاله مزبور در جراید بغداد
درج شده لغاً ارسال می‌دارد. در صورتی که لازم باشد مجدداً در این خصوص چیزی در
جراید بغداد منتشر شود یقین است دستور آن را صادر خواهند فرمود.

وزیر مختار دولت شاهنشاهی

[امضا: تقی نبوی]

[حاشیه پایین:] ضبط محرمانه، به عرض رسید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۲۵

نمره اندیکاتور: ۸۷۴

سند شماره ۸۸/۱

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

تاریخ: ۲۴ آوریل ۱۹۳۱

نمره: ۱۵۹۷

سواد ترجمه از روزنامه الاستقلال منطبعه بغداد

انگلیس و ایران در جنگ آینده

آیا میان دولتین معاهده جنگی برقرار است؟

روزنامه «پیکار در برلین» سرّ قضیه را فاش می‌کند

ذیل ترجمه مقاله‌ای را که در روزنامه «پیکار» منطبعه برلین درج شده است از نظر خوانندگان می‌گذرانیم: از قراری که در این ایام به ما خبر رسیده است اخیراً قرار داد نظامی و جنگی بین انگلیس و ایران برقرار شده است و آن چه را که از روح این معاهده به دست می‌آید این است که متأسفانه بر ضد «ترکیه» برقرار شده و به موجب این معاهده طرفین متعهد شده‌اند که یک نفر انگلیسی را برای ورود در مذاکرات سرحدی ایران و ترکیه مأمور ساخته و او هم وجهه نظر ایران را تأیید نماید و در مقابل این مساعدتی که انگلیس نسبت به ایران مبذول می‌دارد دولت ایران تعهد می‌کند که جمیع قراردادهای سابق را که بین او و انگلیس برقرار شده تجدید کند. بنابر این دولت ایران قدم‌های بزرگی را مطابق قراردادهای مذکور خواهد برداشت و این قراردادهای ایران را ملزم می‌نماید که جمیع اسلحه و ملزومات جنگی خود را از کارخانجات انگلیس خریداری کند و از قراری که می‌دانیم ملزوماتی را که ایران وارد می‌کند از قرار ذیل است:

صد هزار قبضه تفنگ و هفت هزار توپ‌های مسلسل و سایر ادوات جنگی دیگر و خرید اسلحه مزبور هم به شرکت نفت انگلیس و ایران واگذار می‌شود و زمینه این قرارداد اینست که

شرکت مشارالیه ملزم خواهد بود که صدی چهار از قیمت نفت را که در شرکت‌های اروپایی دیگر فروخته می‌شود پایین آورده به شرطی که مبلغی که از این تنزیل جمع‌آوری می‌شود دولت ایران آن را برای خریداری اسلحه تخصیص دهد.

و از این مطلب معلوم می‌شود که حکومت پهلوی این قضایا را به مجلس نخواهد برد و ایران عدد قشون خویش را به صد هزار نفر خواهد رسانید و در نتیجه در موقع وقوع جنگ قشون ایران فدای راه سرمایه انگلیس شده و جوانان خویش را برای برقراری قوای انگلیس در هند به مرگ سپرده و خود را برای مصالح انگلیس و طرفداران سیاست اودر ایران به فقر و فلاکت دائمی مبتلا می‌سازد.

این است خلاصه اطلاعات ما از این روزنامه و نیز روزنامه مذکور به دولت ایران اصرار می‌کند که برای اطلاع عموم مواد قرار داد مذکور را منتشر سازد.

مطابق ترجمه است. [امضا: م. رافضی‌پور]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۲۵

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۸۷۴

سند شماره ۸۸/۲

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

بغداد

نمره: ۵۲۰

تاریخ: ۲۴ آوریل ۱۹۳۱

سواد تکذیب روزنامه الاستقلال منطبعة بغداد از طرف سفارت

اخیراً در جریده استقلال مقاله‌ای تحت عنوان «انگلیس و ایران در جنگ آینده» نقل از

روزنامه «پیکار برلین» درج شده که سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد لازم می‌داند برای استحضار عامه آن را به کلی تکذیب نماید. مطلعین به امور سیاسی ایران به خوبی می‌توانند استنباط نمایند که انتشار این قبیل اخبار و امثال آن از کدام ناحیه و مبنی بر چه اغراضی است والا روابط دولت شاهنشاهی ایران با ترکیه کاملاً دوستانه و به کلی دور از این قبیل مذاکرات و انتشارات است.

مطابق مینوت است. [امضا: م. رافضی‌پور]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۲۵

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۸۷۴

سند شماره ۸۹

گزارش محمدعلی فرزین در مورد مطالب مندرج در روزنامه پیکار و اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب و محاکمه عاملین انتشار آن

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

محرمانه است

مورخه: نهم ماه اردیبهشت ۱۳۱۰

سواد است

نمره: ۴۱

ضمیمه: سواد مراسله و یادداشت و قطعات روزنامه و ترجمه آن
برای ملاحظه وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می‌شود

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکته
در باب ورقه پیکار البته تا حال راپورت‌هایی که عرض کرده‌ام از لحاظ محترم گذشته است.

در نتیجه اقداماتی که شد وزارت خارجه آلمان مساعدت‌هایی را که می‌توانست کرده و بالاخره وزارت عدلیه را حاضر کردند که حکم قطعی بر توقیف ورقه پیکار دادند. بنده به توقیف نمراتی که طبع شده بود اکتفا نکرده و تقاضای جمع‌آوری اوراق و نظارت پلیس را برای شماره ما بعدی که در دست طبع بوده است نمودم. در این قسمت هم با این که قانون مطبوعات آلمان وفق نمی‌داد قبل از طبع و انتشار روزنامه را توقیف کنند مع‌هذا لطفاً این مساعدت را هم کردند و در تحت نظارت پلیس گذاشتند. ورقه توقیف شد و عجالتاً دکتر و نر نمی‌تواند شماره دیگری طبع کند. این مسئله فوق‌العاده این شخص و مقامات معلومه را متغیر کرده به وسیله درج مقاله در جراید کمونیستی آلمانی وزارت خارجه و عدلیه آلمان را مورد ایراد و تنقید قرار داده‌اند. ترجمه مقاله [ای] را که در «برلین آم مورگن» مورخ ۲۲ آوریل درج کرده است لفاً برای ملاحظه محترم عالی ارسال می‌دارم. مستبعد نمی‌دانم در این مقاله پرانی به وسیله جراید آلمانی مداومت بدهند. انتشار همین مقاله را عنوان و باز امروز یادداشتی تهیه کرده‌ام که به وزارت امور خارجه بدهم. نتیجه این خواهد بود که حالا دیگر شخص دکتر و نر به محکمه جلب شود. اگر چه از قرار تحقیقات که راپورت پلیس برلن هم آن را تأیید می‌کند این شخص روزنامه نویس و از ارکان کمونیست و آدم خطرناکی است مع‌هذا می‌توان تصور نمود که در محاکمه محکوم واقع شود. بدیهی است برای محاکمه او عدلیه معامله متقابله مربوط به ماده ۱۰۳ قانون جزای عدلیه آلمان را خواهد خواست که تلگراف فرموده بودید به مجلس پیشنهاد می‌شود. اگر خبر تصویب آن برسد و به وزارت خارجه آلمان اعلام کنم دیگر مصلی باقی نخواهد ماند. از طرفی به طوری که در راپورت سابق هم به عرض رسانده‌ام اگر محاکمه این شخص به میان بیاید ممکن است (برفوق آرزوی خود او) موضوعی به دست جراید آلمانی و بلکه جراید نقطه دیگر اروپا بیفتد و عبارات و مهملاتی که به زبان فارسی در ورقه طبع می‌کرده است، به السنه اروپایی در جراید محلی بیفتد و به همین نظر بود که استدعا کردم در باب تعقیب محکمه او با رعایت این نظر آن چه صلاح و مقتضی باشد هر چه زودتر مقرر فرمایید به بنده دستور داده شود. هنوز به هیچ وجه دستوری نرسیده است. بنده شخصاً علاوه بر این که مشاهده این احوال ناگوار است با سمت نمایندگی یک دولت و مملکتی نمی‌توانم تحمل کنم این گونه توهینات در ورقه فارسی یا جراید اروپایی موضوع بحث و اسباب تفریح مؤسسات کمونیستی شود و همان طور که تا حال اقدام کرده‌ام به قدری که عقلم

برسد با رعایت کمال حزم و احتیاط بدون آن که در محاکم قضایی سفارت ایران را طرف دعوایی قرار بدهم فقط از راه وزارت خارجه تقاضای صیانت حیثیات و احترام مملکت خودم آن چه مناسب و مقتضی دانسته‌ام کرده‌ام و بعد هم آن چه لازم و مقتضی به نظر برسد خواهم کرد. سواد کلیه مراسلات و یادداشت‌هایی که به وزارت خارجه آلمان فرستاده‌ام و شرح اقداماتی که شده است تدریجاً به عرض رسانده‌ام. برای آن که پس از ملاحظه و اطلاع اگر نکته یا جمله [ای] کم و زیاد باشد نظر وزارت جلیله امور خارجه بر سبیل دستور به بنده ابلاغ و اعلام شود که در دنباله کار تکلیف را بدانم. استدعا می‌کنم مقرر فرمایید موضوع مورد توجه خاصی قرار داده شود و آنچه باید اقدام بشود یا اقدام نشود هر چه زودتر به بنده ابلاغ فرمایید. از مشکلاتی که در حال حالیه دارم و مخاطراتی که شاید برای خود بنده متصور باشد عرض نمی‌کنم و البته حتی‌المقدور باید خودم را مواظبت کنم. چون آنچه می‌فهمم این مطلب (با آنکه ظاهراً دست سه چهار نفر ایرانی در آن باشد) یک قضیه سطحی و مختصری نیست و از سرچشمه‌های دیگری آب می‌خورد باید در تهران مورد دقت و مطالعه خاصی قرار بگیرد و با رعایت تمام جهات مطلب به بنده دستورهای کافی مرحمت شود که بدانم به وزارت خارجه آلمان تا چه حدی فشار بیاورم. آیا از این که مطلب بسط و دامنه پیدا کند باید احتراز کنم یا اهمیتی ندهم و سفارت و دولت ایران را طرف یک مذاکرات و مشاجرات و محاکماتی قرار بدهم. مطلب مثل آفتاب روشن است ورقه پیکار و نویسنده مسئول آن از کلبعلی خان نامی صحبت می‌کند که مدت‌ها موضوع یادداشت‌های رسمی و اعتراضات بر وجود او یا بر مأموریت او بوده است. فلان جوان بی‌شرف بی‌ناموس ایرانی که مزدور این بساط است و فرضاً مقاله ترجمه می‌کند یا مسوده چاپ را غلط‌گیری می‌کند البته کمک‌هایی به آنها می‌کند ولی کلبعلی‌خان را چه می‌شناسد یا چه نفع و ضرری برای شخص خود و فرضاً مسلک خود احساس می‌تواند بکند از این که قانون انحصار تجارت از بنزین شمال جلوگیری کند و کار نفط جنوب را ترویج کند. یک مرتبه دیگر شماره‌های ورقه پیکار را که در لف راپورتهای سابق ارسال خدمت داشته‌ام ملاحظه بفرمایید تا درست خاطر محترم متوجه شود که بنده و سفارت ایران با کی و کجا طرف هستیم. در ورقه و در مقالاتی که این شخص کمونیست انتشار می‌دهد از جمهوری طلبان و حزب اقلیت که در آلمان هستند صحبت می‌کند، کدام جمهوری‌طلبان، کدام اقلیت. عده ایرانیان مقیم و متفرق در آلمان آن چه در ثبت و دفاتر ما

هست معلوم، عده جوانان محصل دولتی و غیردولتی معلوم، از چهارنفر علوی و یزدی زاده و امامی و بهرامی و شاید یکی دو نفر هم که ما نشناسیم بگذریم تفصیل حال مابقی بخوبی معلوم و روشن است. کدام کنگره، کدام کنفرانس؟ علی داراب کیست؟ مدت دو هفته اداره پلیس برلن مشغول تحقیقات حال یکی علی داراب نام بوده و بالاخره راپورت می دهد در تمام دفاتر و اوراق پلیس برلن علی داراب نامی جزو مقیمین این شهر نیست و می گوید دکتر و نر ممکن است اسم علی داراب را وضع کرده باشد که گاهی به این نام انتشاراتی بدهد. خلاصه این که از ایرانیان امامی و برادرش به طرف ایران حرکت کردند. یزدی زاده و بهرامی را باید هر چه زودتر از اینجا روانه ایران کرد و انجام این امر منوط به اقدام فوری از طرف پدرهای آنها و به هر وسایل دیگری که در آنجا تشخیص بشود می باشد. علوی را مشغول مذاکره و تهیه وسایل تبعید او هستیم. یکی دو نفر هم از عده محصلین هستند که سری از تخم بیرون آورده اند و خودشان را آزمایش می کنند. شاید بعدها بتوانند جوجه کمونیست بشوند که آنها را هم یا سرشان را در اینجا به قدر لازم می گویم یا اگر ضرورت حتمی پیدا کرد آنها را هم روانه ایران می کنم ولی باز عرض کنم بر فرض هم به چنین تنظیف و تصفیه موفق بشویم باز اسم علی داراب هایی وضع خواهد شد، اوراق منتشر خواهد شد و به اسم جمهوری طلبان و اقلیت ایرانی مبارزه با (به قول خودشان) امپریالیزم انگلیس در خاک آلمان و برلن و نقاط دیگر اروپا خواهد شد. در هر حال عجالتاً استدعا می کنم در قسمتی که محل ابتلای بنده است و تا حال پیش رفته ام دستور کافی مرحمت فرمایید که اگر در شرف خبط یا اشتباهی باشم مواظبت بکنم. مطلبی را بر سبیل منتهای ضرورت باز تصدیع می دهم سابقاً عرض کرده ام عده [ای] از جوانان ایرانی هستند که در اینجا بدون وسیله معاش مانده اند و ممکن است همه روزه و هر ساعت برای اخذ ۵ مارک یا ده مارک که به مصرف سدّ جوع خودشان برسانند آلت دست هر عامل مضر و مفسدی بشوند. در سلامت حال خودشان و آبروی خانواده آنها و حفظ حیثیت جامعه ایرانیان در اروپا و صلاح دولت و مملکت است که هر چه زودتر اسباب معاودت آنها به ایران فراهم شود. ضرورت این امر به قدری در هر ساعت در اینجا محسوس می شود که اگر هر گونه وجهی از خزانه دولت در دست بنده بود ولو آن که متعلق به هر وزارتخانه و هر مقامی باشد بدون تأمل به مصرف این امر می گذاشتم زیرا یقین دارم مسئولیت چنین عملی برای شخص بنده هر چه سنگین باشد به درجات از وخامت اوضاعی که از این باب موجود شده و

هر روز شدت می‌کند البته سبک‌تر خواهد بود و بیم آن را دارم این امر لازم که مدتی است پیش‌بینی و به مرکز عرض می‌کنم بالاخره به صورت نامطلوبی منتهی شود. استدعا دارم شخص حضرت اشرف عالی در باب این قضایا صرف وقت نفرمایید و بنده را از وصول دستور و تعلیمات کافی محروم نگذارید. در باب علوی پس از آنکه تلگراف وزارت جلیله رسید و تصویب فرمودند که یادداشت نوشته شود یادداشتی نوشته و ارسال داشته‌ام که سواد آن هم ضمیمه است و از نظر محترم عالی می‌گذرد.

سند شماره ۹۰

توقیف شش شماره روزنامه پیکار در پستخانه مرکزی تهران

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره: اطلاعات

نمره: ۴۸۲

به تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۱۹

محرمانه - مستقیم

ضمیمه: روزنامه

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکت

اخیراً هفت نمره از جریده پیکار، شماره ۴، منطبقه برلن که توسط پست برای مدیران جراید تهران ارسال شده در پستخانه مرکز بدست آمده و یک نمره آن را برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌دارد و شش نمره دیگرش توقیف شده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ [محمدحسین] آیرم

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:] یک نمره روزنامه فوق ضمیمه وارده به ضبط وارد شده است.

[حاشیه پایین، دوم:] به عرض رسید، ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۲۰

نمره اندیکاتور: ۸۲۴

سند شماره ۹۱

مذاکرات بعمل آمده با مقامات آلمانی جهت تعقیب مدیر روزنامه پیکار و باز
گرداندن دانشجویان ایرانی مقیم آلمان

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

ضمیمه: ۵

مورخه: ۲۰ ماه اردیبهشت ۱۳۱۰

محرمانه است

نمره: ۵۰

برای ملاحظه حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی تقدیم می‌شود.

وزارت جلیله امور خارجه

در باب ورقه پیکار و عملیات دکتر و نر کمونیست که با کمک دوسه نفری از ایرانیان [چاپ]
می‌شود راپورت گزارش را تا نهم اردیبهشت در ضمن نمره ۴۱ به عرض رسانده‌ام و منظور از
تصدیع و عرض این راپورت اینست که خاطر محترم وزارت جلیله را از دنباله کار مستحضر
داشته متدرجاً از جریان امر بی‌اطلاع نگذاشته باشم تا اگر نظری و دستوری هم باشد صادر
فرمایید اقدامات بنده را تأیید و تصحیح کند.

وزارت امور خارجه آلمان برای تعقیب نویسنده مقالاتی که در روزنامه آلمانی درج شده بود (که اصل و ترجمه آن را در هفته قبل ارسال داشته‌ام) و برای جلب دکتر ورنر نویسنده ورقه و برای تبعید مرتضی علوی محتاج به مراسله و یادداشتی بود که نوشته شد و سواد آن هم ارسال گردید. در این ضمن خبر رسید که شماره چهارمی هم از طبع خارج کرده‌اند. در این موقع به دکتر گروبا رئیس اداره شرق تلفن شد و اظهار داشتیم که حالا دیگر کار به جایی می‌رسد که من هم در رفتار خودم گویا طریقه دیگری باید اختیار کنم و قدری هم بر حسب ضرورت تندى کردم. مذاکرات منتهی به این شد که پریروز مشارالیه به اتفاق «دکتر موند» رئیس قسمت قضایی و امور جنایی و مستشار وزارت خارجه به سفارت آمدند صحبت طولانی شد مشکلات قانونی را که محکمه عدلیه در جلوی وزارت خارجه می‌گذارد شرح دادند مطلب کم و بیش دفاع شد و راه‌های قانونی که کار را سهل‌تر کند به آنها گفته شد و موافق آمدند و چند چیز به آنها خاطر نشان کردم از این قرار: اولاً اهمیتی را که این مسئله تدریجاً پیدا می‌کند و توجهی را که دولت ایران هم به آن خواهد داشت شرح دادم و گفتم بهترین دلیل اینست که ماده متقابلی را که برای اقدامات خودتان لازم داشتید دولت تهیه و پیشنهاد کرد و به این سرعت هم مجلس شورای ملی آن را تصویب کرد (ضمناً عرض بکنم که این ماده مصوب را تا به امروز وزارت جلیله به بنده اعلام نفرموده و بنده از ناحیه خود آنها مطلع شده‌ام) و در ضمن بیانی به آنها فهماندم که اگر قصد دولت ایران از اعزام محصل به اروپا و آلمان این بود که سفسطه انقلابی و اصول کمونیزم بیاموزند مملکت روسیه نزدیکتر بود لهذا جلوگیری از این احوال از وظایف مختصه اینجانب است و چون می‌بینم که دولت آلمان هم در حفظ روابط دوستانه مملکتین ساعی است پس کندن ریشه این خار هم از تکالیف حتمیه شما است.

ثانیاً ماده متقابل تصویب شده و دیگر برای جلب دکتر ورنر به محاکمه مانعی ندارید. گفتند این ماده از یازدهم ماه مه اعتبار قانونی خواهد داشت. (این را هم بنده نتوانستم ملتفت شوم زیرا هنوز از وزارت جلیله به بنده هیچ اطلاعی داده نشده است.) در هر حال گفتم شما مقدمات کارتان را فراهم کنید تا تاریخ اعتبار قانون چند روز بیش نمانده است.

ثالثاً^۱ چون نویسنده ورقه و کمونیست‌ها می‌خواهند هر چه بیشتر ممکن شود هیاهو کنند و عین منظور آنها این است که در افواه و السنه و جراید موضوعی را انتشار دهند و کار خودشان را اهمیت بدهند مذاکرات باید در محکمه سری باشد.

رابعاً چون در جملاتی در ورقه پیکار و در مقاله منتشره گفته‌اند که از محاکمه خورسند هستیم و برای اثبات مطالب اقامه شهود می‌کنیم. البته منظور طفره و طول محاکمه و جنجال و فرار از ورود در متن موضوع است. بنابراین محکمه نباید در این مسائل خود را وارد کند خاصه این که طرفین متداعیینی در کار نیست و مطالب قابل اثباتی وجود ندارد. شخصی است به مملکت و مقاماتی توهین کرده و مطابق ماده ۱۰۳ قانون جزای خودتان باید تعقیب و محاکمه و بالاخره محکوم شود.

مذاکرات ما تا اینجا موافق آمد و قرار هم شد از مدعی‌العموم حکمی به عهده پلیس تحصیل کنند که اصلاً مطبوعه را تحت نظر داشته باشند هر وقت صفحه فارسی بخواهند طبع کنند فرم و حروف را توقیف کنند و برای این کار خود اینجانب هم یک نفر ایرانی فارسی دان به اختیار پلیس می‌گذارم. آقایان رفتند که با وزارت داخله پروس و عدلیه مذاکرات خودشان را بکنند و اقداماتی که بنده را راضی کند به موقع عمل بگذارند عجالتاً مطلب به اینجا رسیده است تا ببینم نتیجه چه می‌شود.

آن چه عرض کردم عبارت از کاری است که بنده می‌توانم در اینجا بکنم تا دنباله آن به کجا بکشد ولی بدیهی است که مقداری از پیشرفت این کار منوط به کمک‌هایی است که باید از تهران بشود و آن به طوری که سابقاً مکرر عرض کرده‌ام وادار کردن کسان سه نفر از ایرانیان است به این که اولاد خودشان را از اینجا حرکت بدهند به ایران برگردند. در راپورت قبل عرض کردم که امامی و برادرش حرکت کردند. علوی را در ایران اقدام نافعی نمی‌توان کرد زیرا هیچ الزامی و اجباری در مقابل کسان و بستگان خودش ندارد و فرد منحصری شده است که با این زندگانی تنگین در دامن این و آن خوش و راضی است. اگر موفق به تبعید او از آلمان بشوم از مراکز مهمه این اساس دور می‌شود و در جای دیگر آن قدر اسباب و وسیله برای او مهیا نیست. می‌ماند عجالتاً دکتر یزدی زاده و دکتر بهرامی، بنده نمی‌دانم چه قسم و به چه

وسیله اصلح و انسب باشد هر اقدامی می‌فرمایید همین قدر زود و جدی و با نتیجه باشد. این را هم عرض بکنم باید در نظر داشت هر یک از این‌ها به ایران بیایند فعلاً تضییقاتی نشود مبادا سبب جبن و خودداری همقدمان آنها برای رفتن به ایران بشود. در باب پیدا کردن راه حلّی یا تهیه وجهی برای راه انداختن عده [ای] از جوانان گدا و گرسنه و بی وسیله که در اینجا بیچاره مانده‌اند و این فلاکت آنها را وادار خواهد کرد که به صورت دیگران در آیند دیگر چیزی عرض نمی‌کنم زیرا تصور نمی‌کنم برای یک چنین مطلب ساده و واضح و مهمی بیش از این احتیاج به تکرار و تصدیع باشد. سواد اصل و ترجمه دو فقره جوابهای مراسله و یادداشت که از وزارت خارجه آلمان رسیده و سواد مراسله که باز دیروز در باب تسریع در جلب و محاکمه دکتر ونر نوشته‌ام لفاً برای ملاحظه محترم وزارت جلیله ارسال می‌دارم. استدعا دارم متن قانون مصوب را مقرر فرمایند هر چه زودتر به بنده برسانند.

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۹۱/۱

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

سواد ترجمه یادداشت وزارت امور خارجه آلمان

یادداشت

وزارت امور خارجه با کمال احترام سفارت شاهنشاهی ایران را اطلاع می‌دهد که به مناسبت یادداشت مورخ ۲۹ آوریل نمره ۴۱ حاکی از این که از طرف بعضی اتباع ایران مقیم برلن مخصوصاً مرتضی علوی نامی تحریکات انقلابی بر علیه ایران می‌شود به مقامات مربوطه مفاد

یادداشت اطلاع داده شد تا اقدامات لازمه را برای جلوگیری این اشخاص از علمپاتی که به روابط دولتین آلمان و ایران لطمه بتواند وارد آورد بنمایند. وزارت امور خارجه باز دنباله اقدامات را اطلاع خواهد داد.

برلن

سیم مه ۱۹۳۱

سند شماره ۹۱/۲

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

سواد مراسله رئیس اداره شرق به سفارت ایران در برلن

آقای وزیر مختار

با مراجعه به مراسلات ۱۴ ماه جاری، نمره ۱۷/۱۹۴۱ و ۱۹ ماه جاری نمره ۱۹۶۳ راجع به جریده پیکار محترماً اطلاع می‌دهد که بر طبق اطلاع از وزارت عدلیه پروس، وزارتخانه مزبور به مدعی‌العموم کل در محکمه استیناف دستور داده است که به جریان امر حتی‌المقدور سرعت داده و دقت مخصوص در این باب مصروف دارد و نیز متوالیاً از جریان نتایج حاصله راپورت بدهد. مدعی‌العموم در محکمه عالی ولایتی ضمناً اوراق مطبوعه را که مورد ایراد است از طریق عدلیه امر به توقیف داده و عمل توقیف توسط اداره پلیس به جریان افتاده است. وزارت عدلیه متعاقباً اطلاعات دیگری خواهد داد.

احترامات فائقه را...^۲ گرویا

۱. برابر با: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۰.

۲. افتادگی مربوط به متن سند است.

سند شماره ۹۱/۳

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

ترجمه مراسله به رئیس اداره شرق وزارت امور خارجه آلمان

آقای دکتر گروبا

متعاقب مذاکراتی که شفاهاً با شما به عمل آمد اینک نیز زحمت افزا می‌شود که ورقه‌ای را که در تحت عنوان «پیکار» در برلن انتشار یافته و در موقع مذاکره به شما دادم نوبت دیگری مورد مطالعه دقیق اینجانب قرار گرفت، در منتهای ضرورت دیدم که مجدداً خاطر شما را متوجه بدارم که مندرجات ورقه مزبور که به کلی عاری از حقیقت و مزوج به منظورهای مغرضانه مخصوص می‌باشد کاملاً مخالف مصالح مملکت دوستدار است. به علاوه ورقه مزبور حاوی کلمات و عباراتی است که مطلقاً سوء ادب نسبت به مقامات عالیه مملکت ایران است. واضح است که انتشار این گونه اوراق در آلمان ممکن است در مملکت دوستدار موجب تأثیرات نامطلوبی بشود که بر خلاف آرزوی دوستدار و یقیناً منافی میل اولیای وزارت امور خارجه رایش خواهد بود. علیهذا یقین دارم که وزارت خارجه رایش تصدیق خواهد نمود که جلوگیری از هرگونه عواملی که بتواند مزاحم تقویت منظور صمیمانه طرفین بشود به نهایت لازم و به مورد است.

مندرجات خالی از حقیقت ورقه فوق‌الذکر معلوم نیست از طرف چه اشخاصی نوشته شده و نشان می‌دهد که مدیر مسئول آن به هیچ وجه اطلاعاتی از گزارش مملکت اینجانب نمی‌تواند داشته باشد و یقین دارم اگر مقامات مربوطه آلمان اجازه طبع و انتشار ورقه را به مدیر مزبور اعطاء کرده باشند برای نشر مطالبی بوده که مقرون به حقیقت و موجب تحیب بین آلمانی و ایرانی بتواند باشد و حال آن که متأسفانه ورقه مزبور سر تا پا حاوی مطالب خالی از حقیقت و عاری از ادب و نزاکت نسبت به مملکت دوستدار است.

چون می‌توان فرض کرد که مندرجات ورقه مزبوره از ناحیه عواملی باشد که با اراده خاصی و برای منظوره‌های شخصی خواسته باشد نسبت به مملکت دوستدار نیات سوئی اعمال نماید به این جهت از وزارت خارجه رایش خواهش می‌کنم در تعقیب و کشف متصدیان و نویسندگان آن ورقه اقدام سریع مبذول و نتیجه را به دوستدار اعلام فرمایند. احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

فرزین

سند شماره ۹۲

گزارش دکتر احمد متین دفتری در مورد مذاکراتش با مقامات وزارت امور خارجه آلمان راجع به نحوه محاکمه متصدیان روزنامه پیکار

سفارت شاهنشاهی ایران

در پاریس

اداره سرپرستی محصلین

نمره: ۹۶۹

تاریخ: ۲۱ اردی بهشت ۱۳۱۰

دوست محترم عزیزم در موضوع تعقیب ناشرین ورقه پیکار از آقای دکتر متین دفتری شرحی رسیده که سواد آن را برای استحضار خاطر مبارک تلوأ تقدیم و ضمناً معروض می‌دارد که مقتضی می‌باشد امر فرمایند حسن اقدامات ایشان را که در این قضیه مؤثر واقع شده تقدیر نمایند.

[امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضبط محرمانه.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۸

نمره اندیکاتور: ۳۷۱۵

سند شماره ۹۲/۱

مقام محترم سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

در موضوع^۱ تبلیغات مضره که مؤسسين ورقه پیکار در برلن بر علیه مصالح ایران می‌کنند لازمی‌داند نظر به تأکیدی که حضوراً در پاریس و در طی مرقومات اخیر فرموده‌اید نتیجه اقدامات خود را به عرض برسانم^۲، به طوری که سابقاً عرض کرده‌ام بیم آن می‌رود که این اشخاص محاکمه جزائی را استقبال کرده (چنانکه در یکی از شمارات پیکار هم صریحاً تهدید کرده‌اند) چه خود متهم و چه شهودی که او از بین رفقا و هم مسلک‌های خود اقامه می‌کند نطق‌های آتشینی بر علیه مقامات عالیه ایران ایراد کرده و نطق‌ها در جراید آلمان و سایر ممالک اروپا منتشر شده و نقض غرض بشود. یعنی هتاکیهایی که تاکنون به زبان فارسی می‌کردند و مردم اروپا از خواندن آن محروم هستند به زبان‌های خارجه منتشر شده افکار عمومی اروپا را مشوش کند. بعد از مشورت باجناب مستطاب اجل آقای فرزین وزیر مختار این طور مصلحت شد که بنده در این قسمت به اداره مربوطه وزارت خارجه برلن از نقطه نظر فنی یعنی قضایی مذاکره نموده مراتب را تذکر^۳ بدهم که چاره بشود بالاخره دیروز دکتر گروبا رئیس شعبه ممالک شرقیه را ملاقات کرده مذاکرات مفصلی به عمل آمد به ایشان گفتم اگر چه بنده نمایندگی سیاسی از طرف دولت ایران در اینجا ندارم ولی در موقعی که برای مطالعات قضایی به این شهر آمده‌ام اخلاقاً نمی‌توانم راحت بنشینم و حیثیات عالی‌ترین مقامات مملکتی من مورد توهین واقع شود و حمله کنندگان از جریانات قانونی سوء استفاده کرده بر جسارت خود بیفزایند از طرف دیگر اگر تدابیر مقتضی از حالا نشود حسن نیتی که اولیاء وزارت خارجه آلمان در این کار نشان داده‌اند عقیم خواهد ماند عاقبت در نتیجه مطالعاتی که در اطراف مواد قانون اصول محاکمات جزائی و اصول تشکیلات عدلیه آلمان کردیم بنده دو پیشنهاد نمودم اولاً به مدعی‌العموم دستور داده شود که سری بودن جلسه محاکمه را از محکمه تقاضا نماید ثانیاً نگذارند متهم برای اطاله محاکمه و رجز خوانی متوسل به اقامه شهود شود.

۱. در اصل: موضع.

۲. در اصل: می‌رسانم.

۳. در اصل: تذکره.

خوشبختانه در هر دو قسمت موافقت حاصل و قرار شد بوسیله وزارت عدلیه به مدعی العموم دستور صادر کنند که اولاً از نقطه نظر حفظ روابط خارجی دولت سری بودن جلسه محاکمه را بخواهد و از اشخاصی که در محاکمه سری شرکت دارند التزام در عدم انتشار مذاکرات بگیرند. ثانیاً رسیدگی محکمه را محدود به عنوان توهین به پادشاه ایران بکنند و وارد رسیدگی عناوین و موضوعات افترائیه نشوند که حاجتی به اقامه شهود باشد و بالتجیه نگذارند متهم برای هنگامه جویی شهود خود را به محکمه بیاورد.

دکتر گروبا اطلاع داد به قرار تلگرافی که از سفارت آلمان در تهران رسیده است ماده قانونی که اخیراً وزارت جلیله عدلیه مبنی بر تأمین معامله متقابله پیشنهاد کرده از تصویب مجلس گذشته است. مراتب را به وزارت عدلیه برلن ابلاغ خواهد کرد که با در نظر گرفتن دو مسئله فوق الذکر محاکمه را به جریان بیندازند و قضیه را با یک خشونت تعقیب کنند که برای آتیه مؤثر واقع شود والا اگر در طی محاکمه ارشاء عنان بشود و حضرات حس کنند که از محاکمه استفاده تبلیغاتی می کنند بیشتر پیرامون این عملیات خواهند گشت و فرضاً مؤسس فعلی پیکار حبس شود یک نفر دیگر از هم مسلکانش جای او را خواهد گرفت و ورقه دیگری انتشار خواهد داد. به طور خلاصه دکتر گروبا متعهد شد این نکات را کما هو حقه نصب العین مقامات صالحه بنماید. امضا، دکتر متین دفتری

سند شماره ۹۳

عدم توقیف رسمی انتشار روزنامه پیکار توسط دولت آلمان بدلیل موانع
قانونی ناشی از عمل متقابل ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اروپا - آمریکا

به تاریخ: ۳ خرداد ماه ۱۳۱۰

نمره: ۶۱۸

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

بر اثر تلگرافی که امروز از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن راجع به پیکار رسیده مراسله [ای] به
سفارت آلمان در تهران ارسال و اصلاح این اوضاع خواسته شد. اینک سواد تلگراف و سواد
مراسله مذکور برای استحضار خاطر مبارک لفاً ایفاد می‌شود. به سفارت برلن نیز دستور
تلگرافی داده شد که در همین زمینه در برلن اقدامات نمایند.

[امضا: محمدعلی فروغی]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضمیمه سابقه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۰۵۸

سند شماره ۹۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

سواد: تلگراف از برلن

مورخه: ۱۳۱۰/۲/۳۰ [۱۳]

مراحل مقدماتی محاکمه جزائی مدیر پیکار تعقیب می شود ولی حکومت با وجودی که مطبعه را تحت نظر و تضییقات قرار داده از توقیف رسمی طبع ورقه به واسطه موانع قانونی اظهار عجز می کند. ممکن است باز مخفیانه نمراتی طبع کنند. با این حال آیا می بایست فعلاً منتظر نتیجه محاکمه شوم یا لحن مذاکرات را شدیدتر کنم؟ منتظر تعلیمات است.

(فرزین)

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۶

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۵۸

سند شماره ۹۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

سواد: مراسله وزارت خارجه به وزیر مختار آلمان، مورخه: ۱۳۱۰/۳/۳

آقای وزیر مختار

خاطر شریف آن جناب از روزنامه [ای] که به زبان فارسی و به اسم پیکار در آلمان طبع می شود و تاکنون چهار نمره آن به طبع رسیده مستحضر می باشد. مندرجات روزنامه مزبور و تهمت هایی که نسبت به دولت ایران می زند و همچنین لحن توهین آمیزی که اتخاذ نموده به

خوبی مدلل می‌دارد که این انتشارات از کدام ناحیه می‌باشد. دولت متبوع دوستدار کمال میل را دارد که اوضاع مملکت ایران منصفانه و بی‌طرفانه مورد بحث جراید واقع گردد ولی به هیچ وجه مایل نیست که در مقابل این همه کوشش و فداکاری‌هایی که ملت و دولت ایران در این چند ساله اخیر برای تجدید حیات خود و تهیه وسایل به جهت اشتراک مساعی با ممالک دیگر نموده این طور مورد حمله مغرضانه بشود.

دولت ایران از حسن توجهی که اولیای دولت جمهوری آلمان و شخص آن جناب نسبت به این قضیه نشان داده‌اند کمال مسرت و امتنان را دارد لکن به قرار اطلاعاتی که به دوستدار می‌رسد در نتیجه عدم توقیف رسمی طبع این ورقه، نمره اخیری باز منتشر شد و ممکن است نمرات دیگری نیز طبع گردد. در بادی نظر محتمل است اشکالات قانونی برای اقدامات جدی دولت جمهوری آلمان به نظر برسد لکن با توجه به اینکه ناشرین روزنامه پیکار، مرکزی در مملکت آلمان بر علیه دولت ایران و سیاست داخلی او تشکیل داده‌اند البته این مسئله از صورت مسائل قضایی خارج و شکل دیگر هم به خود گرفته و شک نیست اولیای دولت آلمان راضی نخواهند شد که عناصر آشوب طلب خارجی خاک آلمان را مرکز تحریکات بر ضد دولت ایران قرار دهند.

با این مقدمات و نظر به احساسات صمیمانه [ای] که همواره بین مملکتین موجود است امیدوارم اولیای دولت متبوع آن جناب مسئله را مورد توجه خاص قرار داده به هر نحوی که مقتضی می‌دانند جلوگیری از این موضوع غیر مطلوب بفرمایند. موقع را برای تجدید احترامات مفتنم می‌شمارد.

محمدعلی فروغی

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۶

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۵۸

سند شماره ۹۴

ورود غافلگیرانه پلیس مخفی آلمان به منزل و چاپخانه دکتر ونر و ضبط بقایای
شماره ششم روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اروپا - آمریکا

به تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۹

نمره: ۶۴۷

ضمیمه: ۱

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

هفته قبل سواد مراسله [ای] که راجع به روزنامه پیکار به سفارت آلمان در تهران فرستاده شده
برای استحضار خاطر مبارک ارسال و معروض گردید که به سفارت شاهنشاهی مقیم برلن هم
دستور داده شده که در همین زمینه اقدام نمایند. امروز تلگراف دیگری از سفارت معزی الیها
در این باب رسیده سواد آن برای لحاظ مبارک لفاً ایفاد می شود.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضمیمه دوسیه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۰۵۹

سند شماره ۹۴/۱

[شیر و خورشید]
وزارت امور خارجه

سواد: تلگراف سفارت ایران در برلن، مورخه: ۱۳۱۰/۳/۹

امروز پانزده نفر پلیس مخفی غفلتاً خانه دکتر ونر ورات و مطبعه ریخته آنچه شماره ششم موجود ضبط، تعقیبات دیگر ادامه دارد. راپورت با پست.

فرزین

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

سند شماره ۹۵

موافقت مسئولین قضایی آلمان با کنترل انتشار روزنامه پیکار و عدم موافقت با اخراج مرتضی علوی از آلمان، به انضمام مندرجات روزنامه‌های آلمانی در این زمینه

[شیر و خورشید]
سفارت شاهنشاهی ایران
برلن

نمره: ۵۶

مورخه: ۱۴ ماه خرداد ۱۳۱۰

محرمان

ضمیمه: ۵ فقره اوراق

سواد است که به مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته تقدیم می‌شود

وزارت جلیله امور خارجه

این که باز در باب ورقه پیکار عرض راپورت می‌کنم به دلیل ضرورت است و امیدوارم تصدیق

نباشد. ادامه کار ما با وزارت امور خارجه اینجا به نحوه دلخواه می شود ولی اشکال عبارت از موانعی است که در عدلیه و وزارت داخله پروس و نظمیه برلن پیش می آید و آن هم به دلیل آن است که واقعاً تا حدی قوانین محلی جلوی دست و پای آنها را گرفته و گذشته از آن وزیر داخله پروس و رئیس کل پلیس برلن از حزب سوسیالیست هستند. تا آن اندازه که وزارت خارجه اینجا مایل است گذشتهایی که در طرز اعمال قوانین محلی می تواند بر وفق منظور ما باشد به کار نمی برند و وزارت امور خارجه هم ملاحظه و احتیاط می کند که بیش از این به آنها تکلیف مساعدت بنماید. مع هذا وقتی شماره [ای] را طبع کردند و در مذاکرات با رئیس اداره شرف قدری شدت کردم. مجلسی از اشخاص مربوط به این کار از وزارت عدلیه و اداره نظمیه و شخص مدعی العموم در وزارت خارجه منعقد و در دو جلسه متوالی مذاکره و مطلب را باز با قوانین تطبیق کردند و نتیجه این شد که صریحاً گفتند توقیف ورقه قبل از طبع امکان قانونی ندارد و همین بود که تلگرافاً به عرض رساندم. بنده قانع نشدم و تقاضا کردم مطبعه را به طور غیر مستقیم تحت نظر پلیس قرار دهند. عاقبت در این قسمت مساعدت کردند و شماره پنجم را جمع آوری و شماره ششم را هم تحت سانسور گذاشتند. باید تصدیق کرد که با وجود موانع قانونی اداره پلیس سیاسی فعالیت کرد و روز ۲۷ مه خانه دکتر ونر و مطبعه را تحت نظر قرار دادند و غفلتاً پانزده نفر پلیس به خانه دکتر ونر ریخته مقداری اوراق شماره ششم به دست آوردند و عده [ای] هم به مطبعه رفته مدیر مطبعه را به نظمیه بردند. این اقدام البته خیلی مؤثر بوده و از طرفی سر و صدای کمونیست ها و بعضی جراید آنها را بلند کرد. من جمله دو قطعه از آن جراید و ترجمه آنها را لفاً تقدیم داشتم که از نظر محترم بگذرد. در ضمن تعقیب مطبعه چی مطلب دیگری هم کشف کرده اند که آن انتشار یک روزنامه به زبان عربی و مربوط به ترکستان است و ما در آن ذی دخل نیستیم. دکتر ونر از این که پلیس به منزل او ریخته است فوق العاده متغیر شده و دست و پا می زند. پریروز از وزارت خارجه تقاضا کرده ام در محاکمه او اقدام کنند. جواب گفته محکمه مشغول تهیه مقدمات است. مدیر مطبعه در استنطاق گفته است که دکتر ونر مدیر ورقه قراردادی با او بسته است که در ماه دو نوبت و هر نوبت دو هزار نسخه از ورقه فارسی برای او چاپ کند و برای هر شماره سیصد مارک که در ماه ششصد مارک می شود اجرت دریافت کند و گفته است که فارسی نمی داند و با مندرجات ورقه کاری ندارد مزدور است و کاسبی می کند. از طرفی وادار کرده ام با مدیر مطبعه صحبت کنند که اگر ملتزم

شود دیگر این ورقه را چاپ نکنند در حدود ششصد مارک در ماه از سفارت و قونسولگری سفارشات طبع اوراق فارسی و لوازم دفتر و غیره به او خواهیم داد. قرار شده است روز سه شنبه نهم ژوئن^۱ به شانسلیری بیاید به توسط یکی از اعضای سفارت با او مذاکره کنیم شاید از این راه بتوان کاری پیش برد. حالا اگر بیاید و قبول بکند چطور بتوانم همه ماهه وفا به چنین قراردادی بکنم یا فرضاً هم بشود فردا باز در مطبعه دیگری ورقه [ای] به چاپ برسانند مطلبی است که بعد باید دید. علی‌العجاله چون پلیس و عدلیه صریحاً می‌گویند به موجب قانون نمی‌توانند قبل از طبع اقدامی در توقیف و سانسور بکنند ناچار باید از این قبیل راه‌ها هم پیمود ببینم به کجا می‌رسیم. مطلب قابل ملاحظه [ای] که مدیر مطبعه گفته است و بنده هم حدس و قیاسی بر آن داشتم شاید در راپورت‌ها هم عرض کرده باشم این است که گفته است هر نوبت دو هزار ورقه چاپ می‌کنیم. صد و پنجاه الی دویست ورقه آن را در اینجا نگاه می‌دارند و بقیه را می‌بندند و با وسایلی که من نمی‌توانم اطلاع داشته باشم به طرف ایران می‌فرستند. پریروز شنیدم علوی به لایپزیک^۲ رفته است. احتمال می‌دهم حالا که مطبعه برلن دچار تعقیب و مشکلات شده است در صدد شده باشند به مطبعه لایپزیک که آنجا هم حروف فارسی می‌توانند طبع کنند مراجعه کنند. قونسول لایپزیک را مستحضر داشته‌ام که مراقب باشد. می‌خواهم پس فردا خودم به لایپزیک بروم و دستور مفصل‌تری به قونسول بدهم. این است گزارش تا امروز که به عرض رساندم. هنوز دستور کتبی به بنده مرحمت نشده است. استدعای مخصوص می‌کنم بذل توجهی بفرمایید عجالتاً بیش از این تصدیع نمی‌دهم. [امضا: محمدعلی فرزین]

[افزوده متن اصلی:] در همین ساعت که مشغول عرض راپورت هستم دکتر گرویا رئیس اداره شرق از وزارت خارجه به بنده تلفن می‌کند که اداره کل پلیس خبر داده است که علوی را نظر به این که ظاهراً و قانوناً تقصیری بر او نمی‌توان ثابت کرد تبعید نخواهند کرد. جواب گفتم باشد فردا در این باب صحبت خواهم کرد. البته دست بردار نمی‌شوم. چقدر خوب است اشاره فرمایید از طرف سفارت آلمان در تهران در باب علوی مخصوصاً یک فشاری به وزارت

۱. در اصل: ژون.

۲. در اصل: لپزیک؛ اصلاح در همه موارد.

خارجه اینجا بیاورند. البته خیلی مؤثر خواهد بود.

[امضا: محمدعلی فرزین]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲

نمره اندیکاتور: ۱۲۱۹

سند شماره ۹۵/۱

مورخه: ۳۰ مه ۱۹۳۱

نمره: ۱۲۳

از: روزنامه B. Z. am Mittag

پلیس برلن به طرز ایرانی شکار می‌کند

سانسور روزنامه بدون حکم محکمه

یک اتومبیل^۲ به توسط یک اتومبیل دیگری که در آن مأمورین پلیس سیاسی نشسته‌اند تعاقب می‌شود در اتومبیل اولی کیست؟ صاحب یک مطبعه - یک مطبعه آشکاری که برای حکومت خطرناک است. او می‌بایستی اوراق مطبوعه یک روزنامه مطرود ایرانی را در اتومبیل خود داشته باشد. همین که اتومبیل در خیابان هامبورگ^۳ نمره ۴ Hamburger strasse می‌ایستد اتومبیل مأمورین تأمینات مطبعه‌چیان را که از کالسکه خود خارج می‌شوند به جلو رفته آنها را جلب می‌نمایند. اتومبیل را کاوش نموده می‌خواهند روزنامه‌ها را ضبط و توقیف نمایند. قضیه مربوط است به یک روزنامه ایرانی که مخالف و برعلیه پادشاه ایران می‌باشد و از طرف مهاجرین ایرانی اشاعه می‌یابد. روزنامه (مقدونیه) la macedoine و (کروات) la croatie هم از این قبیل جراید می‌باشند. اسم این روزنامه پیکار است که معنی آن جنگ است ولی آنچه در اتومبیل به دست آمد جراید مخالف دیگری

۲. در اصل: اتومبیل؛ اصلاح در همه موارد.

۱. برابر با: ۸ خرداد ۱۳۱۰.

۳. در اصل: هومبورگ.

بود که با چاپ عربی بود و اسم «یاش ترکستان» یعنی «زنده باد ترکستان» را داشت. تقریباً شش هفته است که انتشار روزنامه مزبور ایرانی که مدیرش دکتر «ونر» Dr. Wehner می‌باشد ممنوع گردیده و از مطبعه تقاضا می‌نمایند که دست از چاپ این روزنامه بردارد و یا این که قبل از طبع نسخه آن را تسلیم پلیس (I.A.) بنماید. چون مطبعه‌چی از قبول این تکلیف امتناع می‌نماید مخفیاً یک نفر عربی را که حروف‌چین چاپخانه است تهدید می‌کنند و خبر می‌دهند که او را از آلمان اخراج خواهند کرد و از او تقاضا می‌نمایند نسخه اصلی را که برای طبع می‌آورند قبل از طبع روزنامه محرمانه به اداره پلیس بدهد. عرب هم امتناع می‌ورزد تمام شش نمره روزنامه توقیف می‌شود چرا؟ برای آن که پادشاه ایران خواسته است و پلیس هم به ماده ۱۰۳ قانون مجازات متکی می‌شود. ماده مزبور می‌گوید: هرکس به رئیس یک مملکت و حکومت کننده دولت دیگری توهین نماید محکوم به یک هفته الی دو سال حبس خواهد شد مشروط بر این که آن حکومت همچنین معامله [ای] را نسبت به دولت آلمان تضمین و منظور کرده باشد. دکتر اپفل (Dr. apfel) که دفاع ایرانیان مهاجر را به عهده گرفته ثابت نموده است که این معامله متقابل در موقع توقیف اولین نمره روزنامه وجود نداشته و در یازدهم مه مخصوصاً پادشاه ایران این تتمه را نیز تکمیل و علاوه نموده تا بدین وسیله بتواند دهان مهاجرین برلن را بکوبد. خدمتگزاری پلیس جمهوری برلن به پادشاه دیکتاتور.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲

نمره اندیکاتور: ۱۲۱۹

سند شماره ۹۵/۲

ترجمه از: روزنامه montag morgen

مورخه: ۳۰ مارس ۱۹۳۱

نمره: ۱۳

سوء ادب به پادشاه ایران و عملیات پلیس^۲ برلن

برلن ۲۹ مارس - در روز ۲۰ مارس ۱۹۳۱ قسمت امور خارجی‌های پلیس کل برلن یک اقدامات قابل توجهی معمول داشته است. دوازده نفر مأمورین مخفی با تجربه از اداره پلیس، شعبه یک در حرکت بودند برای اینکه در محل‌های مختلفه مخفی برلن نسخ جریده ماهیانه [ای] را که مدت دو ماه است در برلن منتشر می‌شود و نام پیکار دارد توقیف نمایند. قسمت عمده این روزنامه را ایرانیان می‌نویسند و با «شکل حقیقی حکومت» حالیه ایران که عبارت از «دیکتاتوری» باشد مخالفت شدید می‌نمایند.

پیکار چه تقصیر کرده است که اداره پلیس (شعبه یک) بر ضد آن چنین عملیات فوق‌العاده [ای] به کار انداخته است؟ مطلب خیلی ساده است؛ توقیف پیکار با اتکاء به یک صورت ظاهر غلطی به موجب ماده ۹۴ و ۹۸ قانون مطبوعات با ارتباط به مواد ۱۰۳ و ۴۱ قانون جزای عدلیه صورت گرفته است. ماده ۱۰۳ قانون جزا چیزی نیست مگر مربوط به «توهین به سلطان و رؤسای ممالک خارجه» است که در موقع جمهوریت هم هنوز این ماده برقرار است.

چنانکه معلوم است ماده ۱۰۳ ظاهراً هنوز برای خودمان نیز برقرار است، با این که تصور می‌رود که ماده فوق در زمان جمهوری از برای ما دیگر مورد نداشته باشد مواد مزبوره در موقع توهین به رؤسای ممالک خارجی بدون تغییر باقی مانده است؛ تعقیب جزائی در هر صورت در موقعی می‌شود که از طرف حکومت خارج اقدام شده باشد و در آن صورت نیز وقتی که نسبت به رئیس جمهوری آلمان هم در مملکت خارج معامله متقابله بنمایند.

۱. برابر با: ۹ فروردین ۱۳۱۰.

۲. در اصل: پولیس.

در این مورد مراحل را که شاه ایران طی کرده است از قرار ذیل بوده است: سفارت ایران با وزارت امور خارجه داخل مذاکره شده و وزارت امور خارجه موضوع را به محکمه قضایی amtsgerichtmitte احواله داده است و محکمه مزبوره هم مأمورین پلیس را به توقیف روزنامه و تفتیش منازل مأمور نموده است. ضمناً محکمه برای «توهین به شاه ایران» و برای «اظهارات تحقیرآمیز» و «هتک احترامی» که نسبت به سلطان شرق شده اقدام به تعقیب نموده است. متأسفانه بایستی ما آلمانها مخارج این گونه شوخی‌های بی مورد را با مالیات خودمان بپردازیم زیرا که تنزل اسعار که در مدت حکومت رضاشاه لاینقطع به وقوع پیوسته است به شاه ایران تصور نمی‌رود اجازه دهد که مخارج فوق‌العاده اداره پلیس ما را بپردازد و خیلی مورد توجه است که بین تنزل تومان ایران و برقرار کردن نظام وظیفه و سفارشات کلی اسلحه به کارخانجات skoda در چک اسلوواکی و سفارشات کشتی‌های جنگی در ایتالیا یک ارتباطات مستقیمی وجود دارد. در هر حال ممکن است در موقع اجرای محاکمات جزائی خیلی مسائل تازه از ایران جدید مورد بحث واقع شود.

در ۲۰ مارس تصمیم توقیف روزنامه پیکار از طرف محکمه داده شد و تا روز ۲۳ مارس سه روز فاصله است - اما از طرف دیگر ۲۳ مارس نوروز ایرانیان است. در این روز تاریخی پذیرایی مشعشی در سفارت ایران به عمل آمد دو نفر عضو وزارت خارجه آلمان با رتبه مستشاری و یک نفر دیگر با رتبه نایب اولی وزارتخانه مزبور به وزیر مختار ایران جناب فرزین نتیجه عملیات اداره پلیس را که فی‌الواقع به جای تبریک عید نوروز بود اطلاع دادند. بین آلمانی‌هایی که در این پذیرایی آمده بودند خیلی از صاحب منصبان پلیس حضور داشتند و این حضور هم به منزله یک اطلاعی از توقیف روزنامه بوده است.

در عوض این اقدامات خوب آلمانی که برای تمایلات قلبی پادشاه مشرق می‌شود در موقع اجرای قانون انحصار تجارت ایران تسهیلاتی برای آلمان منظور نخواهد شد. موضوع را فقط اداره پلیس (شعبه یک) خیلی مهم فرض کرده است.

[امضا]

دکتر کارل wehner

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۹۶

مقاله روزنامه «برلینر تریبون» در اعتراض به اقدام غیرقانونی وزارتخانه‌های خارجه و عدلیه و پلیس آلمان در توقیف روزنامه پیکار

پلیس برلن در استخدام شاه ایران

اقداماتی که وزارت خارجه و محکمه «محلّه مرکز برلن» و پلیس اداره سیاسی بر حسب تقاضای سفارت ایران در برلن بر ضد جریده مهاجرین انقلابی ایران (پیکار) منتشره در برلن به عمل آورده و شماره اول آن به عنوان توهین به شاه ایران توقیف شده، دارد بیشتر به هیاهوی عمومی مبدل می‌شود. همان وزارت خارجه [ای] که سفیر مفتضح آلمان در پاریس Herrn. Von. Hoesch با وجود ایرادات جنایت‌بار که آشکار بر او وارد آورده‌اند و هنوز به هیچ وجه دفاع نشده است در شغل خود باقی می‌گذارد در موضوع پیکار در مقابل آقایان تیرگارتن اشتراسه (سفارت ایران) یک مهارتی در خدمتگزاری نشان می‌دهد که اگر آن را خوب و بدقت ملاحظه کنیم جز به بدترین نوع تملق و چاپلوسی به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد. این ابراز حق خدمت در مستخدمین جزء هم طوری سرایت کرده است که دکتر میتل باخ (dr. mittel bach) سر مدعی‌العموم محکمه Landgericht I. Berlin که در این واقعه تصدی دارد حکم توقیف را (که یقیناً به واسطه فشار قابل توجهی از طرف مقامات بالاتر مشارالیه است) قبل از تهیه رأی کتبی محکمه تلفناً به اداره سیاسی پلیس داده است. به قسمی که اعضای مجریه اداره پلیس مجبور شده‌اند کاملاً بر خلاف قانون بدون یک حکم کتبی اقدام به توقیف بنمایند. چیزی که مسلماً وزارت امور خارجه و اداره پلیس را در تأسف می‌گذارد این است که روزنامه پیکار را فقط موقعی می‌توانند توقیف کنند که انتشار یافته باشد و به این جهت همیشه تنها چهل الی پنجاه نسخه بدست می‌آورند بعد از آن که قسمت مهم آن قبلاً برای ایران ارسال شده است و جلوگیری از ترتیب هم برای آنها غیر ممکن است زیرا هر گونه سانسور قبل از انتشار مطبوعات مطابق قوانین مملکتی غیرقانونی است. اداره پلیس سیاسی به انواع دیگری تشبث می‌کند. اداره مزبور به توسط عمال خود به وسایل دور و نزدیک از مطبعه [ای] که جریده پیکار در آنجا طبع می‌شود خواسته است هر موقع که شماره جدیدی به

طبع می‌رسد اطلاع بدهند و قبل از آن که به خارج فرستاده شود یک نمره از آن را به اداره سیاسی مزبور ارسال دارد. برای این که به این ترتیب وسیله قانونی برای توقیف کلیه آنچه چاپ می‌شود داشته باشند با این که بطور غیر مستقیم از طرف وزارتخارجیه حتی به پرداخت یک وجهی هم برای جبران به مطبعه اشاره شده مع هذا مطبعه تمام تقاضاهای آنها را رد کرده است. این تعقیبات بوسیله اشخاص مختلف هم اتصالاً می‌شود و همین طور ادامه دارد و معلوم نیست که آنها برحسب سفارش وزارت خارجیه یا از طرف سفارت ایران مبادرت می‌نمایند. منظور اشخاص مزبور این است که از نمرات جراید توقیف شده از مطبعه بدست بیاورند تا مستمسک جزائی فراهم گردد و برای انجام تقاضا و مقصود خود مطبعه را در تحت فشار بیاورند. با این وضع محقق شده است که دوایر آلمانی به اسلوب تملق و چاپلوسی که با هیچ قانون اساسی موافقت نمی‌کند برای خاطر پادشاه خارجی احتراز نمی‌کنند از اینکه در مورد اتباع آلمان و مهمانهای خارجی که هیچگاه در سیاست امور داخلی آلمان مداخله نکرده‌اند رویه ناهنجاری اعمال کنند که معمول زمان قبل از جنگ و همیشه هم مورد ایراد بوده است.

روزنامه برلینر تریبون berliner tribun، نمره ۱۹، نهم مه ۱۹۳۱

ارنست کیزوتر

[حاشیه پایین، اول:] به عرض رسید، ضمیمه سابقه شود.

[حاشیه پایین، دوم:] ضمیمه فقط سه فقره اوراق بود که به ضبط وارد شد.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۲۱۹

سند شماره ۹۷

ترجمه سه فقره خبر از روزنامه‌های آلمان راجع به توقیف و محاکمه متصدیان
روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: اطلاعات و مطبوعات

ضمیمه: ۳

نمره: ۷۰۱

محرمانه

تاریخ: ۱۰/۳/۱۵

وزارت جلیله دربار پهلوی

ترجمه سه فقره خبر جرائد آلمانی راجع به محاکمه و توقیف روزنامه پیکار برای استحضار
خاطر مبارک تقدیم می‌گردد.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۵

نمره اندیکاتور: ۱۰۲۰

سند شماره ۹۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه از: Der montag morgen

مورخ: ۱۸ مه ۱۹۳۱

شاه توهین شده

چند هفته قبل در روزنامه M.M «دوشنبه صبح» از اقدام غریب نظمیه برلن بر له اعلی حضرت شاه ایران که مندرجات روزنامه پیکار را که از طرف ایرانیان ناراضی منتشر می شود توهین به خود می داند اطلاع دادیم. پس از آن که سه شماره مجله مزبور از طرف محکمه توقیف شد نمره چهار آن نیز به علت توهین به اعلی حضرت ایران توقیف گردید.

در شماره اخیر اتباع اعلی حضرت مقیم برلن به اعلی حضرت تهمت حرص و استبداد زده بودند جای تعجب است که یک قاضی جمهوری بر حسب تقاضای وزارت خارجه آلمان در تحکیم روابط بین آلمان و ایران تا حدی ساعی است که آزادی یک عده مهاجر را در اظهار عقائد خود سلب می نماید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۵

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۲۰

سند شماره ۹۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه از Die welt am montag مورخ ۱۸ مه ۱۹۳۱

سلطنت ایران متزلزل است؟

محکمه برلن بر له رضاشاه

الان به ما اطلاع رسید که محکمه برلن مجدداً مجله پیکار را که از طرف مخالفین حکومت منتشر می شود توقیف نموده. توقیف مجله مزبور به استناد ماده ۱۰۳ قانون مجازات است که شامل توهین به اعلی حضرت می باشد. این سومین حکم توقیف است که از طرف محکمه برلن در این باب صادر شده است. مجله پیکار تهمت زده است که اعلی حضرت رضا شاه حرص و ولع پول دارد.

اقدام محکمه در اثر تقاضای وزارت امور خارجه آلمان و یکی از اعضای سفارت ایران بوده است.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۵

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۲۰

سند شماره ۹۷/۳

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه از vassische Zeitung مورخ ۱۹ مه ۱۹۳۱

اعلی حضرت رضاشاه در برلن طرح دعوی می نماید
 بر حسب تقاضای سفارت ایران در برلن و به استناد ماده ۱۰۳ قانون اساسی بر علیه مجله
 پیکار که از طرف کمونیستهای ایران در برلن منتشر می شود و به اعلی حضرت رضاشاه سخت
 حمله نموده است طرح دعوی شد.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۵

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۲۰

سند شماره ۹۸

تلگراف رمز حاکم کرمان (رضا افشار) به وزارت دربار در مورد ورود
روزنامه پیکار به کرمان از طریق بوشهر، به انضمام مکاتبات صورت گرفته
جهت جلوگیری از توزیع روزنامه مذکور

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

سنه: ۱۳۱۰

نمره کتاب: ۲۳۷

از: کرمان، به: [تهران]، نمره قبض: ۲۲۰۸، نمره تلگراف: ۱۲۴، عدد کلمات: ۲۷، تاریخ اصل:
۱۱، تاریخ وصول: ۱۳۱۰/۳/۱۲

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی مخدع ص زق وخ ک ق زخ از طریق
ظ ص ط به کرمان می رسد قدغن نمایند. ده ع ظ ص ط مراقبت نمایند. نمره ۱۱۷۳ [رضا]
افشار

[مهر: تلگرافخانه مبارکه]

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی]

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۷

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۶۱

سند شماره ۹۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

کشف رمز کرمان

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی

روزنامه پیکار چاپ برلن از طریق بوشهر - کرمان می‌رسد. قدغن نمایند پستخانه بوشهر
مراقبت نمایند.

نمره ۱۱۷۳

[رضا] افشار

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به پستخانه تأکید شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۱۷

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۰۶۱

سند شماره ۹۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۳/۱۷

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۳/۱۷

محرمانه

نمره قبل: ۱۰۶۱/م

نمره کتاب: ۱۰۶۲/م

وزارت جلیله پست و تلگراف

از قرار راپورت تلگرافی ایالت کرمان روزنامه پیکار منطبقه برلن از طریق بوشهر به کرمان

فرستاده می‌شود. متمنی است به اداره پست بوشهر تأکید فرمایید که از توزیع اوراق مذکوره جلوگیری و لازمه مراقبت را در این خصوص به عمل آورد.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۹۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف

نمره ۲۱۴

[تاریخ: ۱۰/۳/۱۸]

وزارت جلیله دربار پهلوی

تعقیب مرقومه مطاعه نمره ۱۰۶۲ مورخه ۱۰/۳/۱۷ راجع به لزوم جلوگیری از توزیع و توقیف روزنامه پیکار منطبقه برلن خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد: که سابقاً در این باب دستور مؤکد به بوشهر داده شده بود به مجرد وصول روزنامه مزبوره تسلیم نظمیه بوشهر نمایند و تاکنون هم همین ترتیب اجرا شده است. مع‌هذا برای شماره ۵ که به کرمان رسیده امروز تلگرافاً از بوشهر توضیح خواسته شد جواب می‌دهد این شماره از دفتر بوشهر رد نشده ممکن است از دفتر عباسی در جزو بسته [ای] که به شکل غیر مطبوع بوده به کرمان رد شده باشد. به هر صورت از دفتر عباسی هم توضیح خواسته شده و به کرمان نیز تأکید شد کاملاً در بسته‌های ورودی خارجه دقت و تفتیش نمایند که از نظایر امر جلوگیری و چنانچه نمراتی برسد تسلیم نظمیه نمایند.

وزیر پست و تلگراف

[امضا: قاسم صوراسرافیل]

[حاشیه پایین:] ضبط محرمانه، ضمیمه سابقه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۲۴

نمره اندیکاتور: ۳۳۱۳

سند شماره ۹۹

اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از توزیع روزنامه پیکار در آذربایجان

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

ایالت آذربایجان

به تاریخ: ۱۵ خرداد سنه ۱۳۱۰

خصوصی و محرمانه

آقای معظم

هفته گذشته عریضه مفصلی عرض کرده‌ام البته تا حال حضور مبارک تقدیم شده و ملاحظه فرموده‌اید. حالا هم بر حسب ضرورت این مختصر را عرض کرده و امیدوارم وجود مبارک در کمال سلامت و صحت‌مندی باشد. دو روز قبل یکی از شماره‌های اخیر روزنامه پیکار که در برلن طبع می‌شود و البته خاطر محترم از سابقه آن بی اطلاع نیست به یک وسیله خصوصی و محرمانه بدست بنده افتاد که حقیقتاً از قرائت آن خیلی متأثر و عصبانی شدم و چون بوجود چنین روزنامه‌ای هیچ مطلع نبودم فوراً رئیس نظمیه را خواستم که اگر چنین اوراقی به اینجا رسیده است به وسایل سریع جمع‌آوری و از انتشار آن جلوگیری کند. رئیس نظمیه گفت

اخيراً چیزی نرسیده و انتشاری نیافته است فقط چند ماه قبل بعضی از شماره‌های آن رسیده بود و برحسب امر مرکز مقرر گردید که هر چه به وسیله پست برسد در پستخانه توقیف و جلوگیری شود و از همان وقت هم جلوگیری شده است. رئیس پست را هم خواستم و همین طور گفت و اطمینان داد که کاملاً مراقبت شده و می‌شود باز هم تأکید کردم که نهایت مراقبت را به عمل بیاورند.

اینک عین شماره مزبور را لفاً تقدیم کردم که ملاحظه فرمایید و مسلم است که این اوراق به ایادی غیر عادی و به وسیله همان عناصری می‌رسد که این تژّهات را به روزنامه دیکته می‌کنند. به رئیس نظمیّه سپردم که تفتیشات سری فوری به عمل آورده و اگر اوراق دیگری از این روزنامه پیش کسی باشد کشف نماید و اطلاع بدهد.

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید نویسنده روزنامه جسارت و بی‌شرمی را به منتها درجه رسانده است و بنده حقیقتاً شرم کردم از این که این شماره را به وسیله دفتر مخصوص شاهنشاهی به عرض برسانم و رواندیدم که خاطر خطیر مبارک ملوکانه را به قرائت این مزخرفات مشغول و متأثر سازم. حضرت اشرف عالی پس از ملاحظه اگر صلاح دانستید به عرض خواهید رسانید. البته نتیجه تفتیشات نظمیّه را ثانیاً به عرض خواهم رسانید.

تصدقت

[امضا: حسین سمیعی]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۲۱

نمره اندیکاتور: ۲۳۴

سند شماره ۱۰۰

کسب تکلیف وزارت امور خارجه از وزارت دربار در خصوص ارسال
یادداشتی به سفارت آلمان در تهران مبنی بر درخواست جلوگیری از انتشار
روزنامه پیکار در برلن

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اروپا [و] آمریکا

ضمیمه: سواد

محرمانه

فوری

به تاریخ: ۹ تیرماه ۱۳۱۰

نمره: ۱۱۹۲۵

۷۱۰۳۱۱

وزارت جلیله دربار پهلوی

در این هفته از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن راپورتی به وزارت امور خارجه رسیده و ب
ارسال نمرات ۵ و ۶ پیکار شرح اقداماتی که در آنجا به عمل آمده اظهار و کسب تکلیف در
اقدام نموده‌اند. برای این که نظریه وزارت امور خارجه معلوم بوده باشد شرحی در این باب
تهیه شده که به وزیر مختار آلمان در تهران نوشته و سواد آن برای اطلاع سفارت شاهنشاهی
در برلن فرستاده و دستور اقدام داده شود. اینک مسوده مراسله مزبور را برای لحاظ مبارک لفا
ایفاد می‌دارد تا در صورتی که نظر مخالفی نباشد به مقصد فرستاده شود. چنانچه دستور
خاصی هم برای برلن در این امر باشد مستدعی است وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایید
که در جواب راپورت سفارت فرستاده شود.

[امضا: محمدعلی فروغی]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] مراسله صحیح است ارسال دارند.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۲۸۹

سند شماره ۱۰۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اروپا و آمریکا

سواد است

آقای وزیر مختار

شاید به اطلاع خاطر شریف رسیده باشد که نمرات ۵ و ۶ پیکار نیز در برلن طبع و نشر گردیده و نسخ آن هم به تهران رسیده است. دوستدار نکاتی که در مراسله آن جناب مورخه ۳ ژوئن بدان اشاره شده به اطلاع مقامات مربوطه رسانیده و حسن توجه و اقدامی که از طرف دولت جمهوری آلمان و شخص آن جناب در این باب به عمل آمده مورد کمال تقدیر اولیای دولت شاهنشاهی می باشد. این که اشعار فرموده اند هیچ دولتی نمی تواند قبلاً طبع اوراقی را ممانعت نماید و فقط اقدامات دول در این مورد منحصر به تنبیه مقصر و جلوگیری از انتشار اوراق طبع شده می باشد لازمست خاطر شریف را مستحضر دارد که این مسئله اصولاً صحیح و محل تصدیق دوستدار است ولی با این مورد بخصوص تطبیق نمی کند. زیرا بطوری که در مراسله سابقه خود اظهار داشته ام پس از واضح شدن مبنای این کار مطلب از صورت مسائل قضایی خارج شده و شکل دیگری پیدا کرده است. دکتر ونر کمونیست که نه تبعه ایران بوده و نه رابطه با این مملکت دارد و خود را مدیر مسئول پیکار معرفی کرده شخصاً علاقمند به تنقید اوضاع ایران نمی باشد. وجوهی که برای طبع و نشر این ورقه مصرف می شود از کجا است؟ تمام این مسائل مدلل می کند که مملکت ایران به وسیله طبع این ورقه هدف یک سیاست و دسیسه خارجی گردیده، علیهذا چنین تصور می رود که روابط صمیمانه و دوستانه مملکتین و مصلحت عمومی این طور اقتضاء می کند که اولیای دولت متبوع آن جناب اجازه ندهند خاک دولت آلمان مرکز تحریکات خارجی بر ضد ملت و دولت ایران قرار داده بشود. خاصه این که مفاسد و مضرات این تحریکات تنها متوجه دولت ایران نیست و به خود دولت آلمان و همچنین سایر دول شاید بیشتر مؤثر خواهد بود. مسئله جلوگیری از انتشار هم که آن جناب در مراسله خود

بدان اشاره فرموده‌اند متأسفانه صورت عملی نگرفته و به طوری که جراید برلن می‌نویسند از دو هزار نسخه که در هر نوبت طبع می‌شود فقط شماره‌های معدودی ضبط و بقیه قبلاً با وسایل مخصوصه منتشر می‌گردد. بدون این که دوستدار بخواهد در باب خط مشی دولت جمهوری آلمان در این امر اظهار عقیده نماید خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که به نظر دوستدار در نظایر این موارد که حقیقت آن کاملاً مشهود است دول می‌توانند برای مصلحت مملکت و به نام سیاست و روابط خارجی خود اقداماتی را [که] مقتضی بدانند معمول دارند. بیش از این خاطر شریف آن جناب را زحمت افزا نگردیده امیدوارم این مسئله که حائز کمال اهمیت می‌باشد و به ملاحظات که فوقاً اظهار شد مورد توجه دقیق اولیای دولت جمهوری آلمان واقع گردیده اقداماتی را که برای قطع این ریشه فساد مقتضی می‌دانند مبذول فرمایند. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

[حاشیه پایین:] جناب کنت شولنبورگ وزیر مختار دولت جمهوری آلمان

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۱۶

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۲۸۹

سند شماره ۱۰۰/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۱۲۸۹/م

محرمانه

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۴/۱۶

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۴/۱۶

وزارت جلیله امور خارجه

با استحضار از مضمون مراسله نمره ۱۱۹۲۵ [مورخ] ۹ تیر ۱۳۱۰ [۱۳] و مسوده شرحی که

راجع به روزنامه پیکار به عنوان وزیر مختار آلمان در تهران تهیه فرموده‌اند زحمت می‌دهند که مراسله مزبوره صحیح است قدغن فرمایید ارسال دارند.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۰۱

گزارش سفارت ایران در مسکو در خصوص اظهارات کاراخان مبنی بر عدم ارتباط بین سفارت شوروی در برلن و متصدیان روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مسکو

نمره: ۱۱۱۲

تاریخ: ۱۲ خرداد ۱۳۱۰

وزارت جلیله دربار پهلوی

تلگراف مبارک نمره... زیارت گردید. در موقع ملاقات با کاراخان^۲ موضوع پیکار را به طور مقتضی گوشزد کردم و گفتم حقیقتاً رفتار بعضی از این اشخاص که خود را به شما پسته‌اند کودکانه و برای خود شما هم مضر است. چنان که مدیر مسئول روزنامه پیکار یک نفر کمونیست آلمانی است که با سفارت شوروی در برلن مربوط است. این شخص دو سه نفر ایرانی بی‌سر و پا را دور خود جمع کرده و آنها در مقابل منفعت، اوراق پیکار را که اتصالاً بر علیه ذات مقدس اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه روحانفاده و دولت ایران مقاله‌پرانی

۲. در اصل: قره‌خان.

۱. در اصل: ۱۳۰۹.

می‌کنند نشر می‌دهند. البته بدانید این قبیل نشریات هیچ گونه اهمیتی در ایران نمی‌تواند داشته باشد جز این که اسباب دلتنگی فراهم بیاورد و بهتر اینست که از این قبیل نشریات جلوگیری بشود. جواب داد اولاً من از وجود چنین روزنامه [ای] بی اطلاع و ثانیاً به طور قطع می‌توانم به شما بگویم نویسندگان این روزنامه هیچگونه رابطه [ای] با ما و سفارت شوروی در برلن ندارند. در تمام عالم روزنامه کمونیست به هر زبان نشر می‌شود. اگر بنا باشد که دول آنها برای جلوگیری در نزد ما اقدام کنند وضعیت مشکلی برای ما تولید خواهد شد و از این که فکر شده که ممکن است ما در نشر یک چنین روزنامه [ای] که بر ضد ایران مقاله می‌نویسد شرکت داشته باشیم پروتست می‌کنم.

[امضا: فتح‌الله پاکروان]

[حاشیه پایین:] ضبط محرمانه، به عرض رسید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۳۰

نمره اندیکاتور: ۱۱۸۸

سند شماره ۱۰۲

مذاکرات به عمل آمده با کاراخان راجع به ارتباط کمونیست‌های ایرانی مقیم مسکو با متصدیان روزنامه پیکار، به انضمام یادداشت سفارت ایران در مسکو به وزارت امور خارجه شوروی در این زمینه

مورخه: ۸ تیر ۱۳۱۰

نمره: ۱۶۹۶

محرمانه است

[شیر و خورشید]

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مسکو

وزارت جلیله دربار پهلوی

در ضمن راپورتی که در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۱۰ ذیل نمره ۱۶۷۶ به وزارت جلیله امور خارجه عرض شده و سواد آن از لحاظ مبارک گذشته است اشعار شده بود در مذاکراتی که در چهارم تیرماه ۱۳۱۰ با کاراخان به عمل آمد مشارالیه اشاره به روزنامه پیکار نموده و بنده جواباً خاطر نشان کردم که مقالات روزنامه مزبور را در مسکو کمونیست‌های ایرانی از قبیل ذره و لاهوتی تهیه کرده و می‌فرستند و چون کاراخان تقاضا نموده بود که یک شماره از روزنامه پیکار را برای او بفرستم امروز در ضمن شرح خصوصی که به مشارالیه نوشتم اشعار داشتم با این که دولت ایران از هرگونه اقدامات ضد شوروی که ممکن است مهاجرین سفید در ایران بنمایند جلوگیری کرده و می‌کند البته انتظار ندارد در مملکت شوروی این قبیل مزخرفات را تهیه و به برلن بفرستند و یک نسخه روزنامه پیکار را ارسال داشتم. سواد شرح مزبور لفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد و البته از نتیجه اقدامات خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت.

[امضا: فتح‌الله پاکروان]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] جواب بدهید که مطابق اطلاعاتاصله نه تنها از طرف مأمورین شوروی جلوگیری از پیکار نمی‌شود و بر عکس در قفقاز و ترکستان در تمام مهمان‌خانه‌ها در روی هر میزی یک نمره پیکار گذاشته شده است. البته این رویه دیگر خیلی حاکی از مساعدت دولت شوروی با پیکار است و لازم است که تذکرات لازم را بدهید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲۰

نمره اندیکاتور: ۱۳۳۰

سند شماره ۱۰۲/۱

لومیخایلوویچ عزیزم

عظفاً به مذاکراتی که در روز ۲۶ ژوئن با شما نمودم و بر حسب تقاضای شما اینک یک نسخه از نمره آخر روزنامه پیکار را لفاً ارسال می‌دارم. به طوری که ضمن مذاکرات به شما اظهار داشتم و بر طبق اطلاعات قطعی که در دست دارم اکثر مقالات روزنامه مزبور را اشخاصی مثل ذره و لاهوتی و دیگران در مسکو انشاء نموده و به برلن می‌فرستند.

دولت ایران که نهایت جدیت را برای جلوگیری از اقدامات ضد شوروی مهاجرین سفید در حدود ایران به عمل آورده و می‌آورد انتظار دارد که در اتحاد جماهیر شوروی که دولت دوست و همجوار ایران است از این گونه عملیات خصمانه که بر علیه رژیم ایران است جلوگیری خواهد شد من اطمینان کامل دارم که شما از تشبث به اقدامات مقتضیه برای جلوگیری عملیات ضد ایرانی این اشخاص مضایقه نخواهید فرمود. موقع را مغتنم شمرده خواهشمندم احترامات فائقه‌ام را بپذیرید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲۰

نمره اندیکاتور: ضمیمه ۱۳۳۰م

سند شماره ۱۰۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۴/۲۰

نمره کتاب: ۱۳۳۰/م

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۴/۲۰

محرم‌انه به پاکروان

دوست عزیزم

مراسله نمره ۱۶۹۶ [مورخ] ۱۸ تیرماه ۱۳۱۰ [۱۳] محتوی سواد شرحی که به کارخان راجع به روزنامه پیکار مرقوم فرموده‌اید واصل و لزوماً زحمت می‌دهد که مطابق اطلاعات واصله نه تنها از طرف اولیاء دولت شوروی در جلوگیری از پیکار اقدامی نمی‌شود بلکه بر عکس در قفقاز و ترکستان در تمام مهمان‌خانه‌ها در روی هر میزی یک فقره از روزنامه مذکور در دسترس مردم گذارده‌اند. البته این رویه به خوبی از مساعدت دولت شوروی نسبت به روزنامه پیکار حکایت می‌نماید. بدیهی است در این فقره نیز تذکرات لازمه را به اولیاء دولت شوروی خواهید داد.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۰۳

مذاکرات به عمل آمده با مستشار سفارت شوروی در تهران در خصوص لزوم
جلوگیری از توزیع روزنامه‌های مخالف دو کشور در روزنامه فروشی‌ها

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

[تاریخ: ۱۷ تیرماه ۱۳۱۰]

راپورت

دیروز مستشار سفارت کبرای شوروی اظهار داشت اخیراً ژنرال قونسولگری ایران در بادکوبه
شرحی به نمایندگی خارجه نوشته و شکایت کرده است که روزنامه فروش‌های بادکوبه علناً
روزنامه پیکار را می‌فروشند. ما البته معتقدیم که باید اقدام در رفع این ترتیب بشود ولی تقاضا
و انتظار داریم که از طرف دولت ایران هم اقدام شود. روزنامه‌دانشناکها که علناً در تبریز بر
علیه حکومت شوروی تبلیغات می‌کنند موقوف شود و از اوراقی که از بین النهرین و غیره به
ایران فرستاده می‌شود جلوگیری گردد.

گفتم که نمی‌دانم چه روزنامه [ای] از طرف دانشناکها در تبریز منتشر می‌گردد ولی آیا
روزنامه پیکار را هیچ خوانده‌اند تا به شما معلوم شود چه اراجیفی را منتشر می‌کند و چه
اقدامات و اخبار بی‌سروته را وسیله حمله به ایران قرار داده. به عقیده من هر کس که مختصر
اطلاعی از اوضاع ایران داشته باشد یک شماره از این روزنامه را قرائت کند کافی است که
دیگر توجهی به آن روزنامه نکند زیرا سراپا چهارکلمه حسابی و صحیح ندارد.

اما این که اظهار داشتید ژنرال قونسول بادکوبه اقدام در عدم انتشار و فروش آن نموده آن
چه من اطلاع دارم این اقدام و مذاکره در عشق آباد به عمل آمده. به هر حال در هر جا شده
باشد باید تصدیق نمایم که مأمور ما حق داشته است چنین تقاضایی را بکند. شما می‌گویید
اوراقی از بین النهرین و غیره به ایران فرستاده می‌شود. در صورت صحت این قضیه اوراق

مزبور تصور نمی‌کنم تا حال در ایران در دست روزنامه فروش‌ها علنی فروخته شده باشد. البته در هر مملکتی مخالفین شما اوراقی ممکن است منتشر کنند ولی آیا این قضیه می‌تواند دلیل آن باشد که در خاک شوروی شما دستور دهید در معبر عمومی و علناً روزنامه پیکار خرید و فروش شود. اگر از انتشار روزنامه‌ها شناکها که من نمی‌دانم واقعاً در آن چه چیزهایی نوشته می‌شود دلتنگی دارید چرا وقتی ما از ستاره سرخ می‌گوییم ابدأ توجهی نمی‌کنید و به علاوه واقعاً روزنامه‌ها شناکها چه نوشته خوبست قدری از مطالب آن را بگویید. جواب داد من هم شنیده‌ام که چنین روزنامه‌ای [در تبریز منتشر می‌شود ولی حقیقتش آن است که از جزئیات قضیه اطلاعی ندارم مراجعه کرده و تحقیقات خواهم نمود. به هر حال چون ما می‌خواهیم از دو طرف این ترتیب موقوف شود انتظار داریم شما هم اقداماتی در این باب بنمایید. گفتم مراتب را به عرض اولیای امور خواهیم رساند ولی تصدیق می‌فرمایید این عملیات مأمورین شوروی به تحسین روابط که شما همیشه در مذاکرات به آن اشاره می‌نمایید کمک نخواهد کرد و ما حق داریم دلتنگ باشیم.

از مذاکرات فوق معلوم می‌شود که حضرات برای این که ما را مجبور به جلوگیری از انتشارات ضد ساوتی در ایران کرده باشند اقدام به این عملیات نموده‌اند و می‌خواهند از موقع استفاده کنند. به عقیده بنده در صورتی که حاضر باشند صمیمانه انتشار مجله ستاره سرخ و پیکار را توقیف کنند از انتشار روزنامه شناک و غیره که قارئین آن فقط یک مشت ارامنه و مندرجات آن ابدأ تأثیری در افکار فارسی زبانان ندارد جلوگیری شود مصلحت است. منوط به نظریه مبارک است.

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا:] به عرض رسید، ضمیمه سابقه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲۱

نمره اندیکاتور: ۱۳۵۸

سند شماره ۱۰۴

مذاکرات به عمل آمده بین فتح‌الله پاکروان و کاراخان در مورد لزوم جلوگیری
از توزیع روزنامه پیکار در شوروی

[شیر و خورشید]

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مسکو

مورخه: ۱۳ مرداد ۱۳۱۰

نمره: ۲۴۶۵

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

در تعقیب معروضه ۳۱ تیرماه نمره ۱۳۴۵ به استحضار خاطر مبارک می‌رساند در ملاقاتی که در نهم امرداد با کاراخان به عمل آمد در باب پیکار و سایر نشریات ضد ایران که تفصیل آنها در ضمن معروضه ۱۴ تیرماه ۱۳۱۰ نمره ۱۸۱۴ به عرض رسیده مفصلاً مذاکره شد. در ابتدا اظهارات کاراخان را می‌توان به طریق ذیل خلاصه نمود: روزنامه پیکار در برلن طبع و نشر می‌شود و به ما مربوط نیست. رساله‌هایی هم که در روسیه طبع می‌شود و شما یک نسخه از هر کدام را برای من فرستاده بودید به زبان روسی نوشته و خوانندگان آنها عدهٔ قلیلی هستند و برای شما هیچ نوع اهمیتی ندارد. در خاک شوروی بر ضد سایر ممالک مثل فرانسه و انگلیس نشریات به مراتب بیشتر است و هرگز نمایندگان آن دول در جلوگیری از آنها هیچ نوع توقعی از ما نکرده‌اند. من هیچ انتظار نداشتم شما در این باب با من مکاتبه نمایید و من مخصوصاً کتباً جواب ندادم که کار به مشاجره قلمی نکشد. گفتم اولاً به طوری که کراراً به شما خاطر نشان کردم روزنامه پیکار اگر در برلن طبع و نشر می‌شود مقالات آن را در اینجا تهیه کرده و می‌فرستند. به علاوه چگونه می‌توان تصور کرد گیشه‌های روزنامه فروشی که در خاک

شوروی در تحت کنترل دولت است روزنامه مزبور را مخصوصاً در نقاط سرحدی ایران بدون اجازه به فروش برسانند. ثانیاً رساله‌هایی که می‌گویید به زبان روسی چاپ می‌شود و دارای هیچ گونه اهمیتی نیست من هم تصدیق دارم که برای ما هیچ گونه اهمیتی ندارد ولی چگونه در این مملکت که بدون اجازه دولت کسی اجازه کوچکترین اقدام را ندارد اجازه داده می‌شود که بر علیه یک دولت دوست شوروی این قبیل مزخرفات طبع و نشر شده اذهان همان عده قلیلی را هم که آن را می‌خوانند مشوب نمایند. ثالثاً شما صحبت از رساله‌های منتشره بر علیه سایر ممالک را کردید ولی آیا فراموش نموده‌اید که در ممالک مزبوره هم چقدر جراید و رساله‌ها حتی به زبان روسی بر علیه رژیم مملکت شوروی طبع و نشر می‌شود. آیا این رفتار با رفتاری که دولت ایران می‌کند و به طوری که می‌دانید سابقاً کلوپ روس‌های سفید در ایران بسته و حتی به آنها بدون اجازه حق ورود به خاک ایران را نمی‌دهد و اخیراً نیز آنها را از نقاط سر حدی دور کرده قابل مقایسه نیست. کاراخان باز اظهارات سابقه را که مساواتیست‌ها و روس‌های سفید در آذربایجان و نقاط سرحدی بر علیه ما اقدام می‌کنند تجدید کرد و گفت روزنامه‌های ایران هم به ما حمله می‌نمایند. گفتم روزنامه‌های ایران اگر بعضی اوقات چیزی می‌نویسند بر علیه رژیم شوروی چیزی ننوشته و هرگز به زمامداران مملکت شما حمله نمی‌نمایند. مذاکرات در این زمینه‌ها خیلی زیاد شد بالاخره گفتم می‌دانید که من فوق‌العاده علاقه‌مند به استحکام دوستی ایران و شوروی هستم و تمام مساعی خود را هم در این زمینه صرف می‌نمایم. می‌خواهم با آن صراحت لهجه که دارم نه مثل نماینده ایران بلکه مثل یک دوست شما چند مسئله را به شما آشکارا بگویم: شما خواه قبول بکنید خواه نکنید اولاً باید کاملاً بدانید که این قبیل نشریات و اقدامات به هیچ وجه نتیجه ندارد. در ایران موضوع کمونیست و غیره شعر است. تمام ملت ایران و عناصر صالحه در دور اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه جمعند و شخص ذات مقدس ملوکانه هم که من از خیلی نزدیک افتخار خدمتگزاری به ایشان را داشته‌ام نظر به این که فقط مصالح مملکت ایران را در نظر دارند همیشه طرفدار دوستی با دولت شوروی بوده و هستند و من نمی‌فهمم چگونه شما از نقطه نظر منافع خودتان هم باشد به این قبیل مزخرفات اهمیت داده و قلوب تمام عناصر صالحه ایران را از خودتان آزرده می‌نمایید و علاوه کردم اگر حقیقتاً می‌خواهید با ما دوست باشید و دوستی ایران را جلب نمایید باید از این قبیل امور جلوگیری کرده و بی جهت تولید

آزردگی ننماید. کاراخان گفت من خیلی خوشوقت و متشکرم که با این صراحت با من حرف زدید و من نمی‌توانم پاره [ای] حقایق را که اظهار داشتید تصدیق نکنم ولی رژیم ما طوری است که در بعضی مواقع جلوگیری از پاره [ای] امور مشکل است. من به شما قول می‌دهم که هر قدر از دست من بریاید اقدام نمایم. امیدوارم این مذاکرات بلا نتیجه نمانده باشد.

[امضا: فتح‌الله پاکروان]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضمیمه دوسیه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲۸

نمره اندیکاتور: ۱۵۵۴

سند شماره ۱۰۵

ارسال روزنامه پیکار به زبان فارسی و آلمانی برای مدیر روزنامه تبریز

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره سیاسی

نمره: ۱۷۵۷

به تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۱۷

محرمانه

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

طبق راپورت نظمیه تبریز اخیراً شماره ۸ روزنامه پیکار منطبقه آلمان به زبان فارسی و آلمانی

به عنوان مدیر جریده تبریز در پاکت سر بسته رسیده بود که از اداره محترم لشکر شمال غرب به نظمیه ارسال می‌دارند و رئیس پست و تلگراف ایالتی متعذر است چون از مرکز برای کنترل^۱ و پاکات پستی خارجه دستوری نرسیده و پاکت مزبور سر بسته بوده بدین جهت به صاحبش رد شده. گرچه ممکن است روزنامه مذکور از لحاظ مبارک گذشته باشد ولی چون نرسیده بود لذا تقدیم گردید. ضمناً نظمیه تبریز تقاضا کرده برای جلوگیری از نشر این گونه اوراق پاکات پستی خارجه قبل از توزیع در پستخانه با حضور مأمور مخصوص نظمیه کنترل و سپس توزیع گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ [محمدحسین] آیرم

[امضا]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] با آقای وزیر پست مذاکره شود.

[حاشیه پایین، اول:] ضبط.

[حاشیه پایین، دوم:] ضمیمه جریده پیکار نبود که به ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲۸

نمره اندیکاتور: ۱۵۵۵

۱. در اصل: کنترل؛ اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۱۰۶

پیداشدن هشت نسخه از روزنامه پیکار در کیسه‌های پستی ارسالی از برلن

[شیر و خورشید]
وزارت پست و تلگراف

[تاریخ: ۱۰/۵/۱۹]

[نمره: ۳۵۱]

محرمانه

وزارت جلیه دریار پهلوی

استحضاراً معروض می‌دارد که از قرار راپورت اداره ایالتی پست تهران جوف مرسولات کیسه‌های پستی نمره ۲۱۳، مورخه اول ماه اوت ۱۹۳۱ ارسالی از برلن که در پستخانه باز و تفتیش شده هشت نسخه به شماره ۱۰ پیکار که در پاکت جای داده شده کشف و تسلیم اداره سیاسی نظمیه گردیده است. متمنی است در صورت مقتضی به شرف عرض خاک‌پای مهر اعتلای مقدس بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه برسانند.

وزیر پست و تلگراف

[امضا: قاسم صور اسرافیل]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضبط شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دریار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲۸

نمره اندیکاتور: ۱۵۵۶

سند شماره ۱۰۷

ارتباط محمد حسن میرزا (ولیعهد احمد شاه قاجار) با متصدیان روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

(دفتر مخصوص شاهنشاهی)

مورخه: ۱۳۱۰/۶/۱۰ [۱۳]

نمره: ۱۰۳۰

از: مسکو

حضرت اشرف تیمورتاش

به طور محرمانه اطلاع پیدا کردم محمد حسن میرزا با پیکاری‌ها رابطه پیدا کرده و گویا وجهی هم برای روزنامه مزبور فرستاده است. نمره ۲۸۵۷

پاک روان

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۶/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۷۰۴

سند شماره ۱۰۸

ترجمه مقالات روزنامه‌های برلین ام مورگن و برلینر تاگبلات در مورد جریان
محاکمه مدیر روزنامه برلین ام مورگن و متصدیان روزنامه پیکار به دلیل
توهین به شاه ایران

[شیر و خورشید]
وزارت امور خارجه

اداره: اروپا و آمریکا
نمره: ۴۱۰۹۷
تاریخ: چهاردهم اسفند ۱۳۱۰

وزارت جلیله دربار پهلوی

روزنامه برلین ام مورگن و همچنین جریده برلینر تاگبلات شرحی راجع به محاکمه اشخاصی
که به جرم انتشارات بر علیه ایران تعقیب جزائی شده‌اند انتشار داده‌اند که ترجمه آنها لفاً تقدیم
می‌شود. به طوری که در ترجمه‌های ملفوف از لحاظ مبارک می‌گذرد جریده برلین ام مورگن
اظهار می‌کند که محکمه بدوی تقاضای مدعی‌العموم را رد نموده و جریده برلینر تاگبلات خبر
فسخ رأی بدوی را به وسیله محکمه استیناف و شروع رسیدگی استینافی را انتشار داده. پس از
وصول راپورت این امر از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن مجدداً راپورت را به استحضار خاطر
مبارک خواهد رسانید. در اینجا هم مذاکرات لازمه با وزیر مختار آلمان برای تأیید اقدامات
برلن به عمل خواهد آمد.

[امضا: محمدعلی فروغی]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، در ضبط محرمانه ضمیمه سابقه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۱۸

نمره اندیکاتور: ۶۰۲۱

سند شماره ۱۰۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه از: Berlin am morgen

ورخه: ۱۸ فوریه ۱۹۳۲

ز اول تا آخر خنده

از بین رفتن محاکمه توهین به اعلی حضرت

رأی محکمه که تا تهران صدای آن می پیچد

عقوب جزائی مدیر مسئول ما سارتین دوشینسکی به علت توهین به شاه ایران - ما علی حضرت را دیکتاتور شرقی نامیده بودیم - شروع شوخی بود و عاقبتش هم به مزاح تمام شد و معلوم می شود که در آلمان هم قضاتی پیدا می شود که دارای قریحه هستند. یکی از قضات به طور تحقیق رئیس محکمه «steinhaus» می باشد که در ۶ فوریه ۱۹۳۲ ادعای نامہ بدعی العموم را مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۳۱ به علت مرور زمان رد کرده است.

با این وصف افتخار این را که علناً از خود دفاع نماییم نخواهیم داشت. محاکمه توهین به علی حضرت از بین رفت و تمام مخارجی را که وزارت امور خارجه متحمل شده است برای آن که با تعظیم و تکریم مورد توجه اعلی حضرت واقع شود به هدر رفت.

چنانچه استدلال رأی محکمه خوانده شود آدم ناخوش از خنده سالم می شود. طوری با زبان خشک قضایی این تقاضای تعقیب مورد استهزاء واقع گردیده که مأمورینی که در این پرده مضحک شرکت داشته اند باید از خجالت آب شوند. (رئیس نظمیہ برلن کرسینسکی نیز از آن جمله محسوب می شود. بر خلاف steinhaus رئیس محکمه برای آن که رئیس نظمیہ امر وزارت خارجه را گوش کرد و محصل ایرانی علوی را با نقض حق ملجا و مأوی تبعید نمود).

بدواً محکمه استدلال می‌کند که موضوع مشمول مرور زمان است زیرا کلیه اقدامات قضایی که در این ضمن به عمل آمده است به قسمی که مقررات قانون مرور زمان مقرر می‌دارد بر علیه متهم نبوده و علاوه بر آن به جای آن که مدارک کافی برای جزائی بودن موضوع قبلاً اقامه شده باشد فی‌المجلس مدارک مزبور را اظهار داشته‌اند. بعد از حمله به مدعی‌العموم که محکمه اقدامات مشارالیه را مشمول قانون مرور زمان دانست وارد ماهیت قضیه گردید. در رأی مذکور است که باید متوجه سایر مواردی که از شروط مهم جزائی بودن موضوع است گردیده و راجع به آنها اظهار نظر نمود.

رئیس‌جمهور رئیس مملکت نیست

محکمه تردید دارد که ماده ۱۰۳ قانون مجازات که توهین به رؤسای ممالک خارجی را قابل مجازات می‌داند در مملکت جمهوری نیز لازم‌الرعايه باشد. محکمه سؤال نمود که آیا می‌توان اصولاً برای رئیس‌جمهوری آلمان در موقع توهین به اعلی‌حضرت معامله متقابل را تضمن نمود. گرچه از لحاظ حقوق بین‌المللی رئیس‌جمهور مقام رئیس مملکت را دارا است ولی مسلماً همان مقام قیصر سابق آلمان را ندارد.

معامله متقابل که در ماده ۱۰۳ پیش‌بینی شده است منظور از مقام رئیس‌جمهور از لحاظ حقوق بین‌المللی نیست بلکه از جهت مقامی است که در داخل مملکت دارد. قانون آلمان مصونیت مخصوصی را برای رئیس‌جمهوری پیش‌بینی نمی‌نماید. در فرض این که قبول نماییم که این ماده هنوز به قوه خود باقی است در آن صورت در آلمان سلطان خارجه بیشتر مصونیت دارد تا رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهور در ایران بیشتر مصون است تا در آلمان.

محکمه در ملفی ساختن ماده بی‌معنی ۱۰۳ دقیقتر گردیده و استدلال نمود که حتی قیصر آلمان هم رئیس مملکت نبوده است. برای این که قیصر رئیس اتحادیه کنت‌های آلمان بوده و بر طبق قانون قدیم یعنی در زمان حکومت سلطنتی هم در صورتی که تنها توهین به قیصر قابل مجازات بود و نه توهین به پادشاه پروس باز هم معامله متقابل تضمین نمی‌گردید و این موضوع به هیچ وجه به نظر محکمه بعید نمی‌آید زیرا قیصر از لحاظ حقوق اساسی *president* بوده است و ماده ۱۰۳ به هیچ وجه نمی‌خواهد پرزیدنت را حفظ نماید و قیصر فقط به مناسبت پادشاه پروس بودن رئیس مملکت شناخته می‌شد و رئیس‌جمهور نه از لحاظ حقوق

بین المللی و نه از جهت حقوق اساسی نمی تواند جانشین پادشاه پروس باشد و در واقع هم این دو موضوع مستبعد نیست بلکه غریب این است که محکمه با طرز واضح باید به مدعی العموم مملکت آزاد پروس بفهماند که آلمان مملکت جمهوری است و در آن نمی توان مدیر روزنامه را چون به شاه ایران توهین کرده است تعقیب نمود مگر آن که خود را مورد مسخره و استهزا قرار دهد^۱.

هندنبورگ سلطان نیست

رئیس محکمه وقتی می خواهد چوب کاری کند درست از عهده این اقدام بر می آید و وارد تحقیقات لغوی وزارت امور خارجه می شود. محکمه سؤال می کند سلطان یعنی چه؟ جواب: ظاهراً می توان حدس زد که سلطان مترادف است با رئیس مملکت. آیا می توان یک تفسیر موثق بی طرفی از کلمه سلطان نشان داد که شامل هر مستخدمی باشد که ریاست مملکت را عهده دار است. صدای این مطلب تا خیابان ویلهلم می پیچد. رئیس جمهور مستخدم است و سلطان نیست. قدری جلوتر برویم محکمه سؤال می نماید که به چه ترتیب ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی ایران منتشر شده است.

آیا قانون مزبور کاملاً مطابق قانون ایران انتشار یافته و به علاوه آیا قانون با همان شرایطی که در آلمان قوانین باید منتشر شوند انتشار یافته است. چنانچه استدلال شود قانون مزبور فقط برای این منظور بخصوص تصویب شده است نمی توان آن را به سهولت رد کرد.

صدای این اظهارات تا تهران هم می رود و آن پایتخت مملکتی است که فقط برای این که بخواهند از جرأت^۲ یک مدیر روزنامه بکاهند قانونی وضع می نمایند. قسمت آخر رأی خیلی شیرین است. بالاخره محکمه اظهار می دارد بر فرض این که قضیه مشمول مرور زمان نشده است آیا مطابق قانون شکایتی از طرف شاکی موجود می باشد و محل تردید است که بتوان اقدامات وزیر مختار ایران را نزد وزارت امور خارجه به عنوان شکایت از طرف شاکی تلقی نمود. به طور خلاصه طوری که محکمه می خواهد باید شاه ایران ساکن تهران، میدان قصر شخصاً بر علیه مارتین دسینسکی مدیر روزنامه Berlin am morgen ساکن برلن اقامه

۱. در اصل: داد.

۲. در اصل: جرئت.

دعوی نماید. کیف این موضوع به قدری است که نمی‌خواهم به این زودی خاتمه پیدا کند و برای این که به مدعی‌العموم فرصت داده شود خطای خود را که موجب مرور زمان شده بود جبران نماید ما مجدداً اظهارات خود را که باعث تعقیب جزائی شده بود تکرار می‌نماییم و به میرزا عنایت‌الله‌خان سمیعی وزیر مختار جدید ایران هم که دیروز وارد شده‌اند؛ وزیر سابق گویا در اثر این پیش آمد به کلی از بین رفت؛ فرصتی می‌دهیم که اظهار خدمتی بنماید. ما تکرار می‌نماییم: به نظر ما شاه ایران یک دیکتاتور شرقی است.

سند شماره ۱۰۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

ترجمه از: برلینر تاگیلات

مورخه: ۱۹ فوریه ۱۹۳۲

شاه توهین شده

شکایت به علت توهین به اعلی‌حضرت

در محکمه جنحه، محاکمه برعلیه پنج نفر که به شاه ایران توهین نموده بودند شروع شده است. بنابراین باید انتظار دیدن نمایش نادری را داشت که در آن مملکت جمهوری، سلطان مملکت دیگری را برعلیه اظهار این که مستبد است حفظ می‌نماید. تاریخچه این موضوع که از لحاظ قضایی پیچیده و درهم است لطف مخصوصی دارد. قضیه از اینجا شروع شد که علوی محصل ایرانی در روزنامه پیکار که در برلن انتشار می‌یافت حملاتی برضد رضاخان نمود و بعداً شاه به استناد ماده ۱۰۳ که توهین به رئیس مملکت خارجی را با حبس تهدید می‌نماید تقاضای

تعقیب قضیه را نمود اما اشکال قضایی بدو مانع تعقیب شد تا آن که بالاخره شاه با تهدیدات اقتصادی رفتار مقابله نمود زیرا معلوم نبود که مطابق همان ماده که معامله متقابل می‌بایستی تضمین شده باشد رئیس‌جمهوری آلمان که رئیس مملکت محسوب نمی‌شود از توهین مصون است. پس از آن روزنامه پیکار توقیف و علوی به^۱ پروس تبعید شد.

در این ضمن روزنامه Berlin am morgen موضوع را تعقیب نمود و شاه ایران را مستبد شرقی نامید. عمال قضایی مجدداً به حرکت آمدند و مدعی‌العموم تقاضای تعقیب مدیر مسئول روزنامه را نمود ولی محکمه بدوی عرض حال را رد نمود به استدلال^۲ این که رئیس‌جمهوری در ایران نمی‌تواند از این حق قانونی معامله متقابل استفاده نماید برای این که رئیس‌جمهور سلطان نیست.

مدعی‌العموم از این رأی استیناف داد و حکم فسخ شد و محکمه برخلاف محکمه بدوی شروع به محاکمه نموده است و علاوه بر مدیر مسئول روزنامه، علوی محصل و kieswetter نویسنده و دکتر wehner و Elixwolf به علت توهین تعقیب می‌شوند و اگر بگذارند دلائلی برای اثبات مدعای خود در محکمه بیاورند محاکمه خیلی جالب توجه خواهد شد.

۱. در اصل: در.

۲. در اصل: استلال.

سند شماره ۱۰۹

انتشار روزنامه نهضت در برلن

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

نمره: ۴۱۲۵۵

ضمیمه: ندارد

اداره: اروپا و آمریکا

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۱۵

محرم‌انه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن با تلگراف اطلاع رسید که روزنامه [ای] به نام نهضت در اول مارس در برلن منتشر شده لهذا به وزارت پست و تلگراف و اداره نظمیه نوشته شد که از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری نمایند.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضبط شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱۲/۱۶

نمره اندیکاتور: ۱۸۸۳

سند شماره ۱۱۰

توقیف روزنامه نهضت و تعقیب مدیر (رینکا) و نویسنده آن (محمد فرخی)
توسط پلیس برلن، به عنوان دنباله روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

نمره: ۴۱۷۷۲

تاریخ: ۱۰/۱۲/۱۷ [۱۳]

فوری و محرمانه

وزارت جلیله دربار پهلوی

وزیر مختار آلمان با تلفن به اداره اروپا اطلاع می‌دهد که راجع به روزنامه نهضت منتشره در برلن نظریات وزارت امور خارجه شاهنشاهی را با تلگراف به دولت خود اطلاع داده الساعه تلگرافی از برلن رسیده مبنی بر این که روزنامه نهضت که دنباله نشریات پیکار به نظر می‌آمد در تاریخ پنجم مارس توقیف شد و این توقیف بر طبق نظر وزارت خارجه آلمان بوده. محاکمه [ای] برعلیه رینکا مدیر روزنامه شروع شده اقداماتی از طرف پلیس نسبت به فرخی که نویسنده روزنامه بوده به عمل آمده. یک محاکمه جنایی برعلیه مطبعه [ای] که روزنامه را چاپ کرده به عنوان شریک و همدست در این اقدام طرح گردیده مقامات صالحه وعده می‌دهند که تسریعات لازمه در این قضیه بنمایند. از وزیر مختار آلمان نسبت به اقدامات جدی که در این باب از طرف دولت معزی الیها به عمل آمده اظهار امتنان شد.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر:] وزارت امور خارجه

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، ضبط شود.

سند شماره ۱۱۱

اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از انتشار روزنامه نهضت در آلمان و
توزیع آن در ایران

[شیر و خورشید]
سفارت شاهنشاهی ایران
برلن

ضمیمه: ۱
محرمانه

مورخه: ۱۸ ماه اسفند ۱۳۱۰
نمره: ۲۲۵۱

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمه

در دهم اسفند روزنامه [ای] به نام نهضت به فارسی در برلن منتشر شده است که نسخه [ای] از آن تلواً تقدیم می‌گردد. تا دیروز آن را کسی ندیده بود و معلوم می‌شود برای آن که از انتشار آن در ایران به موقع جلوگیری شود چند روزی از نشر نسخه‌ها در خود برلن خودداری می‌کنند. به وسیله وزارت جلیله امور خارجه به وزارت پست و تلگراف تلگرافاً اطلاع داده شد تا از نشر و توزیع روزنامه مزبور در ایران خودداری فرمایند. با وزارت خارجه آلمان هم مذاکره و بالاخره قرار شد آن را عجالاً قائم مقام روزنامه پیکار تلقی کرده و نسخه‌های موجود را ضبط و طبع آن را هم توقیف نمایند تا اگر اقدامات دیگری ضرورت داشته باشد به عمل آید.

[امضا: عنایت‌الله سمیعی]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۱۷

نمره اندیکاتور: ۲۶

سند شماره ۱۱۲

تعقیب و بازداشت متصدیان روزنامه نهضت توسط عدلیه آلمان، به عنوان
دنباله روزنامه پیکار

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

مورخه: ۲۴ اسفند ۱۳۱۰

نمره: ۲۲۶۵

عقبه معروضه نمره ۲۲۵۱

محرمانه

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته

پس از مراجعه به وزارت عدلیه بالاخره روزنامه نهضت را دنباله و جانشین پیکار تشخیص دادند و قرار شد مدیر و مطبعه و حروف چین متصدی طبع و انتشار آن را به موجب یکی از فرامینی که چندی قبل از ناحیه ریاست جمهور صادر شده تعقیب نمایند. مدعی العموم تا دو روز دیگر عرض حالی به محکمه خواهد داد و اطمینان حاصل است که مجرمین محکوم به حبس خواهند گردید. من باب استحضار خاطر مبارک عرض کنم که وزارت خارجه آلمان نسبت به این مسائل خیلی ابراز مساعدت می کنند و با علاقه خاصی مطالب سفارت را اصفا و قضایا را تعقیب می نمایند والا خود بنده به تنهایی و با عدم اطلاع به قوانین محل و کیفیت اختیارات دولت و محاکم قادر نبودم که راه علاج را به این زودی پیدا کرده و مأمورین آلمان را در مقابل مواد قوانین ملزم به اقدامی نمایم. در خاتمه چنانچه اجازه بفرمایید عرض می کنم که کارهای سفارت ترتیب خوشی ندارد. بنده هستم و یک نفر اتاشه. آقای مدحت نائب سفارت که بصیرت به زبان و احوال محل دارند هنوز هم در رم گرفتارند و به عنوان این که تاکنون تکلیف سفارت آن جا معلوم نشده وزارت جلیله امور خارجه اجازه نمی دهند مشارالیه معاودت نماید و تصدیق می فرمایید که صرف نظر از سایر امور تنها کار ترجمه و مراقبت

جرائد یک نفر مأمور خاصی لازم دارد. این است که استدعا می‌کنم توجهی مبذول و امر فرمایید اجازه مراجعت آقای مدحت را زودتر صادر نمایند.

[امضا: عنایت‌الله سمیعی]

[حاشیه بالا:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۱۷

نمره اندیکاتور: ۲۷

سند شماره ۱۱۳

انتشار مقاله در یکی از روزنامه‌های آلمان راجع به توقیف روزنامه نهضت

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

نمره: ۱۶

مورخه: ۱۳ فروردین ۱۳۱۱

ضمیمه: ۱

حضور مبارک حضر[ت] مستطاب اشرف

آقای وزیر معظم دربار پهلوی دامت شوکته

ترجمه مقاله [ای] که چند روز قبل در یکی از جراید برلن نشر شده تلواً از نظر مبارک می‌گذرد. مدیر روزنامه مزبور همان مدیر پیکار است که در تحت محاکمه می‌باشد.

[امضا: عنایت‌الله سمیعی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۷

نمره اندیکاتور: ۴۷۱

سند شماره ۱۱۳/۱

کشمکشهای جدید ایران در برلن

چنان که در ماه نوامبر گذشته خبر داده بودیم، روزنامه پیکار که در برلن انتشار می‌یافت بنا به خواهش حکومت ایران به توسط رئیس نظمیۀ برلن به مدت شش ماه توقیف و محصل ایرانی مرتضی علوی که اداره کننده روزنامه مذکور به نظر می‌رسید از منطقه پروس تبعید شد. از آن جایی که اداره مدعی العمومی نظر به ماده ۱۰۳ قانون جزائی که راجع به توهین اعلی حضرت می‌باشد درخواست محاکمه نموده بود و این درخواست از طرف رئیس محکمه بدایت «اشتاین هاوس»^۱ قبلاً رد شده بود و بالاخره بنا به استیناف مدعی العموم این مسئله مجدداً تعقیب و در آتیۀ نزدیک برلن یک محاکمه «توهین اعلی حضرت» را خواهد دید. پس از توقیف روزنامه پیکار، از طرف عده‌ای که به کلی از دایرۀ پیکار دور بودند روزنامه انقلابی دیگری موسوم به نهضت تأسیس شد که اولین شماره آن چندی قبل انتشار یافت. این روزنامه جدید ابدأ با روزنامه پیکار سروکاری نداشت و اداره کننده و کارکنان این کسان دیگری بودند و اصلاً در عقاید خود با پیکار مشابهتی نداشته و هم از این روزنامه به مشتری‌های پیکار فرستاده نشده است. با وجود این «گرگه» رئیس قسمت سیاسی نظمیۀ برلن به عنوان این که جریدۀ نهضت دنباله روزنامه پیکار است به توقیف آن امر داد. واضح است برای نجات دادن ناموس توهین شده شاه ایران «گر[و]با» که برای مسائل شرقی در وزارت امور خارجه سمت مستشاری را داراست در پشت این قضیۀ تازه ایستاده است. ولی این توقیف تازه با اقدامات سیاسی سفارت ایران صورت نگرفته است زیرا محمدخان فرزین که تاکنون سفیر ایران بوده و چندی قبل

۱. در اصل: شتاینهاوس.

معزول شد (نه از نقطه نظر سیاسی، بلکه به این دلیل که در مشاغل خارج از وظیفه خود به یک کافه بچه‌بازها که در «لوتر اشتراسه» بوده و حالا بسته شده است می‌رفت و برای او تقصیری شمرده می‌شد). جانشین او میرزاخان تازه روز پنجشنبه قبل یعنی ۸ روز پس از توقیف روزنامه نهضت اعتبار نامه خود را به رئیس‌جمهور تقدیم نمود.

بنابر این می‌توان این را تصور کرد که توقیف روزنامه نهضت تنها در تحت نفوذ وزارت امور خارجه بوده است و چاره دیگری هم غیر از این نیست که منتظر نتیجه تعقیبات بود زیرا یواش یواش نگرانی سیاست‌مداری آلمان و ناموس شاه ایران اشکال مضحکی به خود می‌گیرد.

ا. ر.

سند شماره ۱۱۴

مکاتبه سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) با وزارت دربار در خصوص ورقه ارسالی از آلمان برای عده‌ای از محصلین ایرانی مقیم پاریس

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

در پاریس

اداره سرپرستی محصلین

تاریخ: ۱۳/۱/۲۹

نمره: ۸۱۹

وزارت جلیله دربار پهلوی

عده‌ای از محصلین مقیم فرانسه ورقه منضمه را که برای آنها از آلمان فرستاده شده به اداره

سرپرستی فرستاده‌اند. به محض وصول مراتب به وزارت امور خارجه فرانسه اطلاع داده شد و یک نسخه آن را نیز به آن وزارتخانه فرستاد و تقاضا نمود که از ورود آن به مملکت فرانسه و توزیع بین محصلین جلوگیری به عمل آورند.

[امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] ورقه همراه نبود، بفرستید.

[حاشیه پایین، دوم:] ورقه مذکوره در فوق ضمیمه نبود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۱۳

نمره اندیکاتور: ۸۸۲

سند شماره ۱۱۴/۱

ادعانامه ما برضد رضاخان پهلوی

آنچه که ما در مقابل محکمه اظهار خواهیم داشت

در چهارم آوریل محاکمه پیکار در محکمه برلین شروع خواهد شد. قزاق‌باشی موسوم به رضا شاه که امروزه در ایران حکومت نموده و دست خون‌آلودش گریبان ملت زحمتکش ایران را می‌فشارد کوشش دارد که چنگال خود را به خارج ایران هم دراز نموده نغمه آزادی که از حلقوم انقلابیون ایرانی از خارج بلند است خفه نماید. این شخص که در معامله با مردم ایران جز سرنیزه و سیاه چال وسیله دیگری نمی‌شناسد، این جبار در خارج ایران به محکمه عدلیه متوسل شده است. مثل این که کسی از عملیات خیر ندارد که آنها را در مقابل محکمه عدلیه فاش نماید یا آن که جنایات قزاق‌باشی زیر هفت پرده پنهان مانده نمی‌توان آنها را آشکار نمود. کدام خیانتی است که این شخص در عرض چند سال تسلط خود در ایران مرتکب نشده است؟ کدام گوشه ایران است که دست ظلم و تعدی این قزاق به آنجا

نرسیده است؟ با این حال مدعی است که جرائد انقلابی نسبت به او توهین نموده‌اند. تیمورتاش و داور که علمدار فجایع رضاخان هستند ادعا دارند که رضاشاه پهلوی هیچ وقت به اموال مردم ایران دست درازی نکرده، ظلم نکرده، قتل و چپاول نکرده و بالاخره به هیچ موری آزاری نرسانیده است. رجال پهلوی همگی دامن عصمت و طهارتشان از لوث هرگونه رشوه‌گیری و وطن‌فروشی و اختلاس و آدم‌کشی پاک و میرا است. حالا ببینیم حقیقت مسئله از همین قرار است یا نه؟

۱. ما از آقای رضاخان پهلوی سئوال می‌کنیم اگر ایشان دست درازی به اموال ملت ایران نکرده‌اند چگونه در عرض ۱۰ سال ریاست و زمامداری خود میلیونها وجه نقد در بانک‌های خارجه اندوخته و به اندازه نصف ایران املاک و مستغلات برای خود تهیه نموده‌اند.

۲. املاک سپهسالار که در بانک استقراضی روس رهن بود و بعد از واگذاری بانک مزبور از طرف دولت شوروی به ایران وزارت مالیه این املاک را ضبط و اداره نمود چگونه املاک مذکور که مال مسلم ملت ایران است در جزو املاک مازندران رضاخان درآمده و به نام املاک همایونی در جراید اعلان ثبت آن درج شد؟

۳. آیا این امر دروغ است که کلیتاً رضاخان تمام املاک عمده و پرمفعت تجار و اعیان خود را به زور اخذ و یا «خریده» و اموال صاحب منصبان بزرگ و امرای لشکر خود را که از ملت چپاول کرده‌اند تصرف نموده است و هر کس نداده حبس و از کار معزول می‌شده؟ آیا چراغ علی خان پسر عموی محبوب خود را رضاخان به واسطه امتناع او از وصیت کردن دارایی خویش به ولیعهد با ضربت لگد هلاک نکرد و بعد از مرگ دارایی او را به نوشته ساختگی ضبط ننمود؟

۴. آقای رضاخان ما شما را قاتل انقلابیون گیلان و آزادی خواهان خراسان و سربازهای سلماس، گرداننده سرکلنل محمد تقی خان و کوچک خان در شهرها، جلاد زارعین قشقایی و کرد و بلوچ، قاتل واعظ قزوینی، قاتل میرزاده عشقی، جلاد حجازی کارگر مطبعه تهران و و می‌دانیم. آیا شما منکر صحت این وقایع هستید؟

۵. آقای رضاخان ما ادعا داریم که تاج و تخت خود را از دست انگلیس‌ها گرفته و در یک رشته از عملیات و سیاست داخلی و خارجی خود اطاعت خود را به امپریالیزم انگلیس ثابت نمودید. ما مدعی هستیم که شما به پشت هم اندازی و جعل تلگرافات از طرف اهالی تبریز و

اصفهان و غیره و به زور سر نیزه قزاقان خود و ترور و بالاخره با تطمیع اعضای مجلس «مؤسسان» ساختگی را مجبور کردید شما را به «شاهی» انتخاب کنند. آری سلطنت شما غیر قانونی و غیر مشروع بوده و ملت ایران طالب جمهوری بوده است نه سلطنت.

۶. شما و نوکر شما تیمورتاش که دم از استقلال ایران می زنید تاکنون یک قدم عملی برای لغو امتیاز خانه خراب کن نفت جنوب، برای قطع دست انگلیس ها از بحرین برنداشتید. شما یک میلیون لیره را که انگلیس ها در موقع عقد قرارداد به وثوق الدوله و تیمورتاش و نصرت الدوله و غیره رشوه پرداختند و تاکنون هیچ حکومتی زیر بار شناختن آن نمی رفت به رسمیت شناختید.

۷. شما گروه ها، گروه اکراد و الوار و سایر رعایای ایرانی و سربازان بیچاره رشید ایران را به وسیله سیاست خیانت کارانه خود و برای منافع طبقه خود به برادرکشی وادار کرده و به دهان مرگ فرستادید. شما تمام اسلحه و قوای ایران را برای جنگ با خود طوایف و رنجبران ایرانی صرف کردید نه برای دفاع حقوق و خاک ایران در برابر امپریالیزم خارجی.

۸. شما در اعتصاب کارگران نفت جنوب نه فقط به کارگران بدبخت ایران و عائله های فقیر آنها که از تعدیات کمپانی نفت جنوب از ساده لوحی برای درخواست کمک به پایتخت و درگاه تو آمدند کمکی نکردید بلکه به حمایت کمپانی انگلیس بر روی کارگران غیر مسلح ایرانی تیر خالی کردید و جمعی از آنها را ماه [ها] و سال ها محبوس نموده اید. آقای رضاخان شما اموال سردار بجنورد و سردار ماکو و سردار عشایر و شیخ خزعل و ظفر نظام و داود خان کلهر و جواهرات خالو قربان و غیره را که خون دل و دسترنج زارعین سیه روز ایرانی بود اخذ کرده و به جیب خود ریختید. آیا منکر این حقایق هستید؟ شما تمام دهات اطراف سعدآباد را خشک و لم یزرع نموده و آب قنوات را به سعدآباد محل شدادی خود برده اید.

۹. شما تمام آثار و بقایای دوره مشروطیت را در ایران محو، آزادی را کاملاً منسوخ، اجتماعات و اتحادیه ها را منحل و ممنوع و دهان تمام جرائد را بستید. شما مدیران جراید را برای مجبور کردن به ستایش گری از فجایع خود مانند دوره بربریت زیر چوب و شلاق انداخته و یا حبس و تبعید کردید. شما در عصری که در تمام دنیا در آزادی مسافرت و تهیه تسهیلات آن کوشش می کنند و همه دول برای سهولت تجارت و معاشرت و مسافرت هرگونه قیودات و محدودیت ها را حتی در بین ممالک هم دیگر مرتفع می نمایند، در داخل مملکت ایران بین

شهرهای ایران سیستم جواز را برقرار کرده‌اید. شما ایران را به یک محبس بزرگ و یک مملکت جاسوس‌ها مبدل نمودید. وزیر عدلیه شما با وجود «تمام اصلاحات» کذایی خود در عدلیه تاکنون یک نفر محبوس سیاسی ایرانی را در محکمه ایرانی علناً محاکمه نکرده. مجازات و محاکمه محبوسین سیاسی را بر خلاف نص صریح قانون اساسی به عهده‌ی مأمورین تأمینات گذارده است که در شکنجه و عذاب محبوسین سیاسی از هیچ شقاوتی فروگذاری نمی‌کنند.

۱۰. آقای رضاخان شما تمام آنگلو فیل‌های معروف را که حتی جرأت ورود به ایران را هم نداشتند دو مرتبه روی کار آوردید. شما تیمورتاش قاتل ۲۰ نفر دهقان بی‌گناه گیلان، طرفدار جدی قرارداد، رشوه خور مشهور که رجاله‌ترین عنصری است که در تاریخ جدید ایران به ظهور رسیده زمامدار مطلق ایران کرده‌اید. آقای رضاخان وزیر دربار شما برخلاف نص صریح قانون اساسی در آن واحد هم مقام وزارت و هم وکالت را اشغال کرده و در عرض تمام این مدت از هیچ یک از دو شغل استعفا نداده و برای دو مقام حقوق می‌گیرد. تیمورتاش خودش وزیر دربار است و از طرف دیگر شب‌ها فراکسیون ترقی «مجلس شورای ملی» را اداره می‌کند. دادگر رئیس مجلس نوکر شخصی وزیر دربار بوده و تمام مذاکرات و آراء عروسک‌های مقوایی پارلمان ایران یعنی «وکلا» قبلاً از طرف آمر تصویب گردیده است. قالبی و سفارشی بودن وکلای مجلس مسخره ایران در دوره حکومت رضاخان مسئله‌ای است که بر تمام افراد ملت ایران واضح بوده و حتی خود آقای تیمورتاش نیز سال گذشته در فراکسیون ترقی (خانه صدرالسلطنه) موقع تعرض به توقع ریاست مجلس داشتن فهمی می‌گفت «اگر برای انتخاب سایر وکلا تلگراف رمز کردیم برای انتخاب آقای فهمی قشون روانه نمودیم». راجع به رئیس‌الوزرا شما مخبرالسلطنه قاتل خیابانی و احرار آذربایجان، راجع به فروغ کاسه‌لیس شما و رؤسای نظمی و امرای لشکر از قبیل جان‌محمدخان، احمدآقاخان، کریم‌آقاخان که هرکدام برای خود صد نایب حسین کاشی هستند دیگر شرح و بسطی نمی‌دهیم. در هویت خود شما همین بس که کمپانی انگلیسی نفت تاکنون دو مجسمه برای شما نصب نموده است و این ننگ ارزانی شما و شایسته شخص شما است. اما ما این نکات و صدها نکات دیگر را در مقابل محکمه عدلیه اظهار داشته و با اسناد و مدارک ثابت می‌نماییم تا دنیای آزادیخواه شما و رژیم غارتگری شما را بشناسد.

آقای رضاخان پهلوی، در نظر ملت زحمت‌کش ایران شما مدت‌ها است که محکوم هستید. محاکمه ما با شما و رجال شما در محکمه برلین خاتمه نیافت و بلکه در آتیه نزدیکی در خود ایران در محکمه انقلابی رنجبران ایران تجدید خواهد شد. آن وقت است که شاهد‌های عملیات شما و کارکنان شما بدون هیچ ترس و ملاحظه در محکمه حاضر شده و مجال هیچ گونه انکار و خلاصی برای جلادان رنجبران باقی نخواهد ماند. آنوقت است که ملت زحمت‌کش ایران با شما و اعوان شما ختم حساب خواهد نمود.

امروز در مقابل محکمه آلمان
فردا در مقابل محکمه انقلابی ایران
فروردین ۱۳۱۱، مارس ۱۹۳۲

سند شماره ۱۱۵

محاکمه مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) و نویسنده آن (مرتضی علوی) و اصرار
روزنامه‌های آلمان مبنی بر علنی بودن جلسات دادگاه

[شیر و خورشید]
سفارت شاهنشاهی ایران
برلن

مورخه: ۱۳۱۱/۱/۱۳

نمره: ۲۳

محرمانه

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته
پس فردای دوشنبه محاکمه دکتر Wehner مدیر روزنامه پیکار و علوی نویسنده آن منعقد

می‌شود. امروز در اداره شرقیه وزارت خارجه آلمان باحضور مدیر کل وزارت خارجه مدت مشغول مذاکره بودیم. جرائد و خیلی از محافل اصرار دارند جلسات علنی باشد و خلاف آن ر مناقض قانون اساسی آلمان می‌شمارند ولی وزارت خارجه به استناد این که علنی بودن محاکمه مضر به انتظامات داخلی و امنیت مملکت است ابرام در مخفی بودن آن می‌نماید و قرار است که پس فردا مدعی‌العموم تقاضای مخفی شدن محاکمه را بکند و تقریباً اطمینان حاصل است که محکمه هم موافقت نماید. به علوی هم برای مدافعه در حضور محکمه پنج روز اجازه داده شده است که به برلن بیاید. در این باب بنده خیلی مذاکره کردم که شاید از اقدام مزبور خودداری کنند ولی وزارت خارجه آلمان موافقت نکرد زیرا هم مخالف قانون می‌شمردند و هم خلاف مصلحت و بالاخره گفتند که اقدام به محاکمه حضرات از ناحیه دولت آلمان است و ناچار برای تحصیل موفقیت خود ما تمام تدابیر ممکنه را اتخاذ و اجرا می‌کنیم و منع علوی از حضور در محکمه و دفاع خود علاوه بر آن که اشکال قانونی دارد سبب حمله جرائد و احزاب شده و تولید جار و جنجال کرده و مجرمین را در نظر افکار عمومی مظلوم واقعی نشان خواهد داد.

[امضا: عنایت‌الله سمیعی]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۴

نمره اندیکاتور: ۱۶۶

سند شماره ۱۱۶

گزارش سفیر ایران در شوروی (فتح‌الله پاکروان) در مورد انتشار روزنامه
نهضت در مسکو

[شیر و خورشید]

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مسکو

مورخه: ۱۶ فروردین ۱۳۱۱

نمره: ۱۷۷

وزارت جلیله دربار پهلوی

در تعقیب تلگراف نمره ۵۵، شماره ۱ روزنامه نهضت، مورخه ۱۰ اسفند را که جانشین روزنامه پیکار و در برلن طبع می‌شود لفاً تقدیم می‌دارد. موضوعی که دارای اهمیت بوده و می‌خواهم نظر مبارک را نسبت به آن جلب نمایم این است که روزنامه مزبور به وسیله همان شخصی که تفصیل آن را در موقعی که در مسکو تشریف داشتید به عرض رساندم به بنده رسیده است و مشارالیه می‌گفت که روزنامه مزبور را از روی میز ذره نام بدون این که مشارالیه ملتفت بشود برداشته و برای بنده آورده است. روزنامه را به همان شکلی که برای بنده آورده تقدیم می‌دارد و خطوطی که با^۱ مداد قرمز زیر بعضی جملات کشیده شده در روی آن موجود بود. به علاوه در بالای صفحه دویم اسامی دوسه نفر که از قرار معلوم به توسط آنها روزنامه به ایران فرستاده می‌شود با^۲ مداد نوشته شده است. چون این قبیل اطلاعات به بنده به وسیله همان شخص یعنی یک وسیله مستقیم می‌رسد البته به صحت و سقم آنها نمی‌توان اعتماد کامل داشت و ممکن است حضرات مخصوصاً اسامی اشخاصی را که با آنها طرفیت دارند به این شکل در روی روزنامه نوشته و به این وسیله به بنده برسانند. بدیهی است کشف حقیقت

۱. در اصل: به.

۲. در اصل: به.

امر بسته به تحقیقات دقیقه و عمیقۀ ادارهٔ نظمیه است. در هر صورت استدعا می‌کنم به فوریت بنده را هم از نتیجۀ تحقیقاتی که خواهد شد مستحضر بفرمایند زیرا که به این وسیله خواهم فهمید که منبع و مأخذ اطلاعات بنده تا چه اندازه موفق و قابل اعتماد است.

[امضا: فتح‌الله پاکروان]

[حاشیۀ پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۲

نمره اندیکاتور: ۱۰۰

سند شماره ۱۱۷

گزارش سفارت ایران در برلن درخصوص مذاکرات به عمل آمده با مقامات آلمانی در رد ادعای محکمۀ آلمان مبنی بر نابرابری مفاهیم سلطان و رئیس‌جمهور و تلاش جهت اخراج نویسندهٔ روزنامۀ نهضت از آلمان

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

نمره: ۳۱

مورخه: ۱۸ ماه فروردین ۱۳۱۱

فوری و محرمانه

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمه

پیشب راجع به جریان محاکمه ناشرین پیکار تلگرافی عرض کردم. متأسفانه اقداماتی که

تاکنون شده است به عکس نتیجه داده و قضیه نقل مجالس و موضوع قلم‌فرسایی اغلب جرائد گشته با این تفاوت که مثل سابق حمله مستقیم نمی‌کنند بلکه از راه تنقیدات سیاسی یا به صورت بیان اظهارات و مدافعات مدعی علیهم چیزهایی نشر می‌دهند که خود و مستقلاً مسئول شناخته نشده و مشمول قانون اخیرالتصویب نگردند. جان کلام اینجاست که محکمه می‌گوید قانون اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ حمل به ماسبق نمی‌شود و دو نمره اخیر روزنامه پیکار هم توهینی نموده است تا گرفتار اثر آن قانون گردد. بنابراین باید متوسل به ماده ۴۰ قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ گردید و چون در قانون مزبور قناعت به ذکر سلاطین شده و آلمان هم مملکت جمهوری است و بالتبع نمی‌تواند از مدلول آن استفاده کند ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان که مبتنی بر شرط معامله متقابل است در مورد مبتلا به قابل اجرا^۱ نیست.

در این صورت باید یکی از دو امر را اثبات نمود: ۱- سلطان اطلاق به رئیس‌جمهور می‌شود. ۲- دو نمره اخیر روزنامه پیکار هم نسبت [به] مقام منیع سلطنت عظمی موهن بوده است. راجع به قسمت دوم در سفارت هیچ اثری نیست زیرا چنان که عرض کردم دوسیه عمل را جناب مستطاب اجل آقای فرزین با خود برده و تسلیم وزارت جلیله امور خارجه کرده‌اند و تا به حال اعاده نشده است. در خارج که هر چه جستجو کردم دو نسخه اخیر پیکار بدست نیامد. از سفارت پاریس خواسته‌ام پس از آن که رسید می‌توان اتخاذ نظر نمود. در باب قسمت اول به عقیده بنده اثبات آن آسان بوده و مدعی‌العموم کوتاهی و یا در خودداری از توضیح تعدد کرده است زیرا:

اولاً - سلطان به معنی صاحب سلطه است بدون هیچ شرط و قیدی راجع به کیفیت سلطه و اقتدارات او [e] La grande encyclopedi - nouveau larousse illustre - English lexicon - Gralio دائره‌المعارف آلمانی meyers - صحاح جوهری - البستان همه مؤید این نظر است و می‌توانند به^۲ کتابخانه برلن مراجعه نمایند.

ثانیاً - کراراً چه در تهران جناب اشرف آقای رئیس‌الوزرا و وزارت جلیله امور خارجه به سفارت آلمان و چه در اینجا سفارت ایران به وزارت خارجه آلمان معنی و تعبیر فوق را رسماً گفته و اعلام داشته‌اند و محکمه نمی‌بایست اعتنا به این مسئله نکرده باشد.

۱. در اصل: اجری.

۲. در اصل: در.

ثالثاً - موقع وضع قانون ۲۵ محرم جمهوری‌های متعدد و ممالک دیگری که رؤسای آنها در عرف ما سلاطین خطاب نمی‌شدند و نسبت به ایران در ردیف دول متحابه به شمار می‌آمدند نیز بودند که به اقتضای مناسبات بین‌المللی ضرورت داشت استفاده از قانون مزبور کرده و از هرگونه هتک و توهینی در مملکت ما مصون باشند و به همین نظر بود که قانون‌گذار برای احتراز از هرگونه استثناء^۱ و تبعیض لغت عمومی سلاطین را اختیار نمود که شامل همه باشد.

رابعاً - اگر محکمه در توصیف معنای سلطان به مبانی فوق متکی نشود و فقط عرف و مصطلح عامه را مأخذ قرار دهد نقض غرض کرده است زیرا سلطان در عرف اروپا اطلاق به پادشاهان عثمانی می‌شود و حال آن که در ایران این معنی را از آن کلمه نمی‌فهمیم. تمام این مطالب را به وزارت خارجه آلمان تذکر دادم و تصدیق هم کردند الا این که می‌گویند برای اقناع محکمه لازم است مدارک دیگری هم از قبیل سابقه یا کتب حقوقی از محققین ایرانی در این باب و فتاوی از حقوق‌دان‌های ایران در زمینه تفسیری که می‌کنید به محکمه ارائه شود و نیز وزارت عدلیه ایران رسماً در این باب اظهار عقیده بنماید^۲. حالا اگر مصلحت دانستند مقرر خواهند فرمود به طوری که تلگرافاً عرض شده مدارک لازمه را تهیه و ارسال دارند شاید بهانه رفع و در استیناف موفقیتی بدست آید.

اگرچه این مدت قلیل کافی نیست که قضاوت قریب به یقین در باب اوضاع آلمان و رویه دولت بنماید با این حال آن چه استنباط می‌شود این است که از یک جهت دولت قادر نیست به طوری که باید این نوع امور را جداً تعقیب کرده و مفسده جویان را مجازات بدهد و از جهت دیگر اقتضای منافع آن قسمی است که نمی‌خواهد به توقعات حقه ما ترتیب اثر قائل شود زیرا: اولاً - قوه عامله و مجریه دولت آلمان حکومت پروس است که در دست سوسیالیستها قرار گرفته و حتی القوه نمی‌خواهند آزادی قلم را محدود کنند. حزب اشتراکی هم در مجلس قدرت زیاد دارد و با وضعیت فعلی آلمان و توجه دولت به انتخاب هیندنبورگ و استقامتی که حزب مزبور در حمایت از هم فکرهای خود بروز می‌دهند دولت را مجبور نموده است که بیش از حد اعتدال رعایت افکار دسته‌های مخالف را بنماید و این کیفیات و حملات جرأت در

۱. در اصل: استثنای.

۲. در اصل: به نمایند؛ اصلاح در همه موارد.

محاکم هم تأثیر کرده و آن را نیز محتاط نموده است.

ثانیاً - دایره تبلیغات روس‌ها در آلمان و مخصوصاً در برلن خیلی وسیع و قوی است و بدون شبهه روزنامه پیکار و نهضت و امثال آنها با اطلاعات و سرمایه مؤسسات روسی اداره می‌شود. نهایت یکی دو نفر ایرانی بی‌مغز هم آلت می‌شوند. بنابراین من غیرمستقیم روس‌ها از کارکنان این نوع تأسیسات حمایت می‌کنند. تکیه آلمان به روسیه و منافع هنگفتی هم که از قبل روس‌ها می‌برند این حمایت را قوی و مؤثر می‌کند. به عبارت آخری مطالب ما را از نظر نزاکت و توقعات مأمورین روس را از لحاظ تأمین منافع خود تلقی می‌کنند. این است که راجع به تعقیب ناشرین پیکار و امثال آنها به نظر بنده متعمدانه مسامحه می‌کنند. دلیل بر این نظر طرز مدافعه مدعی العموم و جریان محاکمه، اجازه حضور مدیر جراند در محکمه که قرار بود مطلقاً مخفی منعقد شود، اجازه به مدعی‌علیه‌هم در اثبات کیفیت اظهارات و نشریات پیکار، رویه‌ای که در اخراج فرخی تعقیب می‌کنند و بعد تفصیل آن عرض می‌شود، منتشر شدن صورت مذاکرات متداعیین در بدو انعقاد محکمه. تندر به قوانین و آزادی قلم و فکر اگر تا حدی صحیح باشد مطلقاً صحیح نیست. فرانسه و بلژیک و سوئیس هم کم و بیش با نظیر همین قوانین اداره می‌شود ولی اگر در سوئیس یک نفر ایرانی عشر این حرکات را کرده بودند بلادرنگ اخراج یا تعقیب می‌شد و این رویه مسامحه کارانه دولت آلمان نیست مگر برای آن که نمی‌خواهند تمام مقدور خود را به کار برند.

اما در باب فرخی که مظنون به تحریر روزنامه نهضت بود پس از مذاکرات زیاد قرار شد به عنوان آن که وسیله معاش ندارد اجازه اقامت به او ندهند. خاصه آن که در تذکره او تا کنون اجازه مزبور داده نشده است و در ملاقات اخیر از چنین اقدامی مضایقه کرده و تکلیف می‌نمودند که از طرف سفارت و اداره پلیس به او اشاره شود که خود به صرافت طبع برلن (آلمان) را ترک گوید و الا در اخراج او اقدام خواهد شد و متعذرند به این که جراید و دسته‌های مخالف دولت مانع هستند و اخراج نوع فرخی را وسیله حمله و تعرض قرار می‌دهند و مطابق قانون و حق حمایتی که این قبیل عناصر دارند اعتراض مخالفین وارد جلوه خواهد کرد. از طرف دیگر بنده هم مطمئنم که به هیچ قیمتی فرخی حاضر نخواهد شد که برلن را ترک نماید زیرا دو سه مرتبه ملاقات این معنی را می‌رساند و به طوری که می‌گفت در این زمینه‌ها به حضرت اشرف نیز عرایض نموده است. دیروز شب‌نامه وقیح و شدیدی هم به فارسی منتشر شد.

به عقیده بنده کار فرخی است زیرا هم عبارت و هم خط شبیه به انشاء و صورت خط او است و چون یک نسخه بیشتر نتوانست به دست بیاورد و آن هم برای تعقیب مذاکرات با وزارت خارجه لازم بود تقدیم ننمود.

عجالتاً به عقیده بنده بهتر است بفرمایید مدارک و فتاوی که ممد کار مدعی العموم است تهیه کرده بفرستند راجع به جریان محاکمه در استیناف با سفارت آلمان مذاکرات مؤثری بشود و همچنین اخراج فرخی را جداً بخواهند و در عین حال تهدیدی هم در قطع بعضی مناسبات از قبیل عدم خرید از آلمان و نفرستادن شاگرد و نخواستن متخصصین و انفصال مستخدمین آلمانی که فعلاً در کار هستند به سفارت در تهران و به وزارت خارجه در اینجا بشود. البته مجموع این تدابیر مؤثر واقع می شود و بر فرض هم که مطلوب حاصل نگردید دلیل نخواهد داشت که تهدیدات را به موقع اجرا نگذاریم و از علایق اقتصادی خود با آلمان صرف نظر نکنیم.

[امضا: عنایت الله سمیعی]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۴

نمره اندیکاتور: ۱۶۸

سند شماره ۱۱۸

محکومیت مدیر روزنامه نهضت به سه ماه حبس

[شیر و خورشید]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

مورخه: ۱۳۱۱/۱/۲۱

نمره: ۸۹

از: برلن، به: تهران

حضرت اشرف وزیر دربار

دیروز مدیر نهضت در [محاكمة] ابتدایی به سه ماه حبس محکوم گردید. نمره ۱۹۵

[عنایت الله] سمیعی

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۲۲

نمره اندیکاتور: ۸۲

سند شماره ۱۱۹

انتشار جریان محاکمه متصدیان روزنامه‌های آلمانی توهین‌کننده به رضاخان و
پیکار و نهضت، در روزنامه‌های آلمان

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: اروپا و آمریکا

نمره: ۷۱۰۳۱۰/۳۵۹۵

فوری - محرمانه

تاریخ: ۳۰ فروردین ۱۳۱۱

وزارت جلیله دربار پهلوی

روزنامه برلین آم مَرگن در روزنامه فسیشه سایتونگ در تاریخ پنجم آوریل شرح محاکمه
جرايد ناشر بر علیه ايران را درج و نقطه نظر محکمه را در تبرئه متهمين ذکر نموده است. اينک
ترجمه مقالات جرايد مزبور برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌شود.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی]

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۳۰

نمره اندیکاتور: ۱۴۵

سند شماره ۱۱۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه از: برلین آم مَرگن

تاریخ اصل: ۱۹/۳۲/۴/۵

تبرئه در محاکمه توهین به شاه

همان طور شد که ما پیش‌بینی نمودیم. محاکمه توهین به شاه با خنده و تمسخر خاتمه پیدا نمود. محکمه کلیه مدعی علیهم را تبرئه نمود. بوروکراسی وزارت خارجه در نتیجه متانت فکری و روحی قضات با لبخند تلقی شده و در مقابل تمام اروپا و نصف آسیا مفتضح گردید.

محاکمه

محاکمه ایران تحت ریاست اشتاین هاوس^۱ از موقع شروع تا انتها مملو از روح مسخره‌آمیز بود. به طوری که اشخاص مدعی نیز قادر بر خودداری نبودند. تصور شاه ایران که مدعی علیهم در مقابل عام رسوا خواهند شد صورت نگرفت ولی بوروکراسی آلمان که دوستی آن نسبت به شاه ایران مانند یک غلام است و نتایج سوء این محاکمه متوجه او خواهد شد در عوض رسوا و مفتضح گردید.

این محاکمه بزرگ هم شروع شد: رئیس محکمه قبل از ورود در دستور با وقاری هرچه تمام‌تر ماده ۱۰۳ قانون جزا را که بیشتر شبیه به یک قصه است قرائت نمود: رئیس محکمه در ضمن تذکر داد «ضرری ندارد اگر یک مرتبه دیگر هم این ماده گوشزد شود» سپس قرائت نمود: «هرکس رئیس مملکت دیگری را که معامله متقابل با آلمان نماید توهین کند از یک هفته تا دو سال مجازات به حبس خواهد شد.»

۱. در اصل: اشتاین هاوز.

اخراج تماشاچی‌ها از محکمه

در این موقع مدعی‌العموم که دارای موقعیت خوشی نبود بلند شده و تقاضای اخراج تماشاچیان را نمود و علت این اقدام مشارالیه این بود که مذاکرات در محکمه باعث تزلزل نظر عمومی خواهد شد. مدعی‌العموم حاضر به دادن توضیح هم نبود زیرا جایز نمی‌دانست که ا. علت این موضوع هم مردم مطلع شوند. دکتر ایفل وکیل مدافع کارل ورنر و علوی و سردیبرلین آم‌ترگن [و] دوشینسکی و ولف وکیزه و تر اظهار داشت که برای این که شاه ایران متغیر شده علت ندارد که نظم عمومی در آلمان متزلزل شود. به این سؤال هم جوابی داده نشد، تماشاچی‌ها را خارج کردند و از مخبرین جراید تمهید گرفتند که راجع به آن چه که در محاکم گفتگو می‌شود در خارج صحبت ننمایند. نمایندگان وزارت امور خارجه چون پی بردند که چه مخاطراتی در پیش است قبل از شروع محاکمه از محکمه خارج شدند.^۱ سپس درب‌های محکمه را بسته و محاکمه شروع گردید.

نظر به تمهیدی که کرده‌ایم نمی‌توانیم راجع به قضایایی که در آن گفتگو به عمل آمده صحبت نماییم زیرا وزارت امور خارجه انتشار آنها را موجب برهم خوردن نظم جمهوری آلمان می‌داند. بدین واسطه محق نیستیم که اسرار دولتی را که در پشت پرده اظهار شده فاش نماییم نه فقط تنها به این واسطه بلکه نیز به این دلیل که اسراری وجود نداشته که ما بتوانیم اظهار نماییم. بنابراین ما سری فاش نمی‌کنیم. وقتی می‌گوییم که محکمه برای مطالعه قوانین ایران تحقیقات محلی در تهران نموده و بدون رفتن این راه پرخرج قوانین ایران را مطالعه کرد، است.

راجع به این که هیندنبورگ درواقع سلطان است یا خیر از طرف یک نفر متخصص هرچند بدون نتیجه ولی به اندازه کافی توضیح داده شد.

رئیس محکمه، مقاله [ای] که مورد اعتراض مدعی‌العموم بود قرائت نموده برای این که ثابت نماید که رضاخان در حقیقت وجود دارد و اختراع مدعی‌العموم نیست.

هیندنبورگ سلطان نیست

مطالعه قوانین ایران قبل از شروع به محاکمه در روزنامه ما به حد کافی باعث دلخوشی خوانندگان گردید. در حین مطالعه چنین به نظر رسید که سه نکته در قوانین ایران هست که در موضوع معامله متقابل باید در نظر گرفته شود. یکی در قانون قدیم مطبوعات ۱۹۰۸/۲/۲۷ است. آنجا نوشته شده که هرکس توهین به سلطان مملکت غیرکند مجازات خواهد شد.

ما نمی‌دانیم که آیا واقعاً باعث برهم زدن نظم عمومی خواهد شد هرگاه بگوییم متخصصینی وجود دارند مثلاً متخصصی که از طرف مدعی‌العموم تعیین گردیده که بر این عقیده هستند که قانون ایران در این مورد یک نفر شاه تاجدار مسلم را در نظر گرفته است. گمان می‌کنم بدون این که ما در خانه رئیس‌جمهور هیندنبورگ تفتیشاتی به عمل بیاوریم این قضیه ثابت باشد که او نه تاج دارد و نه مسلم است. ولی بیشتر باعث برهم زدن نظم عمومی است. این دفعه نظم عمومی ایران. اگر ما به طور تحقیق متذکر شویم که این قانون مطبوعات که مدعی‌العموم بدان تکیه کرده است و یک قانونی است که از نظر دموکراسی و آزادی‌طلبی وضع گردیده به توسط خود رضاخان از بین برداشته شده است ولی این موضوع باز مربوط می‌شود به فصل استبداد.

دولت ایران برای این که بتواند متخلفین برلنی را دستگیر نماید در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۳۱ یعنی بعد از این که توهین به شاه ایران صورت خارجی پیدا نموده بود - مقاله برلین ام‌مرگن در تاریخ ۲۲ آوریل نوشته شد - قانونی وضع نمود و به جای کلمه سلطان در آن کلمه رئیس مملکت را قرار داد. بلی در این قانون مدت مجازات هم که در قانون سابق نبود برطبق ماده ۱۰۳ تعیین گردید. در دو سال قبل که متخصص ما می‌خواست در ایران قانون فوق را خریداری کند نسخ آن تمام شده بود و به دست نمی‌آمد. وکیل مدافع دکتر اپفل از ارائه دادن ادله خود در جلسه خصوصی امتناع ورزیده و اظهار نمود که ادله او که راجع به حقایق گفته‌هایی است که بر علیه رضاخان به عمل آمده باید در حضور عامه خوانده شود.

با وجود خطری که دارد و با وجود این که ما اسرار دولتی را فاش می‌کنیم مع‌هذا می‌نویسم که سردبیر ما دوشینسکی از خود چطور دفاع نمود. با جنبه تمسخری که دارد توضیح داد که

من در کتاب لغت درون لغت مستبد را پیدا کرده‌ام و در آن جا به معنی آقا است «حال آگ می‌گویم آقایان خود را توهین شده تصور نکنید.» در یک حالت خوشی رئیس محکمه به تندی اظهار نمود: «اهمیت موسیقی منوط به آهنگ آن است» و در ضمن نیز متذکر گردید که لغت مستبد در زبان یونانی هم یک عنوان باشراستی بوده است. با این اوضاع موقعیه مدعی‌العموم در حقیقت درخور نسبت بود. مشارالیه چنین اظهار داشت که عقیده من ه راجع به معنی لغت سلطان همان عقیده رئیس‌الوزرا ایران است که می‌گوید سلطان یعنی «مسلم بودن بر خود»، «مسلط بودن بر جسم خود» در این موقع دکتر افول اظهار نمود که بنابراین هر هم یک نفر سلطانم.

تقاضای آخر مدعی‌العموم اعدام نبود ولی یکی دو سال حبس. روزنامه لکال انساگر د سال ۱۹۰۹ شاه ایران را مستبد شرقی خوانده بود. کدام مدعی‌العموم او را تعقیب نمود؟

حکم

محکمه پس از جلسه خصوصی قضات رأی ذیل را ابلاغ نمود: کلیه مدعی علیهم راجع به موضوع توهین تبرئه می‌شوند و برای این که و نر و ولف مخالف قانون مطبوعات رفتار کرده‌اند هر کدام به شصت مارک مجازات می‌شوند. مخارج محاکمه برعهده صندوق دولت است. د ابلاغیه رسمی محکمه اظهار می‌دارد عقل بشر به تنهایی کافی است که تشخیص بدهد که لغت سلطان در قانون مطبوعات ۱۹۰۸ در مورد هیندنبورگ نمی‌تواند استعمال شود. نه کمک وزارت امور خارجه آلمان در این باب لازم است و نه کمک وزارت امور خارجه ایران.

آخرین شماره پیکار را نظر به این که در تاریخ اول ژوئن ۱۹۳۱ انتشار پیدا نموده بود، یعنی بعد از وضع قانون جدید ایران تحت مطالعه آوردیم برای این که معین کنیم که آیا در حقیقت در آن توهینی به شاه وارد آورده شده یا خیر.

نظر محکمه این است که در مقاله مزبور فقط تنقید از اوضاع حالیه شده و آن هم در یک حدودی که جایز است. بنابراین توهین به شاه ایران وارد نشده است.

(در جزء تنقید این جمله نیز بوده است: منافع ایران را اسباب بازی دست انگلیس‌ها نمود.

است - سردبیر) مفاد اظهارات رئیس محکمه این بود که این محاکمه اساساً بی‌معنی بوده است زیرا در آخر اظهار داشت: گمان می‌کنم خوش‌بینی زیاده از حدی نیست که من بگویم این قضیه بالاخره خاتمه پیدا نمود زیرا نه ما قضاات بلکه عامه نیز قائل بر این عقیده خواهند گردید بدون این که سیاستمدار باشند.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۳۰

نمره اندیکاتور: ۱۴۵

سند شماره ۱۱۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه از: فسیشه سایتونگ

تاریخ اصل: ۱۹۳۲/۴/۵

معامله متقابل

راپورت راجع به محاکمه شاه ایران درخصوص توهینی که نسبت به او وارد آمده و دیروز در محکمه برلین محاکمه گردید و مدعی‌علیهم کلیه تبرئه گردیدند ساده و بدون آرایش نیست. مدعی‌العموم تقاضای اخراج تماشاچیان را نموده و علت آن را نیز مخفی نگاهداشت.

بنابراین احدی نمی‌داند که چرا این تقاضا شد و چرا از طرف محکمه پذیرفته گردید. مع‌هذا رئیس محکمه آن چه می‌توانست اجرا نمود: نمایندگان مطبوعات را اخراج نکرد، ولی به شرط این که آن چه می‌شنوند مخفی نگاهدارند. کی قادر بر این است راجع به جلسه راپورت بدهد که نکات مهم آن را مجبور است مخفی نگاهدارد؟

خطر دوم در اینجا است که شاه ایران در پایتخت دور دست خود تهران مواظب است که چه چیز در آلمان خواه به فارسی و خواه به آلمانی راجع به او نوشته می‌شود و از مجرای سیاسی سپس نویسنده را تعقیب نموده و اقامه دعوا بر علیه او می‌کند. این مساعی مشارالیه برای ما اهمیتی نداشت در صورتی که دولت آلمان کوشش نمی‌نمود که میل شاه را به موقع اجرا بگذارد. ولی حال که این چنین است کدام نویسنده جرأت دارد در نتیجه تقاضای شاه خود را در دام دولت بیاندازد. عقیده دولت این است که حفظ منافع سیاست خارجی آلمان واجب‌تر است تا از حفظ منافع یک نفر محصل ایرانی و همکاریانش، منافع سیاست خارجی آلمان در ایران منافع اقتصادی است. تجار آلمانی طرف معامله در ایران هستند. تزلزل روابط سیاسی در این مورد تزلزل روابط تجاری است. هرگاه در حقیقت در نتیجه متغیر شدن شاه ایران نسبت به مطبوعات آلمان تزلزلی در مناسبات سیاسی این دو مملکت پیدا شود آیا دولت آلمان مجبور است که این تزلزل را به حال خود باقی گذارده و هیچ اقدامی در این راه نکند؟ اینها نظریاتی است که مربوط به وزارت امور خارجه است ولی همین که موضوع یک موضوع حقوقی شد فقط از یک نظر حل آن قابل امکان است و آن از نظر قانونی است. اساس اقامه دعوای رئیس مملکت دیگری در محکمه آلمان ماده ۱۰۳ قانون جزا است «هر کس رئیس مملکت دیگری را توهین نماید که معامله متقابل با آلمان کنند به یک هفته الی دو سال حبس شخص توهین کننده مجازات خواهد گردید. تعقیب مدعی علیه منوط به اقامه دعوای رئیس مملکت توهین شده است» اقامه دعوا از طرف شاه ایران به عمل آمده و تا اینجا آنچه شده صحیح است ولی حال باید دید که معامله متقابل چه صورتی دارد زیرا محاکمه منوط است به اینکه معامله متقابل بشود.

در این صورت باید بدانیم که اگر در ایران به هیندنبورگ توهین شود دولت ایران چه معامله با شخص توهین کننده می‌نماید. در ایران قانونی هست که مطابق آن هر کس به رئیس مملکت

دیگری توهین کند مجازات می‌شود ولی این قانون در تاریخ پانزده مه ۱۹۳۱ وضع گردیده است. قانون مزبور به این مناسبت وضع شده که معامله متقابل با آلمان را تأمین کند. قبل از این قانون، قانون دیگری نیز موجود بوده است که برطبق آن آن کس مجازات می‌شده که به سلطان مملکت دیگری توهین نماید. آیا عنوان سلطان در مورد هیندنبورگ هم ممکن است استعمال شود؟

مدعی‌العموم به وسیله وزارت امور خارجه متخصصی برای تشخیص آن معین کرده که در اونیورسسته برلن پروفیسور السنه شرقی است. این مرد با حقیقت که مع‌هذا تا اندازه [ای] در تحت نفوذ وزارت امور خارجه قرار گرفته است توضیح داد که سلطان فقط عنوانی است که در مورد شاه مسلمین استعمال می‌شود.

رئیس محکمه پس از این توضیح اظهار داشت که عقل هر بشر عاقلی قضاوت می‌کند که عنوان سلطان تعلق به یک پادشاه مسلم دارد.

نظر به این که قضاوت عقل بشری در محکمه مورد توجه واقع گشت و پنج مقاله پیکار و دو مقاله مطبوعات آلمانی قبل از پانزدهم مه ۱۹۳۱ نوشته شده بودند اقامه دعوا فقط برعلیه مقاله ششم پیکار اجرا گردید. محکمه رأی می‌دهد در این مقاله توهینی به شاه ایران نشده و فقط تنقید از اوضاع امروزه ایران در حدودی که جایز است بوده است.

این که مناسبات سیاسی و منافع اقتصادی و ملاحظه در روشنایی و تاریکی و معامله متقابل وجود دارد شکی نیست ولی از همه اینها گذشته شکر خدا را که هنوز در پروس قضاوت مستقل وجود دارند.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۳۰

نمره اندیکاتور: ۱۴۵

سند شماره ۱۱۹/۳

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه: برلین ام مرگن

تاریخ اصل: ۱۳۲۲/۴/۹^۱

تمامش برای شاه ایران

حبس برای مدیر نهضت

تلگرافی که مسلماً تا به حال به دست شاه ایران رسیده است مانع از این خواهد شد که جنگ بین ایران و آلمان در بگیرد. محکمه کفاره جنایتی که درباره شاه ایران نموده بود پس داد و امید می رود که با این ترتیب شاه ایران را دو مرتبه از خود راضی نماید.

مدعی علیهم یکی رینکر مدیر مطبعه بود که برطبق دستور رفقای برلنی خود نهضت را اشاعه می داد.

مدعی العموم نهضت را دنباله پیکار دانسته و محکمه بدین علت مشارالیه را به سه ماه حبس محکوم نمود که برای احساسات حقوقی ما آلمان ها یک عمل غیر قابل عفو است. افتضاح این رأی از حد هم تجاوز کرده است زیرا ادله ای که ارائه داده شده مدلل می نماید که رینکر اساساً با ورنر سردبیر پیکار رابطه نداشته است و هیچ کدام از کارکنان آن را نمی شناخته است.

مدعی علیه دیگر ولف بود که صددرصد از نظر تأمیناتی پاک و مقدس است و به این مناسبت غیر ممکن بود که این شخص از مطبعه خود صرف نظر نماید و مخالف میل نظمیه رفتار کند.

ولی برای محکمه راپورت‌های یک متخصصی که امروز ساعی است آنچه که دیروز در محکمه توهین به شاه بد کرده دو مرتبه خوب نماید پایه و اساس بود. مشارالیه در راپورت خود می‌نویسد که مهارت نویسندگی کارکنان پیکار و نهضت سوءظن ایجاد می‌کند زیرا در ایران نویسنده زبردست کم است و به همین دلیل درجه فکری روزنامه رسمی ایران به اندازه [ای] پایین است که خواننده در فهم معنی مقالات آن باز می‌ماند. دکتر اپفل به مدعی‌العموم اظهار داشت که آیا مفاد این راپورت هم باعث برهم زدن نظم عمومی خواهد شد؟ سوءظن رئیس محکمه بیشتر به مقالاتی بود که هم در پیکار و هم در نهضت راجع به اعتصاب کارگران پشم در ایران نوشته شده است. دکتر اپفل اظهار نمود که کلیه مهاجرین ایران متوجه این نوع قضایا هستند. آقای کرایسمن که در چند روز قبل مساعی او چندان نتیجه نبخشید تقاضا نمود که رینکر به پنج ماه و ولف به چهار ماه حبس محکوم شوند. در تعقیب این تقاضا دکتر اپفل اظهار داشت که چرا مدعی‌العموم فقط درباره شاه ایران این اندازه حرارت به خرج می‌دهد در صورتی که در مورد روزنامه «ناسیونال پست» که به جای «انگریف» انتشار داده شده این اندازه جدیت و مساعی به کار نبرد.

بعد از این که رأی ابلاغ گردید مدعی‌العموم بلادرنک اظهار نمود که استیناف خواهد داد. ظاهراً این طور می‌نماید که یک نفر قاضی برلنی برای مطالعه قوانین ایران باید به ایران اعزام شود برای این که بتواند ریاست محکمه ایرانی که در موآبیت ایجاد می‌شود عهده‌دار گردد.

رسوایی ادامه دارد:

مدعی‌العموم برعلیه رأیی که در محاکمه توهین به شاه داده شد استیناف داده است. مدعی‌العموم خیال می‌کند که هنوز به اندازه کافی مسخره نشده است. حال باید ادله [ای] که ضد شاه موجود است در مقامات بالاتر مورد مذاکره واقع شود. گمان می‌رود که در نتیجه آن روابط ایران و آلمان بهتر شود و یا این که مدعی‌العموم تمام امید خود را منوط به محکمه استیناف نموده است؟ به حال ما مساوی است.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۲/۴

نمره اندیکاتور: ۱۷۲

سند شماره ۱۲۰

مراسله اداره شرق وزارت خارجه آلمان در مورد اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب نویسندگان مقالات روزنامه‌های آلمانی علیه جریان محاکمه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

سواد ترجمه مراسله وزارت امور خارجه آلمان

آقای وزیر مختار

در تعقیب مراسله محترم مورخ ۲۹ آوریل و دویم مه نمره ۴۰ و ۴۴ محترماً تصدیع می‌دهد وزارت امور خارجه از مقامات مربوطه تقاضا نموده است که بر علیه دکتر کارل ونر و مقاله او که تحت عنوان «برلن در ایران واقع است» و در روزنامه ۲۲ آوریل برلین آم مرگن مندرج شده و همچنین بر علیه «ارنست کیزوتر» و مقاله او که به عنوان «توهین به اعلی حضرت» در روزنامه برلینر تریبون مورخ ۱۸ آوریل درج شده است تعقیبات جزائی به عمل آورند. دنباله اقدامات را بعداً عرض خواهد کرد.

مستدعی است احترامات فائقه

دکتر گروبا

سند شماره ۱۲۱

محکومیت مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) به یک ماه و نیم حبس

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

نمره: ۷۱۰۳۱۱۰/۱۴۰۵۵

اداره: اروپا - آمریکا

تاریخ: ۱۱/۴/۲۱ [۱۳]

فوری است

وزارت جلیله دربار پهلوی

البته خاطر مبارک از محکومیت دکتر ونر مدیر پیکار مستحضر می باشد مع ذلک سواد تلگرافی که در این باب از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن رسیده ذیلاً درج می نماید:
«دکتر ونر مدیر مسئول پیکار به یکماه و نیم حبس محکوم گردید. انتها.»

[امضا: محمدعلی فروغی]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۴/۲۱

نمره اندیکاتور: ۲۲۸۴

سند شماره ۱۲۲

مکاتبه سفیر ایران در آلمان (عنایت‌الله سمیعی) با وزارت دربار در خصوص
مقاله روزنامه کلاین ژورنال راجع به آزادی عاملین انتشار روزنامه پیکار
توسط محکمه برلن و انتقامجویی دولت ایران

[شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

برلن

نمره: ۴۳۱

[مورخ: ۲۷ تیر ۱۳۱۱]

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته

در تعقیب راپورت‌های سابق ترجمه خبری که در روزنامه کلاین ژو[ر]نال برلن نشر شده
است، از لحاظ مبارک می‌گذراند.

[امضا: عنایت‌الله سمیعی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: ضبط.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۶/۱۷

نمره اندیکاتور: ۳۳۰۴

سند شماره ۱۲۲/۱

در کلاین ژورنال - برلین

شماره: ۲۸

[تاریخ: ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۲]

در خطر افتادن منافع آلمان

دعوی توهینی که شاه ایران بر علیه یک نفر انقلابی ایران و دو نفر روزنامه نگار و صاحب چاپخانه آلمانی به مناسبت طبع نمودن رساله اقامه نموده بود و در مجلس اول محکمه حکم آزادی آنان را صادر نموده بود از قراری که می‌شنویم خیلی باعث انتقام‌گیری حکومت ایران شده است.

شاه ایران که سیاستمداری و اراده محکم به او نسبت می‌دهند و در سال‌های اخیر برای مملکت خویش خیلی کار کرده است به مناسبت رویه [ای] که [در] محکمه پیش گرفته شده است خود را مجبور دید چندین سفارش بزرگ چند صد میلیونی را که ایران به مؤسسه‌های آلمانی داده بود پس بگیرد. به علاوه می‌گویند در ایران که تا به حال مناسبات بسیار خوبی با آلمان داشته و عده زیادی تبعه‌های آلمان را در آب و خاک خود پذیرایی می‌کرده برودت روز افزون یا بهتر بگوییم تنفر نسبت به آلمانی‌ها پیدا شده است. به طوری که ممکن است منتج به تبعید آنان از ایران بشود. اینک می‌باید سؤال کرد به توسط آزادی که معنی آن غلط فهمیده می‌شود می‌توان منافع حقیقی آلمان را در معرض خطر گذاشت.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۶/۱۷

نمره اندیکاتور: ۳۳۰۴

سند شماره ۱۲۳

انتشار روزنامه پیکار به صورت شب نامه، تحت مدیریت محمود پایدار در
اتریش

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

نمره: ۷۱۰۳۱۱۰/۱۹۲۱۱

اداره: اروپا - آمریکا

تاریخ: ۱۳/۵/۱۳۱۱

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

سفارت شاهنشاهی مقیم رم با تلگراف اطلاع می دهد که در شهر وینه پیکار به صورت
شب نامه تحت مدیریت محمود پایدار منتشر شده فوراً دستور داده شد که تفصیل توقیف پیکار
و محکومیت کارکنان آن را در آلمان به دولت اتریش اطلاع داده و جلوگیری از آن را فوراً
تقاضا نمایند. هر خبری بعداً در این باب واصل گردد به استحضار خاطر مبارک خواهد
رسانید.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر:] وزارت امور خارجه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۶/۱۷

نمره اندیکاتور: ۷۴۸

احزاب

سند شماره ۱۲۴

مکاتبه جمعیت تعاون ملی در خصوص اعلامیه رضاشاه راجع به نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی و تعیین اعضای هیأت نظار مرکزی انتخابات

جمعیت تعاون ملی

تاریخ: ۱۱ اسفند ماه ۱۳۰۴

نمره: ۱۱۱

ساحت مقدس بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شهریار خلدالله ملکه
اعلامیه مقدس ملوکانه که مژده بخش آزادی انتخابات و قدغن از مداخلات غیرقانونی بود
اسباب تکمیل امیدواری توده ملت و احزاب آزادی خواه و علاقمندان به عظمت دولت و ملت
گردید.

در آخرین جلسه جمعیت مهم تعاون ملی عموم جمعیت از احساسات پاک ملوکانه
تشکرات پی در پی به عمل آورده و در خاتمه شکایات زیادی که در این چند روزه از طرف

غالب طبقات ملت و کلیه افراد خرده پای این جمعیت راجع به عدم دقتی که در تعیین متعهدین ملی و بالتیجه تعیین هیأت نظار مرکزی در جمعیت اظهار شده به عرض سده سنیه می‌رساند. برای این که کاملاً تأثیر اعلامیه ملوکانه در آزادی انتخابات موجب تشکر عموم شود خاطر مقدس را به هیأت نظاری که برخلاف بی‌طرفی عمومی انتخاب شده است توجه داده و نگرانی‌هایی که از سابقه اکثریت افراد و مدعویین مذکور می‌شود خاطر نشان آستان ملوکانه نموده با نهایت امیدواری و استرحام معروض می‌دارد که بذل توجه بفرمایید که هیأت نظار از معتمدین و عناصر سابقه‌دار که نمونه آن با مراجعه به دوسیه نظار ادوار سابقه منظور نظر ملوکانه خواهد شد به عمل آید تا حفظ احترام امر شاهانه شده و موجب امیدواری و شرکت عموم طبقات ملت و احزاب آزادیخواه در انتخابات شود.

امر ملوکانه مطاع است.

[مهر:] جمعیت تعاون ملی

تهران - ۱۳۰۴

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۲۵

قسم نامه عضویت حایری زاده یزدی و میرزا عطاءالله روحی در جمعیت
ایران نو

[شیر و خورشید]

نمره: ۴۱

اینجانب امضاکننده: سید ابوالحسن حایری زاده یزدی

با قبول عضویت جمعیت [ایران نو] که در تحت ریاست عالیّه اعلی حضرت شاهنشاهی

(رضاشاه پهلوی) شاهنشاه ایران تشکیل می‌شود به شرافت خودم قسم می‌خورم که در اجرای مرام و مقصود جمعیت که خلاصه آن خدمت به عظمت و استقلال مملکت در لوای سلطنت پهلوی و صدیق و وظیفه شناس بودن نسبت به وطن و اعلیٰ حضرت شاهنشاهی و استفاده از قدرت معظم له در اجرای اصلاحات اساسی در ایران و سوق دادن مملکت به طرف ترقی و تجدد و مبارزه شدید با هر نوع نفوذهای خارجی و داخلی و عناصری که مخالف و مانع پیشرفت اصلاحات اساسی و ترقی و تجدد مملکت باشند و ترویج اصول صداقت و وظیفه‌شناسی و وطن دوستی و صحت عمل در جامعه و مبارزه با اضرار آن می‌باشد از هر نوع فداکاری و کوشش خودداری ننموده و کاملاً خود را مطیع تصمیمات جمعیت بدانم و در هر مقامی که باشم اجرای تصمیمات و مرام جمعیت را اول وظیفه خود دانسته و از آن تخلف نورزم.

اصل مرام حقیر بوده و با کمال افتخار حاضر - حایری زاده^۱

محل امضاء

به تاریخ: ۱۳۰۵/۱۲/۱۷

آدرس امضاءکننده: خیابان دروازه شمیران، نمره ۳۶.

سند شماره ۱۲۵/۱

[شیر و خورشید]

اینجانب امضاءکننده: میرزا عطاءالله روحی نماینده کرمان

با قبول عضویت جمعیت [ایران نو] که در تحت ریاست عالیہ اعلیٰ حضرت شاهنشاهی «رضاشاه پهلوی» شاهنشاه ایران تشکیل می‌شود به شرافت خودم قسم می‌خورم که در اجرای مرام و مقصود جمعیت که خلاصه آن خدمت به عظمت و استقلال مملکت در لوای سلطنت

۱. این قسمت به خط خود حایری زاده نوشته شده است.

پهلوی و صدیق و وظیفه شناس بودن نسبت به وطن و اعلیٰ حضرت شاهنشاهی و استفاده قدرت معظم له در اجرای اصلاحات اساسی در ایران و سوق دادن مملکت به طرف ترقی تجدد و مبارزه شدید با هر نوع نفوذهای خارجی و داخلی و عناصری که مخالف و مانع پیشرفت اصلاحات اساسی و ترقی و تجدد مملکت باشند و ترویج اصول صداقت و وظیفه شناسی و وطن دوستی و صحت عمل در جامعه و مبارزه با اضداد آن می باشد از هر نو فداکاری و کوشش خودداری ننموده و کاملاً خود را مطیع تصمیمات جمعیت بدانم و در مقامی که باشم اجرای تصمیمات و مرام جمعیت را اول وظیفه خود دانسته و از آن تخلف نورزم.

محل امضاء

[امضا: عطاءالله روحی]

به تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۰۶

آدرس امضاءکننده: خیابان آقا شیخ هادی.

سند شماره ۱۲۶

مقاله روزنامه جمهوریت اسلامبول در مورد تأسیس «فرقه جمهوری طلبه انقلابی ایران» در ایران

ترجمه از روزنامه جمهوریت اسلامبول، شماره ۱۰۵۳-۱۴ آوریل ۱۹۲۷^۱

انتباه (به خود آمدن) در ایران

ملیون ایران بر ضد سلطنت و اشرافیت وارد کشمکش می شوند

جریانی که در ایران بر ضد سلطنت وجود دارد روز به روز سخت تر می شود. ملیون ایران براء

این که «شاه رضاخان» را از تخت خود برانداخته دستگاه جمهوریت تأسیس کنند کوشش می‌نمایند.^۱ برای انجام این مقصد از طرف ایرانیانی که در ممالک خارجه هستند فرقه معتبری به نام «فرقه جمهوری طلب انقلابی ایران» تأسیس شده است. فرقه انقلاب در بیاننامه [ای] که اخیراً نشر کرده و یک نسخه آن را برای ما فرستاده است می‌گوید که:

رنج‌هایی که ایرانیان از پانزده سال به این طرف کشیده [و] فداکاری‌هایی که کردند به هدر نرفته. تمایل انقلابی توده روز به روز وسعت می‌یابد. این نکته معین شده است مادام که فرقه انقلابی که براساس‌های متین مبتنی باشد تشکیل نیافته است ربودن غلبه خواه بر دشمنان داخلی باشد خواه دشمنان خارجی میسر نخواهد شد. ملت اهمیت انقلاب تاریخی چین را درک کرده جمع‌آوری تشکیلات و تجربیات آن را معاً آموخته است.

ملت امروز عملیات انقلابی را به تجربه دیده‌تر و صادق‌تر و با وجدان‌ترین عناصر سپرده است و در مجادله خود در مقابل دشمن، مالک سلاحی است قوی [که] این سلاح همان فرقه انقلاب است و ملت با وجود این سلاح می‌تواند با جرأت به کشمکش که او را به فتح کامیاب خواهد کرد وارد شود. ما ملت ایران در راه مقصدی مقدس مانند رهایی از حاکمیت اجنبی و در همان حال در راه محو ساختن اساس خان‌خانی و اشرافیت و رضاخان که نماینده آن است مجادله می‌کنیم.

برای این که دارای زندگانی شویم که شایسته انسان و لایق ایرانی کارکن است مجادله می‌کنیم. برای این که تمام هموطنان ایرانی از سیاست مساوات برخوردار شوند مجادله می‌کنیم. بالاخره برای یک جمهوریت آزاد دموکرات (ملی) مجادله می‌کنیم.

ما برای وصول به مقصد خود به لزوم اجتماع طبقه منوره در زیر یک بیرق معتقدیم و شمایل مظفریت خود را در آنجا می‌بینم.

زنده باد ملت مستقل و آزاد ایران

زنده باد ملت کارکن ایران

نابود باد خان‌خانی و اشرافیت و نماینده آن رضاخان

زنده باد انقلاب

۱. در اصل: می‌نماید.

سند شماره ۱۲۷

واگذاری امتیاز روزنامه ایران نو از جانب زین‌العابدین رهنما به جمعیت
ایران نو

[شیر و خورشید]
وزارت دربار پهلوی

تاریخ اصل مطلب: ۲۷ مرداد ماه ۱۳۰۶

نمره کتاب ثبت: ۱۹۷۷

وزارت جلیله معارف و اوقاف

امتیاز روزنامه ایران نو را جناب آقای رهنما صاحب امتیاز [آن] به موجب مراسله‌ای که سواد
آن لفاً ارسال می‌گردد به اینجانب واگذار نموده است. متمنی هستم امتیاز مزبور را از این تاریخ
به اسم اینجانب ثبت نماید. اینجانب امتیاز روزنامه مزبور را به جمعیت ایران نو واگذار خواهم
نمود.

تیمورتاش

سند شماره ۱۲۷/۱

وزارت جلیله معارف

امتیاز روزنامه «ایران نو» [را] که با اینجانب است از این تاریخ به وسیله حضرت آقای
تیمورتاش وزیر دربار محترم پهلوی به جمعیت محترم ایران نو واگذار می‌نمایم.

[امضا: زین‌العابدین رهنما]

[۱۳۰] ۶/۵/۱۷

سند شماره ۱۲۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره کل معارف

به تاریخ: ۱۳۰۶/۵/۲۵

دایره اطلاعات

نمره: ۶۷۴۶/۳۱۴۱

جناب مستطاب اجل آقای تیمورتاش وزیر محترم دربار پهلوی
مرقومه محترمه نمره «۱۹۷۷» راجع به امتیاز جریده «ایران نو» که جناب آقای رهنما به
حضرت اجل عالی واگذار نموده‌اند زیب وصول بخشید. محترماً زحمت می‌دهد که وزارت
معارف با انتقال امتیاز به حضرت اجل عالی موافقت دارد و مانعی برای نشر جریده مزبور
نمی‌باشد. چون شورای عالی معارف فعلاً تعطیل است لهذا بعد از انعقاد امتیازنامه هم صادر و
تقدیم خواهد گردید.

از طرف وزیر

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱۲۸

درخواست عده‌ای از معاریف قزوین برای عضویت در حزب ایران نو

[تاریخ: ۱۳/۶/۳۰۶/۱]

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف

آقای تیمورتاش وزیر دربار دامت شوکت

بعد از ملاحظه نطق مبسوط مندرجه در جریده شفق سرخ از طرف حضرت اشرف راجع به تشکیل حزب «ایران نو»، امضاکنندگان ذیل کاملاً با مرام حزب مزبور موافق [بوده] و مطابق آمال دیرینه افراد ایرانی است. چون اطلاع از وضع تشکیلات آن نداشت، استدعا داریم دستورات لازم به ضمیمه مرام و نظام [نامه] آن حزب محترم ارسال فرمایند تا به اسرع وقت شروع به اقدام گردد. چنانچه لازم به معرفی قبول کنندگان مرام مذکور باشد آقای ملک‌آرای نماینده محترم قزوین در مرکز تشریف دارند.

[امضای چهارده نفر:] نبیلی عضو ارزاق قزوین، مظفرالدین شمس مدیر مدرسه دولتی شمس، باقر نباتی ناظم مدرسه امید، علی آمین معلم مدرسه امید، ح صفوی عضو عدلیه، غلامرضا شمس مدیر مدرسه امید، یوسف خاکپور عضو سرویس حمل و نقل مالیه قزوین، مسیح دارتپه (?) عضو سرویس حمل و نقل مالیه قزوین، اردشیر کاج عضو ارزاق قزوین، محمد حسین چگینی عضو ارزاق قزوین، غیاث کرم غیاثوند عضو ارزاق قزوین، میرزا ابوالقاسم فقیه زاده، قدرت‌الله خان غیاث، نظام غیاثوند.

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] به عضویت قبول می‌شوند.

سند شماره ۱۲۹

نامه حسن مرزبان از استانبول به محمدعلی فروغی راجع به مسائل منطقه
بالکان و تبلیغات برای حزب ایران نو در ترکیه

اسلامبول ۲۱ آبان

تصدقت شوم

پس از تقدیم مراتب فدویت و استعلام از صحت و سلامت مزاج منیر (؟) و مبارک، محترماً
مصدع می‌گردد:

حضرت آقای فروغی در روز پنجشنبه ۱۹ آبان اولین جلسه منعقد را با آقای ساعد از
یک طرف و آقایان توفیق رشدی بیک و ممدوح شوکت بیک از طرف دیگر داشته‌اند.
انتخابات ترکیه چنانکه خاطر مبارک را سابقاً مستحضر ساخته بود خاتمه پیدا کرده و بالاخره
در نتیجه انتخاب، رئیس‌جمهور به اتفاق آراء منتخب و [به] عصمت پاشا و کابینه‌اش نیز به
اتفاق رأی اعتماد داده شد. اینک رئیس‌جمهور و مجلس و کابینه اگر اتفاقات خارجی پیش
نیاید سر فارغ [و] خالی از اغیار و معترض مشغول کارهای خود می‌شوند و تمام کارها
دوستانه می‌گذرد. بعد از اتفاق سرحدی در دیاریک از منابع مخصوصه خارجی شنیده شد
اتادوسیژ است و طرف حدود آزارات بیست و پنج هزار عکس جمع‌آوری نموده‌اند. روی هم
رفته اوضاع سیاست هم شکل مخصوصی به خود گرفته و هر روز از پشت پرده یک عقد
قرارداد جدیدی بین دول ظهور و مورد تنفیذ و تحسین دول دیگر می‌گردد. اخیراً قرارداد منعقد
بین دولتین فرانسه و صرب خیلی صدا بلند کرده و ایتالیایی‌ها خیلی بدبین هستند و روی هم
رفته از این قرارداد ترک‌ها هم خوشوقت نیستند چه که فرانسه‌ها با ترکها بد نیستند. فعلاً نزاع
سر حاکمیت مدیترانه است و نقطه‌های نظر بدان صوب متوجه است. اوضاع بالکان نیز چندان
تعریف ندارد. هر روز در سرحد بلغارستان و صرب زدوخوردهایی بین کمیته‌چی‌های
بلغارستان و صرب موجود است. از رومانی سیاست ولیعهد مخلوع خیلی پیشرفت دارد.
راجع به حزب ایران نو امیدوارم با همت حضرت اجل عالی و عزم ثابتان پیشرفت‌های بزرگ

کرده و اگرچه مقصود و منظور معلوم است که این حزب اساس آن در روی ترقی مملکت و رفورم‌های لازمه است لهذا چنانچه تصویب بفرمایند و مرام یا نظامی چاپ شده دارد برای این بنده ارسال دارند موجب تشکر و امتنان خواهد بود. ضمناً بنده می‌توانم پروپاگاندا بین اتباعی که تا اندازه [ای] نفوذ دارم بنمایم. در خاتمه از خداوند عزت و سلامت و موفقیت برای وجود محترمتان خواستارم.

فدوی دکتر حسن مرزبان

[حاشیه پایین، اول:] خصوصی داده شد. ضبط شود.

سند شماره ۱۳۰

گزارش ایالت کرمان در خصوص فعالیت رهبران سوسیالیست‌ها در سیرجان

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ اصل مطلب: ۱۰ اسفند ماه ۱۳۰۶

نمره کتاب ثبت: ۴۴۵۶

آقای وزیر مالیه

قربانت گردم سواد یک فقره راپورت ایالت جلیله کرمان را برای اطلاع خاطر شریف لفاً ارسال می‌دارم. ایام به کام باد.

(تیمورتاش)

سند شماره ۱۳۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

به تاریخ: ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۶

وزارت جلیله دربار پهلوی

چندی است اداره مالیه کرمان چند نفر از لیدرهای سوسیالیست را که اسامی آنها ذیلاً به عرض می‌رسد برای ممیزی به سیرجان فرستاده: کربلایی علی زارع، احمدعلی‌خان زند رشیدی، آقای مهدی کنت [و] جواد آقای ترک. حضرات با کفیل مالیه شهابی ساخت و پاخت کرده قریب شصت قریه را ممیزی کرده قریب به دو هزار و هشتصد و کسری تومان به عنوان مصارف ممیزی از مردم دریافت [کرده] و مبالغی هم معروف است به عنوان‌های دیگر گرفته و متجاوز از چندین هزار تومان به ضرر خزانه ممیزی کرده‌اند. ضمناً از موقع استفاده کرده اتحادی با رشیدالسلطان بسته‌اند که در موقع انتخابات با سوسیالیست‌ها موافقت کند. حاجی رشید هم چون ملاک و همیشه طرف حساب و کار[ش] با مالیه است به قید قسم قبول نموده است که با سوسیالیست‌ها موافقت کند. ضمناً حشمت السلطان که معروف حضور می‌باشد چون این موقع حکومت سیرجان را دارد خواسته‌اند داخل این ترتیب نمایند جواب داده من نمی‌توانم داخل این قبیل گفتگوها شده و تعهدی نمایم و صرف بی‌طرفم. این مسأله به حضرات برخوردی توسط شهابی شروع به بعضی اقدامات بر علیه حشمت شده اعضای مالیه را به عنوان این که ممکن است حکومت عوایدی داشته باشد^۱ و باید مالیه کنترل کند مأمورین قاجاق تریاک را مأمور تفتیش و محاصره حکومت می‌نماید. به علاوه اعلانی منتشر می‌سازد که مرجع امور عدلیه و مالیه است [و] کسی نباید به حکومت مراجعه نماید. در تحت این عنوان نامشروع از هیچ وقاحتی فروگذار نکردند. از قراری که شنیدم، حقیقت هم دارد شکایاتی

توسط نصیرالدوله و رسائل دیگر به تهران کرده‌اند که حکومت سیرجان به ما تعدی می‌نماید. در کرمان هم بعضی فضولی‌ها کرده بودند همه را مرتفع کرده و اگر صلاح بدانید به حضرت وزیر مالیه بفرمایید این قضیه ممیزی سیرجان و تقلباتی که شده چون همه جا شهابی همدست بوده تعقیب بفرمایند.

[امضا: محمود جم]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] سواد برای آقای وزیر مالیه فرستاده شود.

سند شماره ۱۳۰/۲

[شیر و خورشید]

وزارت مالیه

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۰۶

قربانت شوم

مرقومه محترمه نمره ۴۴۵۶ متضمن سواد راپورت ایالت جلیله کرمان زیارت شد و فوراً اقدامات لازمه به عمل آمد. پس از حصول نتیجه مراتب را به استحضار خاطر مبارک خواهد رسانید.

[امضا: فیروز فیروز]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط شود.

سند شماره ۱۳۱

مکاتبات راجع به عریضه رضاخان امیرقاسمی در باب میرا بودن وی از فعالیت
حزبی

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

کارتن: ۱۷

دوسیه: ۲

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۰۷

نمره کتاب ثبت: ۴۳۱۹

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی
عین عریضه آقای امیرقاسمی را که به عرض خاکپای مبارک رسانیده است برای اقدام مقتضی
لفاً ارسال می‌دارد.

وزیر دربار پهلوی

سند شماره ۱۳۱/۱

اول بهمن ماه ۱۳۰۷ [۱]

به خاکپای مقدس اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت پدر تاجدار ایران ارواحنا فدا
جسارتاً به خاکپای مبارک عرضه می‌دارد، چاکر رضاخان امیرقاسمی مستخدم نظمیه
آذربایجان پس از ده سال تمام خدمات صادقانه، اخیراً در مقابل یک سوء تفاهمی در عین
خدمت و یک اتهام خالی از حقیقت بدون هیچ تقصیری از خدمت کنار، یک سال است آواره و
سرگردان، از هستی مالی به کلی ساقط، بعداً امر به تحقیقات گردیده با این که محکمه اداری دو

فقره حکم تبرئه پس از تحقیقات کامل در حق چاکر داده مجدداً دوسیه عمل به عدلیه ایالتی مراجعه، از آنجا نیز حکم برائت چاکر صادر و کاملاً رفع سوء تفاهم و بی تقصیری جان نثار به ثبوت رسیده با این حال تاکنون به شغل خود مراجعه نشده. در این مملکت بیچاره و گدا شده قدرت مخارج یومیه را نداشته دست در بغل مانده ام و امیدواری ما که به توجهات ذات اقدس اعلی حضرت پدر مهربان و پادشاه عادل عهد [است] فریاد دادخواهی به خاکپای مبارک عرض و استرحاماً استدعای عاجزانه دارد امر مبارک صادر گردد اداره محترم نظمیه با مراجعه به دوسیه جان نثار در صورت بی تقصیری شغل چاکر را مراجعه، با دعاگویی ذات اقدس شهریار ارواحنا فداء مشغول خدمتگزاری بوده باشد اگر فی الحقیقه مورد تقصیری واقع شده ام به مجازات خود نایل گردم. امر امر مبارک است.

[امضا: رضاخان امیرقاسمی]

[حاشیه پایین: توسط آقای فتوحی عرض شد.]

سند شماره ۱۳۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۴۶۹۴

تاریخ اصل مطلب: ۵ اسفند ماه ۱۳۰۷

نمره های قبل: ۴۰۰۹

اسم پاکت نویس کننده: سید حسن

آقای رضاخان امیر قاسمی نایب سیم سابق نظمیه ناحیه شمال
عریضه [ای] که به خاکپای مبارک همایونی عرض کرده بودید به اداره محترمه کل تشکیلات
نظمیه مراجعه شده و سواد جوابی که از اداره مزبور رسیده است برای اطلاع شما لفاً ارسال
می شود.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۱۳۱/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

اداره کل تشکیلات نظامیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۰۷/۱۱/۲۵

نمره: ۲۱۴۴۳/۲۷۰

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

مرقومه محترمه نمره ۴۳۱۹ متضمن عرض حال رضاخان امیر قاسمی نایب سیم سابق نظامیه ناحیه شمال غرب عز وصول بخشیده، اطلاعاً معروض می‌دارد مشارالیه به اتفاق چهارنفر دیگر از مأمورین نظامیه اردبیل در نتیجه ارتکاب پاره [ای] عملیات و اقدامات بر خلاف وظیفه و مداخله در تشکیل حزب و غیره، بر حسب تصمیم و امر مقامات عالییه از خدمت اخراج و صلاحیت خدمت نظامیه را ندارند. عین عرض حال مشارالیه لفاً اعاده شده.

رئیس کل تشکیلات نظامیه مملکتی

سرتیپ درگاهی

[امضا: محمد درگاهی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم، به خط تیمورتاش: جواب بدهید.

سند شماره ۱۳۱/۴

سواد قرار صادره از دایرة استنطاق نمره ۱

اداره عدلیه ایالتی آذربایجان

به تاریخ: پانزدهم مهرماه ۱۳۰۷

راجع به اتهام پنج نفر؛ ماده راجعه به رضاخان امیر قاسمی ذیل درج می شود:

ثالثاً راجع به رضاخان امیر قاسمی که با رتبه نایب سومی در نظمیه مشغول خدمت بوده ، دو موضوع سبب اتهام مشارالیه شده یکی این که اسحاق خان وکیل مدعی است که پس از وصول مراسله رضاقلی خان وکیل که از اردبیل فراراً به روسیه رفته مفاد مراسله را به رضاخان اطلاع داده: گرچه رضاخان منکر صحت اظهارات اسحاق خان می باشد ولی با فرض این که اسحاق خان رضاخان را از مفاد مراسله رضاقلی خان مستحضر نموده باشد استحضار از عقایب دیگری یا گفتن اسحاق به رضاخان که کاغذی از رضاقلی خان رسیده و به مشارالیه هم سلا رسانده دلیل بر مواضعه و مجرمیت نیست. دیگر این که بعضی اوراق راجع به مجمع سعادت در خانه رضاخان یافت شده. گرچه مجمع سعادت مطابق اساسنامه مجمع که به وسیله نظمیه اردبیل ارسال و ضمیمه دوسیه است، یک مجمع سیاسی نبوده که عضویت در آن مجمع تولید سوءظن نماید بلکه یک مجمع معارفی بوده که اعضای آن برای پیشرفت امور معارفی مجمع تشکیل و اقداماتی می نموده اند. به علاوه رضاخان از وجود اوراق راجع به مجمع سعادت هیچ اظهار عدم اطلاع و مدعی است که داخل مجمع سعادت نبوده و چون قبل از مشارالیه اسلامو مدیر مدرسه نمره ۱ اردبیل در جایی معلم و میزرا غلام صادق زاده معلم که دو نفر اخیرالذکر جزو مجمع سعادت و در آن خانه ساکن بوده ممکن است اوراق متعلق به آنها بوده و چو رئیس تأمینات وقت اردبیل تصدیق نموده که اوراق مزبور در یک بالاخانه خالی به دست آمده و به علاوه مراسله نمره ۱۰۴۰ نظمیه آستارا و ضمایم آن که عبارت از اوراق استنطاقی جبارزاده می باشد حاکی از این است که اوراق مجمع سعادت مربوط به صادق زاده معلم بوده و ایداً رضاخان را نمی شناسد و بالاخره در دوسیه تنظیمه نظمیه دلیلی که حاکی از ارتباء

رضاخان با مبلغین خارجی باشد مشاهده نمی‌شود مع هذا نسبت به دوسیه موجوده مستنطق براثت رضاخان امیر قاسمی را اعلام می‌دارد.

مهر و امضای منصوری مستنطق نمره ۱ و محل مهر دایره استنطاق

دوسیه به نظر ریاست محترم پارکه بدایت برسد که در صورت موافقت بی‌تقصیری رضاخان را به مقامات مربوطه اطلاع داده شود.

محل امضای مستنطق نمره ۱

موافقت دارم. محل امضای مدعی‌العموم پارکه بدایت عدلیه
سواد مطابق اصل است.

محل مهر دفتر پارکه بدایت و امضای مولوی

سند شماره ۱۳۱/۵

[تاریخ: ۰۷/۷/۹۳]

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته‌العالی

جسارتاً به عرض عالی می‌رساند در جواب عریضه تقدیمی به خاکپای مقدس جواهر آسای اعلی‌حضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداء، دستخط مبارک نمره «۴۶۹۴» و سواد مرقومه نمره ۲۰۷۰ اداره محترم کل تشکیلات نظمیه زیارت و متجاسراً معروض می‌دارد چاکر از زمان طفولیت یازده سال تمام در نظمیه آذربایجان با درستکاری و جان فشانی و صداقت خدمتگزار بوده ذره‌ای بر خلاف وظیفه رفتار نکرده و ابداً ایرادی از چاکر سر نزده است. اخیراً همچنانکه ضمن مرقومه تشکیلات نظمیه مملکتی اشاره یافته تقریباً یک سال قبل در مقابل یک راپورت بی‌حقیقت و جعلی یک نفر مفتش بی‌سروپا مدت هفت ماه فدوی را محبوس و به کلی از هستی مالی ساقط و بعداً محکمه اداره تشکیل [و] حکم بی‌تقصیری و براثت چاکر از محکمه تشکیلات خود نظمیه آذربایجان صادر و با وجود این مرکز تشکیلات متقاعد نشده

بعداً به عدلیه ایالتی آذربایجان مراجعه، از آنجا نیز مجدداً حکم تبرئه صادر و کاملاً بی تقصیری و مظلومیت چاکر جان‌نثار به ثبوت رسیده اینک محض استحضار خاطر مبارک سوادى هم از حکم عدلیه ایالتی آذربایجان منضمماً تقدیم می‌دارد که از لحاظ مبارک گذشته و به آن ذات مقدس نیز مظلومیت فدوی متعین شود که در این مدت یک ماه فدوی بی تقصیر و گناه از خدمت بی‌کار و از هستی ساقط شده‌ام و در ضمن حضرت اشرف را به شرافت خودتان قسم می‌دهم چنانکه ضمن حکم عدلیه مقید است یک نفر را در مقابل عناوین مزبور که در حکم مذکور ادعا شده می‌توان مدت‌ها آواره و سرگردان و به این ترتیب بدبخت و دچار ذلت گذاشت. آیا دور از انصاف دوره عهد معدلت آثار و عدل انوشیروانی اعلی حضرت پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه و یگانه وزیر نادر محبوب نیست؟] سهل است در آخر هم باز در مورد اتهام باقی مانده باشم. چاکر عرضی ندارد.

چاکر نایب سیم سابق نظمیه ناحیه شمال غرب

رضاخان امیر قاسمی

[امضا]

سند شماره ۱۳۲

دستور وزارت دربار به حکمران خراسان مبنی بر جلوگیری از هرگونه فعالیت
حزبی در آن ایالت

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۵۹۳۹

تاریخ خروج: ۲۲ مهر ماه ۱۳۰۸

محرمانه

ایالت جلیله خراسان

از مدلول مراسله نمره «۹۸»^۱ مستحضر گردید. به طوری که اشعار فرموده‌اید لازم است
تشکیلات عناصر ارتجاع را بر هم زده و جمعیت آنها را متفرق فرمایید.

وزیر دربار پهلوی

کلیتاً فعلاً احزابی در مملکت نیست و به طریق اولی نباید این قبیل تشکیلات وجود داشته
باشد.

تیمورتاش

۱. متأسفانه مراسله مذکور در پرونده موجود نبود و نام جمعیت مشخص نشد.

سند شماره ۱۳۳

استعلام تشکیلات کل نظمیه مملکتی از وزارت دربار در خصوص درخواست
مدرسۀ شوروی مبنی بر صدور تذکره برای سیموتیان و سیدجعفر پیشه‌وری
جهت مسافرت به مسکو به منظور تکمیل زبان روسی خود

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۱۴۲۴

محرمانه

تاریخ خروج: ۲۶ خردادماه ۱۳۰۹

اسم پاکنویس‌کننده: سید حسن

وزارت جلیله امور خارجه

با ارسال سواد مراسله اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی متمنی است نظریه خود را نسبت به
مدلول آن اشعار فرمایید. متمنی هستم نظریۀ خود را زودتر مرقوم بفرمایید زیرا که در نظمیه
مراتب به عرض خاکپای مبارک نیز رسیده است و باید جواب داده شود.

تیمورتاش

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۱۳۳/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره اطلاعات

به تاریخ: ۱۳۰۹/۳/۲۱

محرمانه - مستقیم

نمره: ۶۷۰/۱۶۵

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

مدرسه شوروی شرحی به نظمیه نوشته که چون مدرسه احتیاج به اصول علم و تعلیم و تربیت و تکمیل زبان روسی دارد ناچار است چند نفر از معلمین خود را به مسکو روانه نماید و تقاضا نموده به سیموتیان و جعفرخان پیشه‌ور[ی] تذکره عبور داده شود به مسکو عزیمت نمایند. نظر به این که مسافرت این قبیل اشخاص که سوابقی دارند و همیشه اعمال و رفتار آنها مراقبت می‌شده به مسکو خالی از سوء نیتی نبوده و در مدت اقامت در روسیه برای تبلیغات کمونیستی و پاره‌ای مقاصد سوء تربیت شده مراجعه می‌نمایند. چنانچه در سنه ۱۳۰۷ ابوالقاسم خان اسدی معلم مدرسه مذکور به روسیه عزیمت و بر طبق مرقومه وزارت جلیله امور خارجه مشارالیه از آنجا با اخذ دستوراتی به ایران مراجعت نموده است. اینک مراتب [را] معروض داشت تا به هر طور امر و مقرر فرماید اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ

[امضا: محمدصادق کوپال]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] محرمانه از وزارت خارجه کسب نظر شود.

سند شماره ۱۳۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره جماهیر شوروی

به تاریخ: ۱۳۰۹/۳/۲۷

محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی

مرقومه محترمه نمره ۱۴۲۴ مورخه ۲۶ خردادماه متضمن سواد مراسله اداره تشکیلات کل
نظمیه مملکتی شرف وصول بخشید. با شرحی که اداره مزبوره نوشته وزارت امور خارجه هم
صدور تذکره را برای آنها مناسب نمی‌داند.

[امضا: محمدعلی فروغی]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه پایین، اول: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم، به خط تیمورتاش: ابلاغ شود.

سند شماره ۱۳۳/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۶/۲۹

نمره کتاب: ۱۴۹۱

محرمانه

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

در جواب مراسله نمره «۶۷۰/۱۶۵» زحمت می‌دهد به ملاحظات که اشعار فرموده‌اید صدور تذکره و جواز برای مسافرت سیموتیان و جعفرخان پیشه‌ور [ی] به مسکو اقتضاء ندارد. وزارت جلیله امور خارجه نیز با نظریه جناب عالی موافقت کرده است.

وزیر دربار پهلوی

[امضای پیش‌نویس: لطفعلی قویم]

سند شماره ۱۳۴

گزارش نظمیه اصفهان از توزیع اعلان جمعیت آزادیخواهان ایران در مخالفت
با انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

به تاریخ: ۱۳۰۹/۶/۶

نمره: ۳۹

ضمیمه: سواد

اداره: مرکز و انتخابات و امور بلدی

دایره: انتخابات

محرمانه است

آقای معظم

از تشکیلات کل نظمیه مملکتی نوشته‌اند مطابق راپورت نظمیه اصفهان انجمن نظارت
انتخابات در آنجا تشکیل گردیده و خلاف انتظامی تاکنون رخ نداده است. سواد یک ورقه
ژلاتینی که توسط پست شهری در شهر اصفهان منتشر شده و نظمیه آنجا جمع‌آوری کرده است
لفاً تقدیم می‌گردد.

[امضا: حسین سمیعی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱۳۴/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۰۹/۶/۵

نمره: ۱۵۹۲

محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

نظمیه اصفهان راپورت می دهد که بر حسب دعوت حکومت برای انتخابات دوره هشتم سی و شش نفر از معتمدین محل در اداره حکومتی حاضر و نه نفر آنها به عضویت اصلی انتخاب گردیده اند و اعلان انتخابات مجلس [و] تعیین اوقات اخذ رأی قریباً از طرف انجمن منتشر خواهد شد. خلاف انتظامی رخ نداده لکن مقداری اوراق ژلاتینی که یک ورقه آن لفافاً تقدیم می گردد توسط پست شهری منتشر شده بود که فوراً نظمیه آنجا جمع آوری کرده، قضیه را تحت تعقیب قرار داده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سر تیپ کوپال

[امضا]

سند شماره ۱۳۴/۲

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

سواد اعلان جمعیت

نمره: ندارد

مورخه: مرداد ۱۳۰۹

همشهریه‌ای محترم

خیمه شب‌بازی انتخابات شروع می‌شود. به موجب اطلاعات موثقه دولت دوباره وکلای فرمایشی خود را حاضر کرده شما این عناصر و نوکرهای دست به سینه دولت را می‌شناسید: اصفهان: امین‌التجار، حاج آقا حسام دولت‌آبادی [و] شیخ محمدباقر است. فریدن و چهارمحال: غلامحسین میرزا. شهرضا: جلالی.

حکومت جدید، بهرامی مخصوصاً برای تحمیل نمودن این عناصر معلوم الحال به سرعت با دستور مخصوص به اصفهان آمده است. همشهریها جلوی چشم شما این حق مسلم شما را که اساس و خلاصه تمام مشروطیت و آزادی است لگدکوب و پامال می‌کنند. برای به دست آوردن حق خود و اثبات رشد و لیاقت اجتماعی قیام کنید و دست از کار بکشید. صدای اعتراضات خود را به گوش عالمیان برسانید. مثل ملل مصر و هندوستان و چین با ابرام و شجاعت در مطالبه حق خود پافشاری کنید. با تعطیل عمومی به این انتخابات مضحک و تحمیلی اعتراض شدید نمایید تا دنیا بداند شما هم زنده و حقوق شناس هستید.

جمعیت آزادیخواهان ایران

سواد مطابق اصل است

سند شماره ۱۳۵

مقاله روزنامه العراق در خصوص وضعیت احزاب در ایران

[شیر و خورشید]

قونسولگری شاهنشاهی ایران

«بصره»

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۹۳۰

نمره: ۱۵۲۸

ضمیمه: دارد

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه «العراق» در شماره مورخه ۳۱ اکتبر ۱۹۳۰ شرحی راجع به سیاست ایران نوشته است و اگر چه آن مطالب را از جراید مرکزی ایران نقل کرده است چون قابل توجه به نظر می آمد ترجمه آن را برای اطلاع وزارت جلیله تلواً تقدیم نمود.

[امضا: محمدحسن بدیع]

[افزوده متن اصلی:] یک سواد با ضمیمه آن برای استحضار وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم می شود.

سند شماره ۱۳۵/۱

ترجمه از جریده «العراق» مورخه ۳۱ اکتبر ۱۹۳۰

وضعیت شاه نسبت به احزاب سیاسی

امروز در جراید ایران، خصوصاً «شفق سرخ» که نماینده حزب «ترقی» و در پارلمان حایز اکثریت است و «ستاره جهان» که زبان حال حزب معارض و طرفدار تشکیل حزب جدیدی در پارلمان و خارج آن می باشد یک مناقشات مهمی راجع به وضعیت شاه نسبت به احزاب سیاسی ایران جریان دارد. روزنامه «ستاره جهان» عقیده دارد که شاه به صفت شخص اول مملکت و رئیس دولت مشروطه ایران باید از تمام احزاب دور و نسبت به مناقشات آنها بی طرف باشد. چنانکه سلاطین حکومت های مشروطه و رؤسای جمهوری همین حال را دارند و حزب معارض می خواهد که شاه از ریاست خود بر حزب «ترقی» کناره بگیرد. چنانکه در ترکیه فتحی بیگ و همقطاران او تقاضا نمودند که غازی مصطفی کمال از ریاست خود بر حزب «ملت» دست بکشد. لیکن جریده «شفق سرخ» که زبان حال حکومت حاضره است و حزب اکثریت فعلی ادعای معارضین را رد کرده اند که شاه حالیه خود لیدر یک نهضت و قائد وحدت ملی است و جنبه ملیت او از این حیث بیش از آن است که صاحب تاج و تخت است و اگر هم در قوانین بعضی از ممالک مشروطه قیودی برای پادشاه بوده باشد - که اهم آنها اختیار بی طرفی نسبت به احزاب است برای این که پادشاه آلت اغراض و منافع آنها واقع نشود - این مسأله با وضعیت فعلی ایران و مقام اعلی حضرت شاه که به دست خود شالوده این دولت جوان را ریخته و لوای نهضت و آبادی آن را برافراشته است تطبیق نمی شود. بلکه اعلی حضرت پهلوی دارای یک فکر سیاسی ملی است و هر حزبی از احزاب که مؤید آن فکر بوده و بر طبق آن عمل کند توجه او را به خود جلب و از ریاست شاهانه برخوردار خواهد شد و ایران را بسی مشکلات و معضلات در پیش است که رئیس نهضت و قائد ملت نمی تواند در برابر آن دست بسته باشد. ممکن است بعدها که ارکان این نهضت براساس متینی قرار گرفت اصلاحاتی در قانون اساسی ایران به عمل آید که جانشینان شاه حالیه را پایبند به قیودی که پادشاهان اروپا بدان مقید هستند بنماید و بین طرفین راجع به این قضیه مهم که برای دفعه اول

تاریخ جدید ایران جراید و مطبوعات آن را فراگرفته است زد و خورد سختی است و به عقیده بعضی از معارضین اقدام در تشکیل حزب سیاسی معارض قبل از تأمین بی‌طرفی شاه بی‌فایده است. چون اگر اعلی‌حضرت شاه به یکی از طرفین متمایل شد آن حزب دیگر در نظر ملت که نسبت به شاه اعتماد بزرگی دارد و کمتر کسی از سلاطین این وثوق و اعتماد را از ملت حایز است متهم و مورد سوءظن خواهد شد و از برای ایران تعقیب سیاست فعلی خود با داشتن یک حزب بهتر از آن است که به تشکیل احزاب مختلف قیام کند که آن وقت یکی از آنها حایز وثوق و اعتماد شاه بوده و سایر احزاب دیگر مورد سوءظن واقع شوند و با این دلایل موجه باز رجال ایران و در رأس آنها مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک و وثوق‌الدوله و دکتر مصدق‌السلطنه برای مذاکره راجع به سیاست حاضره و تشکیل حزب جدید به اجتماعات خود ادامه می‌دهند و اما اعلی‌حضرت شاه با این که اظهار میل به تشکیل حزب معارض نموده است که امور پارلمانی در مجرای صحیح خود سیر کند ولی تاکنون هیچگونه اظهار عقیده راجع به اینکه آیا جنبه بی‌طرفی را اختیار یا متمسک به ریاست حزب اکثریت خواهد بود نفرموده‌اند. چنانکه غازی مصطفی کمال نیز پیشنهاد فتحی بیگ را برای کناره‌گیری از ریاست حزب «ملت» رد کرد. شاید به همین زودی‌ها تصمیم اعلی‌حضرت پهلوی نسبت به این مسأله مهم که افکار عمومی را در ایران مشغول داشته است معلوم شود و البته خوانندگان را از نتایج این کشمکش حزابی که مملکت ایران بعد از جمود بسیار بزرگی که تمام دوایر و محافل سیاسی آن را فراگرفته بود تاکنون مشاهده ننموده است مستحضر خواهیم داشت.

سند شماره ۱۳۶

کسب تکلیف حاکم آذربایجان (علی منصور) از وزارت دربار در خصوص
انتشار یا عدم انتشار مقاله روزنامه بیلدریش ترکیه راجع به تشکیل احزاب در
ایران

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

ایالت آذربایجان

نمره: ۱۲۲۹

به تاریخ: ۱۳ آذرماه سنه ۱۳۰۹

مستقیم و محرمانه

ضمیمه: یک نسخه روزنامه

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی

روزنامه بیلدریش ترکی که اخیراً به تبریز رسیده است مقالاتی دایر به کشف و تعقیب پاره‌ای
توطئه‌های سیاسی و اظهار نظریه راجع به تشکیل احزاب ایران دارد. چون راجع به اقتضای
عدم اقتضای انتشار آن کسب تکلیف را لازم می‌داند اینک یک نسخه آن را تقدیم داشته به
عرض می‌رساند که عجالتاً نسخه‌های روزنامه مزبور در تبریز توقیف خواهد بود تا دستور
مقتضی را مقرر و اعلام فرمایند.

[امضا: علی منصور]

[مهر: ایالت آذربایجان]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] محرمانه به وزارت امور خارجه روزنامه را بفرستید که
مقالات مربوط به ایران را ترجمه کرده بفرستند.

سند شماره ۱۳۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۹/۲۶

نمره کتاب ثبت: ۶۲۴۳

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه بیلدریش ترکی را لفاً ارسال و متمنی است مقرر فرمایید مقالات مربوطه به ایران
مندرجه در آن را ترجمه نموده ارسال فرمایند.

سند شماره ۱۳۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: ممالک شرقیه

نمره: ۱۶۱۸/۸۱۰

به تاریخ: ۳۰ ماه آذر سنه ۱۳۰۹

ضمیمه: دارد

محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی

معطوفاً به مرقومه محترمه نمره ۶۲۴۳ مورخه ۱۳۰۹/۹/۲۶ [۱] متضمن روزنامه بیلدریش
منطبعه اسلامبول معروض می‌دارد که ترجمه مقاله مربوطه به ایران را به طوری که تقاضا

فرموده‌اند لفاً تقدیم و ضمناً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که چندی قبل ترجمه همیر شماره از سفارت کبرای آنکارا و قونسولگری طرابوزان به وزارت امور خارجه واصل شده در همان موقع ترجمه جریده مزبوره برای استحضار اداره نظمیّه ارسال گردیده است.

[امضا: حسنعلی غفاری]

[مهر: وزارت امور خارجه]

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش: ضبط.]

سند شماره ۱۳۶/۳

ترجمه روزنامه «بیلدریش» منطبعه اسلامبول

فعالیت بولشویک در ایران

بولشویک‌ها بر^۱ علیه اعلی حضرت اقدس همایون پهلوی بیاننامه‌ها نشر و توزیع کردند. نظر به اطلاعاتی که از تهران رسیده در اواخر ایلول، مهرماه، تشکیلات مخفی بولشویک^۲ شبنامه‌هایی انتشار داده‌اند. در شبنامه [های] مذکور قیام اهالی مملکت بر علیه اعلی حضرت اقدس همایونی و ضربه [به] حکومت دعوت و ترغیب می‌شدند. رئیس نظمیّه مرکز سرتیپ صادق‌خان کوپال چون قبل از وقت به وجود تشکیلات مزبوره پی‌برده^۲ در تحت ترصد نگا داشته می‌دانست که همچو بیاننامه با اطلاع وزیر مختار سویت؛ چکیست لوکانوفسکین؛ تهبیا می‌شود لهذا تدابیر لازمه اتخاذ کرده بود. اداره نظمیّه چهارماه بوده است که به تعقیب مسائل شروع کرده بود. به مناسبت همان بیاننامه در تهران و رشت و انزلی و در سایر جاها خیلی اشخاص توقیف و کسانی که صفت رسمی و نسبتی به مؤسسات سویتی داشته و آنهاکه اشتراک نموده از ایران تبعید شده بودند. در میان توقیف‌شدگان اسامی اشخاص ذیل^۳ ذکر می‌شود:

۱. شاهزاده مرآت‌السلطان کرمانشاهی ۲. محتشم‌الدوله ۳. رحیم‌خان که زبان آلمانی و

۱. در اصل: در.

۲. در اصل: راپی برده.

۳. در اصل: یل.

انگلیسی و فرانسه و ترکی را کاملاً دانسته و مدتی در خاک آلمان اقامت داشته و در آنجا در تشکیلات کمونیست کار کرده است. ۴. سردار مقتدر سنجایی ۵. میرزا علی اکبرخان از اعضای کمیته آهن ۶. خالصی زاده ۷. سید مرتضی ۸. حسن آقا پورآفر تاجر، این شخص برادر سردار مقتدر و متهم به^۱ این است که سالار مظفر را فرار داده است. ۹. دو نفر شاهزاده از سلاله قاجار که موقعیت مهمی را اشغال می کنند. ۱۰. یک نفر مأمور که منسوب به شعبه سیم سیاسی نظمیه بوده و بعضی از رؤسای عشایر و بعضی از کسانی که مأموریت مهم را در ادارات دولتی اشغال کرده اند می خواستند با بولشویکی یک انقلاب مهمی در ایران بوجود بیاورند. در بین توقیف شدگان اسم سلیمان میرزا هم که لیدر فرقه سوسیالیست هاست برده می شود. بعضی از مأمورین سویت که در تهران و رشت به این مسأله علاقمند بودند از ایران تبعید شده اند و در میان آنها؛ شیرین اوف معروف و دکتر کمال هم هست. در رشت و انزلی و کرمانشاه خیلی اشخاص توقیف شده اند.

توقیفات در ایران

نظر به اطلاعات اخیر از ایرانیان که در مسأله سوء قصد توقیف شده اند ۲۲ نفر هم که به مؤسسات سویتی منسوب بوده کار کرده و با تشکیلات مخفی اشتراک داشته توقیف گشته اند. از قراری که معلوم می شود سالار مظفر که به واسطه حسن آقا پورآفر فرارانده شده بود در سفارتخانه سویت پنهان شده اند.

سند شماره ۱۳۷

دعوتنامه جمعیت ایران جوان برای شرکت در جلسه سخنرانی پروفیسور
ماسینیون

هیأت مدیره ایران جوان متمنی است روز شنبه ۲۲ آذرماه ساعت پنج بعد از ظهر برای صرف
چای و استماع بیانات مسیو پروفیسور ماسینیون، عالم و مستشرق فرانسوی به کانون جمعیت
تشریف آورده و قرین امتنانش فرماید.

[مهر:] ورود به کابینه دربار

نمره: ۱۶۹۲

[تاریخ:] ۱۳۰/۹/۱۰/۲

سند شماره ۱۳۸

مکاتبات مربوط به فعالیت جمعیت ایران جوان، به انضمام مرامنامه جمعیت
مذکور

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۰

ضمیمه: سواد مشروحه مرام

اداره: پلیس

نمره: ۳۷۲۱۶/۹۹۰۹

مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

در تعقیب تعطیلی موقتی کلوب‌ها جهت تدوین مقررات لازمه از طرف هیأت محترم دولت، از

جمعیت «ایران جوان» مشروح [ای] متضمن مرامنامه خود که موارد آن تلواً از لحاظ مبارک می‌گذرد به این اداره واصل شد و مطابق معمول به وزارت جلیله داخله مراجعه گردید. چون از وزارت معزی الیها ضمن نمره ۲۱۲۶۶ اشعار داشته‌اند تصویبنامه‌های صادره مربوط به کلوپ‌ها و امثال آن [است] و این موضوع مشمول تصویبنامه مزبور نمی‌شود و جمعیت فوق خودشان را حزب سیاسی معرفی می‌نمایند مراتب را محترماً معروض داشته و کسب تکلیف می‌شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سر تیپ

[امضا: فضل‌الله زاهدی]

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش: دایر بودن کلوپ ایران جوان مانعی ندارد ولی البته مثل کلیه اجتماعات در تحت نظر اداره نظمیه باشد.

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۲۱

نمره اندیکاتور: ۱۹۵

سند شماره ۱۳۸/۱

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

سواد مشروحه جمعیت ایران جوان

مورخه: ۱۴ آبان ۱۳۰۹

نمره: ۲۴۷

بعدالعنوان

در موقعی که مفاد تصویبنامه هیأت محترم دولت از طرف کارکنان آن اداره جلیله به جمعیت ایران جوان ابلاغ گردید توضیح داده شد که ایران جوان حزب سیاسی است و برای اجرای مرام معینی تشکیل شده. کانون آن واقع در خیابان علاءالدوله نیز علاوه بر اداره روزنامه، مرکز تشکیل اجتماعات حزبی است و شباهتی به کلوپ‌های دیگر ندارد.

اینک نیز مراتب را برای مزید استحضار خاطر شریف تأیید می‌نماید. مع‌هذا در صورتی که تصور فرمایند این قبیل مؤسسات نیز مشمول تصویبنامه هیأت محترم دولت می‌باشد تمنا می‌نماید مقرر فرمایند اقدامات لازم برای صدور اجازه جهت کانون ایران جوان به عمل آید. یک نسخه از مرامنامه جمعیت نیز لفاً برای ملاحظه خاطر شریف تقدیم می‌گردد.

سواد مطابق اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۳۸/۲

مرامنامه
ایران جوان

آذرماه ۱۳۰۴
مطبعه فاروس تهران

مرامنامه ایران جوان

از آنجا که مسلماً ترقی و تعالی ایران جز به دست اشخاص جوان فکر تحصیل کرده مهذب مقدور نیست و تا زمانی که بین افراد این طبقه صمیمیت و اتحاد کامل برقرار نشده نیل به مقصود فوق میسر نمی‌باشد ایران جوان استحکام رشته مودت بین جوانان و تمرکز مساعی آنها را برای حفظ وحدت ملی و آبادی ایران و ترویج قسمت خوب تمدن غرب اساس مرام خود قرار داده و بیشتر متوجه مسائل ذیل خواهد بود.

فصل اول

در مسائل^۱ سیاسی

ماده^۱ اول - تجدید نظر در قانون اساسی و متمم آن و وضع مقررات جدیدی که اصول دموکراسی و حکومت پارلمانی را به قسمی که امروز در تمام دنیای متمدن معمول است مراعات نماید.

ماده^۲ - استقرار حکومت عرفی در ایران و تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی.

ماده^۳ - تجدید نظر در قانون انتخابات و سلب حق رأی از اشخاص بی‌سواد.

ماده^۴ - برقرار کردن آزادی انفرادی و آزادی اجتماعات و آزادی نطق و عقیده و قلم و مطبوعات در مملکت.

۱. در اصل: مساعل؛ اصلاح در همه موارد.

ماده ۵ - تجدید در تشکیلات کشوری و قضایی و ایجاد مؤسساتی که برای استحکام حکومت دموکراسی^۱ و حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تفریط منال عمومی ضرورت دارد از قبیل شورای دولتی و دیوان محاسبات و انجمن‌های ولایتی و ایالتی و بلدی.

ماده ۶ - الفای کاپیتولاسیون و کلیه امتیازات قضایی و حقوقی که برای اتباع خارجه در ایران موجود است.

ماده ۷ - الفای محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عرفی عمومی.

ماده ۸ - سعی در ایجاد امنیت قضایی و ارجاع کلیه امور مربوط به سجل احوال و معاملات و غیره به مستخدمین مسئول و رسمی دولت.

ماده ۹ - تجدیدنظر در قانون استخدام کشوری و تبدیل آن به قوانینی که تحصیلات عالیه و لیاقت را شرط انتصاب به مشاغل عمومی قرار دهد.

ماده ۱۰ - برقرار کردن نظام اجباری عمومی بدون رعایت امتیاز طبقاتی.

ماده ۱۱ - سعی در تولید و استحکام روابط حسنه بین ایران و دول دنیا و سعی در عقد قراردادهای حکمیت اجباری و عهدنامه‌های سیاسی دیگر که منافع ایران را کاملاً تأمین نماید.

فصل دوم

در مسائل اقتصادی

ماده ۱۲ - طرفداری از اصول مالکیت انفرادی و سعی در این که حتی المقدور املاک و مخصوصاً اراضی زراعتی با رعایت حقوق صاحبان آنها بین رعایا و مالکین جزء تقسیم گردد.

ماده ۱۳ - نظارت و اداره کردن اوقاف به وسیله دولت.

ماده ۱۴ - مخالفت با هرگونه قراری که آزادی کامل تجارت را محدود نماید جز در مواردی که مصالح مملکت اقتضاء کند.

ماده ۱۵ - حق نظارت دولت در خصوص معادن و صنایع و مؤسسات اقتصادی که مربوط به دفاع ملی می‌باشد.

ماده ۱۶ - تشویق و جلب سرمایه‌های خارجی در ایران.

۱. در اصل: دموکراسی.

- ماده ۱۷ - تشویق و سعی در ایجاد مؤسسات اقتصادی که برای ترقی و آبادی ایران حائز ضرورت است. از قبیل بانکهای فلاحی و کارخانجات و غیره.
- ماده ۱۸ - احداث خطوط راه آهن در قسمت های مختلف ایران.
- ماده ۱۹ - تجدید نظر در قراردادهای تجارتی و مخصوصاً قراردادهای گمرکی: تعرفه گمرکی ایران باید بتواند برای توسعه فلاح و صنایع ملی در مواقع مقتضیه تغییر یابد.
- ماده ۲۰ - تجدید نظر در مالیاتهای جدید، مخصوصاً مالیاتهای مستقیم تصاعدی بر عایدات و بر سرمایه و بر ارث و بر معاملات و غیره.
- ماده ۲۱ - محدود نمودن کشت تریاک در ایران و نظارت در زراعت آن از طرف دولت [و] جلوگیری جدی از استعمال افیون.

فصل سوم

در مسائل اجتماعی

- ماده ۲۲ - توجه مخصوص به معارف مملکت مطابق ترتیب ذیل:
- [الف] - تهیه وسایل اجرای تعلیمات ابتدایی مجانی و اجباری در تمامی مملکت برای پسران و دختران.
- ب - تأسیس مدارس متوسطه پسرانه و دخترانه در شهرهای بزرگ و مدارس عالییه مردانه و زنانه در کرسی ایالات.
- پ - توجه مخصوص به تحصیلات فنی و صنعتی و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات ها و مدارس حرفتی و فلاحی و غیره.
- ت - اعزام عده زیادی [از] محصلین و محصلات به ممالک خارجه برای تکمیل تحصیلات و کسب فنون و صنایع مستظرفه.
- ث - تغییر خط فارسی.
- ج - تأسیس کلاس های اکابر مردانه و زنانه.
- چ - تأسیس موزه ها و کتابخانه ها و قرائت خانه ها و تئاترها^۱ و غیره.

۱. در اصل: تیاتر.

ماده ۲۳ - توجه مخصوص به امور صحتی.

ماده ۲۴ - تشویق ورزش و مؤسسات ورزشی به انواع وسایل، مخصوصاً به وسیله ایجاد دستجات اسکوت (پیش آهنگی) مرکب از اطفال مدارس و محصلین. برقرار کردن ورزش اجباری در مدارس. تهیه موجبات تعمیم ورزش و اسپرت به وسیله اعطای جایزه و ایجاد سابقه و غیره.

ماده ۲۶ - سعی در این که اشخاص تحصیل کرده مهذب به مقاماتی که وسیله اجرای نیات پاک آنهاست نایل شوند.

ماده ۲۷ - تساوی کامل کلیه ایرانیان از حیث حقوق.

ماده ۲۸ - جلوگیری از فساد اخلاق و جنگ با خرافات و کلیه عادات و عقایدی که باعث سستی روح و تنزل نژاد باشد.

ماده ۲۹ - وضع قانون جزای عرفی و قانون محاکمه وزراء و سعی در اجرای آنها.

ماده ۳۰ - سعی در تجدید روح اجتماعی و اقتباس و ترویج قسمت خوب تمدن غرب.

آذرماه ۱۳۰۴

سند شماره ۱۳۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۱۶۵

کارتن: ۵

تاریخ خروج: ۱۳۰۹/۱۰/۲۲

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

از مدلول مراسله نمره ۳۷۲۱۶/۹۹۰۹ مورخه ۲۰ ماه جاری متضمن سواد مرامنامه جمعیت

ایران جوان اطلاع حاصل شد. جواباً زحمت می‌دهم که دایر بودن جمعیت مذکور مانعی ندارد ولی البته مانند سایر اجتماعات بایستی در تحت نظر اداره محترم نظمیه باشد.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۳۹

اعلان تشکیل جمعیت ایران کهن، به انضمام مرامنامه و نظامنامه جمعیت مذکور

ایران کهن!

[مورخ: ۱۳۰۹]

ایران کهن، وطن زرتشت، خانه کیخسرو و کیقباد، جایگاه جمشید و افریدون و بالاخره کشور پهناور پیشدادیان و کیان و مملکت ساسانیان که همواره بیشه شیران و دلاوران جنگجو و نام بلند ایران و سرورانش زینت ده آغاز و انجام هر داستانی بوده پس از چندین هزار سال عمران با عزّ و شأن سر به جیب خموشی و مسکنت فروبرده فرزندان نامور خود را بازیچه یک مشت سفلگان فرومایه دیده، زانوی غم در آغوش گرفته به تأسف می‌گذرانند. ملت خاموش^۱، دشمن در خروش، چوپان مدهوش، گله با مرگ هم آغوش، سکوت و بهت ممتدی که از رود اترک تا ابنیه فرهاد از کوه‌های آزارات تا خانه رستم را فراگرفته یک یأس کاملی را برای هر فرد بینایی فراهم و امید حیات این جامعه را محال ساخته بود. دست یازی دشمنان خارجی از سمتی، زبان درازی متجاوزین و متجاسرین از سمت دیگر در مرکز وطن، مجمع دولت به شکل خیلی مضحکی (شاه بازی) جلوه گر و جز اخذ یک مبلغی به اسم مالیات و

۱. در اصل: خاموش.

صرف خوش‌گذرانی عده‌ای [لاابالی تن‌پرور [که] حرفه‌ای نداشتند و این نوع زندگی سرایا ننگ و خفت را مزایای عهد خجسته خود و لازمه عنوان بلند بالای شاهنشاهی جم‌جاه می‌دانستند. خیابان ناصری را رشک جنان و سر درب شیشه خورده‌های از هم ریخته را قصر الماس و برلیان می‌انگاشتند. صحبت سیاسیشان تلخی آب دریاچه خزر^۱ و معامله دیپلماسیشان از ۱۸ ولایت قفقاز صرف نظر کردن بود. چون قدم به قرن بیستم نهادند عزم سفر کرده راه فرنگ پیش گرفتند. باقی مانده خزانه نادری و ته مانده جیب هر پرزگری را به دست بی‌لیاقت گرفته به سرپای رقاصه‌های اروپا نثار نموده و ریشخند تاریخی آن سو را برای ملک و ملت خویش ارمغان آوردند. این سیر و صفا در وقتی بود که تمام ممالک و همه ملل عالم محاط صنایع و فنون شده مشغول تسخیر فضای لامتناهی بودند.

و ایران کهن دچار نزع اقتصاد و منکنه جهل و انجماد، لمن و نفرین ارواح تاجداران با عز و شأن از کنگره ایوان مداین و دندانه قصر جمشید به حیاط^۲ گلستان پرتاب می‌شد. از روزگار عزت و اعتبار قبل از جنگ عمومی ملل زنده دنیا ناراضی و طالب توسعه تمدن و ترقی شده هر یک از دول طرح تازه و نقشه نوی ریختند و در نتیجه آن تکامل مهبیی به عالم و عائله بنی‌آدم وارد آمد و از این تموج بزرگ کوچک ترین دولتی بی‌حظ و نصیب نماند مگر «ایران کهن». جمودت، رخوت، انحطاط برای مرگ سیاسی این جامعه خواب‌آلود رقم قطعی صادر و در محضر قضا و قدر محکوم به زوال گردید. در دیوان عالی عالم (مجمع اتفاق ملل) نه تنها نماینده ما را نپذیرفتند و در تالار عریض و طویل محکمه قضاوت کل ملل به قدر یک صندلی هم جای ندادند بلکه از قبول نامه نماینده ایران خودداری کردند. چه گفتند: گفتند از مملکتی که در هر گوشه و کنار آن صدایی بلند و به آوازی مترنم بود هر طایفه به چپاول و دزدی قطعه‌ای را مالک شده حکومت‌های خودسرانه تشکیل داده‌اند، از ملتی که هر روز مقبوض پسنجه غارتگری و در هضم حسین کاشی‌ها، رضا جوزانی‌ها، مهر علی‌خان‌ها، علیمردان‌خان‌ها، سمیتقوها و غیره تحلیل رفته دچار فتنه‌های گوناگون خراسان، گیلان، فارس [و] آذربایجان باشد و برای اخمد کوچک‌ترین دسته یاغیان [با] بزرگترین قسمت نظامی خود (بریگاد قزاق) بخواهد مقابله نماید باید عمده‌ترین مبلغ عایدی خویش را که گمرک باشد نزد دول همجوار

۱. در اصل: خضر.

۲. در اصل: حیات.

برای مبلغ کوچکی مرهون نموده و بازی کند. به چه صیغه در این محفل بزرگ و مجلس سترگ شرکت داده شود؟ آیا سزوار ما هست که نماینده شما را به خود راه دهیم؟ آیا شایسته ما هست با شما بنشینیم؟ انصاف دهید^۱ آیا قابل ورود به انجمن آبرومندان عصر بیستم هستید؟ در همین موقع و خلال چنین سکوت تاریخی که نظیرش را هیچ تاریخی و مورخی یاد ندارد و نجات دادن چنین کشتی شکست خورده را از حوصله هر بشری خارج می‌شمرده و ایران کهن را در قبرستان ابدی مدفون می‌پنداشتند که ناگاه دست قدرت نمای خدایی رشیدترین فرزند مادر وطن را از درون توده مظلوم بیرون کشیده به اوج فلک اقبال و تخت سراپا افتخار سعی و عمل نشانید و دهیم نصرت و فتح را به فرق شایسته‌اش استوار فرموده شمشیری را که دولت دارا به یادگار شهامت اولاد پهلوی دخیره نموده بود به کمرش بسته، درفش کاویانی را به پنجه لیاقت و شایستگی وی تفویض، مرکب عزم و شجاعت را تقدیم اقدامش ساخته، سروشش به گوش خواند:

روا^۲ بود همه خویان آفرینش را که پیش دلبر ما دست بر کمر گیرند!
هان ای فرزند رشید وطن! ای ودیعه پربهای گنج ملت، بگیر دست مادر فرسوده را، بگیر بازوی این رنجور بی‌پرستار را. بگیر این یادگار نیاکان خود را و از محبس رعب و ضعف خارج ساز و بانوشداروی جهد و سعی غبار ملالت از رخسارش بزدای و این ملک و ملت را بیدار ساخته به یارای این مشیت خدایی و تقدیر آسمانی در حوت ۱۲۹۹ صورت گرفت و فرشته امید از مغرب پایتخت ظهور کرده اختر اقبال ملت ایران در کمال رخسندگی طلوع کرد. از این ساعت مسعود و هنگام مبارک تبدلات و تعمیرات مهمه و پس از آن اصلاحات لازمه یکی بعد از دیگری متناوباً به منصه بروز رسید. قدم اول اصلاح وزارت جنگ و تنسیق لشکر را وجهه همت یا شهامت خود نمود. عده قلیلی را که بریگاد یا ظاهراً دویزیون قزاق نام داشت و جز این که یک عده از صاحب منصبان اجنبی را به حقوق و مصارف زیاد، سربار سایر مشکلات موجوده آن ایام ساخته و نقد وجوه را صرف خوش‌گذرانی‌های مختلفه چند تن از فداییان تزار روس نموده گاهی هم دولت و ملت ایران را دچار سوء حرکات آنها و گرفتار نتایج وخیمه سیاست بازیهای رؤسای مغرض روس می‌دیدیم نتیجه دیگری از آن تشکیلات

۱. در اصل: دهد.

۲. در اصل: را.

پر آسیب مشاهده نکردیم. البته تسویه وزارت جنگ آن روز به قدری مهم بود که در رأس کل اصلاحات ضروریه واقع و در مدت کوتاهی موفق به اصلاح شده در حضور متخصصین داخلی و خارجی نمودار و مورد قبول و استظهار ساخت. اصلاح وزارت جنگ در حسن تشکیلات و تنظیم اسلوب و وضع و کار و تدارک مهمات معاصر از هر قبیل و تهیه و لوازم اداری و عملی و ایجاد کارخانه‌های فنی مهم‌المن در داخله و غیرها. چون غرض اصلی ایجاز و اختصار است یکایک شمرده نمی‌شود و آثار آنها به قدری پدید و محسوس است که هر باوجدان علاقمندی از تصدیق عظمت این فتح مهم و ابداعات محیرالعقول آن خودداری نتواند!

نظر دوم ظهور یک سیاست ملی و اعتماد به نفس از نفس نفیس خود و دعوت عموم هموطنان به طور جدی و مصرانه بود که افراد ایرانی باید تنها به صحت عمل و پاکی عقیده خود مستظهر شده و از توسل به اماکن غیر مشروع و اشخاص اجنبیه اجتناب ورزد. ایرانی جز در خانه ایرانی دری نزنند و غیر از ایرانی احدی را معین و یاور خود نشمرند. بدیهی است مختصر عطف توجه به جریان نامرغوب آن روز نتایج خجلت افزای آن رویه را حس نموده و ترک این سبایت سیئه را نیز چه اندازه مؤثر در اصلاحات مملکت می‌دانید و می‌دانند. اخلاق ایرانیان بالاخص آن عده که وسیله موفقیت خود را در اشغال مراکز کار و مناصب خدمت از طرق نامشروع قرار داده بودند چه اندازه مؤثر و چه قدر منقلب حسیات عمومی گردید و چنین نتیجه [ای] به دست آمد که هر یک از داوطلبان خدمت از هر قسم و هر قماش باید تنها به بارگاه قائد توانا سر تسلیم دارد و صدق نیت و خلوص عقیدت خود را بدانجا عرضه دارد نه...^۱ خانها.

در مرحله ۳ همت والای خود را به تثبیت مرکزیت و قلع و قمع متجاوزین که صورت حکومت ایران را به ملوک الطوائفی درآورده بودند گماشته، غائله‌های گیلان، خراسان، آذربایجان، لرستان و کردستان و غیره را خاموش، مؤسسه‌های اجنبیه را که به نام حفظ طرق و تنظیم مالیه و عسگریه و غیرها برپا بود برچیده به جای هر یک تشکیلات منظمه داخلی گسترده و وضعیت داخلی را کاملاً رضایت بخش نمود و استقلال تام سیاسات خارجی را بالای آن استوانه‌های محکم و متین (امنیت داخلی) استوار داشت که موقعیت دولت ایران در

۱. نقطه چین مربوط به متن اصلی است.

خصوص این نتیجه مهمه در مجمع اتفاق ملل محکم و عضویت دولت ایران پذیرفته گردید و سپس چندین عهد سیاسی و تجاری یکی بعد دیگری با دول معظمه بسته شد.

در مرحله ۴ نه تنها عمران شهرها بلکه طرق مهمه را که به واسطه صعب العبوری عایق بزرگی در ارتباطات سکنه ایران بود بدون تحمیل مصارف مهمی به خزانه، شروع به تسطیح و تعمیر کرده به همت مردانه کوه‌های مهیب و افراشته را از جلو پای اهالی برداشته و به وسیله خطوط شوسه و مسطح بین ساکنین شهرها الفت قلبی حاصل و از این رو مهمترین خدمت را به سهولت آمد و شد مردم و حمل و نقل مال‌التجاره حاصل فرمود که در مدت هزار سال و صدها مالک رقاب و سلاطین این معما لاینحل مانده بود و منتهی گردید به ایجاد راه آهن، همان طلسم مهیب و فکر محال اسلاف که با جدی مردانه و عزمی خردمندانه از حوصله تنگ آمال به منصفه وسیع عمل رسانید. ایجاد تلگراف بی سیم، بنای چندین کارخانه و اشتغال چندین هزار ایرانی و رفع چندین رشته از احتیاجات داخلی، صدها آثار برجسته که ملت ایران در این عصر و اوان میرماً محتاج آنها بود و از ذکر یکایک آنها خودداری کرده به مشهودات ارباب انصاف و حقیقت واگذاشته می‌گذریم. بالنتیجه ملت ایران که هماره به تصدیق تاریخ در تعظیم و تقدیر قائدین خود و خدمتگزاران صدیق و برومند خویش غفلت نکرده و هیچ گاه تسلیم مردم تن‌پرور راحت طلب نمی‌گردد، با یک مفاخرت سراپا شهادت و توجه عمومی آن یگانه برگزیده جمهور ایران را اولی و لایق به مالک رقابی کل دیده مقدرات حال و استقلال مملکت خویش را تفویض پنجه آهنین و عزم متین وی ساخته، سکه دولت را به نام نامی و اسم گرامی برجسته‌ترین فرزند حقیقی ایران برقرار و تجدید جلال و عظمت باستانی را به عهده شاهنشاه دل آگاه کل مملکت ایران محول ساخت. با اذعان به عجز و اقرار به عدم توانایی، فقط به نام حقیقت پرستی جمعی داوطلبانه و بدون هیچ گونه ریا و خودخواهی یا نیت استفاده شخصی به نام جمعیت «ایران کهن» با اصول [و] آمال ۱۵ گانه و نظامات دیگری که از لحاظ افراد حساس و پاک جمعیت می‌گذرد خود را تنها طرفدار ذات خجسته شاهنشاه محبوب دانسته و برای حصول نیات مقدسه این شاهنشاه عظیم‌الشان افراد مطیع جان فشان معرفی می‌نماییم و از خداوند آسمان و خدایگان ایران مدد می‌خواهیم.

سند شماره ۱۳۹/۱

(مرام ۱۵ گانه جمعیت ایران کهن)

- ۱ - حفظ استقلال و تمامیت ایران و اداره آن با طرز مشروطیت تحت سلطنت شخص شخص اعلی حضرت همایون شاهنشاهی (رضا شاه پهلوی) مطابق اصول قانون اساسی.
- ۲ - سعی وافی در اجرای نقشه‌های شاهنشاه محبوب مفتح و تصمیمات ذات مقدس در اصلاحات فرضیه مملکت که متضمن ترقیات حال و استقبال ملک و ملت ایران است.
- ۳ - جد کافی در اجرا و عملی شدن کل قوانین موضوعه مملکتی.
- ۴ - تعمیم معارف، حفظ زبان فارسی، احترام شعائر ملیه، نگاهداری آثار عتیق و کهن.
- ۵ - تشویق و ترویج در نظام اجباری.
- ۶ - اجرای تعلیم اجباری (افتتاح مدارس اکابر در تمام ایران).
- ۷ - ترویج معیشت ساده و جلوگیری از زندگانی تجملی و استعمال اشیاء زایده.
- ۸ - بذل جهد در توازن صادرات و واردات مملکت.
- ۹ - ترویج امتعه وطن، مجاهدت یا رقابت‌هایی که به واسطه وجود بعضی مؤسسات و کارخانجات جدید بین تجار ایرانی و خارجه تولید شده است.
- ۱۰ - مقاومت با دسیسه‌های سوء که بعضی عناصر مغرض برای استفاده شخصی ایجاد می‌نمایند و هدایت مردم [برای] تشخیص منافع حقیقی و عمومی.
- ۱۱ - تعدیل انواع مالیات‌ها و عوارض ارضی و صنفی با حفظ غبطه اصناف و دهاقین و برزگران.
- ۱۲ - آزادی عامه در استخراج معادن و بهره مندی از ذخایر تحت‌الارضی به وسیله شرکت‌های محلی.
- ۱۳ - ایجاد مؤسسه‌های تعاونی و قرضه‌های سهل‌المعامله بین افراد [به] خصوص فلاحین.
- ۱۴ - جلوگیری از ترقی و تکثیر بی‌رویه مال الاجاره مستغلات^۱ با حفظ اصول مالکیت.
- ۱۵ - تأهل اجباری و جلوگیری از فساد اخلاق عمومی و ترک مسکرات و افیون.

سند شماره ۱۳۹/۲

نظامنامه جمعیت ایران کهن

ماده ۱ - جمعیت ایران کهن تشکیل می‌شود از مرکز مؤسسه، هیأت تفتیشیه، هیأت تحقیقیه، حوزه‌های مرکز و ولایات.

ماده ۲ - مرکز مؤسسه عبارت است از افراد اولیه که مرام و نظام جمعیت را تدارک نموده صلاهی انعقاد این جمعیت [را] داده داعی توحید فکر و خواهان تشریک مساعی در انجام وظایف حتمیه هر فرد است.

طرز انتخاب اولیه

ماده ۳ - مرکز مؤسسه با دقت کامل عیار یک عده ۱۴ نفری را که امین، دانا و معروف به حسن اخلاقی باشد تک تک به مرام و نظامنامه جمعیت مشخص ساخته پس از حصول اطمینان و قبول طرف، جلسه اولیه را در تحت نظامت یک نفر نماینده از هرکز مؤسس با اعتبار نامه مصدق و ممهور دایر و پس از سوگند یاد نمودن افراد حاضر ۱۴ گانه بیانیه را که حضرات قرائت و بعد مرام را نیز می‌خوانند و در مرحله سوم این نظامنامه مطرح می‌شود. مضمون بیانیه و مرام ۱۵ گانه لایتغیر است و باید عده ۱۴ نفر بپذیرند و (۱) نظامنامه را با اصلاحاتی که لازم داشته به اکثریت تصویب کرده بلا تأخیر هیأت عامله ناظم، منشی، رابط با رأی مخفی و اکثریت معین و صورتجلسه را نوشته به امضای تمام افراد ۱۴ نفر حاضر می‌رسد و به وسیله رابط به نماینده مرکز مؤسس تسلیم می‌شود.

جلسه ثانیه این هیأت که با وصول جواب از مرکز مؤسس بلا تأخیر منعقد می‌شود به هر یک از آقایان ۱۴ نفر داده می‌شود و با آن نمره هر یک مشغول انتخاب عده اعضای حوزه می‌شوند.

حوزه‌های مرکز

ماده ۴ - عده افراد حوزه‌های مرکز حداقل ۷ و حداکثر بسته به تصمیم خود حوزه است که با

جلب نظر رابط تعیین می نمایند.

ماده ۵ - نتیجه جلسات حوزه ها به وسیله ناظم همان حوزه تسلیم رابط و به مرکز مؤسس تفویض می شود.

فصل ۳

ماده ۶ - شرایط عضویت: مسلمان، ایرانی، سن کمتر از بیست سال نباشد، محکوم محاکم جزا و خلاف نبوده، معروف به فساد اخلاقی نباشد، تبعه مسلم دولت ایران باشد.

وظایف حوزه ها

ماده ۷ - هر حوزه دارای مهر مخصوص خواهد بود ولی کاغذ و پاکت متحدالشکل و حوزه و شماره آن را متضمن است.

ماده ۸ - حوزه ها سه ماه به سه ماه هیأت عامله خود را تجدید انتخاب می نمایند.

ماده ۹ - مناقشات شخصی قویاً ممنوع است.

ماده ۱۰ - مذاکرات با رعایت کل ادب و نزاکت است.

وظایف هیأت های عامله

ماده ۱۱ - ناظم ها مراقب نظم جلسات و حفظ صورت جلسات و دادن راپورت های جلسات و مراقبت نامه در صحت جریان اوضاع و حفظ نظام و مرام جمعیتند.

ماده ۱۲ - تبلیغ پیشنهادات مرکز مؤسس و مطرح نمودن آن در حوزه ها و اجرای نظریه مرکز مؤسس و اخذ نتیجه و اعلام آن به وسیله رابط.

هیأت تفتیشیه

ماده ۱۳ - از هر شعبه یک نفر با رأی مخفی و اکثریت نسبی برای عضویت هیأت تفتیشیه منتخب و به مرکز مؤسس معرفی می شود.

ماده ۱۴ - وظایف مفتش تفتیش در حوزه ها و تدارک راپورت های جامع که حاوی جریان اعضای حوزه و امور معروفه هست.

ماده ۱۵ - مفتش مسئول اظهارات و راپورت‌های خود بوده مقید به صحت و حقیقت آنها می‌باشد.

هیأت تحقیق

ماده ۱۶ - هیأت تحقیق مرکب از پنج نفر که به طریق ذیل معین و به وظایف مقرر موظف می‌گردند.

ماده ۱۷ - هیأت تحقیق ۴ نفر در هیأت تفتیشیه که ۱۴ نفرند به رأی مخفی و اکثریت نسبی منتخب و با رابط مرکز مؤسس پنج نفر می‌شوند.

ماده ۱۸ - وظایف هیأت تحقیق این است که افراد حوزه‌های ۱۴ گانه برای دعوت عضو جدید لازم است بدو اسم و شهرت آن شخص منظور را معین و تسلیم هیأت تحقیق نموده و هیأت تحقیق تحقیقات لازم را درباره آن شخص به عمل می‌آورد و در صورت قبول تمام پنج نفر امضا کرده به شعبه مربوطه تسلیم می‌نماید و سپس آن عضو دعوت می‌شود و در صورت رد مسکوت می‌ماند.

تبصره - هر معرفی‌نامه که یک ماه از هیأت تحقیق عودت داده نشد رد شده است و از آن شعبه ثانیاً پیشنهاد می‌شود.

ماده ۱۹ - انتخابات هیأت عامله هر حوزه سالی دوبار تجدید می‌شود.

ماده ۲۰ - کلیه انتخابات حوزه و هیأت‌ها با رأی مخفی و اکثریت نسبی خواهد بود.

تشکیلات ولایات

ماده ۲۱ - در ولایات نیز نشر این جمعیت لازم است.

ماده ۲۲ - رابطه تشکیلات کل ولایات با هیأت تفتیشیه و هیأت تحقیق است.

ماده ۲۳ - داوطلبان تشکیلات در ولایات درخواست‌های خود را به وسیله یک نفر از اعضای حوزه‌ها تسلیم هیأت تفتیش می‌نمایند. پس از مراجعه به هیأت تحقیق در صورت قبول اعتبار نامه رسمی از مرکز مؤسس تسلیم می‌شود و نیز در صورت لزوم در جریده که ارگان جمعیت شناخته می‌شود معرفی خواهد شد.

ماده ۲۴ - کنفرانس‌های عمومی و در صورت لزوم کنگره کل ممکن است به طور خاص با

جلب نظر نمایندگان حوزه‌های مرکز ترتیب داده شود.
 ماده ۲۵- پس از تصویب این نظامنامه در صورتی که موادی را تصوب به عمل آید یک حوزه قابل نقض یا وضع موافق باشند انجام می‌گیرد.

سند شماره ۱۴۰

مکاتبات مربوطه به عریضه همسر میرجعفر پیشه‌وری در خصوص دستگیری شوهرش

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۱/۲۲۰۰

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۱/۲۸

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

معصومه نام عیال میرجعفر پیشه‌وری شکایت می‌نماید که شوهر او به مدت ۴ ماه است بدون تقصیر در حبس باقی و توجهی نیز به عرایض مشارالیه‌ها نمی‌شود. متمنی است علت توقیف و چگونگی قضیه را قدغن فرمایید اشعار دارند تا جواب شاکیه داده شود.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۴۰/۱

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای تیمورتاش مدظله العالی قریب چهارماه است میرجعفر پیشه‌وری شوهر اینجانب بدون هیچ گناه و تقصیری در نظمیه توقیف است. از آنجایی که این کمینه به جایی دسترسی ندارم که عرض حال خود را تقدیم دارم و هر چه هم به اداره جلیله نظمیه مراجعه می‌نمایم جواب درستی نمی‌دهند و معلوم نیست به چه تقصیر شوهر کمینه را توقیف و زن و بچه او را دچار بدبختی و سختی معاش نموده‌اند. این است که به دربار معدلت مدار پهلوی و تنها مرکز و منشاء عدل و دادگستری متوجه و استدعای عاجزانه دارد امر فرمایید شوهر کمینه را مستخلص فرموده یک خانواده از رعایای شاهنشاهی را از پریشانی نجات دهند.

کمینه معصومه

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] سابقه و برای سابقه نیز از نظمیه استفسار شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۸

نمره اندیکاتور: ۱۵۳۶ ح

سند شماره ۱۴۰/۲

مقام منیع بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای وزیر دربار اعظم پهلوی دامت شوکته العالی با حمل احترام به عرض مبارک می‌رساند متجاوز از بیست ماه است میرجعفر پیشه‌وری شوهر کمینه بدون رسیدگی محبوس و تا به حال تکلیف او معلوم نشده. کمینه با یک بچه صغیر بدون سرپرست دچار حمل بدبختی و مذلت شده‌ایم زیرا معاش ما فقط با شغل روزانه شوهرم تأمین می‌شد. چون کسی را ندارم که عرایض کمینه را به مقامات عالیه رسانده و استدعای استخلاص و رسیدگی به کار مشارالیه را نماید لذا در گوشه محبس بدون این که رسیدگی به کارش نمایند افتاده است. چون پناهگاه ایرانیان ستمدیده آن دربار معدلت مدار است لذا

عاجزانه استدعا دارد به عرض حال کمیته عطف توجهی فرموده امر و مقرر فرمایند به کار مشارالیه رسیدگی و شوهرم را مستخلص سازند.

کمیته معصومه مصوّر

[حاشیه بالا، به خط تیمورتاش:] سابقه.

سند شماره ۱۴۰/۳

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۹

نمره: ۷۵۵/۳۳۰

اداره اطلاعات

محرمانه - مستقیم

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

عطف به مرقومه محترمه نمره ۲۲۰۰ [مورخ] ۱۰/۱/۲۸ راجع به استعلام از علت توقیف میرجعفر پیشه‌وری معروض می‌دارد مشارالیه سابقاً داخل در یک رشته جریان کمونیستی بوده ولی اخیراً بنا به اظهار خودش و تحقیقاتی که از مطلعین شده که یکی از آنها فریدون خان عضو وزارت جلیله خارجه است مشارالیه جزو حزب کمونیست نیست. نظر به این که از وجود مشارالیه می‌توان استفاده نمود در صورتی که امر و مقرر فرمایند مرخص و به طور خفیه اعمالش تحت مراقبت قرار داده شود. چنانچه وجودش مورد استفاده واقع گردید و حقیقتاً معلوم شد که از حزب خارج شده است فیها والا اگر مبادرت به اعمال سوء گذشته خود نمود مجدداً دستگیر و توقیف گردد. بسته به نظر مبارک است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ آیرم

[امضا]

[حاشیه بالا:] با سابقه به عرض برسد.

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] به عرض رسید. اجازه فرمودند به ترتیبی که خود نظمیه پیشنهاد کرده است این شخص را مرخص بکند.

سند شماره ۱۴۰/ع

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره قبل: ۱۵۳۶/خ

۱/۲۲۰۰

محرمانه

نمره کتاب: ۸۰۱/م

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۲/۲۳

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۲/۲۳

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

مدلول مراسله نمره ۷۷۵/۳۳۰ [مورخ] ۱۰/۲/۹ در خصوص میرجعفر پیشه‌وری به عرض خاکپای مبارک رسید. اجازه مرحمت فرمودند به طریقی که در ضمن مراسله فوق‌الذکر از طرف آن اداره محترم پیشنهاد شده است رفتار و مشارالیه را مستخلص فرمایید.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۴۰/۵

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره: اطلاعات

به تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۲

نمره: ۶۲۰

محرمانه - مستقیم

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکتہ

عطف به مرقومه محترمه نمره ۸۰۱ راجع به میرجعفر پیشه‌وری معروض می‌دارد نظر به این که اخیراً مدرک و دلایل مثبتی بر علیه او به دست آمده و می‌رساند که مشارالیه عامل مهم و رابط بین مسکو و تهران بوده و دو نفر را در چند ماه قبل برای حضور در کنگره از تهران با دادن مخارج راه به روسیه فرستاده است لذا برای تکمیل تحقیقات و روشن نمودن چگونگی قضیه فعلاً نمی‌شود او را مرخص نمود. بسته به نظر مبارک است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ آیرم

[امضا]

[حاشیة پایین:] به عرض رسید، ضمیمه سابقه شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۳/۲

نمره اندیکاتور: ۹۴۰ م

سند شماره ۱۴۱

گزارش نظمیه در خصوص دستگیری غلام سامی به جرم توزیع شبنامه در تبلیغ
مرام کمونیستی

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

به تاریخ: ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰

نمره: ۹۸۵

ضمیمه: ۱

محرمانه

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

در تعقیب شبنامه چند روز قبل که چند نفر مورد سوءظن و تحت نظر قرار داده بودند امروز در ساعت ۶ عصر یک نفر را دستگیر و در تفتیش بدنی یک طغرا شبنامه سابق و دو طغرا شبنامه که جدیداً نوشته شده که نسخه [ای] از آن لغاً تقدیم می شود کشف، فعلاً مشارالیه تحت استنطاق و عن قریب همدستان او و اصل منبع قضیه معلوم خواهد شد و از قرار این شخص فوق العاده زرنگ و یکی از سردستگان و عمال مهم اجانب می باشد و دارای چندین اسم است که قبوضات اجاره خانه که منزل کرده مبرهن می دارد و به علاوه سبّال او به نام غلام سامی است که از آبادان اخذ نموده و می گوید که در راه آهن شمال خدمت می کرده.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

[امضا: محمدحسین آیرم]

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۲۰

نمره اندیکاتور: ۸۱۸ م

سند شماره ۱۴۱/۱

رنجبران روی زمین متحد شوید

بخوان و به کارگر دیگر بده

رفقا! کارگران و جوانان کارگر زحمتکش تهران. امروز اول ماه مه است. اول ماه مه عید بین‌المللی کارگران روی زمین است. در این روز کارگران تمام دنیا تعطیل کرده و با بیرق‌های سرخ در خیابان‌ها و میدان‌ها و در کارخانجات جمع شده و برای علاج فقر و گرسنگی خود نمایشات داده و به وسیله نطق‌ها نظامنامه‌های خود را مانند ازدیاد مزد و کمی مدت کار و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و دفاع از جماهیر شوروی سوسیالیستی و امثال اینها مطالبه می‌کنند.

رفقا! ما کارگران تهران هم مانند کارگران تمام دنیا با سخت‌ترین وضعی [زندگانی را] می‌گذرانیم. اربابان و صاحبان کار ما به ما که از صبح تا شام ۱۲ الی ۱۶ ساعت عرق‌ریزان برای آنان زحمت می‌کشیم اجرتی می‌دهند که با آن معاش ساده خود و خانواده خود را به زحمت تهیه می‌کنیم. با ترتیب کارمزدی آخرین شیر جوانی ما را می‌مکند، جزئی کسالت در ما کافی است که ما را با دست خالی و گرسنگی از کار خارج کنند. اطفال ما گرسنه و عریانند، بچه‌های^۱ ما را از سن کوچکی با حقوق بسیار ناچیز به کار کشیده و جوانی آنها را با زحمت کمرشکن فدای منافع خود می‌کنند ولی خود آنها از حاصل این زحمات جان‌فروشی ما انواع نعمت و اسباب‌های عیش و عشرت و جلال برای خود و خانواده خود فراهم کرده‌اند.

رفقا! رژیم جبار دیکتاتوری پهلوی دست نشانده و مطیع امپریالیزم خارجی و حافظ و مدافع اربابان، ملاکین و اشرار است. پهلوی، جلاد واقعی طبقه کارگر و زحمتکش ایران حتی آخرین آثار آزادی‌ظاهری را از بین برده است. با وجود این همه فشار و ظلم، فرقه کمونیست ایران که یگانه پیشرو و ناجی طبقه کارگر ایران است روز بروز قوت می‌گیرد.

پهلوی و خائنین اطرافی او از توسعه فقر و فلاکت و نارضایتی شدید در میان توده کارگران و دهاقین ایران و قوت روز افزون فرقه کمونیست ایران به وحشت افتاده و روز به روز به قوه

۱. در اصل: بچه‌های.

پلیس خود افزوده و به وسیله حبس و تبعید و شکنجه از جزئی‌ترین اجتماعات ما حتی در اول ماه مه که حق تاریخی کارگران روی زمین است جلوگیری می‌کنند. چنانچه ده روز قبل به وسیله متحد‌آمال نظمیه تمام کمیساریات اجتماع کارگران را در این روزها برای تفرج مورد تعقیب و اکیداً ممنوع و تفریحات هفته‌ای کلوبهای اصناف را در این روزها قدغن کرده‌اند. رفقا! نجات ما کارگران فقط و فقط در دست خود ما و تشکیلات ما است.

ما بایستی در ردیف کارگران روی زمین از کارگران جماهیر شوروی تأسی کنیم. ما باید برای حفظ حقوق خود و کم کردن مدت کار به هشت ساعت و ازدیاد مزد و آزادی قلم و نطق و تشکیلات اتحادیه مدافع حقوق کارگران، میان خود به هر شکلی شود تشکیلات کارگری ایجاد کنیم.

ما باید از سگان تأمیناتی دیکتاتوری جبار پهلوی بیم نداشته و برای نجات خود و مبارزه با این رژیم و سرنگونی آن به زیر بیرق فرقه ما یعنی فرقه کمونیست ایران جمع شویم.

زنده باد هشت ساعت کار در روز و ازدیاد مزد.

زنده باد آزادی قلم و نطق و اتحادیه‌های کارگری.

زنده باد ساختمان سوسیالیزم در جماهیر شوروی که وطن تمام کارگران دنیا است.

کارگران و جوانان کارگر تهران برای نجات خود در زیر بیرق تشکیلات کمونیستی تهران

متحد شوید.

محو و نابود باد رژیم شوم و جلاد اشرافی پهلوی و تکیه‌گاه خارجی آن امپریالیزم

انگلیس.

زنده باد انقلاب کارگری ایران. ۱۹۳۱

کمیته تهران

فرقه کمونیستی ایران و کمیته تهران

اتفاق جوانان کارگر ایران

سند شماره ۱۴۲

درخواست والی خراسان و سیستان (محمود جم) مبنی بر مشخص شدن وضعیت
چهار نفر افراد کمونیست زندانی در مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

ایالت خراسان و سیستان

مورخه: ۱۳۱۰/۵/۷

نمره: ۵۷۴۹

مستقیم

وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

اطلاعاً زحمت افزا می شود که در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۰۹ [۱] نظمیۀ راپورت داده که عده [ای] در
مشهد در توی قالی باف های شهری و اطراف به عنوان کارگری تشکیلاتی داده و تقریباً مطابق
اصول اشتراکی تبلیغاتی می شود. فوراً کلیه اشخاصی که در این امر دخالت داشتند و عده آنها
۲۲ نفر بود جلب و توقیف گردیدند. چون از تعقیب این قبیل امور از مجرای عدلیه کمتر نتیجه
گرفته می شود لذا حسب الامر مقامات عالیۀ حضرات مدتی در مشهد توقیف بودند. ضمن
استنطاقات و رسیدگی هایی که شد معلوم گردید جمعی از کارکنان قالی بافی از روی جهالت
آلت دست چهار نفر که اسامی آنها از این قرار است شده اند:

۱. ابوالفضل، صراف بانک روس ۲. علی آقا ۳. میرزا علی اکبر فرهودی ۴. مشهدی اکبر

قالی باف

بر حسب استدعای اینجانب به غیر از چهار نفر فوق بقیه مرخص شده اند. این چهار نفر فعلاً
ده ماه است در نظمیۀ توقیف هستند. نظر به این که زن و بچه این اشخاص دائماً متظلم و شاکی
هستند و از طرف دیگر حدی برای تنبیه آنها معین نشده یعنی حکمی از محکمه صادر نگردیده

که اجرا بشود و مدت حبس حضرات قریب به یک سال است طول کشیده به نظر فدوی برای تنبیه آنها کافی است. برای رفع شکایت بستگان آنها در تحت نمره...^۱ به دفتر مخصوص پیشنهاد شده بود که اجازه داده شود حضرات مرخص و از مشهد به طبرستان یا فردوس تبعید شوند. جوابی مرحمت نشد. خواهشمندم در این باب امعان نظری فرموده به طوری که استدعا شده اجازه فرمایند این چهار نفر مرخص و تبعید و یا دوسیه آنها به محکمه مراجعه که در برابر صدور حکم محکمه حبس شوند.

والی ایالت خراسان و سیستان

[امضا: محمود جم]

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] از دفتر مخصوص شاهنشاهی استفسار شود چه اقدامی نسبت به تقاضای ایشان شده است.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲۷

نمره اندیکاتور: ۱۵۴۷/م

سند شماره ۱۴۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

یادداشت

راجع به تبعید و توقیف مسببین مجامع کمونیستی سابقاً ایالت خراسان تقاضا کرده بود که به غیر از سه نفر (فرهودی و عبدالحسین دهزاده و فرحی) که مسبب انقلاب تشخیص داده شده اند

۱. در متن سند شماره نمره نیامده است.

بقیه مرخص شوند. مراتب به هیأت دولت مراجعه و تصمیم گرفته شد که سه نفر مزبور کماکان باید در توقیف باقی مانده و بقیه نیز تبعید شوند. به همین قسم نیز در همان وقت به ایالت خراسان جواب داده شد و از آن به بعد دیگر پیشنهادی از طرف ایالت خراسان راجع به مرخصی تبعید شدگان یا توقیف شدگان به دفتر مخصوص نرسیده است.

توضیحات دفتر مخصوص به عرض می‌رسد و ضمناً عرض می‌کنند پیشنهاد ایالت خراسان راجع به تبعید این چند نفر از مشهد به طبس یا فردوس که به دفتر مخصوص ارسال شده بود واصل نشده است.

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] همین طور جواب بدهید.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۱۷

نمره اندیکاتور: ۱۵۳۷ م

سند شماره ۱۴۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت: ۶۷۲۶

محرمانه

تاریخ اصل مطلب: ۱۰ دی ماه ۱۳۰۹

اسم پاکنویس کننده: سیدحسن

ریاست محترم اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

بر طبق راپورت ایالت جلیله خراسان راجع به عده [ای] کارگر که در مشهد به جرم تعصب مسلک کمونیستی توقیف شده‌اند عامل مهم تشکیلات آنها میرزا علی اکبر فرهودی قالی‌باف و عبدالحسین ده‌زاده که فعلاً در نظمیه تهران توقیف است و میرزا ابوالفضل خرمی مستخدم بانک

روس بوده‌اند. این است زحمت می‌دهم مقرر فرمایید که سه نفر مذکور را در حال توقیف نگاه داشته و سایر محبوسین را از مشهد به قسمت‌های جنوبی خراسان تبعید فرمایند.

[حاشیه پایین:] راپورت در حضور مبارک مانده است.

سند شماره ۱۴۲/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب: ۱۵۴۷/م

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۵/۲۷

محرمانه

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۵/۲۷

ایالت جلیله خراسان

جواباً به مراسله نمره ۵۷۴۹ در موضوع چهار نفر از مبلغین اصول اشتراکی که در تحت توقیف هستند زحمت می‌دهد اینکه مرقوم داشته‌اید که راجع به رفع توقیف و تبعید مشارالیه‌م از مشهد به طبس یا فردوس پیشنهادی به دفتر مخصوص ارسال فرموده‌اید تحقیق به عمل آمد و مطلبی (؟) که اشعار می‌دارند تاکنون چنین پیشنهادی به دفتر واصل نشده است. البته پس از وصول پیشنهاد تصمیمی که لازم است اتخاذ خواهد شد.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۴۳

درخواست‌های افسر شبرنگ مبنی بر آزادی همسر وی از زندان، به انضمام
مکاتبات صورت گرفته در این زمینه

[شیر و خورشید]

وزارت دربار پهلوی

تاریخ تحریر: ۱۳۱۰/۶/۳

نمره کتاب: ۱۶۳۲/م

تاریخ خروج: ۱۳۱۰/۶/۳

نمره [های] قبل: ۲۶۶۵/خ، ۲۸۴۱/خ

ضمیمه: سواد عریضه افسرخانم

شبرنگ عیال اسماعیل شبرنگ

ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی

افسر نام شبرنگ شرحی از توقیف شوهر خود اسماعیل شبرنگ شکایت و تقاضای استخلاص
مشارالیه را می‌نماید. با ارسال سواد عرض حال مشارالیه‌ها متمنی است قدغن فرمایید علت
توقیف اسماعیل شبرنگ را اطلاع دهند.

[امضای پیش‌نویس: یوسف علوی]

سند شماره ۱۴۳/۱

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲۲ [۱۳]

مقام منبع بندگان جناب اشرف آقای وزیر محترم دربار پهلوی دامه تائیداته
محترماً معروض می‌دارد بدون اینکه با ذکر مقدمه باعث تضییع وقت شریف که می‌بایستی برای

انجام مهمات مملکتی صرف گردد بشوم عرایض عاجزانه خود را به عرض رسانده و تمنای انجام استغاثه خود می‌نمایم. اینک قریب دو ماه است که شوهر این کمینه را که موسوم است به اسماعیل شبرنگ که با حقوق جزئی معلمی خود معیشت یک خانواده را تأمین می‌نمود در بندر پهلوی از طرف تأمینات دستگیر، پس از ۱۹ روز محبوس بودن در پهلوی به تهران فرستاده‌اند. اثاثیه‌ای که در اثر چندین سال زحمت جمع‌آوری شده بود به واسطه عدم وسایل معیشت فروخته چون سرپرستی نداشته و ندارم و یگانه ملجأ بیچارگان حضرت اشرف را می‌دانم لذا دست توسل و بیچارگی به دامن آن جناب زده با یک طفل سه ماهه خود به تهران عزیمت نمودم. البته واضح است که مسافرت یک زن با یک طفل شیرخوار آن هم بدون سرپرست چه مشقات و زحماتی در بر دارد و با چه صعوبتی یک زن ۲۱ ساله که به هیچ وجه آشنایی با محیطی ندارد و کسی که باعث تسلیت خاطر او گردد و تا اندازه‌ای وسایل زندگانی ناچیز او را تهیه نماید نداشته باشد خودش باید به تنهایی زندگانی خود را از قبیل منزل و سایر لوازمات جزئی را تهیه نماید. خدا شاهد است که چه صدمات و زحماتی را در این راه کشیده و می‌کشم و برای پاره نمودن این زنجیر اسارت از آن مقام محترم که همیشه اوقات وقت گرانبایش برای رفاهیت عامه مردم ایران صرف می‌شود و استدعای عاجزانه دارم که برای رضای خدا و ترحم به بچه شیرخواره و مادر بدبختش به عرایضات کمینه خود رسیدگی فرموده و احقاق حق بفرمایید که تا مرفه‌الحال این زندگانی دو روزه خود را ادامه داده و به دعاگویی مشغول باشم. اگر جناب اشرف تفقدی به حال کمینه فرموده و جوابی به عرایض عاجزانه‌ام لطف فرموده به آدرس ذیل مرحمت فرمایید.

خیابان ناصریه، کوچه منصورالحکماء، منزل علی‌خان، محصل مدرسه ایران و آلمان، نمره
درب ۵

کنیز خاکپایت
افسر شبرنگ

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲

نمره اندیکاتور: ۲۶۶۵ خ

طبقه‌بندی ضبط: ۳-۱

سند شماره ۱۴۳/۲

تاریخ: ۱۳۱۰/۴/۲۷ [۱۳]

حضور محترم بندگان جناب اشرف آقای وزیر محترم دربار پهلوی دامت بقاءه
به عرض حضور مبارک می‌رساند در تعقیب عریضه سابق که در خصوص اسماعیل شبرنگ
شوهر این کمینه که در بندر پهلوی از طرف تأمینات توقیف و به تهران تحت الحفظ اعزام
داشتید به عرض رسانیده و البته از نظر مبارک گذشته است معروض می‌دارد:
با استحضار از مفاد عریضه قبل که با فروش اثاثیه و یک طفل بدون سرپرست فقط به
استعانت تقدمات جناب اشرف که معروف خاص و عام است به تهران آمده‌ام و البته بر جناب
اشرف پوشیده نیست که اثاثیه یک نفر معلم ابتدایی چه اندازه خواهد بود و تا چه مدت قیمت
آنها می‌تواند یک خانواده را آن هم در تهران اداره نماید. برای اینکه استغاثه مظلومانه خود را
شفاهاً به عرض حضور مبارک رسانیده به شرف دست‌بوسی جناب اشرف مفتخر شده
عاجزانه استدعا می‌نمایم که اظهار لطفی فرموده و توجهی به خانواده محبوس بیچاره که در اثر
توقیف به کلی از بین رفته و حاصل زحمات چندین ساله را از دست داده‌اند فرموده دوسیه
ایشان را از تحت نظر مبارک گذرانده و به بچه شیرخواره و مادر بدبخت بی‌سرپرستش منت
گذارد امر به استخلاصش بفرمایید.

قربان خاکپایت

افسر شبرنگ

[حاشیه پایین، اول:] سابقه.

[حاشیه پایین، دوم:] سابقه به عرض برسد.

[حاشیه پایین، سوم:] به عرض رسید، ضبط.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۵/۲۴

نمره اندیکاتور: ۲۸۴۱ خ

طبقه‌بندی ضبط: ۱-۱

سند شماره ۱۴۳/۳

مقام منبع بندگان جناب اشرف وزیر محترم دربار پهلوی دامت شوکته العالی به عرض حضور عالی می‌رساند دو عریضه که یکی به وسیله پست و یکی به اسم کمینه شخصاً پس از چند روز زحمت و معطلی بالاخره موفق به تحصیل افتخار زیارت جناب اشرف گشتم تقدیم داشتم و در آنها شرح گرفتاری شوهر خود اسماعیل شبرنگ را کاملاً عرضه داشته و استرحاماً تقاضای رسیدگی به دوسیه و سابقه شوهر خود را نموده بودم. متأسفانه با تمام انتظارات و امیدواری‌هایی که از جناب اشرف داشته مع هذا علاوه از این که به ناله مظلومانه یک زن ۲۰ ساله که به انواع و اقسام گرفتاری و مشقات در یک شهر غربت بدون سرپرست و خویش و اقربا با یک طفل شیرخوار که عجالتاً طفل هم در اثر ابتلا به اسهال که بزرگترین امراض بچگانه است به بستر بیماری خوابیده دست به گریبان است ترتیب اثری داده نشده به هیچ وجه نتوانسته به اخذ جواب عریضات خود که ممکن بود باعث تسکین آلام و دردهای سوزناک آن گردد دسترسی پیدا نماید.

تصدیق می‌نمایم که اوقات شریف جناب اشرف می‌بایستی صرف امورات مهمه مملکتی که برای رفاهیت عامه ایرانیان است بشود صرف هم می‌شود و این قسمت در مقابل مهمات مملکتی به حدی ناچیز هست که نمی‌توان با بودن آنها به این رسیدگی نموده و صرف وقت فرمایید ولی همان اندازه که این قضیه در مقابل مهمات مملکتی ناچیز است به همان اندازه در مقابل یک خانواده که اساس زندگانشان به واسطه شخصی است که در اثر نبودن او امورات معیشتی خانواده مختل و بالتبیه در اثر اختلال معیشت معدوم می‌شود مهم است. با مراتب فوق کمینه می‌خواهم به وسیله این عریضه توجهات جناب اشرف به طرف یک چنین زن بیچاره مثل کمینه که یکتا امیدش را به ترحم نوع پرورانه جناب اشرف می‌داند جلب نموده و استدعای عاجزانه خود را دایر به خلاصی شوهر خود را به سمع مبارک که یگانه دادرس مظلومان و درماندگان می‌باشند رسانده و به تفقادات پدرانۀ جناب اشرف مستحضر بوده و منتظر صدور اوامر شفقت آمیزانه جناب اشرف که تمام اوقات شریفشان صرف رفاهیت عموم ملت ایران می‌شود باشم.

جناب اشرفا! من شوهر خود را که همیشه اوقات با او بوده و سابقه کامل دارم که به جز

کارهای عادی روزانه به کار دیگر مشغول نبوده و به کلی او را میرا از هر اتهامی دانسته و مطمئنم که کاملاً بی تقصیر است و اکنون هم نمی‌دانم به چه اتهامی او را دستگیر و توقیف نموده‌اند.

ولی می‌دانم نمی‌توانند او را به جرمی متهم نمایند که قانوناً مستوجب اعدام یک طفل بی‌گناه و یک زن بدبخت یا بالنتیجه باعث انهدام یک فامیل بشود که عجالتاً طفلش در اثر شدت بیماری احتمال خطر مرگ دارد.

جناب اشرفا ترحمی به این بی‌گناه و مادر سیه‌روزش فرموده تمنا دارم قبل از انهدام یک فامیل به دوسیه و سوابق شوهرم رسیدگی فرموده در صورت بی‌تقصیری امر به استخلاصش فرمایید.

جناب اشرفا! کمینه یک زن ۲۰ ساله ایرانی بیش نیستم و نمی‌توانم مثل مردان عرایض خود را به عرض حضور رسانده و تقاضای رسیدگی نمایم. استدعا می‌نمایم استغاثه مظلومانه کمینه را اصفاء فرموده امر و مقرر فرمایید که ترتیب اثری به آن داده و یک فامیلی را از خود خشنود سازید که بعدها به آسودگی خاطر به دعاگویی جناب اشرف اشتغال ورزم. آدرس کمینه: ناصریه، کوچه منصورالحکماء، منزل علی‌خان، محصل مدرسه ایران و آلمان، نمره درب ۵

[حاشیه پایین، اول، به خط تیمورتاش:] علت توقیف اسماعیل شبرنگ چه بوده است؟
[حاشیه پایین، دوم:] به عرض می‌رسد راجع به علت توقیف اسماعیل شبرنگ سابقه‌ای موجود نیست فقط یکی دو فقره عریضه از طرف عیال مشارالیه مبنی بر تقاضای استخلاص او واصل شده بود که به ضبط مراجعه فرموده‌اند. مشارالیه‌ها سه فقره عرض حال هم به دفتر مخصوص داده است که به نظمیه رجوع نموده‌اند.

[حاشیه پایین، سوم، به خط تیمورتاش:] از نظمیه استفسار شود.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۰/۶/۳

نمره اندیکاتور: ۱۶۳۲ م

سند شماره ۱۴۳/۴

وزارت داخله

[شیر و خورشید]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی

اداره: سیاسی

دایره: تحقیق

محرمانه

به تاریخ: ۱۵/۶/۱۳۱۰ [۱۳]

نمره: ۲۲۰۸/۲۱

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

عطف به مرقومه محترمه نمره «۱۶۳۲» متضمن سواد عرض حال افسر خانم زوجه شبرنگ معروض می دارد مشارالیه سابقاً در مدرسه شرق مسکو تحصیل می کرده اخیراً در بندر پهلوی به سمت معلمی مدرسه شوروی مشغول و یکی از عمال و مبلغین اشتراکیون می باشد که در گیلان شروع به تبلیغات نموده بود که دستگیر و تحت تعقیب است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

[امضا: محمدحسین آیرم]

[حاشیه پایین: ضمیمه سابقه شود.]

[مهر: ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی]

تاریخ: ۱۳۱۰/۷/۵

نمره اندیکاتور: ۱۷۳۶ م

سند شماره ۱۴۴

درخواست مشهدی قلی مبنی بر آزادی فرزندش (علی) از زندان مشهد

مقام منیع وزارت دربار دامت شوکته

حقیر مشهدی قلی که پسر علی آقا را که سال قبل در مشهد توقیف نموده بودند و بی تقصیری مشارالیه هم محرز بوده از قراری که نظمیه مشهد جواب داده به تهران راپورت شده که اجازه مرخصی بدهند هنوز جوابی داده نشده. حقیر به این امیدواری به تهران آمده مدت چهارماه است که تهران هستم. توسط آقای سلمان خان اسدی هم عریضه عرض شده جواب قطعی مرحمت نشده. عاجزانه استدعا می‌کنم که توجهی فرموده که بیش از این پسر حقیر که موجب امیدواری حقیر و مادرش می‌باشد بدون محاکمه در توقیف نماند.

ایام شوکت مستدام باد

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:] سابقه و علت توقیف.

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی

تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۲

نمره اندیکاتور: ۲۶۴ خ

سند شماره ۱۴۴/۱

وزارت دربار پهلوی

یادداشت

حسب الامر تحقیقات شد

این شخص یکی از چهار نفر مؤسسين قسمت تشکيلات کمونيستی در خراسان بوده است که در ۱۳۰۹ توقیف و راپورت آن از شرف عرض خاکپای همایونی ارواحنافداه گذشته و امر

مبارک شرف صدور یافته است که در توقیف باشند.

[امضا: مرتضی خسروانی]

۱۳۱۱/۱/۲۳

[حاشیه پایین، به خط تیمورتاش:] ضبط.

سند شماره ۱۴۵

گزارش واصله راجع به متوقف شدن فعالیت گروهی موسوم به حزب سفید

[شیر و خورشید]

وزارت داخله

در چندی قبل اشخاصی دور هم جمع می شدند به اسم حزب سفید، در بدو امر خیال می کردم به مرکز و به مقامات صالحه بستگی دارند بعد معلوم شد برخلاف این تصور بوده است. نظریات دیگری داشته اند. به وسایل مقتضیه در انحلال آنها موفقیت حاصل، فعلاً دیگر از نظمیه در این مسأله راپورتنی ندارم و به موجب تحقیقات خارجی هم حزب مزبور رسمیتی ندارد. ساکت و راکد است. اطلاعاً جسارت شد.

[امضا: نظام الدین حکمت]

[حاشیه بالا:] محرمانه است.

تصویر نمونہ اسناد

سند شماره ۱/۱

مدل ۱
بتاریخ ۴۷ برج شهریور ۱۳۰۵
نمره ۴۹ ضمیمه



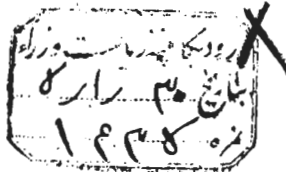
اداره کل تشکیلات نظمیّه

دائرة سازمان
شعبه

تمام نسخ این رسم و در تمام مدارس و کتبخانه
مختلف معروضه شد ۵۴۰ در وضع هر روز اقراری نظام میروند
مکتوبات نیز از نقطه ای که مقرر شد در مورد درج و حذف درج
در هر دو نسخه می باشد نیز هم مرتبه قهر و کسر است
رقه اند - این مکتوبات را در هر دو نسخه معروض شد
در کتبخانه نظمیّه

بدرستی
مستند بر این تاریخ دارد
را در هر دو نسخه نظر داشته است

۱-۳۰



ضمیمہ

[illegible]

سند شماره ۱۴/۲



وزارت دربار پولوی

تاریخ اصل مطلب ۲۰۱۰... ماه... ۱۳۰۰
اسم پالک نویس کننده

نمبر کتاب ثبت	۴۲۶۱
کارن	دوسه
نمبر های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج

در بدست نامتواری رسید جو با تحسین
خداست لاریجک، بهادر سیکر مجریو فیاض طبع
نمبر ۱۰۰۰ و ۱۰۰۰ در قدرت سستید
فرموده آن سینه به زفات و فزات و فزات
نصف و نصف تا خدیو صید و روبرای
و مبرانه مع درایم که بر کتایم نفع کنه
فزتم و مبرانه کتایم درایم که بر کتایم
و مبرانه کتایم درایم که بر کتایم

در داد های معلوم
و مبرانه کتایم
و مبرانه کتایم
و مبرانه کتایم

سند شماره ۱۹

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۵

محضند ببارک نندگان حضرت صاحب زلف آن سر تنه نامزدین و دربار عظیم پهلوان
 در این موقع در در پر تو غم داده دار است تقدس شایسته زنجیر امارت گشته و این تقدیر
 بر پای محکم استواری بود بر لایات صمیمانه عرض ضحاک تهرین و ذلالت تکریم عظیم
 است از طرف ذات اعلیٰ نسبت باین دو نفر خد متذکر صمیم مرصع است و اجابت
 استدعائی است در چند تکریم و تکریم به پیر است حضرت آن رفیع و نهاده
 آنکه و تکریم فاضل و تجدید شناسه شکر به پذیرفتن این استدعا نمود و این را پیر
 خود ابریه فرمود بر این تحقیق صدق مراتب معروضه مکن است را لایحه خدات را از آنجا
 ایر محترم شکر خوب است و اینک در اسلام فراموشی و رنج و غم و این بزرگوارم شود
 زیرا که خبر تکریم حضرت در این است که کند. بدین آفرین — نویسنده حضرت یاد (مطهره)

الله و انسانی کو

سند شماره ۱۹/۱



وزارت معارف و اوقاف

اداره ...

نمبره قبل	۹۵۲
ضمیمه	
اسم یا کنوینس کننده	سرکار

نمبره کتاب	۱۰۰۰
کارتن	
دوسیه	

ماه ۱۳۰۷

تاریخ خروج روز

ماه ۱۳۰

تاریخ تحریر

بسم الله الرحمن الرحیم
 در این مورد که در این روزهای اخیر
 در این شهر که تا حدی دوده از آتش است و در این روزها
 کاملاً در این شهر و در این روزها کاملاً در این شهر
 به این شهر و در این روزها کاملاً در این شهر
 به این شهر و در این روزها کاملاً در این شهر
 به این شهر و در این روزها کاملاً در این شهر

سند شماره ۳۸

اداره روزنامه آیت ابراهیم

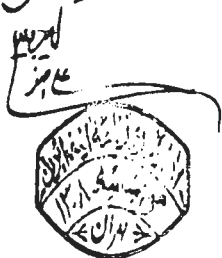
مورخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۰۸

نب

شماره ۷۴۵

مقام منبع وزارت جلیه دربار عظیم حضرت شاهنشاهی

برای این آیت ابراهیم از تاریخ انقضای آن ماه در طهران منتشر گردیده و از این آیت ابراهیم که به قلم خود نوشته و در دست علی دعات ملحق در
موقع عصر جاری گردیده و به قلم خود به دست هر دو کتبه شده و بعد از آن در روز سه شنبه در طهران به دست خود نوشته و در دست خود در طهران
استدعا شده و در قبول یافته و در آن روز به دست خود در طهران در آن روز به دست خود در طهران در آن روز به دست خود در طهران
به دست خود در طهران در آن روز به دست خود در طهران در آن روز به دست خود در طهران در آن روز به دست خود در طهران



میرزا حسن محمد خان ۱۳۰۸

طهران
روزنامه یونیه عصر
اطلاعات

[illegible]

Συνολο
7/11/1

سند شماره ۴۲

۱-ل

تاریخ ۱۴۰۱ هجری ماه ۱۳
 شماره ۱۹۳۱/۳۰۰۹۰ ضمیمه برادر محترم



محرر: نسیم

تشکلات کل نظریه بلکلی

اداره: م. تعلیمات

دایره:

شعبه:

نظام نسیم وزارت جلیه در بار بهور است نه که
 طبق راپورت ادارہ تعلیمات در تقدیم بار سر ۱۳۰۹ یک صفحه اعلام که در
 نسخه تقدیم میشود طبع است که بدان اکثر رؤسای شرفه ادارات و مدارس
 که در جریان سیر و داخل ادارات را بر تحت نفوذ آنها مقرر نمایند چون
 این در اعلان فرموده در تقدیم بر برب تو بهین نسبت بدست و ادارات
 و مذاسب در مملکت خود بعد از مدتی تقدیم فرموده خواهد شد
 با صدور اجازت مخصوص وزارت جلیه معارف طبع است که علت اجازت
 در آن وزارت جلیه استعلام در بار توقیف اعلان فرموده اقدام تقصیر بعمل آید
 رئیس کنونیست نظیر مکتب: نسیم

Adr. Télégr: SETAREH

L. 192
No. Annexe

آدرس : کراچی : ستارہ

تاریخ: ۱۲۰۱ هجری قمری
نمبر: ۱۲۰۱

مقام شیع وزارت جدید در بار چری دت عظمه

[illegible]

"SÉTAREH'YÉ-DJÈHANE",
JOURNAL PERSAN - FRANÇAIS
TENERAN - Paris
Téléphone : 13.76
Adr. Télég: SETAREH

Lr 193
No Annexe

روزنامه یومیه ملی

ستاره جهان

طهران تلن : ۱۳۷۶

آدرس تلگرافی : ستاره

تاریخ ماه ۱۳۰
شماره صفحه

زیرا که می بینیم وقت فراست و امکات و بهایست خوبه پیدا کردن البته قلمی جاده
ایستادن و نیز اینجاست که بهایست و نیز اینجاست که بهایست
معتمد از اینجاست که بهایست و نیز اینجاست که بهایست
سمت بهایست که بهایست و نیز اینجاست که بهایست
اگر هم بهایست که بهایست و نیز اینجاست که بهایست

صدور
استاد
مدیریت

سند شماره ۵۹/۶

ل-۱

تاریخ: ۱۳۰۹ ماه ۹ - ۱۳۰۹

شماره: ۳۵۱۹
۹۹۹



تکلیفات کل نظریه‌ی کل

اداره: اطلاعات

دایره: ...

شعبه: ...

تحت نظر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در تیسارم مرداد ۱۳۰۹ راجع به درخواست وینچ وینچ در معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
شماره ۱۳۰۹/۶۵۹
شماره ۱۳۰۹/۶۵۹
شماره ۱۳۰۹/۶۵۹
شماره ۱۳۰۹/۶۵۹

میرزا محمد تقی
میرزا محمد تقی
میرزا محمد تقی
میرزا محمد تقی

این دار است و با دیگر راجع به این است
فردا

تاریخ	۱۳۰۹
شماره	۱۳۰۹
دوره	۱۳۰۹
محل	۱۳۰۹

سند شماره ۶۸

ل-۱

تاریخ: ۱۳۰۴/۰۴/۰۴

شماره: ۶۲۴

موضوع: جنبه

۲۲۱



تکلیات کل نظریه‌های

اداره: الحاد است

دایره:

شبه:

تعمیم به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 گمیده از جراید از قریب - ایران - منقح سرخ - تاره جهان - کوشش
 اطلعت - گمش - سجد و ایران - ایران ازاد + اسب - سعادت
 توتین - ازادگان - در ستر آیه را تعهد کرده اند از نور معارف
 ولی بعضی جراید دیگر - اقدام - حصار عدل - ترفیق - معبد برآمدند
 زخک فاسد لرزش - روزنامه جوان ایران - معبد عالم نوب - مجله
 معارف از مدت‌های قریب ستر نور بوده حالیه در اطراف کن
 سیاست آنان فقط اطلعت عالی مختصیر سگردد بر قوم فواید جرائد
 اخیر اندک از نور معارف باشند یا خیر - ستر کوشش - ستر کوشش

ورود بدفتر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ: ۱۳۰۴/۰۴/۰۴

شماره: ۶۲۴

موضوع: جنبه

[illegible]

مکتبہ شریعت اسلامیہ

عصر خصال و لطیف

[illegible][illegible]

سند شماره ۷۳

تاریخ ۱۲/۴/۱۳۱۰ ماه سنه ۱۳۱۰

نمره ۸۳۰

ضمیمه

تمام مراسلات باید بعنوان خلیلی باشد

@

اقدام

جریده یومیه

طهران

دائرہ مراسلات

دفعه مخصوصه حضرت شاهنشاهی خلدیم و کرامت
 بر اثر فرستاده مخصوصه که ما که ازین معاهده و ایمان متعهد
 اهلین شاهنشاهی میباشیم و بر وجه اتمام از طرف لایحه توقف تعهد
 اعطای ما و در از خواهان این وقف رعایت میسند که بنابر
 سعادت حاصل است و اگر سوختن و غرض در زیر درگاه
 توقف است که بعد از ظاهر شماره روزنامه انشاء مخصوصه
 و اتم و خدمت کردن توقع احوال عیب اتمام گاه مخصوصه
 مقرر اتم شاهنشاهی میباشیم

وزارت بهدفتر وزارت عدلیه

تاریخ ۱۲/۴/۱۳۱۰

سرمد اندیکاتور ۱۸۵۸

مطابق بانی ضبط

سند شماره ۷۹

اداره روزنامه آئینه ایران
تاریخ ۶ ماه آینه ۱۳۱۱

ضمیمه

شماره

قصه محبوبیت زنی - لعل دارم اگر نام و نشان مدویم
از لعل دور بین خفت شرف نموده است حس است که

فدایم از لعل خیم خفت شرف را موثر نیست

مدور به کسی علف غرضم در نمونده نموده و بقیه میانه
دور به قدر در قمر با هم از قصه آید با پیاده شده است
ای سدا به خاست دور به کوه و کوه را از زخم خیم شرف نوری

خفت شرف نوری خوام بود؟ چای مدام است

نویس: لعل

صفت

٤ سورة (٨)

امرو ۱۱۹۲۵ ضمیمہ لکراو
۷۱۰۳۱۱



ادارہ...! پروا پرکھ...

... دایره

وزارت صحت و دارو

وزارت مجلیہ دارالہندو
وزارت ہند از سعادت شاہ ہر نرس سلطنت وزارت ہندو خیر رسیدہ و دارالہند غرات ۵ و عو یکا شرح
و عجیب بہرینہ نظار و کتب کثیفہ و اعلام نمودند ۔
برایکہ نظریہ وزارت ہندو خیر معلوم مجیدی شریعہ دین باب تہہ شریعہ کہ بغیر محمد اکرام و طہران نشہ و
سعادت شاہ ہر نرس و ستارہ و دستور دہم و دہم نمود ۔
ایک شہر مہند فرید و ہر لری خط مبارک نشہ ایلا سید لہذا و مہندہ نظار لغزینہ و بعد از ہندو
خانہ و دستور خاص بر این سعادت بر نرس و ہر نرس سعادت وزارت ہندو خیر و دستور فرید و ہر لری
سلطنت سعادت فرستادہ نمود ۔



والله اعلم

میں کو

وزیر دفتر وزارت دیار یلوی

تاریخ: ۱۳۰۵/۵/۱۳

شماره: ۱۳۰۵/۵/۱۳

ضابطه: ۱۳۰۵/۵/۱۳

در شرح رابطه که در تاریخ پنج تیرماه ۱۳۱۰ در ۵۷۷۷ وزارت عدلیه امده فارم حضرت و در لسان از زبان مبارک
گفته است آثارش بود روزگار که در چهارم تیرماه ۱۳۱۰ کارخانانی معبر که مارالیه اشار، بروز آینه کیار
نمود و بنده و جوانان طائی که در مدت روزنامه خبر را در یک کوشش با ایالات و قریه قزو و ده بانه
تیر کرد، و میسر شد و چون کارخانانی قاضی نمود، بود که یک تار، از روزنامه کیار را بر اسراف و بخت نمود و در محمی
شرح خصوصی که تیارالیه نوشته آثار داشتیم با اینکه حالت ایران از هر گونه اتمات قد نور و در محمی است
مهاجرین سند در ایران بنامه جگر گیر کرده و میگرد و آینه زار و در دولت شور و در این قریه خروافات
را تیر و در برنج خسته و یک نامه روزنامه کیار را از لای داشتیم برادر شرح خبر در لای مبارک میگرد
و البته در این اتمات مبارک را تمهید خواهم داشت

از کمال معرفت و علم در علم ارفقه در کمال
و از کمال معرفت و علم در علم ارفقه در کمال

دربارہٴ عالیہ ریفرنس مسازانہ
دکتر نور الدین علی گڑگانی
مکتبہ انوار الدین اسلام آباد

سند شماره ۱۰۶

۳۵۱ /
۱۰ / ۵ / ۱۹



نمونه ۱۶۵

وزارت پست و تلگراف
۱۲ / ۵ / ۲۸
۱۵۵۶

محرر

وزارت معارف و اوقاف

ف
استحضار میسر میسر که از قلمداران وزارت معارف و اوقاف
۱۹۲۱
مرسلهت کیه در پیش غره ۱۳۰۰ مرقد ماه اول
از به از برای که در تسمیه باز و تسمیه تسمیه تسمیه
که در یک جا در داده کف و تسمیه در داده تسمیه
تسمیه در صدر تسمیه تسمیه تسمیه تسمیه
اعلیٰ حضرت پادشاه پادشاه پادشاه پادشاه

وزارت معارف

تسمیه
تسمیه

سند شماره ۱۲۱



وزارت امور خارجه

اداره
نمره ۱۴۰۵۵
تاریخ ۱۳۳۸
ضمیمه

۱۱ / ۴ / ۲۱
۳۳۸۴

ت
م
ر
ا
ت

وزارت حبشه با برهمن
آیه فخر با یک از محکومیت و تکرار و زیر یکبار شش شش
سفارت نشاء هر معین بر سر سیده و یا درج نماید:
و اکثر و زیر یکبار یکبار و نیم محکوم گردید
شهر



١-٣

تاریخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۹۷
نمبر ۴۹۷ / ۱۵۷۳



تشکیلات کل نظریہ بلکیتی

.....اداره و.....
.....دایره.....
.....شماره.....

۲۱۲۳۹
 آن پنج رزمی که سربان
 حریف می شود و نه مرتب از کوه سرور داشته است

دار کون کور
داران داران
نظر نظر
نظر نظر

وزیر بهداشت و روان دربار پهلوی

تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱

نمبر اندیکاتور ۱۹۵

طبقه بندی ضبط

سند شماره ۱۴۰/۱

حضور مبارک بندگان حضرت سید ابوالوفاء اعظم اهل قمر تحریر تاسر مد علی
 قریب چهار ماه است میر جعفر پیشه در شهر ایجاب بدون هیچ گونه وقفیه و نفی
 توقیف است از انجائیکه این کتبه بجان دشمنان ابرم که عرض حال خود را تقدم دارم و
 بر صوم با داره جلیه نظیر مراجعینم جواب درستی نمونده و معلوم نیست بچه مقصیر
 شهر کتبه را اترقیف و زنی و بچه او را دوبار به بخت و شکر منور نموده اند این است
 که بر بار معدوم و نامرکز و نشاء محل و دادگستر مستحب داشته عا عا عا و در
 امر فرمایید شهر کتبه را مستحق فرموده یک خانواده از رعایات شهر را از پریشانی

نجات دهند

کتبه مقصود

لله در این شهر
 از انجائیکه این کتبه
 —————

دفتر وزارت دربار به لوی	
تاریخ	۱۳۹۹ - ۱ - ۲۸
شماره	۱۵۴۹

1-J

نمبر من ضمیمہ

[illegible]

تشکیلات کل نظریہ نمکس

ادارہ... رحمت

..... زائر •

..... ۴۴

عطف بر قوه محکمه نمره ۸۰۱ راجع بر جمع نشد در سند مندرج
نظر اینکه اخیراً در ارتکاب و دله ناشی بر عکس او دست آمده و رسانده
است را در این مکتب در این مکتب و طهران بوده و در نظر داد در این مکتب
قهرمان حضور و آنکه از طریق این دادگاه مناجاج راه روانه فرستاده است
لذا برای تحقیقات و روشن نمودن جلوی تصدیق شده در این مکتب
بسته نظر بان است این مکتب است انچه مندرج است

سرور

صوبہ سندھ کو۔

وہی وہی - وہی وہی

12.

9/3/5

عکس فا



میرزاده عشقی (مدیر قرن بیستم)



ابراهیم راه نجات (مدیر راه نجات)



شکراالله صفوی (مدیر کوشش)



عباس مسعودی (مدیر اطلاعات)



داعی الاسلام (مدیر مجله الاسلام)



مؤید الاسلام (مدیر جبل المتین)



محمد علی مکرم (مدیر صدای اصفهان)



حسین کوهی کرمانی



محمدحسین استخر (مدیر استخر)



فرخ‌دین پارسای (مدیر مجله عصر جدید)



علی دشتی (مدیر شفق سرخ)



گریگور بقیکیان (مدیر ایران کبیر)



جمعی از کارکنان و نویسندگان روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۱۴



جمعی از روزنامه نگاران (ردیف جلو از چپ: شکرالله صفوی، سیدمحمد طباطبائی - ردیف دوم از چپ: سیدکاظم اتحاد، عباس خلیلی، علی دشتی، محمد فرخی، نادری، زیدالاحمدی، وهنسا - ردیف آخر از چپ: عباس مسعودی، امیر، قیصر، زیدالله، عبدالعزیز)



عباس خلیلی (مدیر اقدام)



سید جعفر پیشه‌وری



رضا افشار



یحیی قراگزلو



حسین علاء



محمد علی فرزین



احمد متین دفتری



عبدالحسین تیمورتاش

نمایه

آلمانیها ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۷، ۲۸۴، ۲۸۹	«آ»
آلمان ← در اکثر صفحات	
آمریکا ۹۸، ۱۷۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۷۶، ۲۸۷، ۲۹۰	آئینه ایران (روزنامه) ۷۹، ۹۷، ۱۲۴، ۱۶۰، ۱۷۰
آمریکائیان ۱	آبادان ۳۴۷
آمین، علی ۳۰۰	آتاتورک، مصطفی کمال ۳۲۰، ۳۲۱
آیتی، عبدالحسین ۸۶	آتش فشان (روزنامه) ۵، ۶
آیرم، محمد حسین ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸	آذربایجان ۵۲، ۸۹، ۱۵۵، ۲۳۲، ۲۴۵
۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۲، ۲۴۷، ۳۴۴	۲۶۶، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۳۶
۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۹	آزادگان (روزنامه) ۱۴۲
	آزادی (روزنامه) ۱۷۵، ۱۷۶
«الف»	آسیا ۲۷۷
	آقشام (روزنامه) ۹۹
ابوالفتح میرزا (پسر مظفرالدین شاه) ۵۸	آگهی ۱۲۴

- ابوالفرج رونی، ابوالفرج بن مسعود ۶۹
 اپفل (وکیل مدافع) ۲۲۰، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۵
- اساسنامه‌ها ۸، ۳۰۰، ۳۰۸، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۸
- استانبول ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۲۳، ۳۲۴
 استخدام ۱۸، ۸۵، ۱۶۴
 استخر (روزنامه) ۴۳، ۴۴
 استخر، محمد حسین ۴۳
 استرآباد ← گرگان
 استغفا ۹، ۲۲، ۳۷، ۳۸، ۱۳۶، ۲۶۶
 اسداوف، احمد ۱۹۳
 اسدی، ابوالقاسم ۳۱۳
 اسدی، سلمان ۳۶۰
 اسدی، علی اکبر ۱۵۹
 اسفرجانی (از اهالی سمیرم) ۱۲
 اسکندری، سلیمان میرزا ۳۲۵
 اسلام ۵۳، ۵۴، ۱۲۴، ۱۵۹
 اسلامبول ← استانبول
 اسلامی (از فرهنگیان اردبیل) ۳۰۹
 اشتاین هاوس (رئیس محکمه بدایت آلمان) ۲۶۱، ۲۷۷
 اصفهان ۱۲، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۴۲، ۵۳، ۶۴، ۶۸، ۷۷، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۲۶۴، ۳۱۶، ۳۱۸
 اصفهانی، ابوالحسن (آیت الله) ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶
- اتابکوف ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴
 اتحاد (مدیر داخلی روزنامه ایران) ۶۲
 اتریش ۲۹۰
 اتفاق اسلام (روزنامه) ۸۳، ۸۴
 احتشام زاده ۸۲
 احمدشاه قاجار ۲۴۹
 اختر (روزنامه) ۱۴۹، ۱۵۰
 اختلافات مرزی ۱۵۴
 اخگر (روزنامه) ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵
 اداره معارف گیلان ۳۵
 اداره کل امور سیاسی (وزارت امور خارجه) ۱۷۷
 اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی ← در اکثر صفحات
 ارامنه ۹۹، ۱۷۳، ۲۴۳
 اردبیل ۳۰۸
 ارمغان (مجله) ۶۸، ۶۹
 اروپا ۹۷، ۱۰۰، ۱۶۱، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۹۰، ۳۲۰، ۳۳۴

- اطلاعات (روزنامه) ۴۱، ۴۲، ۶۲، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۴۳
- اعتصام زاده، ابوالقاسم ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۸۹
- اعتماد الاسلام ← سیستانی، جواد
- اعتمادی، غلامعلی ۷، ۸، ۹، ۱۰
- اعراب ۷۵، ۷۶، ۷۷
- اعزام دانشجوی به خارج ۲۰۴
- اعلامیه ها ۸۰، ۸۴، ۹۹، ۱۹۴، ۲۹۳
- افشار، رضا ۹۹، ۲۳۰، ۲۹۹
- افغانستان ۲۸، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۷۱، ۸۳
- افغانیان ۵۹
- اقدام (روزنامه) ۷، ۹، ۵۹، ۶۲، ۷۵، ۷۶
- ۹۶، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲
- الاستقلال (روزنامه) ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷
- الاسلام (مجله) ۱۳، ۱۴، ۱۵
- البرز (روزنامه) ۳۵، ۳۶، ۹۵
- الفت اصفهانی، محمدباقر ۳۱۸
- امام جمعه خویی، یحیی ۴۱
- امامی، احمد ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۵
- امان الله خان (پادشاه افغانستان) ۵۵
- امپریالیسم ۳۴۹
- امتیازنامه ها ۲۶۵
- املاک ۲۶۴، ۳۳۰
- امید (روزنامه) ۱۴۲
- امیراحمدی، احمد ۲۶۶
- امیرجاهد، محمد علی ۸۶، ۸۷
- امیرجلیلی مژدهی، علی اصغر ۷۹، ۹۷
- ۹۸، ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۱
- امیر قاسمی، رضا ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸
- ۳۰۹، ۳۱۰
- امین التاجر ← امین، حبیب الله
- امین، حبیب الله ۳۱۸
- انتخابات ۹، ۳۵، ۴۲، ۴۸، ۱۰۹، ۳۰۱
- ۳۴۱
- انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی
- ۹۵
- انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملی
- ۹۵
- انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی
- ۳۱۶، ۳۱۷
- انتخابات مجلس شورای ملی ۲۹۳، ۲۹۴
- ۳۱۶
- انجمنهای ایالتی و ولایتی ۳۳۰
- انگریف (روزنامه) ۲۸۵
- انگلستان ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۵۸، ۱۹۵
- ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۴۴، ۲۶۴، ۲۶۵
- ۳۴۹
- انگلیسیها ۸۰، ۱۲۸، ۲۸۰
- انوشیروان (پادشاه ساسانی) ۳۱۰
- اوحدی کرمانی (شاعر) ۶۹
- اویس قرنی ۱۶۷

اهل سنت ۵۳	بخشنامه‌ها ۱۴۱
ایتالیا ۳۰۱، ۲۲۲	بدر، احمد ۳۰۴
ایران آزاد (روزنامه) ۱۴۳، ۱۴۲	بدیع، محمدحسن ۱۰۳، ۳۱۹
ایران (روزنامه) ۷، ۸، ۱۰، ۵۶، ۵۷، ۶۱	برلن ← در اکثر صفحات
۶۲، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳	برلین ام مورگن (روزنامه) ۱۹۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹
ایران کبیر (روزنامه) ۹۹، ۱۰۰، ۱۷۱	۲۸۴، ۲۸۶
۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴	برلینر تاگلات (روزنامه) ۲۵۰، ۲۵۴
ایران نو (روزنامه) ۲۹۸، ۲۹۹	برلینر تربیون (روزنامه) ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۸۶
ایرانیان مقیم آلمان ۲۲۶	برلین ← برلن
ایرانیان مقیم برلن ۲۰۶	برنج ۱۰۸
ایرانیان مقیم عراق ۵۷، ۵۸	بروجردی ۸۲
ایروانلو، هاشم ۸۰	بروکسل ۱۹۳، ۱۹۴
ایوان مداین (بنای معروف ساسانیان) ۳۳۴	ب. زد. ام میتگ (روزنامه) ۲۱۹
«ب»	البدستان (کتاب) ۲۷۱
	بغداد ۵۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷
باباطاهر عریان همدانی (شاعر) ۶۹	بلدیۀ اصفهان ← شهرداری اصفهان
بادام ۱۰۸	بلدیۀ اصفهان (مجله) ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸
بادکوبه ۲۴۲	بلژیک ۵۲، ۲۷۳
بازرگانی ۷۴، ۱۰۸	بلشویکها ۳۲۴
بالکان ۱۹۲، ۳۰۱	بلغارستان ۳۰۱
بانک ایران ۲۶۴	بلوچ ۲۶۴
بانک پهلوی ۱۲۸، ۱۲۹	بمبئی ۵۴
بانکها ۳۳۱	بندر انزلی ۱۴۴، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۵، ۳۵۶
بجنورد ۵۵	۳۵۹
بحرین ۲۶۵	بندر پهلوی ← بندر انزلی

- بندرعباس ۲۳۱
بنزین ۲۰۰، ۱۶۶
بوذرجمهری، کریم ۲۶۶
بودجه ۳۹، ۴۱، ۵۳، ۱۳۸، ۱۵۹، ۱۶۰
بوشهر ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱
بهائیت ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
بهرامی، احمد ۸۲
بهرامی (دکتر) ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۵
بهرامی، فرج‌الله ۱۳۶، ۳۱۸
بهنام، محمود ۸۰، ۱۴۸، ۱۶۰
بیداری کرمان (روزنامه) ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۵
بیروت ۹۷
بیلدریش (روزنامه) ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴
بیماریها ۳۵۷، ۳۵۸
بین‌النهرین ۵۷، ۹۷، ۲۴۲
((پ))
پارچه‌ها ۵۴، ۱۵۳
پارسای، فرخ‌دین ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴،
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰
پاریزرشتراسه (آلمان) ۱۹۳
پاریس ۱۰۰، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۶۲
پاریس (مجله) ۷۲
پاشا (رئیس‌نظمیه اصفهان) ۲۰
پاکروان، فتح‌الله ۳۷، ۳۸، ۵۱، ۲۳۸، ۲۳۹،
۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۲۲
پایدار، محمود ۲۹۰
پراگ ۱۹۳
پروتکل ۱۵۴
پروس ← آلمان
پسیان، محمدتقی ۲۶۴
پشم ۱۰۸
پنبه ۱۰۸
پورآفر، حسن ۳۲۵
پوررضا، محمد ۱۹۳
پولیتکا (روزنامه) ۹۹
پهلونژاد، چراغعلی ۲۶۴
پهلوی (حکومت) ۱۹۷، ۲۹۵، ۳۴۸، ۳۴۹
پهلوی، رضا ← در اکثر صفحات
پیرنظر، حسن ۱۵۷
پیرنیا، ابوالحسن ۹۳
پیرنیا، حسن ۳۲۱
پیشه‌وری، جعفر ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۴۲
۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶
پیغام عملی (روزنامه) ۵۴
پیکار (روزنامه) ← در اکثر صفحات
((ت))
تاجیکستان ۱۴۵
تبریز ۱، ۲، ۹، ۵۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۲۲

تقویم ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸	تبریز (روزنامه) ۲۴۶، ۲۴۷
تنکابنی، محمد ولی ۲۶۴	تبعید ۴۶، ۴۷، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۱۹،
توتون ۴۰	۱۲۰، ۱۲۸، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۰۴،
توفیق (روزنامه) ۱۴۲	۲۰۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۶۱،
توقیف ← در اکثر صفحات	۲۶۵، ۲۸۹، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۹، ۳۵۱،
تهران مصور (مجله) ۱۰۶	۳۵۳، ۳۵۲
تهران ← در اکثر صفحات	تبلیغات ۷۶، ۱۷۲، ۲۱۰، ۳۰۱،
تیلست (روزنامه) ۵۳	تبلیغات ضد اسلامی ۵۳
تیمورتاش، عبدالحسین ← در اکثر صفحات	تبلیغات ضد دولت ۱۷۹، ۲۴۲
	تبلیغات کمونیستی ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۰،
	۳۱۳، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۹
	تبلیغات مذهبی ۵۳، ۵۴
	تجدد ایران (روزنامه) ۱۴۲، ۱۴۳
جاسوسان ۵۳	تحصیلات ۱۷۲، ۳۳۱
جام جم (کتاب) ۶۹	تخت جمشید (روزنامه) ۱۱
جامعه معارف ایران ۲۸	تدین، محمد ۹۱، ۱۰۴
جامعه ملل ۵۷، ۵۸، ۳۳۴، ۳۳۷	ترکان ۵۹، ۱۷۳
جان محمد خان ۲۶۶	ترک، جواد ۳۰۳
جبارزاده (از نظامیان آستارا) ۳۰۸	ترکستان ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۴۱
جلال آباد (افغانستان) ۵۵	ترکیه ۵۵، ۹۵، ۹۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۶،
جلالی، حسین ۳۱۸	۱۹۸، ۳۰۱، ۳۲۰، ۳۲۲
جلالی، محسن ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۲	تریاک ۳۳۱
جمال پاشا (سردار ترک) ۸۵	تشویق (روزنامه) ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲
جمشید (از پادشاهان پیشدادی) ۳۳۳،	تصوینامه‌ها ۳۲۷، ۳۲۸
۳۳۴	تصوینامه‌های هیأت وزیران ۸۷، ۱۷۵
جمشیدی مازندرانی ۸۲	تعهدنامه‌ها ۸۸، ۸۹

((ج))

- جمعیت آزادیخواهان ایران ۳۱۸، ۳۱۶
 جمعیت ایران جوان ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۹
 جمعیت ایران کهن ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹
 جمعیت ایران نو ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸
 جمعیت تعاون ملی ۲۹۳، ۲۹۴
 الجمعیهٔ دهلی (روزنامه) ۵۳
 جم، محمود ۳۰۴، ۳۵۰، ۳۵۱
 جمهوریت (روزنامه) ۲۹۶
 جوان ایران (روزنامه) ۱۴۲
 جوزانی، رضا ۳۳۴
 جونپور (روزنامه) ۵۴
 جهانبانی (رئیس نظمیۀ اصفهان) ۲۲، ۲۳
- «ج»
- چاپخانه‌ها ۲۱۵
 چراغعلی خان ← پهلونژاد، چراغعلی
 چگینی، محمدحسین ۳۰۰
 چنگیزخان مغول ۱۰۱
 چهارمحال و بختیاری ۱۵۰، ۳۱۸
 چین ۱۰، ۲۹۷، ۳۱۸
- «ح»
- حامدی، احمد ۱۰۰، ۱۰۱
 حایری‌زاده یزدی، ابوالحسن ۲۹۴، ۲۹۵
 حبل‌المتین (روزنامه) ۲۸، ۴۵، ۴۶، ۴۷
 ۴۸، ۴۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۳۲
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۷
 حجاب ۳۵
 حجازی (کارگر چاپخانهٔ تهران) ۲۶۴
 حزب ایران نو ۳۰۰، ۳۰۱
 حزب ترقی ۳۲۰
 حزب داشناک ۲۴۲، ۲۴۳
 حزب سفید ۳۶۱
 حزب سوسیالیست آلمان ۲۱۷
 حزب ملت ترکیه ۳۲۰، ۳۲۱
 حسن (از کارکنان وزارت دربار و ریاست وزرا) ۲۵، ۲۷، ۴۴، ۵۰، ۶۴، ۷۵، ۹۴
 ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۳۰۶، ۳۱۲، ۳۵۲
 حسن، محمود ۹۹
 حسین (از رؤسای طایفهٔ دره شوری قشقایی) ۱۲، ۱۳
 الحسینی کاشانی، جلال‌الدین ۴۵، ۴۸
 ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵
 الحسینی گیلانی، اشرف‌الدین ۱۴۶، ۱۴۷
 حشمت‌السلطان (حاکم سیرجان) ۳۰۳
 حصار عدل (روزنامه) ۵۲، ۱۴۲
 حق‌المرتفع ۱۲، ۱۳
 حقوق اساسی ۲۵۲، ۲۵۳
 حقوق بشر ۱۹۳

حقوق بین الملل ۲۵۲	خلیلی، عباس ۹۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳
حقوق و مزایا ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۷، ۳۵۵، ۱۳۸	خوزستان ۱۲۸، ۱۲۹
حکمت، نظام الدین ۳۶۱	خیابان دروازه شمیران، تهران ۲۹۵
حکمتی، علی اکبر ۶۳	خیابان علاءالدوله، تهران ۳۲۸
حکومت جمهوری ۲۹۷	خیابان ناصریه، تهران ۳۵۵، ۳۵۸
حکومت گیلان و طوالش ۹۵، ۹۹	خیابان ویلهلم (برلن، آلمان) ۲۵۳
حلاج (روزنامه) ۷، ۸	خیابان هامبورگ (برلن، آلمان) ۲۱۹
حیات داودی، حیدر ۱۲۹	خیابانی، شیخ محمد ۲۶۶
حیفا (لبنان) ۱۹۳، ۱۹۴	

((۵))

((خ))

خاکپور، یوسف ۳۰۰	دادگر، حسین ۵، ۲۶۶
خالصی زاده (متهم به فعالیت بلشویکی در ایران) ۳۲۵	دازاب، علی ۱۹۳، ۲۰۱
خالو قربان (از اعضای نهضت جنگل) ۲۶۵	دارتیه، مسیح ۳۰۰
خراسان ۴۰، ۵۴، ۸۳، ۱۵۴، ۲۶۴، ۳۱۱، ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰	داروخانه ها ۱
خرمشهر ۱۲۸	داروسازی ۱
خرمی، ابوالفضل ۳۵۰، ۳۵۲	داریوش (پادشاه هخامنشی) ۱۲۲
خرید اسلحه ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۲۲	داشناک (روزنامه) ۲۴۳
خرید و فروش ۱۰۷	دامغان ۱۰
خسروانی، مرتضی ۱۶۵، ۱۷۰، ۳۶۱	دانشجویان ایرانی خارج از کشور ۱۰۰
خشکبار ۵۴	۱۹۱، ۲۰۳، ۲۶۲
	داور، علی اکبر ۵۲، ۲۶۴
	درگاهی، محمد ۲، ۳، ۴، ۵، ۶۰، ۶۲، ۷۷
	۳۰۷
	دره شوری (طایفه) ۱۲

- دریای خزر ۳۳۴
 دریای مدیترانه ۳۰۱
 دزداب ← زاهدان
 دشتی، علی ۱۶۷
 دعوتنامه‌ها ۲۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۳۲۶
 دفتر مخصوص شاهنشاهی ۴۵، ۱۵۸
 ۱۷۴، ۲۳۳، ۲۴۹، ۲۷۵، ۳۵۱، ۳۵۲
 ۳۵۸، ۳۵۳
 دمکرات (روزنامه) ۶۶، ۶۷
 دواخانه جوادیه ۶۴
 دوشینسکی، مارتین ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۷۸
 ۲۷۹
 دولت آبادی، حسام ۳۱۸
 دهاقانی (از اهالی سمیرم) ۱۲
 ده‌زاده، عبدالحسین ۳۵۱، ۳۵۲
 دهلی نو ۷۱، ۱۹۳
 دیاربکر (ترکیه) ۳۰۱
 دی ولت ام مونتگ (روزنامه) ۲۲۷
 ((ذ))
 ذره، ابوالقاسم ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۶۹
 ذوالقدر، محمدتقی ۶۶
 ((ر))
 رازی، عبدالله ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳
 رافضی پور، م ۱۹۷، ۱۹۸
 راه آهن ۳۳، ۵۲، ۱۱۸، ۱۲۱، ۳۳۱، ۳۳۷
 ۳۴۷
 راهسازی ۱۰
 راه نجات، ابراهیم ۷۷، ۷۸
 راه نجات (روزنامه) ۷۷، ۷۸
 راهها ۱۰
 رایشتاخ (آلمان) ۱۸۱
 رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر ۸۳، ۸۴
 رحیم (متهم به فعالیت کمونیستی) ۳۲۴
 رستاخیز (مجله) ۱۲۲
 رستم (پهلوان افسانه‌ای) ۳۳۳
 رشت ۳۵، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۴۴
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۳۲۴، ۳۲۵
 رشدی بیک، توفیق ۳۰۱
 رشید (از ملاکین سیرجان) ۳۰۳
 رشیدالسلطان ۳۰۳
 رفعت، ایوب ۶۳
 رم ۲۵۹
 رمضان ۱۳۶
 رمیثه (عراق) ۱۶۲
 روابط اقتصادی ۷۴

- روابط ایران و آلمان ۲۰۷، ۲۲۶، ۲۸۵
 روابط ایران و شوروی ۲۴۵
 روابط ایران و عراق ۵۶، ۵۸
 روابط ایران و هند ۴۵، ۴۶
 روابط سیاسی ۷۴
 روحی، عطاءالله ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶
 رود اترک ۱۴۹، ۳۳۳
 روز جهانی کارگر، اول ماه مه ۳۴۸، ۳۴۹
 روسهای سفید ۵۹
 روسیه ← شوروی
 روضه خوانی ۵۴
 رومانی ۳۰۱
 ره آورد (کتاب) ۶۹
 رهبر دانش (مجله) ۱۴۴، ۱۴۵
 رهنما، زین العابدین ۵۶، ۵۷، ۱۰۹، ۱۱۰
 ۱۴۱، ۲۹۸، ۲۹۹
 رینکر (مدیر روزنامه نهضت) ۲۵۷، ۲۸۴
 ۲۸۵
- ((ز))
- زادان خان (متمرد لارستانی) ۱۰۳
 زارع، علی ۳۰۳
 زاهدان ۱۳۳
 زاهدی، فضل الله ۱۱۸، ۳۲۷
 زبان آلمانی ۲۴۶، ۳۲۴
- زبان اردو ۱۵۷
 زبان انگلیسی ۱۵، ۳۲۵
 زبان ترکی ۳۲۵
 زبان روسی ۲۴۴، ۲۴۵، ۳۱۲، ۳۱۳
 زبان عربی ۲۱۷
 زبان فارسی ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۹۹
 ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۴۶، ۳۳۸
 زبان فرانسه ۵۱، ۵۲، ۸۹، ۳۲۵
 زرتشت (پیامبر ایرانی) ۳۳۳
 زرین کفش، علی اصغر ۱۷۲
 زندانها ۳۵۰، ۳۶۰
 زند رشیدی، احمد علی ۳۰۳
 زوریخ (سوئیس) ۱۹۳
- ((ژ))
- ژنو ۵۷، ۵۸، ۱۹۳
- ((س))
- ساعد مراغه‌ای، محمد ۳۰۱
 سالار مظفر ۳۲۵
 سامی، غلام ۳۴۷
 سانسور ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۵۵، ۷۱، ۷۹، ۸۸
 ۸۹، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۱
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۷۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹

- سپاهان (مجله) ۲۷، ۲۹، ۳۰
 سپهسالار اعظم ← تنکابنی، محمدولی
 ستاره سرخ (روزنامه) ۲۴۳
 ستاره ایران (روزنامه) ۷، ۹، ۵۱، ۵۲
 ستاره جهان (روزنامه) ۸۸، ۸۹، ۱۴۲
 سرافراز (روزنامه) ۵۳، ۱۵۶
 سردار عشایر ← قشقایی، اسماعیل
 سردار ماکو ۳۲۵
 سردار معزز بجنوردی ۲۶۵
 سردار مقتدر سنجابی ۳۲۵
 سرمایه گذاری خارجی ۳۳۱
 سروش، علی اکبر ۳۶
 سعادت بشر (روزنامه) ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰
 سفارت آلمان در تهران ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۱۲
 سفارت ایران در آنکارا ۲۳۴، ۲۷۱، ۲۷۴
 سفارت ایران در بغداد ۱۶۲، ۱۹۵، ۱۹۶
 سفارت ایران در پاریس ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
 سفارت ایران در رم ۲۹۰
 سفارت ایران در مسکو ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۴
 سفارت شوروی در برلن ۲۳۷، ۲۳۸
 سفارت شوروی در تهران ۱۳۹، ۱۵۰
 سفرها ۴۸، ۹۶، ۹۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۳۱۲
 سکیت (مدیر روزنامه تشویق) ۱۳۹
 سلاحها ۵۵
 سلماش ۲۶۴
 سمیتقو، اسماعیل ۳۳۴
 سمیرم سفلی (اصفهان) ۱۲
 سمیرم علیا (اصفهان) ۱۲
 سمیرمی (از اهالی سمیرم) ۱۲
 سمیعی، حسین ۹۲، ۲۳۳، ۲۸۸، ۳۱۶
 سمیعی، عنایت الله ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۰
 سودمند (مجله) ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۲
 سوسیالیست ها ۲۷۲، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۵
 سهند (روزنامه) ۹
 سهیلی، علی ۱۳۹
 ۲۲۳
 ۳۲۰، ۱۴۳
 ۳۲۵
 ۱۷۰
 ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۷۱، ۲۷۴
 ۱۸۶، ۱۸۰، ۱۷۷
 ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۳
 ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶
 ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۴
 ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۷
 ۲۷۰، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸

- سیاست اسلامی (روزنامه) ۱۷، ۱۸، ۱۹
 سیرجان ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴
 سیروس کبیر (نمایشنامه) ۲۱
 سیروس ← کوروش
 سیستان و بلوچستان ۳۵۰، ۳۵۱
 سیستانی، جواد ۱۸، ۱۹، ۱۷۴
 سیمل (هند) ۴۸
 سیموتیان (از معلمان مدرسه شوروی در ایران) ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵
 ((ش))
 شارلوتنبورگ کایزر دام (آلمان) ۱۹۳
 شانسلری (آلمان) ۲۱۸
 شاه آباد ← اسلام آباد غرب
 شیرنگ، اسماعیل ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶
 ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹
 شیرنگ، افسر ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹
 شب‌نامه‌ها ۲۹۰، ۳۲۴، ۳۴۷
 شرق نزدیک (روزنامه) ۵۶، ۵۸
 شرکت تلفن ۸
 شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۹۶، ۱۹۷
 ۲۶۴، ۲۶۵
 شرکت‌های نفتی ۱۹۷
 شفق سرخ (روزنامه) ۷، ۱۰، ۳۷، ۳۹
 ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۴۲، ۱۴۳، ۳۰۰، ۳۲۰
 شکایتها ۲، ۲۰، ۳۴، ۴۶، ۵۷، ۵۸، ۱۰۷
 ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۸۲
 ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۵۱
 ۳۵۴
 شکرایی، یوسف ۱۳۴، ۱۴۳
 شکوه، محمود ۱۶۵، ۱۷۰
 شکنجه و آزار ۷۶
 شمس، غلامرضا ۳۰۰
 شمس، مظفرالدین ۳۰۰
 شورای عالی معارف (وزارت معارف و اوقاف) ۲۹۹
 شوروی ۲، ۹، ۵۵، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۰
 ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳
 ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۴
 ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳
 ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۳، ۳۰۸
 ۳۱۴، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۴۹
 شورویها ۲۴۵، ۲۷۳
 شوکت بیک، ممدوح ۳۰۱
 شولنبورگ، کنت ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۴
 ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۳۶
 شهابی (کفیل اداره مالیه سیرجان) ۳۰۳
 ۳۰۴
 شهردار، حبیب‌الله ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۳۷
 شهرداری اصفهان ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۷
 ۱۳۸

- شهرضا ۳۱۸
شیبانی، عبدالله ۱۱۱
شیخ خزعل ۱۲۸، ۲۶۵
شیراز ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۷۳، ۱۱۰،
۱۶۱، ۱۱۱
شیرازی، محسن ۱۶، ۱۷
شیروانی، ابوطالب ۱۱، ۱۲، ۱۳
شیرین اوف (کمونست تبعیدی) ۳۲۵
شیعیان ۱۵۶
شیلات ۱۴۹، ۱۵۴
- صنعت ۳۳۱
صوراسرافیل، قاسم ۲۳۱، ۲۴۸
صورت جلسه ۳۳۹، ۳۴۰
- «ط»
- طاهری ۸۲
طبس ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳
طوس (روزنامه) ۱۷۵، ۱۷۶
طوفان (روزنامه) ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵
- «ظ»
- «ص»

- صادرات ۱۰۸، ۱۵۲
صادرات و واردات ۱۵۲، ۳۳۸
صادق زاده، میرزا غلام ۳۰۸
صاح جوهری (کتاب) ۲۷۱
صدای اصفهان (روزنامه) ۲۰، ۲۲، ۲۳،
۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۷۲،
۱۲۶، ۱۳۶، ۱۳۷
صدرالسلطنه (نماینده مجلس شورای ملی)
۲۶۶
صدیق، عیسی ۹
صریستان ۳۰۱
صفوی (عضو عدلیه قزوین) ۳۰۰
صمیمی، جلیل ۱۶۳، ۱۶۵
- ظفر نظام ۲۶۵
ظهرالاسلام، جواد ۴۱، ۴۲
- «ع»
- عالم نسوان (مجله) ۱۴۲
عباسی ← بندرعباس
عبدالحسین (رئیس نظام وظیفه اصفهان)
۷۷، ۷۸
عجب شیر (تبریز) ۹
عراق ۷، ۵۷، ۵۸، ۱۶۱
العراق (روزنامه) ۳۱۹، ۳۲۰
عراقی ها ۵۷

- عرفان (روزنامه) ۱۴۹، ۱۵۰
عشق آباد ۲۴۲
عصر آزادی (روزنامه) ۴۳، ۴۴
عصر پهلوی (مجله) ۱۲۲، ۱۲۴
عصر جدید (مجله) ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱
عصمت پاشا (نخست وزیر ترکیه) ۳۰۱
عضویت ۲۹۴، ۳۰۰، ۳۴۰
عظیمی، باقر ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۷۱
علاء، حسین ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۸، ۲۰۹، ۲۶۲، ۲۶۳
علوی، مرتضی ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۶، ۲۱۸
۲۵۱، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۷
علوی، یوسف ۶۵، ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۴۵
۱۵۶، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۴۱، ۳۳۳
۳۴۲، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۵۴
علی آقا (متهم به فعالیت کمونیستی در مشهد) ۳۵۰، ۳۶۰
علی اکبر (از اعضای کمیته آهن) ۳۲۵
علی زاده، علی آقا ۹۵
علیمردان خان ۳۴۳
عنایت الله خان (برادر امان الله خان پادشاه افغانستان) ۵۵
عنکبوت (روزنامه) ۱، ۲، ۳، ۴
عید نوروز ۲۲۲
- «غ»
غارت اموال ۱۰۳
غفاری، حسنعلی ۸۰، ۱۷۷، ۲۲۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۶، ۲۹۰، ۳۲۴
غیاث، قدرت الله ۳۰۰
غیاثوند، غیاث کرم ۳۰۰
غیاثوند، نظام ۳۰۰
«ف»
فتودالها ۱۲
فارس ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۶۶، ۳۳۴
فازانر شتراسه (آلمان) ۱۹۳
فتحی بیگ (اهل ترکیه) ۳۲۰، ۳۲۱
فتوحی ۳۰۶
فرانسه ۱۰۰، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۰۱
فرانکفورت (آلمان) ۱۹۳
فرحی (از مبلغان کمونیسم در مشهد) ۳۵۱
فرخ، مهدی ۱۳۱
فرخی یزدی، محمد ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۷۴
فرد، اسدالله ۱۱۴
فردوس ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳
فرزانه، علی اصغر ۲۲، ۲۳، ۲۴
فرزین، محمدعلی ۷۰، ۸۳، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸

فرشچی، عبدالکریم ۶۳	۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳،	«ق»
فرقهٔ جمهوری طلب انقلابی ایران ۲۷۶،	۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۶۱، ۲۷۱	
فرقهٔ کمونیست ایران ۳۴۸، ۳۴۹		
فروغی، محمدعلی ۵۷، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۸۷،		
فرهاد (از شخصیت‌های افسانه‌ای ایران)	۱۹۰، ۱۹۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۵۰،	
فرهنگ (از کارکنان ریاست وزراء) ۳۶	۲۸۷، ۳۰۱، ۳۱۴	
فرهودی، علی اکبر ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲		
فریدن (اصفهان) ۳۱۸		
فریدون (از پادشاهان پیشدادی) ۳۳۳		
فریدون (از کارکنان وزارت امور خارجه)		
فسیشه سایتونگ (روزنامه) ۲۷۶، ۲۱۱		
فقیه‌زاده، ابوالقاسم ۳۰۰		
فکر جوان (روزنامه) ۹۵		
فلسطین ۷۵، ۷۶، ۷۷		
فومن ۹۸		
فهیمی، خلیل ۲۶۶		
فیروز، فیروز ۲۶۵، ۳۰۴		
قاجاقچیان ۱۴۹، ۱۵۵		
قالی‌باف، اکبر ۳۵۰		
قالی و قالیبافی ۴۰، ۳۵۰		
قانون اساسی ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۲۴، ۲۲۸،		
قانون استخدام کشوری ۱۸، ۳۳۰		
قانون انتخابات ۳۲۹		
قانون انحصار تجارت خارجی ۱۴۹، ۱۵۴،		
قانون جزا ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۹،		
قانون مطبوعات ۱۰۶، ۱۹۹، ۲۲۱، ۲۷۱،		
قراردادهای اقتصادی ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،		
قراردادهای نظامی ۱۹۶، ۱۹۷		
قرن (عربستان) ۱۶۷		
قزوین ۹۷، ۳۰۰		
قشقائیا ۱۲، ۲۶۴		

- قشقایی، اسماعیل ۲۶۵
قفقاز ۱۴۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۳۳۴
قلی (پدر علی آقا از متهمین به فعالیت
کمونیستی در مشهد) ۳۶۰
قم ۱۲۹، ۱۳۰
قمه زنی ۵۴
قند ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۶
قندهار ۵۴
قوام، ابراهیم ۱۰۳
قوام، احمد ۶۶
قوام، حسن ۴۹
قوانین و مقررات ۳۱، ۱۶۶، ۱۸۲، ۲۰۴،
۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۵۲، ۲۷۱
قوری چای (تبریز) ۹
قویم السلطنه ۹۹
قویم، لطفعلی ۲۵، ۲۷، ۳۲، ۴۴، ۵۰،
۵۹، ۹۴، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۰،
۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۵
قیس ← مجنون بن ملوح بن مزاحم عامری
((ک))
کابل ۵۵
کاپیتولاسیون ۴۳، ۴۴، ۳۳۰
کاج، اردشیر ۳۰۰
کاخ سعدآباد ۱۷۱، ۲۶۵
کارخان، لئومیکسیلوویچ ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰،
۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶
کارخانه اسلحه سازی اشکودا
(چکسلواکی) ۲۲۲
کارخانه کازرونی ۵۴
کارگران ۲۶۵، ۲۸۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲
کاریکاتور ۷۴، ۱۳۶
کاظمی (از کارکنان کنسولگری ایران در
هرات) ۸۴
کامکار (روزنامه) ۷۲
کتابخانه برلن ۲۷۱
کتابخانه بلدیه اصفهان ۱۳۸
کتیرا ۱۰۸
کرایسمن ۲۸۵
کریلا ۵۸
کردان ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۶۴، ۲۶۵
کردستان ۳۳۶
کرسینسکی (رئیس نظمیۀ برلن) ۲۵۱
کرمان ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵،
۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۳،
۳۰۴
کرمانشاه ۳۲۵
کرمانشاه (استان) ۱۰۷، ۱۰۸
کرمانشاهی، مرآت السلطان ۳۲۴
کروات (روزنامه) ۲۱۹
کسری بودجه ۹

- کشتیهای جنگی ۲۲۲
کشف الحیل (کتاب) ۸۶، ۸۷
کلاین ژورنال (روزنامه) ۲۸۸، ۲۸۹
کلکته ۴۷، ۴۸، ۷۱
کلن (آلمان) ۱۹۳، ۱۹۴
کلهر، داود ۲۶۵
کمال الدین اسماعیل (شاعر) ۶۸
کمال هدایت، حسنعلی ۲۶
کمکهای دولت ۹۷، ۱۵۹
کمونیس‌ها ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۱،
۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۹
۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۰
کمونیسم ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۸۷،
۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۳۸
۲۴۵، ۳۲۵، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲
کنت، مهدی ۳۰۳
کنسولگری ایران در بادکوبه ۲۴۲
کنسولگری ایران در بصره ۱۰۳، ۳۱۹
کنسولگری ایران در هرات ۸۳
کنسولگری ایران در هند ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸،
۷۰، ۷۱، ۱۵۶
کنسولگری شوروی در اصفهان ۱۴۹
کنسولگری شوروی در تبریز ۳
کنفرانسها و کنگره‌ها ۳۴۱
کوپال، محمد صادق ۸۵، ۹۵، ۹۶، ۱۱۲،
۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴، ۳۱۳، ۳۱۷
۳۲۴
کوروش (مؤسس سلسله هخامنشیان) ۷۶
۱۲۲
کوشش (روزنامه) ۷، ۱۰، ۲۱، ۱۴۲، ۱۴۳
کوه آرات ۳۳۳
کوهی کرمانی، حسین ۹۲، ۹۳، ۹۴
کیخسرو (از پادشاهان سلسله کیانی) ۳۳۳
کیزوتر، ارنست ۲۲۴، ۲۵۵، ۲۷۸، ۲۸۶
کیقباد (نخستین پادشاه سلسله کیانی) ۳۳۳
کیهان، شکرالله ۳۵
«گ»
گذرنامه ۹۶، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵
گراند هتل ۲۱
گرگان ۱۶۸
گرگه (رئیس قسمت سیاسی نظمیة برلن)
۲۶۱
گروبا (رئیس اداره شرق وزارت خارجه
آلمان) ۱۸۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰،
۲۱۱، ۲۱۸، ۲۶۱، ۲۸۶
گلستان (روزنامه) ۷۳
گلستان، محمدتقی ۱۱۰، ۱۱۱
گلستان ملی (روزنامه) ۱۱۰، ۱۱۱
گلشانیان (از کارکنان وزارت دربار) ۱۳۷
گلشن آزادی، علی اکبر ۱۷۵، ۱۷۶

مازندران ۲۶۴	گلشن (روزنامه) ۷، ۸، ۱۴۲، ۱۴۳
ماسوله‌ای، محمد علی ۱۰۸	گلگون (روزنامه) ۶۳، ۶۴
ماسوله‌ای، نصرت ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹	گیلان ۳۵، ۳۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴
ماسینیون، لوئی ۳۲۶	۲۶۴، ۲۶۶، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۵۹
مافی، محیط ۳۳، ۳۴	
مالک و زارع ۳۳۰	«ل»
مالیات ۹، ۵۷، ۲۲۲، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۸	لائف اف فیته لندن (روزنامه) ۵۳
متحدالشکل کردن لباس ۶۳	لار ۱۰۳
متین‌دفتری، احمد ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۰۹، ۲۱۱	لاکانی، حسین ۳۵
متینی، علی ۴۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴	لاکرلامپسن، گدفری ۵۸
۱۳۵	لاهوتی، ابوالقاسم ۲۳۹، ۲۴۰
مجتهدان و علما ۲، ۲۰، ۳۵	لاهور ۵۴
مجلس شورای ملی ۱۱۰، ۱۹۷، ۲۰۴	لاپزیک (آلمان) ۱۸۱، ۲۱۸
۲۶۶	لایحه‌ها ۱۰، ۱۰۷
مجلس مؤسسان ۲۶۵	لرستان ۳۳۶
مجمع اتفاق ملل ← جامعه ملل	لکان انسایگر (روزنامه) ۲۸۰
مجمع سعادت ۳۰۸	لکنهو (هند) ۱۵۷
مجنون بن ملوح بن مزاحم عامری ۱۶۷	لندن ۱۵، ۵۳
محتشم‌الدوله ۳۲۴	لوتراشتراسه (آلمان) ۲۶۲
محمدحسن میرزا (ولیعهد احمدشاه) ۲۴۹	لوکانوفسکین ۳۲۴
محمدره ← خرمشهر	لهاک‌خان، باوند ۵۵
محمود (روحانی) ۵۸	
مخبرالسلطنه ← هدایت، مهدیقلی	«م»
مدارس ۱۰۰، ۱۰۱	مارتن (روزنامه) ۹۹
مدارس خارجیان در ایران ۵۴	
مدحت (از کارکنان سفارت ایران در برلن)	

- ۲۶۰، ۲۵۹
مدرس، حسن (آیت‌الله) ۳۹
مدرسه امید، قزوین ۳۰۰
مدرسه ایران و آلمان، بندرانزلی ۳۵۵، ۳۵۸
مدرسه دولتی شمس، قزوین ۳۰۰
مدرسه شوروی ۳۱۳
مدرسه شوروی در بندر انزلی ۳۵۹
مدیرزاده (نویسنده روزنامه عصر آزادی) ۴۴، ۴۳
مرتضی (متهم به فعالیت بلشویکی در ایران) ۳۲۵
مرزبان، حسن ۳۰۱، ۳۰۲
مرزها ۱۴۹، ۱۵۴
مسافره دو تهران (روزنامه) ۶۵، ۱۰۰
مستوفی الممالک ← مستوفی، حسن
مستوفیان، رضا ۱۷۶
مستوفی، حسن ۷، ۱۹، ۱۶۸، ۳۲۱
مسعود، اکبر میرزا ۲۵، ۷۳
مسعود، غلامحسین میرزا ۳۱۸
مسعود، محمد ۱۰۶
مسعودی، عباس ۸۱، ۸۲
مسکو ۴۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۶۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۴۶، ۳۵۹
مسیحیت ۵۳، ۵۴
مشروطیت ۲۶۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۳۸
مشهد ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۱، ۱۷۵، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰
مشیرالدوله ← پیرنیا، حسن
مصاحبه مطبوعاتی ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۵
مصدق السلطنه ← مصدق، محمد
مصدق، محمد ۳۲۱
مصر ۱۲۲، ۳۱۸
مصور، معصومه ۳۴۳
مطبوعات آلمان ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۷۶، ۲۸۲
۲۸۳، ۲۸۶
مطبوعات انگلستان ۵۳، ۵۶، ۸۹
مطبوعات سوئیس ۸۹
مطبوعات شوروی ۱۳۹
مطبوعات هند ۵۳، ۵۶، ۱۵۷
معادن ۳۳۱، ۳۳۸
معارف (مجله) ۱۴۲
معلمان ۳۰۸، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹
معیشت ملی (روزنامه) ۹۴، ۹۵، ۱۰۷
۱۰۹
مقاله‌ها ← در اکثر صفحات
مقدونیه (روزنامه) ۲۱۹
مکرم، محمد علی ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۱۲۶
۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۷
ملاقاتها ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۶، ۴۸، ۶۳، ۷۰

- ۷۱، ۷۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۹،
۲۷۳، ۲۴۴، ۲۳۷، ۲۱۰
ملایر ۷، ۱۰
ملک آرای، ابراهیم ۳۰۰
ملک الکلامی، عبدالحمید ۱۷۴، ۱۴۸
ملک کرم، فرانسوا ۶۵
ملکی، خلیل ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
مناقضه ۳۳، ۳۴
منصورالتولیه هندی ۵۳
منصور، علی ۳۲۲
منصوری (از نظامیان آستارا) ۳۰۹
منیر مازندرانی، اسماعیل ۵۳، ۵۵
موقوفه‌ها ۳۳۰
مولوی (مدعی‌العموم دادسرای بدایت)
۳۰۹
مونتگ مرگن (روزنامه) ۱۸۶، ۲۲۱، ۲۲۶
موند (مستشار وزارت خارجه آلمان) ۲۰۴
مهرعلی‌خان ۳۳۴
مهر منیر (روزنامه) ۵۳، ۵۵، ۵۶
میتل باخ (دکتر) ۲۲۳
میرزاخان ۲۶۲
میرزاده عشقی (شاعر) ۲۶۴
میرزا کوچک خان جنگلی (سردار جنگل)
۲۶۴
میلیسپو، آرتور ۵۲
میهن (روزنامه) ۱۱، ۱۲
- میبرز (دایرةالمعارف) ۲۷۱
مؤسسه لیگا (آلمان) ۱۸۱، ۱۹۳، ۱۹۴
مؤیدالاسلام ← الحسینی کاشانی،
جلال‌الدین
(«ن»)
نادرشاه افشار ۳۳۴
ناسیونال پست (روزنامه) ۲۸۵
نامه پهلوی (روزنامه) ۴۹، ۵۰
ناهد، ابراهیم ۷۴، ۹۰، ۹۱، ۱۰۹
ناهد (روزنامه) ۷، ۵۹، ۷۴، ۹۰، ۹۱، ۱۰۹
نایب حسین کاشی ۲۶۶، ۳۳۴
نباتی، باقر ۳۰۰
نبوی، تقی ۱۶۲، ۱۹۵
نجات، محمد ۶۶، ۶۷
نجف ۵۸
نجفیان رضوی (مدیر روزنامه ندای ترقی)
۱۵۹، ۱۶۰
نجفی، نورالله (آیت‌الله) ۲۹، ۳۰، ۴۲
نخعی، نصرالله ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۰
ندای ترقی (روزنامه) ۱۵۹، ۱۶۰
نرخسک (روزنامه) ۱۴۲
نسیم شمال (روزنامه) ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷
۱۴۸
نسیم صبا (مجله) ۹۲

۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۷۶، ۲۷۵	نصرالله (از رؤسای طایفه دره شوری
	قشقای (۱۲، ۱۳)
((و))	نصرالملک ← کمال هدایت، حسنعلی
	نصرت الدوله ← فیروز، فیروز
واسمان (دکتر) ۱	نصیرالدوله ← بدر، احمد
واسیسچ لیتونگ (روزنامه) ۲۲۸	نصیر، مهدی ۶
واعظ قزوینی ۲۶۴	نطاق، باقر ۱، ۲، ۳
وثوق الدوله ← وثوق، حسن	نظام وظیفه ۶۳، ۲۲۲، ۳۳۰
وثوق، حسن ۲۶۵	نظمیه آذربایجان ۱، ۴، ۳۰۵، ۳۰۹
وثوق، مرتضی ۸۲	نظمیه آستارا ۳۰۸
وحید، حسن ۶۸، ۶۹	نظمیه اردبیل ۳۰۷، ۳۰۸
وحیدزاده، محمود ۲۸	نظمیه اصفهان ۲۲، ۱۵۰، ۳۱۶، ۳۱۷
ورزش ۳۳۲	نظمیه برلن ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۱۷، ۲۲۵
وزارت امور خارجه شوروی ۲۳۹	۲۲۶، ۲۵۱، ۲۶۱
وزارت امور خارجه ← در اکثر صفحات	نظمیه بوشهر ۲۳۱
وزارت پست و تلگراف و تلفن ۱۷۷،	نظمیه پروس (آلمان) ۱۸۱
۲۵۸، ۲۵۶، ۲۴۸، ۲۳۱، ۲۲۹	نظمیه تبریز ۳، ۲۴۶، ۲۴۷
وزارت جنگ ۳۳۵، ۳۳۶	نظمیه تهران ۱۶۴
وزارت خارجه آلمان ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲،	نظمیه شیراز ۱۱۱
۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱،	نظمیه گیلان ۳۵، ۹۴، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶،
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶،	۱۱۹، ۱۴۴
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۱۹،	نظمیه مشهد ۳۶۰
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۵۱، ۲۵۷،	نفت ۴۸، ۱۶۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۶۵
۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۸،	نمایندگان مجلس ۱۰
۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۶	نهیضت (روزنامه) ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹،
وزارت خارجه فرانسه ۲۶۳	۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳،

وزارت داخله ۶۲، ۶۳، ۷۷، ۸۵، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۲، ۳۰۷، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۵۹	وینه (اتریش) ۲۹۰
وزارت داخله آلمان ۲۱۷	((ه))
وزارت دربار < در اکثر صفحات	هاشمی، محمد رضا ۹۱، ۱۰۴
وزارت عدلیه ۳۹، ۴۰، ۸۰، ۲۷۲	هدایت‌الله‌خان (برادر امان‌الله‌خان پادشاه
وزارت عدلیه آلمان ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۵۹	افغانستان) ۵۵
وزارت فواید عامه ۹، ۳۹	هدایت، مهدیقلی ۱۳۲، ۲۶۶
وزارت مالیه ۴۰، ۲۶۴	هرات ۴۰، ۵۵
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۹، ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۵۸، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۰۰، ۱۳۱، ۲۹۸، ۲۹۹	هشیار، علیقلی ۳
وطن (روزنامه) ۳۳، ۷۹، ۱۳۹	همت، عباس ۱۰۶
وکیل، اسحاق ۳۰۸	همدان ۶۳، ۶۴
وکیل، رضاقلی ۳۰۸	هند ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۱۳۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۹۷، ۳۱۸
ولف، آلکسی ۲۵۵، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵	هندیها ۱۹۴
ونر، کارل ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۵، ۲۵۵، ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷	هوشمند، محمد جواد ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۶۵
	۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰
	هونجانی (از اهالی سمیرم) ۱۲
	هویسچ، هرن ون ۲۲۳
	هیندنبورگ (رئیس جمهور آلمان) ۲۷۲
	۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳
	((ی))
	یاسائی، عبدالله ۸۲
	یاش ترکستان (روزنامه) ۲۲۰

- یزدی‌زاده (دکتر) ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۵
یقیکیان، گریگور ۹۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳
۱۷۴
یلمه (طایفه) ۱۲
- یوسف‌زاده‌نوعی، خلیل ۱۰۷، ۱۰۹
یونیورسیتی (روزنامه) ۵۳
یهودیان ۷۵، ۷۶، ۷۷

فهرست کتاب سندهایی که توسط معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی
دفتر رئیس جمهور منتشر شده است:

- ۱- دولت‌های ایران (از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی)
- ۲- نفت در دوره رضاشاه (اسنادی از تجدیدنظر در امتیاز نامه داری)
- ۳- اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول
- ۴- اسنادی از مطبوعات ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰ ه. ش.)
- ۵- اسنادی از امتیاز نفت شمال (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ ه. ش.)
- ۶- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰ ه. ش.)
- ۷- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵ - ۱۳۱۸ ه. ش.)
- ۸- اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۱۱ - ۱۳۰۵ ه. ش.)
- ۹- اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۰۰ ه. ش.)
- ۱۰- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۲۹ ه. ش.)
- ۱۱- اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه